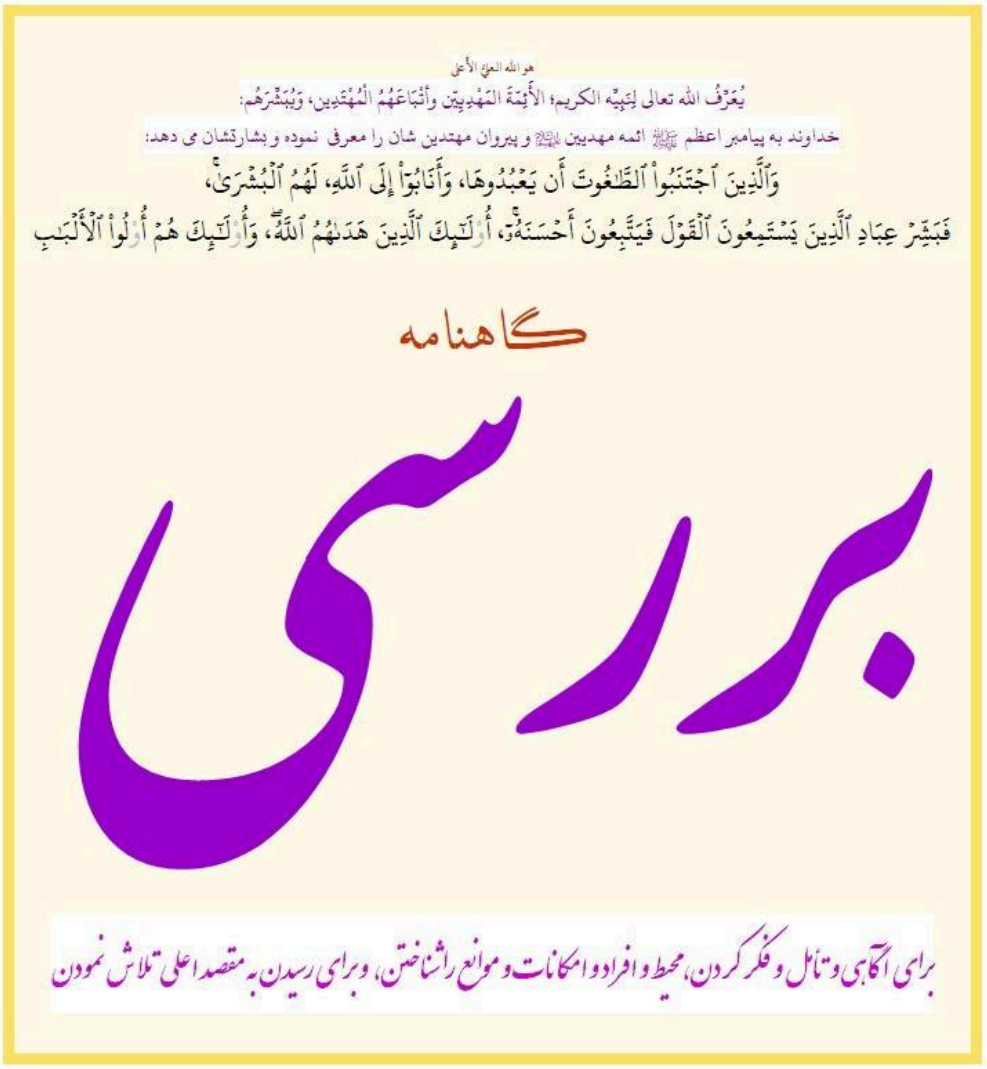


آغاز این بررسیها مربوط به سال 1398 هجری قمری و در دوران طاغوت بود که مطالب با استماع رادیوهای مختلف و اخبار شفاهي و ارتباطات مؤمنان مبارز داخل و خارج ایران (از افغانستان و باکستان و هندوستان تا خلیج و عراق و لبنان و اروپا و امریکا) بدست می آمد و بطور شفاهي در جلسات همراهان تبادل مي کردید،
بعد از بیروزي انقلاب اسلامی و شروع دوران یاقوت، امکانات جمهوري اسلامی و بولتنهای محرمانه و رسمي افزون بر رسانه های عمومي هم به بشتوانه این بررسیها افزوده شد،
سبس با آمدن اینترنت و وسعت کستره بررسیها و امکان ارسال ایمیل این بررسیها برای برخي از اهل مطالعه تبادل مطالعاتي انجام مي شد،
تا به امروز، که این برنامه چهل ساله شده است، والحمدلله رب العالمین
همچنانکه در عناوین و توضیحات آمده است؛ هدف آگاهي از احوال زمان و انجام مسؤولیت در برابر آن بوده است،
و عدم محاصره خبري و تسلط جو رسانه ای توسط جرياني خاص؛ و اطلاع هرجه وسیعتر و فارغ از ایزوله حزبي یا حکومتي مي باشد.
همانطور که اشاره شده نقل و مطالعه برخي کزارشها خصوصا از منابع غیر خودي و با ادبیات خودشان؛ صرفا برای احاطه کافي بر نبض جریانها و فارغ از دسته بندیها می باشد.
فرستادن کزارشي علامت تأیید کلیات جه برسد جزئیات آن یا تعبیرات آن نیست،
و صرفا جهت اطلاع از فضا و محیط می باشد،
فرصتي هم برای تصحیح یا بازنویسي متن آنها یا تعلیقه نویسي بر همه کزارشها و همه فقرات آن نیست،
ارسال مطالب صرفا برای بررسی و آکاهی و تأمل و تفکر و شناخت محیط و افراد و امکانات و موانع و انکیزه کافي جهت تلاش برامقصد اعلی است،
اکر می بینید که رویکرد مناسب فوق را نداشته از ما بخواهید تا برایتان دیکر ارسال نکنیم
و مطالب آنرا برای دیکری که به غیر مقصود برداشت می کند نقل نکرده و ارسال هم نکنید (وتعيها أذن واعية).

کسانی که این کزارشها را بررسي مي کنند؛ از افتادن به دسته بندیها برهیز کنند و بر محور تعالیم الهي:
1- ابتدا اجتناب از طاغوت و عبادت و بیروی و التزام به آن کنند.
2- توجه عمیق و با تمام وجود به درکاه و مسیر الهي بنمایند.
3- در بررسیها هرجه بیشتر بشنوند و بخوانند، و بهترینش را که در جهارجوب تعالیم مکتب وحي است بیروي کنند.

اکر مناسب دیدند مطلبي را در اختیار کسي بکذارند، رعایت ظرفیت طرف مقابل و عدم سوء برداشت او را بنموده،
و مطلب را بدون انتساب به کسي یا شخصي یا مرکزی یا عنواني در اختیارش بکذارند؛

فلذا از بازارسال مستقیم ایمیلها خودداری کنند و حفاظت لازم را رعایت نمایند.

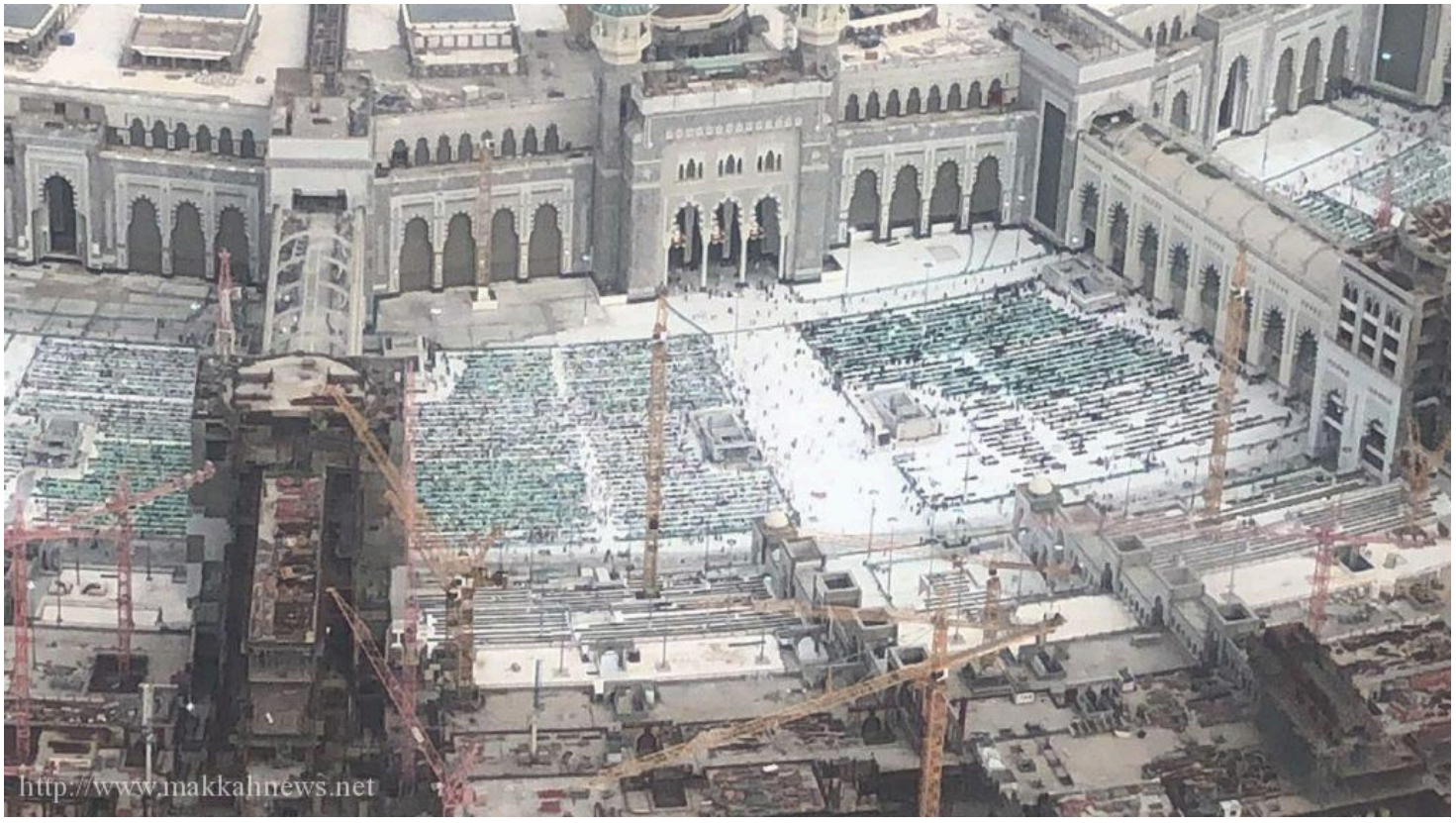
1 شوال 1439

مکه مکرمه ومسجدالحرام در شب بیست و هفتم رمضان



شفقنا- بیش از دومیلیون مسلمان شب گذشته مراسم مربوط به شب قدر را در مکه مکرمه و مسجدالحرام احیا کردند. به گزارش سرویس ترجمه شفقنا به نقل از روزنامه مکه، حدود دو میلیون نمازگزار اعم از زوار، عمره گذاران و شهروندان عربستانی در بیست و هفتمین شب ماه مبارک رمضان نمازهای مربوط به شب قدر را در مسجدالحرام اقامه کردند.

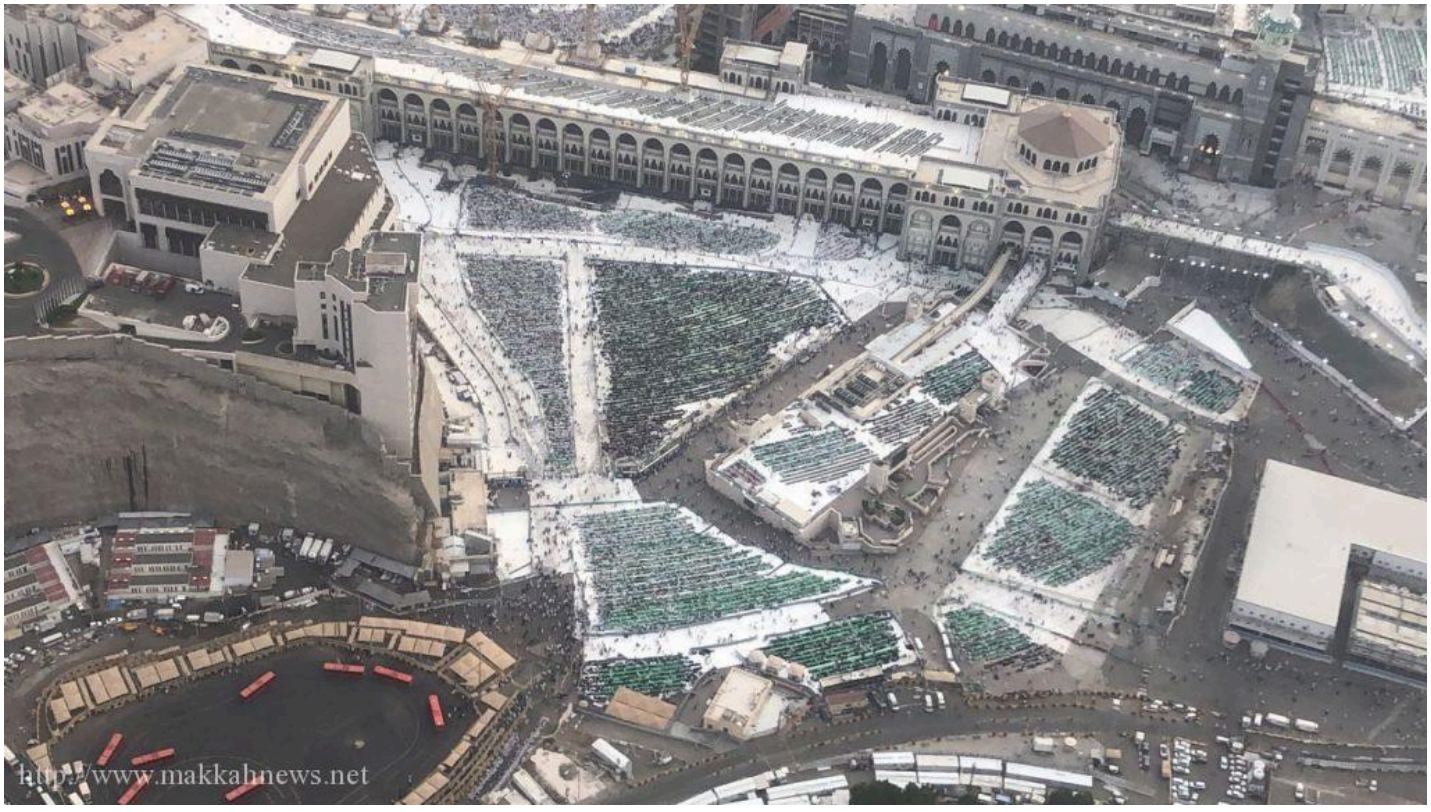

http://www.makkahnews.net

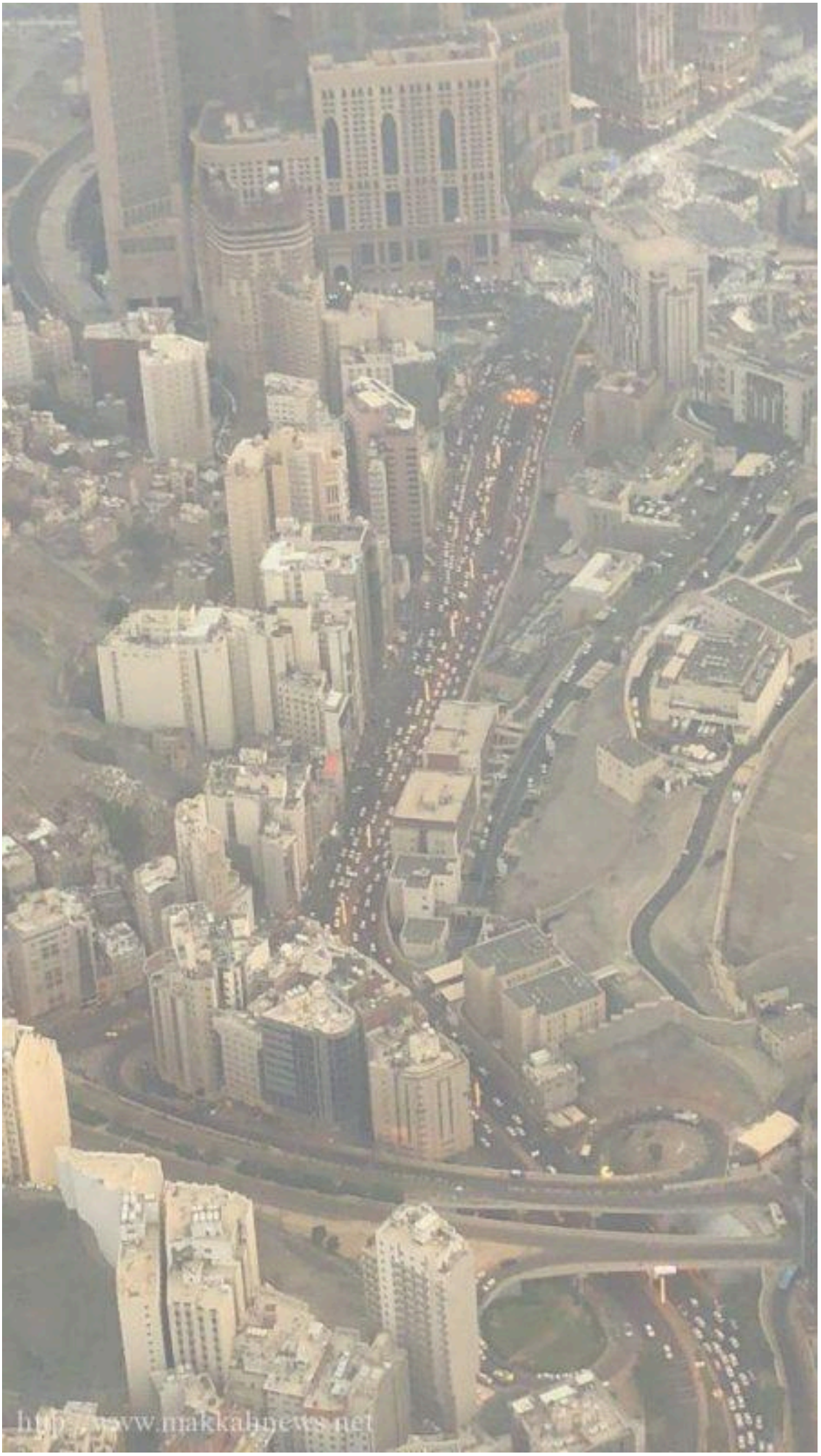

http://www.makkahnews.net


http://www.makkahnews.net

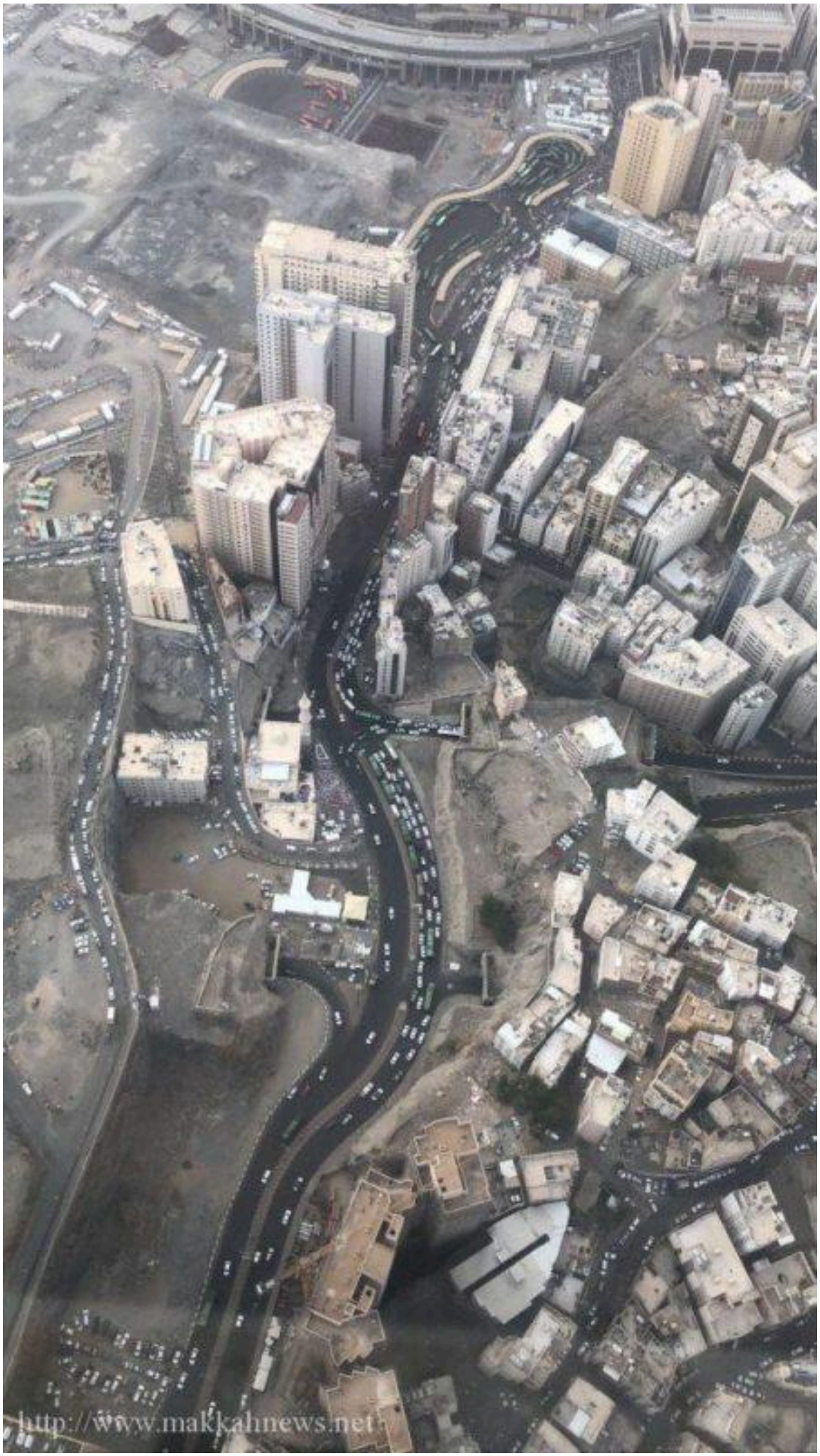

http://www.makkahnews.net


http://www.makkahnews.net


http://www.makkahnews.net


http://www.makkahnews.net


http://www.makkahnews.net


http://www.makkahnews.net

دستجات عزاداري قم در شهادت مولا علي عليه السلام

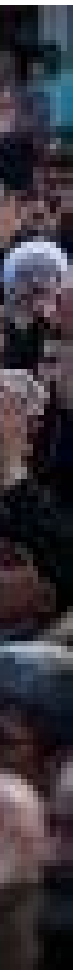








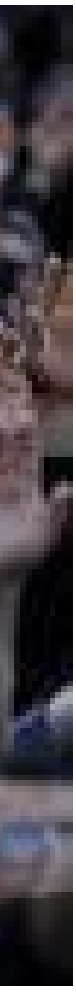


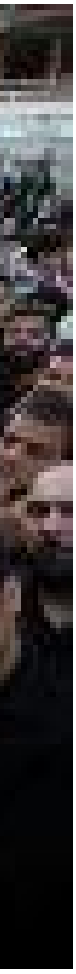























يا أيها الذين آمنوا
يا أيها الرسول









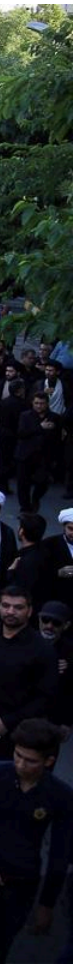








عزاداران علوی در مشهد الرضا



شفقنا

سخنان مهم آیت‌الله العظمی حکیم در حضور آیت الله سید محمدرضا سیستانی و جمع جوانان: درباره برکت حضور شیعه در اروپا و امریکا



شفقنا- «نصیر شُبّر» در وبسایت «کتابات» نوشت:

مرجع دینی بزرگوار، حضرت آیت‌الله سید محمدسعید طباطبائی حکیم (دام ظله الوارف) در دیدار با جمعی از جوانان و در حضور آیت‌الله سید محمدرضا سیستانی (دام ظله) در شب نیمه‌ی ماه مبارک رمضان سخنانی را ایراد فرمودند که آنچه در یادم مانده است می‌نویسم.

ملاحظه: این نوشتار با فرصت اندکی که در اختیار داشتم به همراه مقداری دخل و تصرف است و برخی کلمات از آن حذف یا به آن اضافه شده است تا برای انتشار عمومی آماده شود، و صرفا آنچه از سخنان حضرت سید دریافته‌ام می‌نویسم.

ایشان سخنان خود را با نام و یاد خدا و صلوات بر پیامبر خدا و خاندان او آغاز کردند و سپس فرمودند:

«کوفه» در زمان امام صادق (علیه السلام) پایتخت تشیع بود، و «بصره» حال و هوای عثمانی داشت اما خالی از شیعه نبود، و شیعیان ساکن آن اندک بودند، و مدتی پیش به روایتی برخوردم که مضمونش چنین بود: امام صادق (علیه السلام) از یکی از اصحابشان به نام «ابو خدیجه» که ساکن کوفه بود می‌پرسند: «مسافت بین شما و بین بصره چقدر است؟» ابوخدیجه می‌گوید: «پنج روز با استفاده از رودخانه اگر هوا خوب باشد، و هشت روز بر پشت مرکب.» امام صادق می‌فرماید: «این مسافت اندک است، با همدیگر دیدار کنید چرا که این دیدارها باعث سرزندگی دین شماست.» یعنی امام (علیه السلام) بر دید و بازدید بین شیعیان پافشاری می‌کنند، پس ببینید که ثواب زیارت شما برای ائمه و مراجعتان چقدر است، و خصوصا اینکه در ماه رمضان هستیم!

بعد ایشان افزودند:
کتاب یکی از شرق‌شناسان غربی را خواندم که قبل از سال ۱۹۰۰ میلادی نوشته بود و در آن اظهار داشته بود: قدرت شیعه در سه نقطه است، که بدون حفظ ترتیب ذکر می‌کنم:

1. باز گذاشتن باب اجتهاد بین خود؛
2. ایمان آنها به امام غائب (عجل الله تعالی فرجه)؛
3. و ماجرای امام حسین (علیه السلام).

بعد آن نویسنده‌ی غربی به تفصیل به ماجرای امام حسین (علیه السلام) می‌پردازد و می‌گوید: «هر شخص شیعه خود را یک مبلغ برای مکتب خود می‌داند، و من یک شخص بحرینی‌الاصل را در بندر *مارسی* در فرانسه دیدم، که روی صندلی نشسته بود و از روی کتاب کوچکی مصیبت حسین را می‌خواند و می‌گریست، و بعد از آن که مجلسش تمام شد مشغل توزیع غذا برای امام حسین شد، پس با خودم گفتم: این‌ها الان حدودا ۵۰ میلیون نفر هستند، اگر هر کدام از اینها خود را یک مبلغ برای مذهبش بداند دو قرن دیگر چگونه خواهند بود؟!»
و این مسئله فقط در بین شیعه وجود دارد که همگی خود را مبلغ مذهبشان می‌دانند، و در دیگر ادیان و مذاهب چنین چیزی مشاهده نمی‌شود، چرا که در دیگر مذاهب برای خودشان مبلغانی دارند و موظفند در راستای تبلیغ آن مذهب فعالیت کنند. من برای درمان در لندن به سر می‌بردم، و در یکی از روستاهای اطراف لندن ساکن بودم و در راستای فرایند درمان به پیاده‌روی می‌پرداختم، هنگامی که به خانه برگشتم آفتاب نیکو می تابید و کنار در خانه نشستم، بانویی از کشور لبنان آمد و با ما سلام علیک کرد و با مهربانی با ما حرف زد و از ما پرسید که چرا آنجا نشسته‌ایم، گفتیم برای اینکه در معرض آفتاب قرار بگیریم، و او فهمید که ما مسلمان هستیم، و روز دوم در صندوق پستی بروشورها و نامه‌های دعوت به کلیسا و مسیحیت پیدا کردم، پس فهمیدیم که او مبلغ است و وظیفه‌اش تبلیغ است!
شما ای جوانان، دعوت‌کننده‌ی به مذهبتان باشید، نمی‌گوییم فقط مشغول دعوت باشید، چون مسائل زندگی هم باید تامین شود، اما در همان محل اشتغال خود، به هر مسئولیتی که شاغل هستید، دعوت‌کننده به سمت مذهبتان باشید، حتی راننده‌ی تاکسی باید به مقداری که ممکن است دعوت کند، و همینطور روی اینترنت، شما ای جوانان، هر کس از پایگاه خود باید مردم را دعوت کنند و این بر شما واجب است، همانطور که بر من واجب است که این را به شما ابلاغ کنم، و بر شما واجب است که این حدیث را به دیگران منتقل کنید.
و با صداقت و امانت‌داری و حسن معاشرت مردم را دعوت کنید، همچنانکه نقل می‌کنند که در اوایل دهه‌ی ۱۹۵۰ و هنگام تاسیس شرکت نفتی «آرامکو» در سعودی، قرار بر این بود که جایگاه‌های مدیریتی بالا را به سعودی‌های اهل سنت بدهند، و جایگاه‌های پایین‌تر مثل کارگری را به شیعیان بدهند، اما بعد از گذر مدت زمانی، شیعیان به تدریج به مناصبی بالاتر از گذشته دست یافتند، و وقتی از رییس شرکت دلیل آن را پرسیدند، گفت: شیعیان بیشتر از دیگران راستگو و امانت‌دار هستند،... و چند سال پیش گروهی از سعودی نزد من آمدند و برای آنها این ماجرا را نقل کردم، و آنها به من گفتند: «الان نائب رییس شرکت یک شیعه است!»
و همینطور یکی از برادران شیعه که در آمریکا ساکن است نقل می‌کرد که از یک سوپرمارکت خرید کرده است و فاکتور را دریافت کرده و قیمت را پرداخته است، وقتی نزد خانواده‌اش برگشته است در خانه روی فاکتور دقت کرده است و خطایی در حساب و کتاب پیدا کرده است به طوری که او به سوپرمارکت بدهکار شده است، پس باز می‌گردد و فاکتور را نشان می‌دهد و به آنها می‌گوید که حق با سوپرمارکت است، آنها به او می‌گویند: «تو شیعه هستی؟! چون اینجا شیعه مشهور به صداقت و امانت‌داری است.»

و خیلی‌ها فکر می‌کنند مهاجرت جمع کثیری از شیعیان به اروپا و آمریکا باعث حل شدن آنها در آن جوامع خواهد شد، ولی عکس این مسئله اتفاق افتاد، و آنها تصویری زیبا از تشیع ایجاد کردند و منتقل کردند، و مردم را با این مذهب حق آشنا ساختند.

چند سال پیش یکی از اروپایی‌ها (شاید سفیر اسپانیا بود) نزد من آمد و با من گفتگو کرد. از او پرسیدم: «قبلا نگاه شما به شیعه چگونه بود؟» گفت: «ما آنها را جانور وحشی فرض می‌کردیم نه انسان!» به او گفتم: «و الآن چطور؟» گفت: «نه، دیدگاه ما بسیار تغییر کرده است، آنها مردمانی درستکار و صادق هستند» و این به خاطر صدق و امانت‌داری شیعیانی است که به اروپا مهاجرت کرده‌اند.

حضرت آیت‌الله سخنان خود را با این عبارات به پایان رساند: پیروزی از آن شما خواهد بود و من نسبت به این مسئله مطمئن هستم. در زمان سابق که صدام قدرت را در عراق به دست گرفت و شاه ایران می‌خواست کشورش را به یک رژیم شاهنشاهی تبدیل کند، من گمان می‌کردم شیعه به یک هلوکاست (آدم‌سوزی) دچار خواهد شد، و با خودم می‌گفتم: «به یک جنگ و آدم‌سوزی نزدیک می‌شویم»، اما دست آخر پیروزی از آن ما بود، و فعلا پیروزی از آن ماست.

منبع: کتابات - ترجمه: شفقنا



واکنش شدید آیت الله نوری همدانی به کنگره استاد هاشم حداد و کنگره مولوی: با هر کسی که بخواهد جریانی را خلاف نظر اهل بیت ترویج کند مقابله می کنم



شفقنا- حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی نسبت به برگزاری کنگره مولوی و همایش هاشم حداد شدیدا واکنش نشان داد و از حوزه و مسئولان کشور خواست از برگزاری چنین برنامه هایی جلوگیری کنند.

به گزارش شفقنا، این مرجع تقلید در دیدار رئیس و معاونان مرکز خدمات حوزه علمیه از تجمع طلاب در قم و عدم مهاجرت به شهرستان ها و خالی بودن بلاد از علما اظهار نگرانی کرد.

او یکی از آفات نبود علما در بلاد را فعالیت فرق منحرف که با اسلام و فرهنگ اهلبیت علیهم السلام سازگار نیست دانست و عنوان داشت: یکی از اینها همین صوفیه هستند که دشمن اهلبیت می باشند که به شدت باید با آنها برخورد کرد.

استاد حوزه علمیه قم خاطرنشان کرد: اینها اسلام را منحرف کردند و اسلام همراه با جوش و خروش را به اسلام بی تفاوت و بی خاصیت تبدیل کردند؛ عده ای هم برای بعضی از این افراد جلسه می گیرند، مجلس برپا می کنند باید جلوی این کار ها گرفته شود. اخیراً شنیدم برای مولوی و شمس تبریزی می خواهند برنامه بگیرند یا گرفتند و عده ای هم محو اشعار او شدند بله از نظر ادبی و تمثیل قوی هستند اما در چه راهی در چه مسیری؟

او یادآور شد: اینها با فرهنگ اسلامی و اهلبیت علیهم السلام فاصله دارند و در جای جای اشعار شان نمایان است البته مقابله با اینها کار حوزه است کار علماست که با تسلط خود بر اخبار اهل بیت متوجه این انحرافات می شوند، بنده جدا از مسوولان می خواهم از حوزه تقاضا می کنم جلوی این برنامه ها گرفته شود.

آیت الله نوری همدانی در پایان تاکید کرد: بنده شدیدا مخالف هستم و هر کسی بخواهد جریانی را خلاف نظر اهل بیت علیهم السلام ترویج کند مقابله می کنم.

توضيح: استاد هاشم نعلبند كربلايي معروف به حداد از شاكردان غير حوزوي مرحوم قاضي بود مرحوم لاله زاري طهراني

كتابي درباره احوالات ايشان منتشر كرد

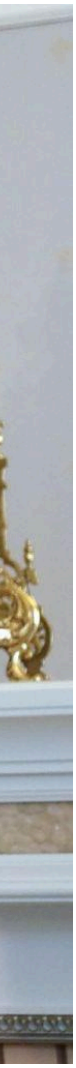
ميرزا حسين نوري كه براى خطر تصوف شيعي هشدار داد؛ بيان نكرد كه تمام رسميت تشيع امروز در ايران، و همه حشمت و موقعيت و رشد جهاني مذهب اهل بيت مرهون ظهور و قيام و خدمات صفويه است كه با نهضتي صوفيانه و مريدان و درويشان قزلباش قيام نمودند و شرايط را براى حضور و فعاليت علماي شيعه در ايران و عراق و ساير بلاد فراهم كردند

اخبار محور مقاومت

روسیه رسما اعلام کرد: با اسرائیل در مورد حضور نیروهای ایرانی در سوریه به توافق رسیدیم / از این توافق راضی هستیم؛ الان هم اجرا نشود، در آینده عملیاتی می شود

اناتولواسیلی نبنزیا، نماینده روسیه در سازمان ملل درباره توافق با اسرائیل درخصوص حضور نیروهای ایرانی در سوریه گفت: تا جایی که اطلاع دارم توافق انجام شده است، ولی نمی توانم در رابطه با عملیاتی شدن آن اظهارنظر کنم.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



اناتولی نوشت: نماینده روسیه در سازمان ملل اعلام کرد که این کشور در خصوص حضور نیروهای ایرانی در سوریه با اسرائیل توافق کرده است.

به گزارش «انتخاب»؛ اناتولواسیلی نبنزیا، نماینده روسیه در سازمان ملل درباره توافق با اسرائیل درخصوص حضور نیروهای ایرانی در سوریه گفت: تا جایی که اطلاع دارم توافق انجام شده است، ولی نمی توانم در رابطه با عملیاتی شدن آن اظهارنظر کنم.

وی که به مناسبت آغاز ریاست دوره ای روسیه بر شورای امنیت سازمان ملل با خبرنگاران گفتگو می کرد، اظهار داشت: طرفین از این توافق راضی هستند و حتی اگر درحال حاضر اجرا نشود در آینده عملیاتی خواهد شد.

روایت «الدیار» از بند محرمانه ی توافق پوتین و اسد: روس ها

تا ابد در دمشق می مانند! / قول کرملین: با تمام توان از سوریه دفاع میکنیم، حتی با استفاده از سلاح اتمی

روسیه توافق سری خود در حمایت از نظام اسد و سوریه را به آمریکا، اسرائیل و ترکیه ابلاغ نموده و اعلام کرد:روسیه به یک توافق سری پایبند است که امکان افشای کامل آن نیست؛ و حمایت آن از نظام سوریه، با استفاده از توان نظامی روسیه اعم از ارتش زمینی، سلاح هوایی و دریایی و موشکهای دور برد آن، به اضافه استفاده از سلاح هسته ای، خواهد بود



پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

روزنامه الدیار چاپ بیروت نوشت: اخیرا منابع موثقی از کرملین اطلاعاتی را ذکر کرده اند که وزیر خارجه روسیه به صورت جزئی به آن اشاره کرده بود؛ اطلاعاتی در مورد اینکه روسیه تا ابد در سوریه باقی خواهد ماند!

به گزارش «انتخاب»؛ این روزنامه در ادامه آورده است: یکی از خبرگزاریهای روسیِ ویژه امور استراتژیک و نظامی از یک بند سرّی در توافقی بین پوتین و اسد خبر داده است که امکان ذکر تفاصیل آن نیست؛ اما به طور خلاصه می توان گفت هنگامی که پوتین توافق تاریخی خود با رئیس جمهور سوریه در مورد تقدیم پایگاه بزرگ حمیمیم در نزدیکی لاذقیه را امضا کرد، این توافق شامل یک بند سری می شد، مبنی بر اینکه پوتین از نظام سوریه در برابر تمام حملات امریکا، گروههای تکفیری، هجوم ترکی یا اسرائیلی که با هدف تغییر نظام اسد باشد، حمایت کند.

در واقع رئیس جمهور روسیه متعهد شد تمام توان ارتش کشورش را برای دفاع از نظام اسد، تا مدتی نامحدود، به خدمت گیرد. این توافق در مورد حمایت از سوریه بواسطه ارتش روسیه، توافق دو دولت با یکدیگر است، نه توافق بین دو شخص و طبق آن روسیه از همه سلاحهایی که در اختیار ارتش این کشور است، حتی سلاح هسته ای اش، برای دفاع از سوریه، استفاده می کند؛ این حمایت روسی در مقابل دست یابی آن به بزرگترین پایگاه هوایی در خاورمیانه و آسیا، و بزرگترین پایگاه دریایی نظامی روسی در ساحل سوری، به مساحت 100 میلیون متر مربع، ساخت منازلی برای 48هزار افسر و سرباز روسی، ساخت باغها و رستورانهایی مخصوص آنها، ایجاد 18مدرسه روسی و 3 دانشگاه، برای آموزش دادن به فرزندان افسران ارتش روسیه در طول خدمت انها در سوریه، است.

این در حالی است که روسیه توافق سری خود در حمایت از نظام اسد و سوریه را به آمریکا، اسرائیل و ترکیه ابلاغ

نموده و اعلام کرد:روسیه به یک توافق سری پایبند است که امکان افشای کامل آن نیست؛ و حمایت آن از نظام سوریه، با استفاده از توان نظامی روسیه اعم از ارتش زمینی، سلاح هوایی و دریایی و موشکهای دور برد آن، به اضافه استفاده از سلاح هسته ای، خواهد بود؛ از این رو، هر یک از این دولتها که قصد اشغال سوریه یا انجام حملاتی را داشته باشند که به هر نحوی نظام سوریه را تهدید کند، با قدرت کامل روسیه مواجه خواهند شد.
بر این اساس، حضور دائمی روسیه در سوریه، موجب آسودگی خاطر بشار اسد می شود؛ چرا که می داند به توافق استراتژیکی با روسیه دست یافته که در طول تاریخ سوریه بی سابقه بوده است؛ از این رو، به نظر می رسد ریاست جمهوری اسد حداقل تا سال 2021 ادامه داشته باشد و در این سال نیز بار دیگر به مدت 7سال برای ریاست جمهوری برگزیده شود؛ یعنی تا سال 2028؛ به بیان دیگر، با در نظر گرفتن حمایت همه جانبه روسیه از بشار اسد، به نظر می رسد وی تا زمانی که در قید حیات باشد، رئیس جمهور سوریه باقی خواهد ماند.
مترجم: مریم نصراللهی
البناء:

ماجرای گزارش های ضد و نقیض در مورد روس ها و درخواست خروج ایران از سوریه؛ همه چیز در روزهای آینده مشخص می شود

تا زمانی که روسیه از مقابله با تجاوزهای اسرائیل در سوریه ناتوان است، چه اقدامی می تواند انجام دهد؟ آیا این مساله به معنای هم نوایی با منافع اسرائیل است که امروز اثر آن مشخص شده است؟

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :
البناء در تحلیلی به قلم روزانا رمّال نوشت: تا زمانی که روسیه از مقابله با تجاوزهای اسرائیل در سوریه ناتوان است، چه اقدامی می تواند انجام دهد؟ آیا این مساله به معنای هم نوایی با منافع اسرائیل است که امروز اثر آن مشخص شده است؟
به گزارش «انتخاب»؛ در طول سفرهای مسئولان اسرائیلی در دو سال گذشته به روسیه، مسکو مأموریت مهم مبارزه با تروریسم را با موفقیت پشت سر گذاشت و اخیرا لاوروف از توافق با دولتهای همسایه در مورد مساله مرزهای جنوبی سوریه صحبت می کند، منطقه ای که از اهمیت زیادی برای سوریه و اسرائیل برخوردار است،
تفسیر خواسته روسیه در چارچوب بیرون راندن حزب الله و ایران از سوریه، فراتر از واقعیت است، آن هم در زمانی که جنگ به نفع محور مقاومت در حال پیشروی است.
یک نکته مهم این درخواست را تفسیر می کند و آن موفقیت روسیه در مورد انحصار ارتش سوریه در مرزهای جنوبی است و این گزینه تلخی برای اسرائیل است؛ چرا که در ادامه گروههای مسلح سوری خلأ حاصل از نبود نیروهای ایرانی و حزب الله را پر می کنند.
در واقع روسیه با این درخواست حق سیادت سوریه را حفظ کرده و اسرائیل را در شرایط سختی قرار می دهد. این مساله طبیعتا بازگشت به حق رسمی ارتش سوریه در سالهای قبل از بحران، در مورد حضور در مرزهاست که گزینه جایگزین آن، ماندن حزب الله و ایران در سوریه است. اسرائیل کدام را انتخاب می کند؟
در صورتی که اسرائیل تصمیم به بازگشت به شرایط پیش از آغاز بحران در سوریه را بگیرد، رسما سقوط طرح مرزی خود را اعلام کرده است، یعنی بازگشت ارتش سوریه، هم پیمان ایران و حزب الله، به پایگاههای مرزی خود.
اما این انتخاب در این مرحله از عمر جنگ، خسارتهای معنوی و سیاسی کمتری برای اسرائیلی ها دارد و بدون شک روسیه تلاش می کند این امر را به مصلحتی برای تمام طرفها تبدیل کرده و اعتماد اسرائیل را جلب کند تا به روسیه به عنوان یک واسطه نگاه کند که تامین امنیت اسرائیل در دست آن است.
موفقیت روسیه در مورد فشار بر اسرائیل برای انتخاب این گزینه قطعی نیست؛ اما انتظار به معنای دو امر اساسی است؛ اول آنکه نقشه روسیه عملی شود، بی آنکه نبردی در جنوب سوریه واقع شود و به این ترتیب پرونده آن بسته شود. ممکن است این امر محقق شود، بویژه پس از آنکه اسرائیل به جایزه ای معنوی در مورد انتقال سفارت آمریکا به قدس دست یافته است. و دوم آنکه اسرائیل با درخواست روسیه موافقت نکند، به این دلیل که هم پیمانان سوریه از سیادت آن حمایت می کنند و آماده خروج از آن هستند. کدامیک نزدیک تر است؟ روزهای آینده می توانیم با قاطعیت بیشتری در مورد روس ها، درخواستشان از ایران و همچنین موضع اسرائیلی ها سخن بگوییم.
مترجم: مریم نصرالهی
گزارش «المانیتور» از

تلاش‌های پوتین برای راضی نگه داشتن همزمان ایران و اسرائیل در سوریه

در هفته های اخیر شایعات مبتنی بر توافق پنهانی بین روسیه و مسکو در خروج شبه نظامیان هم پیمان ایران در جنوب سوریه افزایش پیدا کرده است. در بحبوحه مذاکرات بین روسیه – آمریکا – اسرائیل و اردن در مورد مناطق کاهش تنش در جنوب غربی سوریه، شویگو و لیبرمن با یکدیگر گفتگو کردند. هرکسی این صحنه را تماشا میکند به راحتی تصور می کند دولت روسیه به سمت اسرائیل و آمریکا چرخش پیدا کرده است.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

ماکسیم ساچکوف در المانیتور نوشت: این هفته مقامات روسیه و اسرائیل در مسکو در مورد میزان حضور کنونی و آینده ایران در سوریه با یکدیگر دیدار و گفتگو کردند. آویگدور لیبرمن وزیر دفاع و دیگر مقامات ارشد اسرائیل در 31 می با سرگئی شویگو وزیر دفاع روسیه دیدار داشتند. مهم ترین محور این دیدار نقش ایران و هم پیمانان منطقه ای آن ها در سوریه است. از زمان نشست بین ولادیمیر پوتین و بشار اسد در 17 می و تاکید پوتین بر خروج سریع تمام نیروهای خارجی از سوریه، مقامات عالی رتبه روسیه این اظهارات را در موقعیت های مختلف تکرار کردند که برخی از مقامات به طور مستقیم به نیروهای هم پیمان ایران اشاره کردند. این موضوع گمانه زنی ها را در مورد تغییرات آشکار رفتار روسیه نسبت به ایران تشدید کرد.



به گزارش «انتخاب»، در ادامه این گزارش آمده است: در هفته های اخیر تماس های مکرر بین روسیه و اسرائیل شایعاتی را مبتنی بر توافق پنهانی بین این دو در خروج شبه نظامیان هم پیمان ایران در جنوب سوریه افزایش پیدا کرده است . ظاهرا این ادعا با ناتوانی واقعی روسیه برای تحقق این هدف همراه شده است. در بحبوحه مذاکرات بین روسیه – آمریکا – اسرائیل و اردن در مورد مناطق کاهش تنش در جنوب غربی سوریه، شویگو و لیبرمن با یکدیگر گفتگو کردند. هرکسی این صحنه را تماشا میکند به راحتی تصور می کند دولت روسیه به سمت اسرائیل و آمریکا چرخش پیدا کرده است. در این نشست شویگو بر موفقیت های اخیر دولت سوریه تاکید کرد و گفت که مناطق تحت کنترل دولت سوریه اکنون آماده بازگشت پناهندگان و شرایط مناسب برای زندگی آن هاست.

در شرایط موجود بشار اسد درصدد تدارک حمله به شورشیان در استان درعاست. اخیرا اسرائیل و آمریکا اعتراضات و فشارهای خود را نسبت به حضور ایران و شبه نظامیان شیعه در سوریه تشدید کرده اند. مسکو درصدد حل و فصل این مسئله است. راه حل مسکو رضایت اسرائیل در حمله اسد به شورشیان در درعا در ازای مذاکره برای خروج بالقوه نیروهای هم پیمان ایران در سوریه است. اما اسرائیل از این که اهرم نفوذ خود را با پیروزی شبه نظامیان تحت حمایت ایران و حزب الله در جنگ با درعا از دست دهد هراسان است. اما اگر عدم حضور نظامی ایران در جنوب سوریه و همچنین عدم مشارکت آن ها در عملیات نظامی ارتش سوریه تضمین شود اسرائیل ممکن است با تهاجم دولت سوریه با درعا مخالفت نکند.
المانیتور در گزارشی مطرح کرد که مجتبی فردوسی پور سفیر ایران در اردن در اظهاراتی بر حمایت ایران از مناطق کاهش تنش در سوریه تاکید کرد. در همین حال منابع حزب الله به رسانه های روسیه گفته اند که اگر دولت سوریه با درخواست بالقوه روسیه در زمینه عدم مشارکت حزب الله و سایر شبه نظامیان شیعه در تهاجم به درعا موافقت کند حزب الله ممکن است از این مسئله پیروی کند.
یکی از راه حل های پذیرفته شده برای حل این معضل توسط اسرائیل و حزب الله ، اعزام پلیس نظامی روسیه به این منطقه است. نویسنده این راه حل را « سناریوی صلح آمیز » می داند که شورشیان باید سلاح خود را به زمین بگذارند و منطقه را تسلیم نیروهای دولتی کنند. راه حل دیگر کنترل منطقه توسط ارتش سوریه با زور و متعاقب آن استقرار پلیس نظامی روسیه است که از آن به عنوان « سناریوی تهاجمی » یاد می کند. مسکو در مورد سناریوهای فوق با مشکلاتی روبرو است و اقدامات میانجی گرایانه روسیه با پیچیدگی همراه شده است. تهاجم نظامی توسط ارتش سوریه می تواند منجر به تلفات عظیم غیرنظامیان گردد بنابراین روسیه خواهان سناریوی صلح آمیز به عنوان عنصر مهم برای موفقیت مناطق کاهش تنش است.

کانال یک تلوزیون اسرائیل گزارش داد که در تماس تلفنی بین نتانیاهو و پوتین در 30 می در مورد امکان حفظ ایران و همپیمانانش در 70-80 کیلومتری مرزهای سوریه و اسرائیل با یکدیگر گفتگو کرده اند. اکنون تهران با دیده ناامیدی به اقدامات روسیه نگاه می کنند. بنابراین تعامل و مذاکره روسیه با رقبای ایران قابل درک است که احساسات ضد روسی در ایران تشدید گردد چرا که هنوز بی اعتمادی عمیق تاریخی آن ها نسبت به روسیه از بین نرفته است. با این حال تماس های روسیه و اسرائیل به این معنا نیست که مسکو نگرش خود را نسبت به شریک حیاتی خود در سوریه تغییر داده است.
لاوروف در کنفرانس بین المللی مسکو در 30 می گفت: « منافع روسیه نمی تواند صد درصد با تمام قدرت های منطقه ای از جمله ایران و اسرائیل همخوانی داشته باشد. ما همچنین با این دیدگاه که ایران ریشه تمام مشکلات منطقه در سوریه، فلسطین، لبنان و عراق است مخالف هستیم. هنگامی که ما به شرایط منطقه نگاه می کنیم به جای تلاش برای انزوا بر تعامل با تمام طرف های مذاکرات تاکید می کنیم.»
نویسنده در ادامه تاکید کرد که مسئله این است که روسیه نمی تواند ایران را مجبور به خروج از جنوب سوریه کند و تنها می تواند از طریق مذاکرات با تهران و مشارکت داوطلبانه ایران با مشوق های روشن از سوی روسیه زمینه خروج این کشور را از سوریه فراهم کند. با وجود پیچیدگی های فعلی، هیچ نقطه امیدی برای حل و فصل وضعیت جنوب سوریه وجود ندارد. یکی از چالش های بزرگ این مسئله حضور طولانی مدت ایران در سوریه است. بنابراین هیچ راهی برای روسیه یا هر قدرت خارجی دیگر برای تضمین سوریه عاری از ایران وجود ندارد. بنابراین هر چقدر اسرائیل در تخریب اهداف ایران در سوریه تلاش کند مهم نیست؛ بلکه این حملات می تواند منجر به یک جنگ منطقه ای گردد.
«البناء» بررسی کرد؛
معادله پیچیده‌ای که پوتین در پی حل آن است / گره خوردن پرونده های «برجام»، «سوریه» و «کره شمالی»؛ کارت‌هایی که روسیه با آنها بازی می‌کند
دیپلماسی واقعیت مفهوم موازین قدرت و حاشیه های حرکت را خوب می داند و برای ترسیم سقف هایی تلاش می کند تا معادلات قدرت رشد کرده و به تدریج بالا رود؛ همانطور که از زمان آغاز جنگ در سوریه چنین بوده است؛ سقف دیپلماسی مسکو در سوریه در آغاز ممانعت از دخالت نظامی غربی بوده و وتوی آن در شورای امنیت بین المللی بوضوح در همین راستا بود.
پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



البناء در تحلیلی به قلم ناصر قندیل، سردبیر خود نوشت: دیپلماسی واقعیت مفهوم موازین قدرت و حاشیه های حرکت را خوب می داند و برای ترسیم سقف هایی تلاش می کند تا معادلات قدرت رشد کرده و به تدریج بالا رود؛ همانطور که از زمان آغاز جنگ در سوریه چنین بوده است؛ سقف دیپلماسی مسکو در سوریه در آغاز ممانعت از دخالت نظامی غربی بوده و وتوی آن در شورای امنیت بین المللی بوضوح در همین راستا بود.
مسکو در ابتدا مطمئن بود که جلوگیری از دخالت نظامی مستقیم آمریکا موجب پایداری دولت سوریه شده و در ادامه فرصتی به روسیه می دهد تا موضعی نظامی در کنار دولت سوریه اتخاذ کند، در حالی که هم پیمانان آن ایران و مقاومت نیز در آن حاضر هستند.
در مقابل، واشنگتن مغرورانه در توهم قدرت بوده و همواره از مجازات طرفهایی سخن می گفت که از خطوط قرمز تعیین شده تجاوز کنند.
در طول سی ماه ایفای نقش نظامی و دیپلماتیک روسیه در سوریه، مسکو موفق شد سقف هایی را تعیین کند که دو عامل مقاومت سوریه و نقش ایران و نیروهای مقاومت نقش مهمی در آن داشت.
در این میان، واشنگتن تلاش می کرد معادله ای اسرائیلی را تحمیل کند که عنوان آن، عدم استقرار در سوریه و تثبیت نشدن بقای حزب الله و ایران بود. اما مسکو اسرائیل را در برابر دو گزینه قرار داد؛ پذیرش اختیاری بازگرداندن جغرافیای دولت سوریه به آن، و جلو گیری از برخورد بین این دو، یا بازپس گیری اجباری مرزهای مشترک سوریه و اسرائیل و استقرار حزب الله و ایران در این مرزها.
این در حالی است که مذاکرات در مورد قانونی بودن نقش منطقه ای و بین المللی ایران در مورد توافق هسته ای وارد پیچیدگی هایی شده است و صحبتهای آمریکایی، سعودی و اسرائیلی در مورد پرونده هسته ای با مساله نفوذ منطقه ای ایران مرتبط شده است. تغییر یک باره موضع روسیه در سوریه مربوط به پایان یافتن حلقه مهمی از این مشروعیت ایران است. در واقع خروج آمریکا از برجام زمینه ای بود در جهت تلاش برای بازگرداندن معادله سوریه به حالت سابق، یعنی سقوط نظام اسد. اما در شرایط حاضر و پس از حضور نیروهای روسیه در سوریه، دیگر اوضاع مانند سابق نمی شود و امکان بازگرداندن عقربه های ساعت به قبل وجود ندارد.
نزدیکی روسیه و اروپا تحت عنوان حمایت از برجام، راه را برابر مسکو باز می کند تا بار دیگر برای استفاده از طرح



دفاع میکنیم، حتی با استفاده از سلاح اتمی

روسیه توافق سری خود در حمایت از نظام اسد و سوریه را به آمریکا، اسرائیل و ترکیه ابلاغ نموده و اعلام کرد:روسیه به یک توافق سری پایبند است که امکان افشای کامل آن نیست؛ و حمایت آن از نظام سوریه، با استفاده از توان نظامی روسیه اعم از ارتش زمینی، سلاح هوایی و دریایی و موشکهای دور برد آن، به اضافه استفاده از سلاح هسته ای، خواهد بود

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

روزنامه الدیار چاپ بیروت نوشت: اخیرا منابع موثقی از کرملین اطلاعاتی را ذکر کرده اند که وزیر خارجه روسیه به صورت جزئی به آن اشاره کرده بود؛ اطلاعاتی در مورد اینکه روسیه تا ابد در سوریه باقی خواهد ماند!

به گزارش «انتخاب»؛ این روزنامه در ادامه آورده است: یکی از خبرگزاریهای روسیِ ویژه امور استراتژیک و نظامی از یک بند سرّی در توافقی بین پوتین و اسد خبر داده است که امکان ذکر تفاصیل آن نیست؛ اما به طور خلاصه می توان گفت هنگامی که پوتین توافق تاریخی خود با رئیس جمهور سوریه در مورد تقدیم پایگاه بزرگ حمیمیم در نزدیکی لاذقیه را امضا کرد، این توافق شامل یک بند سری می شد، مبنی بر اینکه پوتین از نظام سوریه در برابر تمام حملات امریکا، گروههای تکفیری، هجوم ترکی یا اسرائیلی که با هدف تغییر نظام اسد باشد، حمایت کند.

در واقع رئیس جمهور روسیه متعهد شد تمام توان ارتش کشورش را برای دفاع از نظام اسد، تا مدتی نامحدود، به خدمت گیرد. این توافق در مورد حمایت از سوریه بواسطه ارتش روسیه، توافق دو دولت با یکدیگر است، نه توافق بین دو شخص و طبق آن روسیه از همه سلاحهایی که در اختیار ارتش این کشور است، حتی سلاح هسته ای اش، برای دفاع از سوریه، استفاده می کند؛ این حمایت روسی در مقابل دست یابی آن به بزرگترین پایگاه هوایی در خاورمیانه و آسیا، و بزرگترین پایگاه دریایی نظامی روسی در ساحل سوری، به مساحت 100 میلیون متر مربع، ساخت منازلی برای 48هزار افسر و سرباز روسی، ساخت باغها و رستورانهایی مخصوص آنها، ایجاد 18مدرسه روسی و 3 دانشگاه، برای آموزش دادن به فرزندان افسران ارتش روسیه در طول خدمت انها در سوریه، است.

این در حالی است که روسیه توافق سری خود در حمایت از نظام اسد و سوریه را به آمریکا، اسرائیل و ترکیه ابلاغ نموده و اعلام کرد:روسیه به یک توافق سری پایبند است که امکان افشای کامل آن نیست؛ و حمایت آن از نظام سوریه، با استفاده از توان نظامی روسیه اعم از ارتش زمینی، سلاح هوایی و دریایی و موشکهای دور برد آن، به اضافه استفاده از سلاح هسته ای، خواهد بود؛ از این رو، هر یک از این دولتها که قصد اشغال سوریه یا انجام حملاتی را داشته باشند که به هر نحوی نظام سوریه را تهدید کند، با قدرت کامل روسیه مواجه خواهند شد.

بر این اساس، حضور دائمی روسیه در سوریه، موجب آسودگی خاطر بشار اسد می شود؛ چرا که می داند به توافق استراتژیکی با روسیه دست یافته که در طول تاریخ سوریه بی سابقه بوده است؛ از این رو، به نظر می رسد ریاست جمهوری اسد حداقل تا سال 2021 ادامه داشته باشد و در این سال نیز بار دیگر به مدت 7سال برای ریاست جمهوری برگزیده شود؛ یعنی تا سال 2028؛ به بیان دیگر، با در نظر گرفتن حمایت همه جانبه روسیه از بشار اسد، به نظر می رسد وی تا زمانی که در قید حیات باشد، رئیس جمهور سوریه باقی خواهد ماند.

مترجم: مریم نصراللهی

ـ ضمن اینکه سوریه ناجار است با روسیه تا حدي راه بیاید، اما نباید همه تظاهر به

حمایتهای روسها را واقعي ببندارد بسياري از انها لاف است که روسیه برای اینکه در برابر ناتو و امریکائیها کم نیاورد تظاهر مي کند
- روسها اکر جه حمایت مي کنند اما مانعي برای تغییرات در قانون اساسي سوریه و سلب اختیارات کلید رئیس جمهور سوریه هم نمي بینند!!!
- در مدت حمایت جندساله شان در سوریه ضمن حمایت؛ اما به اسم منع حمله امریکا؛ سوریه را خلع سلاح شیمیایي کرده اند، که تنها وسیله بازدارنده سوریه در برابر سلاحهای اتمي و شیمیایي اسرائیل بود
- روسها به ترکیه و سعودي و قطر ووو اعلام امادکي دادن اس 400 را کرده اند اما به سوریه هنوز اس 300 را هم نداده اند، در حالیکه سوریه در زمان حضور روسها تا کنون بیش از صدبار مورد بمباران اسرائیل قرار کرفته است.
- و همین جند ماه قبل بود که روسها لاف مي زدند که هر کونه حمله به سوریه بشود جه ها مي شود، بعد از ان هم اسرائیل مکرر حمله کرد، هم امریکائیها و حتی ترکها و روسها هیج دفاعي نکردند بلکه معلوم شد با جراغ سبز و توافق روسها بوده است.

رئیس پارلمان لبنان: ایران و حزب‌الله تا پاکسازی کامل تروریست‌ها سوریه را ترک نمی‌کنند

رئیس پارلمان لبنان در مصاحبه‌ای با یک رسانه روس گفته ایران و حزب‌الله تا پاکسازی کامل تروریست‌ها سوریه را ترک نخواهند کرد.

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری فارس، «نبیه بری»، رئیس پارلمان لبنان در مصاحبه‌ای روز چهارشنبه درباره حل و فصل بحران سوریه اظهارنظر کرده است.

«بری» در این مصاحبه با خبرگزاری «اسپوتنیک» روسیه گفته که در صورت عدم حضور حزب‌الله در سوریه، تروریست‌های داعش به لبنان می‌رسیدند.

وی گفت: «اگر حزب‌الله در سوریه حاضر نبود، داعش به اینجا [لبنان] می‌رسید.»

نبیه بری با بیان اینکه لبنان و سوریه، مثل دو کشور «دوقلو» هستند گفت: «هر چیزی که در سوریه اتفاق بیفتد بر لبنان تأثیر می‌گذارد.»

او تأکید کرد حزب‌الله و ایران تا زمانی که سوریه کاملاً از تروریست‌ها آزاد شود و تمامیت ارضی‌اش را به دست بیاورد، این کشور را ترک نخواهند کرد.

وی با خاطرنشان کردن اینکه حضور نیروهای ایران در سوریه به درخواست دولت مرکزی این کشور انجام شده خاطرنشان کرد که آمریکا بدون اجازه دمشق اقدام به مستقر کردن نیرو در سوریه کرده است.

او درباره حضور نیروهای حزب‌الله در سوریه گفت: «این نیروها تا زمانی که سوریه کاملاً آزاد شود و تمامیت ارضی‌اش را به دست نیاورد، از آنجا خارج نخواهند شد.»

روایت ادعایی هاآرتص از

خشم ایران از روسیه در سوریه

با استقرار سربازان روس در نزدیکی شهر قصیر در مرز سوریه با لبنان، نیروهای تحت حمایت ایران از جمله حزب الله نسبت به این اقدام هماهنگ نشده اعتراض کردند. یک فرمانده نظامی به رویترز گفت: پس از مستقر شدن ارتش سوریه در سه مکانی که نیروهای روس موضع گرفته بودند مسئله حل شده است. اکنون پس از همکاری‌های طولانی بین ایران و نیروهای مورد حمایتش در سوریه با روسیه؛ این حادثه ناهماهنگ رویداد نادر و کمیاب بوده است.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

هاآرتص نوشت: به نقل از دو مقام غیر سوری، با استقرار سربازان روس در نزدیکی شهر قصیر در مرز سوریه با لبنان، نیروهای تحت حمایت ایران از جمله حزب الله نسبت به این اقدام هماهنگ نشده اعتراض کردند. یک فرمانده نظامی به رویترز گفت: پس از مستقر شدن ارتش سوریه در سه مکانی که نیروهای روس موضع گرفته بودند مسئله حل

شده است. اکنون پس از همکاری‌های طولانی بین ایران و نیروهای مورد حمایتش در سوریه با روسیه؛ این حادثه ناهماهنگ رویداد نادر و کمیاب بوده است. فرمانده نظامی که نخواست نامش فاش شود گفت: «این اقدام ناهماهنگ اکنون حل شده است. ما این اقدام را رد کردیم و اکنون لشکر یازده ارتش سوریه همراه با شبه نظامیان حزب الله در این منطقه مستقر هستند.»

به گزارش «انتخاب»، در ادامه این گزارش آمده است: تاکنون هیچ گونه اظهار نظری از سوی ارتش روسیه در مورد این رویداد مطرح نشده است. در طی چند ماه گذشته روسیه با درخواست‌هایی از سوی اسرائیل برای مهار ایران در سوریه روبرو بوده است. جایی که اسرائیل علیه حزب الله و اهداف ایران در سوریه حملات متعددی را ترتیب داده است. وی افزود: «این اقدام روسیه شاید برای اطمینان دهی به اسرائیلی‌ها بوده است. اما این حرکت نمی‌تواند به عنوان بخشی از مبارزه با جبهه النصره یا دولت اسلامی توجیه گردد، زیرا که ارتش سوریه و حزب الله آن‌ها را در مرزهای سوریه و لبنان شکست داده اند.»

مقام دومی گفت که ایران همراه با متحدانش به عنوان محور مقاومت در حال بررسی اقدام ناهماهنگ روسیه هستند. از آغاز بحران سوریه برای مبارزه با شورشیان؛ روسیه و نیروهای تحت حمایت ایران از جمله حزب الله با یکدیگر همکاری کرده اند. حزب الله نیروهای خود را از سال ۲۰۱۲ در سوریه مستقر کرده است، ولی نیروهای هوایی روسیه برای حمایت از اسد در سال ۲۰۱۵ وارد سوریه شده اند. اکنون دستور کار و اهداف متفاوت آن‌ها در سوریه نمایان می‌گردد. به این ترتیب اسرائیل به روسیه فشار وارد می‌کند تا جلوی نفوذ و قدرت نظامی ایران و متحدانش در سوریه را بگیرد. اسرائیل اکنون خواهان این است که ایران و نیروهای تحت حمایتش از مرزهایش دور شوند و به طور گسترده از کل سوریه خارج گردند.

اسرائیل در ماه گذشته در گزارشی ادعا کرد که ایران رهبری حملات موشکی به بلندی‌های جولان را بر عهده داشته است. در این راستا سید حسن نصرالله رهبر حزب الله در اظهاراتی بر این تاکید کرد که این اقدام مرحله جدیدی از جنگ سوریه را نشان می‌دهد. درخواست اخیر روسیه از کشورهای غیر سوری برای خروج از جنوب سوریه شامل ایران و نیروهای آمریکایی که در منطقه تنف در مرز سوریه و عراق مستقر هستند می‌شود.

شهر قصیر از سال ۲۰۱۳ صحنه نبرد بزرگ در جنگ داخلی سوریه بوده است. حزب الله در تبدیل موج درگیری به نفع بشار اسد در این منطقه نقش گسترده و تعیین کننده را ایفا کرده است. جزئیات رویداد قصیر توسط تلویزیون دولتی المیادین (نزدیک به دمشق و متحدان منطقه‌ای مانند حزب الله) گزارش شده است که بر تعداد نیروی محدود روسیه تاکید کرد. همچین یک پایگاه هوایی نظامی در همان ناحیه در روز ۲۴ می تحت حملات موشکی قرار گرفت. ارتش اسرائیل از اظهارنظر نسبت به این رویداد خودداری کرده است. نویسنده در پایان تاکید دارد که ایالات متحده آمریکا اکنون خواهان این است که منطقه عاری از تنش که شامل نقاط درگیری در جنوب غربی سوریه می‌شود را حفظ کند. آمریکا همراه با روسیه و اردن در یک توافق مشترکی توانسته است از نزدیک شدن جنگ به مناطق نزدیک به مرز اسرائیل جلوگیری کنند.

القدس العربی: آیا روسیه ایران را فروخت؟ حزب الله اگر اسد بخواهد عقب می کشد

شفقنا- روزنامه القدس العربی چاپ لندن امروز(سه شنبه) در مطلبی نوشت: سایت «مانیتور»در مقاله ای اختصاصی نوشته «ماکسیم سوشکوف» متخصص امور روسیه و خارومیانه به تغییر قواعد بازی در سوریه توسط روسیه و آینده روابط این کشور با رژیم صهیونیستی و ایران پرداخته است.

به گزارش سرویس ترجمه شفقنا، القدس العربی همچنین نوشت: سوشکوف در این مقاله یادآور شده است اخیرا مقاماتی از روسیه و اسرائیل برای بررسی نگرانی اسرائیل از آنچه گسترش نفوذ ایران در سوریه و باقی ماندن آن در این کشور خوانده شده، جلساتی را در مسکو برگزار کرده اند و علاوه بر این آویگدور لیبرمن وزیر دفاع رژیم صهیونیستی و سرگی شویگو همتای روسی نیز در همین رابطه با یکدیگر دیدار کرده اند و در این دیدارها تمرکز روی اوضاع سوریه بوده است و این موضوع از سخنان لیبرمن درباره آنچه نیروهای ایرانی و شبه نظامیان آنها در سوریه خوانده، مشخص شده است.

به نقل از این روزنامه، سوشکوف در این مقاله آورده است: مقامات مسئول روسی از زمان دیدار

ولادیمیر پوتین و بشار اسد در ۱۷ مه گذشته در مناسبت های مختلف درخواست «خروج سریع نیروهای خارجی از سوریه» که اشاره مستقیم به ایران است را تکرار می کنند.
در این مقاله همچنین مدعی شده است که منابع حزب الله در گفتگو با روزنامه «کومر سنت» روسیه اعلام کرده اند درصورتی که دولت سوریه درخواست احتمالی روسیه برای حذف این حزب و دیگر گروهها از حمله درعا را بپذیرد، حزب الله با آن موافقت خواهد کرد.

فقره آخر این گزارش نشان مي دهد که

موضع و درك حزب الله
از سطح فهم و درك حكام و متصديان و رسانه هاي ايراني بالاتر است؛
و نه تنها هر حركتي را خيانت تفسير نكرده
و جنجال منتهي به فشل شدن مانورهای روسیه در برابر حركات اسرائيلي و امريكايي بربا نمي كنند
بلكه هوشمندانه ضمن اعلام بذيرش خروج از جنوب سوريه و نزديك مرز اسرائيل و حمله درعا؛
همراهي با روسيه كه قطب مانوارهای محور مقاومت در سوريه است را تقويت مي كنند

فتواي سفير روسيه: فعلا جايز نيست ايران از سوريه خارج شود

سفیر روسیه در لبنان اظهار داشت، جایز نیست و امکان ندارد حزب‌الله لبنان و ایران در این شرایط از سوریه خارج شوند زیرا که روند نابودی تروریسم هنوز به سرانجام نرسیده است.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) : سفیر روسیه در لبنان اظهار داشت، جایز نیست و امکان ندارد حزب‌الله لبنان و ایران در این شرایط از سوریه خارج شوند زیرا که روند نابودی تروریسم هنوز به سرانجام نرسیده است.
به گزارش ایسنا، به نقل از سایت شبکه روسیا الیوم، الکساندر زاسپکین، سفیر روسیه در لبنان اظهار داشت: در این مرحله بر موضوع ایجاد تردید و مشکل‌تراشی بین محور مقاومت و روسیه تمرکز شده که از نظر ما این مساله مردود است.
زاسپکین تاکید کرد، روابط بین روسیه و محور مقاومت در سوریه روابط بر مبنای همکاری است.



وی حضور نیروهای آمریکایی در سوریه را یکی از دلایل اصلی موانع و پیچیدگی‌های موجود در این کشور و دست نیافتن به راه حل دانست.

سفیر روسیه تصریح کرد، وقایع سوریه با قدرت و به طور گسترده در حال تغییر هستند و من پیش‌بینی نمی‌کنم طی یک یا دو ماه نتایج نهایی در تمام زمینه‌ها مشخص شوند زیرا اهداف اصلی مطرح شده مورد نظر مقاومت و روسیه و حتی اهداف اصلی نظیر نابودی تروریسم و حل و فصل اوضاع سوریه هنوز تکمیل نشده‌اند.

وی خاطرنشان کرد: روسیه موافق تسلط ارتش سوریه بر تمامی مرزهایش است و اوضاع در این کشور گام به گام جلو می‌رود.

سفیر روسیه در لبنان درباره این کشور تصریح کرد: تشکیل دولت لبنان هرگز طولانی نخواهد شد همانطور که می‌گویند بعد از عید فطر دولت تشکیل می‌شود.

وی افزود: اکنون پیچیدگی‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای تشکیل دولت تا حد زیادی بی‌تاثیر هستند زیرا که تمایل سیاسی شدیدی نسبت به تشکیل دولت وجود دارد.

تاثير بازدارنده سلاح مقاومت لبنان در حل و فصل مسائل مرزي زميني و دريايي لبنان كه بدون جنك نظامي بشود انها را از اسرائيل بس كرفت

نبیه بری: اسرائیل پیشنهاد گفتگو داده است/ آماده بررسی پیشنهادهای آنها هستیم



شفقنا- «نبیه بری» رئیس مجلس نمایندگان لبنان از پیشنهاد اسرائیل برای گفتگو با لبنان درباره مرزهای زمینی و دریایی میان دو طرف از جمله مزارع شبعا خبر داد.
به گزارش سرویس ترجمه شفقنا به نقل از النشره، بری روز گذشته گفت: هیات آمریکایی در سفر هفته گذشته به لبنان که «داریل عیسی» عضو لبنانی الاصل کنگره آمریکا نیز درمیان آنها بود، پیشنهاد اسرائیل برای گفتگوی کامل درباره مرزها با رژیم صهیونیستی از جمله مزارع شبعا را به رئیس مجلس و میشل عون رئیس جمهور لبنان منتقل کرده است.
وی با اشاره به اینکه لبنان از این هیات خواسته است با تایید رسمی آمریکا درباره این موضوع بازگردد، خاطرنشان کرد: این موضوع فرصتی برای استیفای حقوق لبنان است.
رئیس مجلس نمایندگان لبنان افزود: بخش هایی از مزارع شبعا لبنانی و بخش های دیگری از آن جزو سوریه است. اسرائیل باید از این مزارع خارج شود ما با سوریه درباره این موضوع همکاری خواهیم کرد.
از سوی دیگر نبیه بری در گفتگو با خبرگزاری اسپوتنیک روسیه درپاسخ به سوالی درباره افق های نزاع لبنان و اسرائیل بر سر مرزهای دریایی گفت: پیشنهاد چنین مذاکراتی از طریق آمریکا به ما رسیده و مفاد آن این است که آنها برای گفتگو درباره این موضوع اعلام آمادگی کامل کرده اند.
وی افزود: این موضوع به من ابلاغ شده مبنی بر اینکه گفتگوها در ناقوره و زیر نظر سازمان ملل برگزار شود.
نبیه بری ادامه داد: این پیشنهاد را مثبت و قابل مناقشه می دانم. ما در انتظار جواب آمریکا هستیم.
علاوه بر این وزیر انرژی رژیم صهیونیستی نیز به این موضوع اشاره کرده است.
رئیس مجلس نمایندگان لبنان درباره آمادگی این کشور برای بررسی پیشنهادهای آمریکا برای گفتگو نیز گفت: ما برای بررسی پیشنهادهای گفتگو آماده هستیم.

عطوان بررسی کرد؛

علت عدم تحویل «اس ۳۰۰» روسیه به سوریه چیست؟



تهدیدهای اسرائیلی مبنی بر بمباران سامانه موشکی «اس ۳۰۰» در خاک سوریه، تحویل این نوع سلاح را چه بسا در چارچوب «معامله‌ای» بین تل‌آویو و مسکو به تاخیر انداخته است.

به گزارش مشرق، «**عبدالباری عطوان**» تحلیلگر مطرح جهان عرب در سرمقاله روزنامه فرامنطقه‌ای «**رای‌الیوم**» به بررسی محتوای مصاحبه «**بشار اسد**» رئیس‌جمهوری **سوریه** با روزنامه انگلیسی «میل آن ساندی» پرداخته و نوشته است: برخی موارد مهمی در اظهارات بشار اسد، رئیس‌جمهوری **سوریه** طی گفت‌وگویش با روزنامه «میل آن ساندی» انگلیس، که روز یکشنبه منتشر شد، آمده است؛ از اظهارات مربوط به حمایت انگلیس از سازمان «کلاه سفیدها»، که شاخه‌ای از گروه «القاعده» است و ساخت و پاخت حملات شیمیایی گرفته تا اظهارات درباره نیاتش برای نامزدی در انتخابات بعدی ریاست‌جمهوری. ولی به نظر ما، موضوع مهم در این اظهارات مربوط با تحویل سامانه موشکی اس 300 روسیه به سوریه است.

بیشتر بخوانید:

درخواست تل‌آویو از مسکو درباره اس- ۳۰۰

در پاسخ به سوالی درباره عدم تحویل این نوع سامانه موشکی پیشرفته به سوریه از سوی همپیمان روسی‌اش، بشار اسد گفت که این مساله نظامی و مربوط به طرف روسی است. این‌ها، یعنی روس‌ها، مواضع سیاسی و تاکتیک‌های نظامی خودشان را دارند که نمی‌توانیم درباره آن وارد بحث شویم.

از این پاسخ، دو نتیجه‌گیری مهم می‌توان کرد:

نخست: به رغم برخی اظهارات مسئولان روسی، که می‌گویند تحویل این سامانه موشکی در سایه تجاوزهای مستمر اسرائیل به اهدافی در عمق سوریه نزدیک شده است، ولی روسیه تاکنون این نوع از سامانه موشکی را به سوریه تحویل نداده است.

دوم: تهدیدهای اسرائیلی مبنی بر بمباران این سامانه موشکی، که توسط «آویگدور لیبرمن» و «بنیامین نتانیاهو» وزیر جنگ و نخست‌وزیر این رژیم مطرح شده است، تحویل آن را چه بسا در چارچوب «معامله‌ای» بین تل‌آیو و مسکو حداقل تاکنون به تاخیر انداخته است.

رئیس‌جمهوری سوریه به این مساله، بسیار محتاطانه اشاره کرد که تمایلی ندارد همپیمان روسی‌اش که مداخله نظامی‌اش نقش بزرگی در خنثی کردن پروژه آمریکا برای تغییر نظام سوریه ایفا کرده است را خشمگین کند. ولی اسد در عین حال حالتی از ناامیدی را نشان داد؛ چرا که رهبری سوریه به این وضعیت با ناراحتی می‌نگرد که روسیه این موشک‌ها و نسخه پیشرفته‌تر از آن یعنی «اس 400» را به کشورهای دیگری مانند ترکیه و الجزایر به زودی به عربستان سعودی و قطر می‌فروشد ولی آن را به ارتش سوریه، که مطمئن‌ترین همپیمان روسیه در منطقه و شریک اصلی آن در جنگ علیه تروریسم است، تحویل نمی‌دهد.

روس‌ها در پاسخ به سوال‌هایی در این‌باره می‌گویند که ارتش سوریه سامانه‌های دفاع موشکی دارد که نیازهای لازم آن را پوشش می‌دهند، و به عنوان مثال می‌گویند که ارتش سوریه بیشتر حملات موشکی اسرائیل و آمریکا به پایگاه‌های نظامی «تیفور» و «الشعیرات» در نزدیکی حمص، بیش از یک سوم موشک‌های تروئیکای غربی و نیز هواپیمای جنگی اسرائیل را با موشک «اس 200» روسیه ساقط کردند. در حالی‌که این سامانه‌های موشکی زیاد پیشرفته نیستند کما این‌که آنها برای مقابله با هواپیماهای «اف 35» اسرائیل، که اخیرا به عمق سوریه حمله کرد، مناسب نیستند.

یک نظریه قوی و شایع وجود دارد که می‌گوید روسیه این روزها خواهان تنش با اسرائیل نیست آن هم در زمانی‌که این کشور

میزبان مهم‌ترین رویداد ورزشی در خاک خود است و حدود 40 میلیارد دلار برای برگزاری مسابقات جام جهانی هزینه کرده است. اگر چنین نظریه‌ای صحیح باشد، که ما درباره آن شک می‌کنیم، پس چاره‌ای جز منتظر ماندن تا پایان این مسابقات نداریم. ما بسیار امیدواریم که روسیه این سامانه موشکی را در سریع‌ترین زمان ممکن و برای پایان دادن به عربده‌کشی‌های تحریک‌آمیز اسرائیل، به ارتش سوریه تحویل دهد.

منبع: تسنیم

کزارش زیر مال بارسال است و اعلام روسها به دادن اس 400 به سوریه و اینکه بدافندهوایي متشرك روسها و سوریها تا شعاع جهارصد کیلومتر ووو همه اش لاف زني یا در راستاي مانورهایشان بوده است

ایجاد سامانه مشترک پدافند هوایی توسط سوریه و روسیه



معاون نیروی هوافضای روسیه روز جمعه در همایش نظامی بین المللی «آرمیا-2017» گفت: سامانه مشترک پدافند هوایی روسیه و سوریه با همکاری متخصصان نظامی دو کشور ایجاد شده است.

به گزارش مشرق به نقل از خبرگزاری ایتارتاس ، ژنرال سرگئی مشریاکوف معاون نیروی هوافضای روسیه گفت: در زمان حاضر سامانه پدافند هوایی مشترک روسی و سوری در سوریه ایجاد شده و نظامیان دو کشور تمام اهداف هوایی را با استفاده از این سامانه ردیابی می کنند.

وی ادامه داد: تمامی داده های مربوط به حریم هوایی سوریه از ایستگاه های هشدار دهی موشکی این کشور به مقر فرماندهی نیروهای روسیه در سوریه مستقر در پایگاه حمیمم ارسال می شود.

مقام نظامی روس گفت: در این پایگاه یک گردان ردیابی هوایی، مجموعه های پدافند موشکی «پانتسیر-اس» و تسلیحات پدافند موشکی اس-400 مستقر است.

ژنرال مشریاکوف خاطرنشان کرد: تمام اهداف پرنده تا فاصله 400 کیلومتر و ارتفاع 35 کیلومتر توسط این تسلیحات شناسایی

می شوند.

ارتشبد سرگئی شایگو وزیر دفاع روسیه پیشتر اعلام کرده بود که این کشور علاوه بر یک مجموعه پدافند هوائی اس- 400، هفت سامانه دفاع هوائی اس- 400 نیز در سوریه مستقر کرده است.

روسیه با سوریه همکاری نظامی نزدیکی دارد و نیروی هوافضای روسیه به درخواست دمشق از مهر ماه سال 94 برای سرکوبی تروریست ها به ویژه داعش عملیات ضدتروریستی اجرا می کند.

مسکو بطور همزمان برای فروش جنگ افزارهای مورد نیاز دمشق اعلام آمادگی کرده است.

بنابراین گزارش، رئیس کمیسیون دفاعی و امنیت شورای فدراسیون (مجلس سنای روسیه) پیشتر گفته بود که مسکو می تواند فروش تسلیحات پدافند هوایی به دمشق را در صورت کسب توافق در اولویت قرار دهد.

ویکتور اوزروف به خبرگزاری روسیا سگودنیا گفت: می توان مجموعه های لازم تسلیحات پدافند هوایی را به سوریه تحویل داد و با این اقدام نیز فشار سنگین بر صنایع دفاعی روسیه نیز وارد نمی آید.

مقام پارلمانی روس افزود: تحویل این تسلیحات به سوریه در صورت تصمیم گیری در مورد آن، امری فوق العاده نیست و باید به این واقعیت توجه کرد که این کشور در شرایط جنگ با تروریست ها قرار دارد و مسکو هم در سرکوبی آنها به دمشق کمک می کند.

وی تاکید کرد: روسیه با این اقدام قوانین بین المللی و تصمیم های شورای امنیت را نقض نمی کند و سامانه های پدافند هوایی هم تسلیحات دفاعی و نه تهاجمی محسوب می شوند.

خبرگزاری روسیا سگودنیا به نقل از بشار اسد رئیس جمهوری سوریه به نیاز دمشق به سامانه های پدافند هوایی پیشرفته اشاره کرده بود.

منبع: میزان

آیا هنیه به زودی به دمشق سفر می‌کند؟

برای دومین بار در کمتر از یک ماه اخیر، یک مسئول بلندپایه در جنبش مقاومت اسلامی حماس تمایل این جنبش را برای بازگرداندن پل‌های همپیمانی با رهبری سوریه اعلام می کند.

به گزارش مشرق، «عبدالباری عطوان» تحلیلگر برجسته جهان عرب در سرمقاله روزنامه فرامنطقه‌ای «رای‌الیوم» به اظهارات اخیر «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت حماس درباره روابط با سوریه، پرداخت و نوشت: برای دومین بار و در کمتر از یک ماه اخیر، یک مسئول بلندپایه در جنبش مقاومت اسلامی حماس، با صدا و تصویر، ظاهر می‌شود و تمایل این جنبش را برای بازگرداندن پل‌های همپیمانی با رهبری سوریه و پشت سر گذاشتن گذشتهِ نزدیک و نیز بستن صفحه کدورت‌ها و موانع (در روابط) اعلام می‌کند.

پس از مصاحبه «یحیی السنوار» با تلویزیون «المیادین»، این بار آقای اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در گفت‌وگو با خبرگزاری «اسپوتنیک» روسیه، حمایت این جنش از به اصطلاح «انقلاب سوریه» (بحران سوریه) را رد و تأکید کرد که تمامی آنچه در این زمینه به حماس نسبت داده شده است، دقیق نیستند. وی تأکید کرد که جنبش حماس هیچ‌روزی در وضعیت دشمنی با نظام سوریه قرار نداشت و این نظام از حماس در مراحل مهم و سرنوشت‌ساز حمایت کرده است. هنیه همچنین در این مصاحبه تأکید کرد که ایران کشور محوری در منطقه است و روابط حماس با آن دارای بُعد استراتژیک است.

زمانی‌که این اظهارات از زبان رئیس منتخب حماس، و از نوار غزه که در حال حاضر شاهد راهپیمایی‌های بازگشت و مقاومت مسالمت‌آمیز برای بازگرداندن قضیه فلسطین به صدر اولویت‌های جهان عرب و جامعه بین‌المللی است، مطرح می‌شود در واقع «انقلابی» داخل این جنبش ایجاد می‌کند و پیوند آن را به محور مقاومت باز می‌گرداند و بایستی این امر با حمایت، پشتیبانی، تقدیر و تشویق همراه شود.

نمی‌دانیم انعکاس این «عذرخواهی» واضح و صریح از سوی آقای هنیه و پیشتر از سوی آقای السنوار، در میان محافل رهبری سوریه چگونه خواهد بود که در مقابل بسیاری از میانجیگران از جمله «سید حسن نصرالله» دبیرکل حزب‌الله لبنان و مسئولان برجسته ایرانی، که رغبت حماس برای احیای روابط با دمشق را ابلاغ می‌کردند، ایستاد. این خشم سوریه قابل درک، موجه و ناشی از یک زخم بزرگی است؛ برای این‌که آن، یعنی رهبری سوریه، یک میراث قهرمانانهِ بزرگِ سوری در یاری قضیه فلسطین است که وارد چهار جنگ شد، و طی آن خاک سوریه (بلندی‌های جولان) را از دست داد از سوی دیگر، بیش از 400 آواره فلسطینی را اسکان داده است در حالی‌که آنها هرگز احساس غربت نمی‌کند و از حقوق مساوی با شهروندان سوریه برخوردارند.

برادران‌مان در سوریه این موضع «خشمگینانه» را به دلیل مواضع و دیدگاه‌های اشتباهِ جناح داخل جنبش حماس اتخاذ کرده‌اند. این مواضع و دیدگاه‌های حماس متاثر از عامل جغرافیا، یعنی محل اقامت‌شان، و بر اساس اطلاعات گمراه‌کننده، ارزیابی‌های اشتباه و قرار گرفتن در پشت اردوگاه کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس بود؛ اردوگاهی که همچنان سر نیزه در پروژه آمریکایی- عربی محسوب می‌شود که درصدد تجزیه منطقه و مراکز محوری در آن، به‌ویژه عراق و سوریه، و نابود کردن قضیه فلسطین است. لیکن چه‌بسا این رهبری (حماس)، در اوج مشغول شدنش به این پروژه که عامل جنگ‌ها و توطئه‌ها در طی 7 سال گذشته شده، آگاه نبود. ولی جناح دیگری در داخل جنبش حماس وجود دارد که در شاخه نظامی نمود پیدا می‌کند که همواره و با قدرت در اردوگاه محور مقاومت قرار می‌گیرد و به تقویت پل‌های هماهنگی با حزب‌الله در لبنان و رهبری ایران در تهران، ایمان دارد که حمایت همه‌جانبه‌ای از این جنبش کرده است.

«بشار اسد» رئیس‌جمهوری سوریه در جریان مصاحبه اخیرش با سردبیران رسانه‌های این کشور، از بهبود در روابط سوریه و قطر طی دوران اخیر خبر داد که این امر در نشست‌های محرمانه و ایجاد تغییری بنیادین در نحوه پوشش خبری تلویزیون «الجزیره» نمود پیدا کرده است که این امر، پیشروی مهمی است و انعطاف «سیاسی» عمل‌گرا را نشان می‌دهد.

سوریه همیشه بزرگ بوده و رهبران آن با روحی بزرگ و مسئولانه در مقابل کسانی‌که با آنها مخالفت می‌کنند، رفتار می‌کنند. ما بر این باور هستیم که زمان آن رسیده است که بسیاری از مواضع و اشتباهات مورد ارزیابی قرار گیرد و پل‌های هماهنگی و دوستی با جنبش ملی فلسطین، که «مقاومت» را به عنوان یک استراتژی برای آزادسازی فلسطین اشغال‌شده اتخاذ کرده و با محاصره خفه‌کننده و گرسنه‌کننده از 10 سال پیش تا کنون مواجه شده است، احیا گردد.

امیدواریم که آقای اسماعیل هنیه و تمامی دوستانش را در دمشق در آینده نزدیک ببینیم. عواملی که جنبش اسلامی حماس و برادران‌مان در سوریه را گرد هم می‌آورد بسیار بیشتر از عوامل تفرقه برانگیز است... شاید ما این‌گونه فکر می‌کنیم. بزرگوار آن کسی است که عذرخواهی می‌کند... آیا این‌گونه نیست؟

منبع: تسنیم

بشار اسد:

بزودی به تهران می آیم/ ائتلاف ایران، سوریه و روسیه پابرجاست



رئیس جمهور سوریه در مورد جبهه جنوب سوریه، نقش رژیم صهیونیستی، رابطه سوریه با ایران و حضور ایران در سوریه، مقاومت لبنان و نیز موضوع فلسطین و قدس سخن گفت.

به گزارش مشرق، رئیس جمهور سوریه تاکید کرد که **منطقه جنوب سوریه** دو گزینه در روی دارد یا انجام آشتی ملی یا توسل به زور برای آزادسازی آن.

بشار اسد در مصاحبه با شبکه «العالم» روابط سوریه و ایران را روابط راهبردی خواند.

مشروح گفتگوی **رئیس جمهور سوریه** به این شرح است:

جناب رئیس جمهور فارغ از پیروزی ها و دستاوردهای عظیمی که ارتش سوریه در جبهه های مختلف نبرد با تروریست ها به دست آورده است و به زودی به آن خواهیم پرداخت، در سایه همه این پیروزی ها، رویداد بارزتر و مهم تر عملا تحولات مربوط

به جنوب سوریه است. چه چیزی در جنوب سوریه رخ می دهد؟ واقعیت امر چیست؟
بشار اسد: بسیار ساده بگویم، پس از آزاد سازی غوطه، حرکت به سوی جنوب مطرح شد، ما در برابر دو گزینه قرار گرفتیم، درست مانند وضعیت کنونی در دیگر مناطق سوریه، این که یا صلح کنیم یا این که برای آزاد سازی مناطق متوسل به زور شویم. پیشنهاد روسیه این بود که فرصت برای دستیابی به صلح برای گروه های مسلح فراهم شود، چیزی که در برخی مناطق رخ داد، هدف این بود که شرایط به وضع پیش از سال ۲۰۱۱ بازگردد یعنی این که ارتش سوریه به منطقه ای که منطقه رویارویی و مقابله با رژیم صهیونیستی است بازگردد و تروریست ها از این منطقه خارج شوند و این طرح و پیشنهاد مناسب و خوبی برای ما بود.
این طرح تا این لحظه هیچ نتیجه عملی در پی نداشته است و علت آن دخالت مستقیم اسرائیل و آمریکا و حمایت از تروریست ها در منطقه جنوب است تا از هرگونه راه حل یا دستیابی به راهکاری برای حل تنش جلوگیری شود. وضعیت کنونی جنوب سوریه این چنین است.
آیا تاکنون هیچ تصمیمی در خصوص عملیات نظامی در جنوب سوریه و یا صلح اتخاذ نشده است؟
بشار اسد: روسیه همچنان در حال رایزنی با طرف آمریکایی و اسرائیلی است. حال در خصوص تروریست ها باید بگوییم که آنان کاره ای نیستند و تنها مجری دستورات و اوامر صادر شده سران و فرماندهان خود هستند.
فرصتی برای صلح بود اما دخالت دو طرف آمریکایی و اسرائیلی مانع از آن شد که صلحی محقق شود.
برخی پیرامون معامله ای در منطقه جنوب سخن می گویند؛ آیا پای معامله ای در کار است و برای این معامله بهایی باید پرداخت شود؟ اجازه بدهید به صراحت بگویم موضوع اخراج ایرانی ها از منطقه جنوب در ازای خروج آمریکا از التنف واقعیت دارد؟ چه بها و هزینه ای باید بدهید تا طرف آمریکایی با حل تنش در منطقه جنوب موافقت کند؟
بشار اسد: درباره آمریکا باید بگویم که این کشور یک اصل مهم و قاعده اصلی بدون در نظر گرفتن موضوع و مکان دارد و آن سلطه گری و هیمنه طلبی است.
این بها بالطبع از سوی ما تقدیم نمی شود در غیر این صورت، چرا چند سال است که برای حفظ استقلال و یکپارچگی ارضی سوریه می جنگیم .
اما درباره موضوع ایران، باید به صورت واضح تأکید کنم، رابطه سوریه و ایران رابطه ای راهبردی است و تحت تاثیر مسائل جنوب و شمال قرار ندارد، این رابطه با همه جوانبش به صورت واقعی با حال و آینده منطقه مرتبط است، و تحت تاثیر قیمت های بازار بین المللی قرار نمی گیرد. نه سوریه و نه ایران هرگز این رابطه را در بازار سیاسی بین المللی مطرح نمی کنند، تا بخواهد مکانی برای سازش باشد. هر آنچه مطرح شده ، طرح اسراییلی است، وهدف از آن به چالش کشیدن و در تنگنا قرار دادن ایران است. این مسائل همچنین همسو با تبلیغات بین المللی ضد ایران درباره پرونده اتمی است و جدا از این مسأله نمی باشد. هر آنچه که اکنون در ارتباط با ایران اتفاق می افتد، با هدف ایجاد فضای بین المللی ضد ایران ایران است. از نظر ما، تصمیم گیری دربارۀ سوریه فقط متعلق به خود سوری ها است. ما در یک نبرد یکسان هستیم، و اگر تصمیمی درباره ایران داشته باشیم، با ایرانیها سخن خواهیم گفت و با هیچ طرف دیگر صحبت نخواهیم کرد.
چه موضوعی سبب شد رژیم اشغالگر اسراییل با بازگشت ارتش سوریه به مرزهای جولان اشغالی موافقت کند که همان بازگشت اوضاع به سال ۲۰۱۱ پس از ۷ سال تلاش مستقیم و غیرمستقیم صهیونیست ها برای ضربه زدن به ثبات سوریه است؟
بشار اسد: به طور حتم، اخلاق و قانون بین المللی هیچ مفهومی برای اسراییلی ها ندارد، از ابتدای جنگ وقتی بحران به ویژه در جنوب وجهه نظامی به خود یافت، اسراییل به طور مستمر نیروهای سوریه را گلوله باران و از تروریست ها مستقیما حمایت نمود.
توپخانه و نیروهای هوایی اسراییل همان توپخانه تروریست ها و نیروی هوایی تروریست ها و طبیعتا جبهه النصره بود، هیچ چیزی وجود ندارد که رویکرد اسراییلی ها را تغییر دهد، موافقت اسراییلی ها برای ما اهمیتی ندارد.
به رغم حمایت اسراییل از تروریست ها، ما به وظایف خود عمل کردیم و ارتش سوریه در جبهه جنوبی می جنگد و مناطقی نیز آزاد شده است. درنتیجه اسرائیل چه موافق باشد و یا نباشد،
این امر (نبرد در این جبهه) تصمیم سوریه و وظیفه ای ملی است، که ما آن را انجام خواهیم داد.
آیا اسراییل ترجیح می دهد مقاومت جولان را ترک کند و ارتش سوریه بازگردد؟
بشار اسد: به نظر من هر دو گزینه برای اسراییل بد است، سید حسن نصرالله چندین بار درباره ارتباط سوریه با مقاومت و نقش سوریه در مقاومت سخن گفت، پس چطور اسراییل میان دو موضوع که هر دو را بد می داند، یک گزینه را انتخاب نماید!
گزارش های موجود حاکیست که اسراییل توانسته است شمار زیادی از سوری ها را جذب نماید، برخی از آنان طول درمان خود را پس از جراحت در فلسطین اشغالی طی کردند، اسراییل از اوضاع بد مالی تعدادی از آنها سوء استفاده کرد و برخی دیگر انتخاب شدند که در آینده با اسراییل همکاری نمایند، در مرحله آتی چگونه با آنان برخورد خواهد شد؟
بشار اسد: این موضوع درست است، نمی توانیم همه مردم را در یک گروه قرار دهیم، دلایل گوناگونی برای رفتن آنان در مسیر نادرست وجود دارد، این اشتباه در حق وطن و تمام شهروندان سوری است اما نهایتا آنان فرزندان این وطن هستند و ما همه در این زمینه مسئول هستیم و نباید فقط شخصی که چنین اقدامی را مرتکب شده مقصر بدانیم، وقتی جنایتی در یک کشور رواج می یابد، همه در برابر آن مسئول هستند؛ نه تنها نهادهای امنیتی که خود مجرم.
درابتدا باید این افراد جذب شوند و پس از آن باید عواملی را که باعث پیدایش این وضعیت شده حل کنیم، عواملی که در این مصاحبه مجالی برای یادآوری آنها نیست.

در زمانی که درباره بازسازی پدافند هوایی سوریه و مقابله با اشغالگران صهیونیست سخن گفتید، سران رژیم صهیونیستی اعلام کردند که عمق سوریه را هدف می گیرند، چگونه با این موضوع برخورد خواهید کرد؛ خصوصا که اخیرا نوعی توازن در زمینه پاسخ به تجاوزهای دشمن صهیونیستی حاصل شده است؟

بشار اسد: ما هرگز حملات را بدون پاسخ نخواهیم گذاشت و پاسخ به اسراییل را در چارچوب امکانات نظامی موجود هرگز متوقف نخواهیم کرد؛ حال هر چه این امکانات بهبود یابد سطح پاسخ مان قوی تر خواهد شد.

واقعیت این است که قوی ترین پاسخ به اسراییل، هدف قراردادن ارتش اسراییل در سوریه است، منظور ما عملا تروریست هایی است که به طور بسیار واضح و آشکار برای منافع اسراییل فعالیت می نمایند، از ابتدا آنان به سامانه های پدافند هوایی سوریه حمله کردند، آنها توسط اسراییل و آمریکا رهبری می شوند.

اولین حمله به اسراییل در سطوح سیاسی و نظامی و دیگر سطوح، هدف قرار دادن تروریست های اسراییلی در درون سوریه است، تروریست هایی که عضو داعش یا النصره و یا دیگر گروه های مرتبط با نقشه های اسراییل هستند.

در صورت تشدید حملات اسراییل آیا شما آماده پاسخگویی هستید؟

بشار اسد: اکنون نیز چنین اتفاقی می افتد، و با تشدید حملات و تنشهای این رژیم ما هم پاسخ می دهیم، ما هر کاری که بتوانیم در چارچوب امکاناتی که در اختیار داریم انجام خواهیم داد، پاسخگویی (به این تجاوزها) نیازمند تصمیم سیاسی نیست، من تاکید می کنم این موضوع که ما پاسخ تجاوزها را بدهیم تصمیمی سیاسی نیست، بلکه تصمیمی ملی است، تصمیمی که از روز اول اتخاذ شده است.

اخبار بسیاری در رسانه ها درباره سامانه پدافند ضد هوایی "اس – ۳۰۰" منتشر شده است، مسکو می گوید که این سامانه را به سوریه تحویل خواهیم داد، سپس می گوید آن را هرگز به سوریه تحویل نمی دهد، به نظر شما چرا این تردید در زمینه تحویل این سامانه به سوریه وجود دارد آن هم در زمانی که برخی در خارج به دنبال خرید سامانه دفاعی "اس ۴۰۰" هستند؟

بشار اسد: همانطور که می دانید، مسائل نظامی بخشی از کار سیاسی هستند، درنتیجه اظهارنظرها حتی اگر جنبه نظامی داشته باشد، حاوی پیامهای سیاسی می باشند.

پاسخ این سؤال را که چرا روسیه از تحویل (سامانه اس ۳۰۰) خبر داده و یا گفته نمیخواهد آن را تحویل دهد، باید از طرف روس پرسید، زیرا این موضوع ممکن است به خاطر مسائل سیاسی باشد.

اما تا آنجا که از نظر نظامی به سوریه مربوط است، این ما نیستیم که تعیین می کنیم چه سلاحی به این کشور تحویل داده می شود یا نه. در ماجرای مقابله با حملات سه جانبه اخیر و پس از آن تجاوز اسرائیل، سوریه اعلام نکرد که از چه سلاحی استفاده شد؛ ما مسائلی را که دارای ویژگی نظامی داخلی هستند فاش نمی کنیم، بنابراین حتی اگر اس ۳۰۰ به سوریه تحویل داده شود یا نه، ما در این خصوص اظهار نظر نخواهیم کرد، و سلاحهای موجود، هنگام نیاز استفاده خواهند شد.

آیا سلاح خاصی را ارتقا داده اید؟

بشار اسد: سلاح فقط برای استفاده است، و ما نوع سلاحی را که در اختیار داریم فاش نمی کنیم، و فقط آن را به کار می گیریم.

با توجه به در هم آمیختگی اوضاع در منطقه جنوب، این مساله محدود به جغرافیای سوریه نمی شود و طرفهای بسیاری در این منطقه حضور دارند، چگونه با این موضوع برخورد می شود؟

بشار اسد: شما از دو محور سخن می گویید، محور حامی تروریسم که شامل آمریکا، اسراییل و برخی از گروه های موجود در منطقه است مانند کشورهای عربی و غیرعربی و محور ضد تروریسم. محور اول که حامی تروریسم است برای سیطره می کوشد و محور دوم برای دستیابی به استقلال. بنابراین دشوار می باشد که بگوییم نتیجه ای برای این در هم آمیختگی وجود دارد جز اینکه یکی از دو محور پیروز شود. حداقل درباره محور مقاومت در برابر تروریسم می گویم که این محور از پاکسازی سوریه و منطقه از تروریسم عدول نمی نماید و از یک نقطه از خاک سوریه نمی گذرد. اما برای محور مقابل، باید برای پاسخ به این سؤال که آیا بر اساس واقعیت تغییر می کند یا خیر؟ باید منتظر بمانیم و ببینیم. اما مضمون و اعتقادش هرگز تغییر نمی کند ، شاید با اقدام های سیاسی که واقعیت ها و حقایق تحمیل می نماید چه بسا تغییر کند.

جبهه جنوب عملا در همان چارچوب است ، اتاق عملیات "الموک" از ابتدای جنگ ضد سوریه حدود ۸ سال قبل متوقف نشده و فعال است، و مستقیما با اسراییلی ها مرتبط می باشد ، اما اخیرا مشاهده نمودیم فعالیتش را مجددا آغاز نموده است ، تماس های زیادی وجود دارد و تلاش می شود که فعال تر شود ، آیا این به این معنی است که عملا کشور سوریه به طرف یکسره نمودن کار جنگ از نظر نظامی در منطقه جنوب صرف نظر از پیامدهای امور پیش می رود، و آیا به بن بست رسیده است یا خیر، و آیا یکسره نمودن کار جنگ برای رهبری سوریه ممکن است؟

بشار اسد: اتاق الموک ارتباطی با این تصمیم ندارد، این اتاق عملیات با حضور و نقش تروریست ها از ابتدای جنگ ضد سوریه ارتباط دارد، بنابراین اتاق عملیات الموک با حضور آنان (تروریستها) ایجاد شد تا آنان را از نظر نظامی هدایت نماید، پس استمرار وجود این اتاق به ادامه حضور تروریستها بستگی دارد، یعنی آنان آماده اقدام های تروریستی بیشتر هستند، این بیشتر از آنکه مرتبط با نقش دولت سوریه باشد مرتبط با آنان است. نقش ما ارتباطی با اتاق الموک ندارد ، تصمیم ما از همان ابتدا آزادسازی تمام اراضی سوریه بوده است، و این موضوع که چه زمانی به جنوب، شمال، شرق یا غرب می رویم یک مسأله نظامی است، اما ما اکنون صرف نظر از این اتاق به طرف جنوب رفتیم و به روند سیاسی مجال می دهیم، اگر موفق نشد راهی جز آزادسازی با زور وجود ندارد.

آیا آمریکا از تنف خارج خواهد شد ؟

بشار اسد: آمریکا می گوید آماده است که از تنف خارج شود؛ اما همه می دانند آمریکا در تاریخ ثابت کرده است که دروغگو است پس چرا این ادعا را باور کنیم، ما باید منتظر باشیم تا ببینیم چه خواهد شد!

آنچه در اردن می گذرد آیا مرتبط با جبهه جنوب است؟ یعنی آیا به نظر شما با آنچه در این منطقه در حال وقوع است، ارتباط دارد؟

بشار اسد: به غیر از آنچه که از رسانه ها می شنویم، اطلاعات دقیقی در این زمینه نداریم، در هر صورت برای اردن آرزوی ثبات و آرامش سیاسی داریم و نمی خواهیم در این کشور هرج و مرج شود، زیرا این مسأله برای ما نیز پیامدهای منفی دارد.

یعنی هر آنچه مقاومت از شما درخواست نماید آماده حمایت آن در سطوح سیاسی و نظامی هستید ، هر چیز؟

بشاراسد: از نظر سیاسی تغییر نکرده ایم ، مساله فلسطین برای ما مانند ۱۰ سال قبل و چند دهه قبل از آن است و تغییر نکرده است.

آنچه می توانیم ارائه دهیم مرتبط با دو چیز است، اولا امکانات فعلی سوریه، شک نیست که اولویت های امروز پاکسازی سوریه از تروریسم است و دوم، وضع فلسطین است و طرف هایی که می توان با آنان در داخل فلسطین تعامل نمود.

ما از مقاومت در طرف دیگر سخن می گوییم، علاوه بر ایستادگی برخی از کشورها در کنار سوریه در جنگ با تروریسم، همچنین مقاومت لبنان خصوصا حزب الله نقش داشت، فداکاری زیادی در جنگ با تروریسم نمود و در آن سهیم بود، جناب رییس جمهور چه سخنی برای رزمندگان و خانواده های شهدا و مجروحین دارند؟

بشاراسد: وقتی تمام گروه های مقاومت مانند مقاومت لبنان و برادرانی که از عراق آمدند و اشخاصی که اسمشان را نبرده ام جمع می شوند تا از خاک سوریه و از شهروند سوری دفاع کنند باید از این مصاحبه استفاده کنم و تاکید نمایم که برادرانی از عراق هستند که ما آنان را مانند هر مقاومی می دانیم که از کشور دیگر آمده است و خانواده های رزمندگان ایران که آمدند و در سوریه خون دادند.

تمام اینها را باید در یک سبد واحد در کنار شهدا ، مجروحین و رزمندگان سوری و خانواده هایشان قرار دهیم ، تمام آنان اگر بخواهیم که حروف ، کلمات ، جمله ها و تمام ادبیات را جمع کنیم معادل یک قطره خونشان نمی شود ، لذا سخن بسیار کمتر از آن چیزی است که ارائه دادند، مهمتر آن است که تاریخ درباره آنان خواهد نوشت، واقعیت وقتی است که می گوییم تاریخ اینجا نوشته شده است، تاریخ نیازمند استراتژی و تاکتیک است.

اما واقعیت استراتژیک بدون اجرای عملی آن بر روی زمین ارزشی ندارد و فقط یک فکر باقی می ماند که آن را در کتاب ها و مقاله ها قرار می دهیم اما واقعیت آن است که این اشخاص در تمام این کشورها و تمام این گروه مقاومت است که تاریخ واقعی، را می نویسد و نه سیاست.

من می خواهم از این سوال استفاده کنم و تمام محبت، احترام و تقدیر و تکریم را به رزمندگان، مجروحین، شهدا و تمام خانواده های شجاع که اینان را برای دفاع از سوریه و مبارزه با تروریسم به سوریه فرستادند تقدیم نمایم تا این خانواده ها الگوی اخلاق و اصول برای نسل های حال و آینده باشند.

جناب رئیس جمهور اجازه بدهید کمی به موضوع سیاسی برگردیم و درباره جبهه جنوب سوریه و وضعیت کلی آن منطقه با توجه به دستاوردها در کل کشور صحبت کنیم که بارزترین آن ائتلاف سه گانه (سوریه، ایران و روسیه) است. ماهیت این ائتلاف چیست؟ آیا این ائتلاف به این معنی است که با مبارزه با تروریسم یا تحولات عرصه سوریه ارتباط دارد؟ اخیرا عده ای تلاش کرده اند بر این نکته تأکید کنند که در این ائتلاف سه گانه، شکافی به وجود آمده است. این ادعا را چگونه ارزیابی می کنید و دیدگاه شما در این باره چیست؟ واقعیت عملی موجود درباره این ائتلاف چیست؟

بشار اسد: اگر بخواهیم در ابتدا درباره روابط سوریه و ایران صحبت کنیم باید گفت که همپیمانی دو کشور در طی ۴۰ سال گذشته و در شرایط مختلفی که در خاورمیانه به وجود آمده است، همچنان ثابت بوده است. بنابراین هیچ دلیلی برای طرح گذرا بودن یا نبودن آن وجود ندارد.

عنصر جدیدی که در جنگ سوریه وارد شد، روس ها بودند که در نتیجه آن این همپیمانی سه جانبه به وجود آمد.

سابقه روابط ما با روسیه، به هفت دهه قبل برمی گردد که این روابط با وجود تغییرات به وجود آمده و سقوط اتحاد جماهیر شوروی و روی کار آمدن بوریس یلتسین به عنوان رئیس جمهور روسیه جدید و کاسته شدن از سطح آن برای ما، باز هم به منزله زیر و رو شدن این روابط نبود و روسیه همواره به عنوان یک کشور دوست با سوریه تعامل کرده است و ما همه نوع کالا از جمله سلاح را در مراحل مختلف محاصره و تحریم تحمیلی علیه کشورمان از روسیه وارد کرده ایم. از این رو، همپیمانی های موقت یا مصلحت آمیز یا دست برداشتن از روابط در راستای تسویه حساب و منافعشان، جزو طبیعت روس ها نیست. بلکه روابط دو کشور، کاملا استراتژیک است. اما اظهارات سیاسی ممکن است زمینه ساز مطرح شدن چنین تحلیل هایی شده است. البته هدف چنین اظهارنظرهایی ارسال پیام به طرف های مختلف است. همچنین گاهی ممکن است از نظر زبانی در زمینه گزینش اصطلاحات مشخصی، شاهد ناکامی باشیم که این امر باعث می شود تصریحات سمت و سوی دیگری پیدا کنند که با مضمون اصلی آن کاملا متفاوت باشد که این امر، گاهی اتفاق می افتد. اما باید تصریحات را در چارچوب فضای کلی آن در نظر گرفت.

دیدگاه روسیه درباره ایران استراتژیک است. از نظر دمشق، روس ها در امور سوریه دخالت نمی کنند و چنانچه دیدگاهی داشته باشند آن را مطرح می کنند. اما تصمیم گیری نهایی در این باره با حاکمیت و ملت سوریه است و از نظر روسیه این یک اصل ثابت است. از این رو، همپیمانی دو کشور، استراتژیک است. اما در صورتی که اختلاف نظرهایی وجود داشته باشد [این امر طبیعی است]. زیرا در داخل حاکمیت سوریه نیز گاهی درباره برخی مسائل اختلاف نظرهایی به وجود می آید، در حاکمیت روسیه و ایران نیز چنین است. بنابراین طبیعی است درباره مسائل تاکتیکی روزانه دچار اختلاف شویم. اساسا باید پرسید: وقتی ما درباره همه امور اتفاق نظر داریم چرا مذاکره می کنیم؟ ما به طور فشرده دیدار می کنیم تا به توافق دست یابیم.

آیا این همپیمانی تقویت می شود؟

بشار اسد: طبعا با توجه به وضعیت واقعی موجود و به حکم منافع و تحولات بین المللی، و از آنجا که محور مقابل، به حمایت از

تروریسم می پردازد، این همپیمانی تقویت می شود و سوریه، ایران و روسیه، خطر تروریسم را نه تنها برای سوریه بلکه علیه همه کشورها و سراسر جهان احساس می کنند و از آنجا که سه کشور سوریه، ایران و روسیه، اهمیت پایبندی به قوانین بین المللی را احساس می کنند با توجه به این وضعیت باید این ائتلاف پا برجا بماند.

برخی ادعا می کنند چنانچه ایرانی ها از خاک سوریه بیرون رانده شوند دمشق به امتیازاتی در مقابل این اقدام دست می یابد. آیا هیچ بهای سیاسی، معنوی و نظامی مشخصی در این زمینه وجود دارد؟

بشار اسد: همانطور که در ابتدا گفتم مادامی که این رابطه در بازار معاملات، عرضه نشده است نمی توانند برای آن هیچ قیمتی تعیین کنند. پاسخ نیز کاملا واضح خواهد بود. کشورهای مختلفی از جمله عربستان از زمان آغاز جنگ علیه سوریه تاکنون بارها در مراحل مختلف این پیشنهاد را مطرح کرده اند که در صورتی که دمشق روابطش را با تهران قطع کند، وضعیت سوریه به حالت طبیعی بازخواهد گشت. ولی این امر از نظر ما کاملا مردود است.

آیا در این چارچوب، پیشنهادهایی از طرف عربستان مطرح شده است؟

بشار اسد: در مرحله جنگ؟

بله

بشار اسد: بله چندین بار. به طور آشکار مطرح می شد.

به طور مستقیم؟

بشار اسد: بله به طور مستقیم. رابطه با ایران محور اصلی بود و موضع عربستان در این زمینه کاملا مشخص است و من درباره موضوع محرمانه ای حرف نمی زنم.

در میان افکار عمومی و نزد تحلیلگران سوریه، ایران، لبنان و همه ناظران موضوعی مطرح است. وقتی ما از حضور ایران در سوریه صحبت می کنیم منظور از آن، حضور نظامی است. اما در این اواخر نمی دانیم ماهیت این حضور چیست؟ عده ای می گویند: این حضور به هویت ایرانی های مستقر در سوریه بستگی دارد. برخی نیز آن ها را مشاور می نامند. حتی وزیر امور خارجه سوریه، آنها را "مشاوران ایرانی" نامید. اما مشاهده می کنیم که شماری از ایرانی ها در سوریه به شهادت رسیده اند. جناب رئیس جمهور! به صراحت بیان می کنید که هویت ایرانی های موجود در سوریه چیست؟

بشار اسد: کلمه «مشاور» گاهی در معنای گسترده و شاملی به کار می رود. یعنی این مشاوران، در چارچوب روابط تاریخی دو کشور از دوره قبل از جنگ تاکنون در سوریه حضور دارند. زیرا روابط نظامی دو کشور، بسیار قوی است. زمانی که این تشکیلات نظامی وارد جنگ مستقیم می شود از "مشاور" به "نیروی جنگی" تبدیل می شود. این کلمه چندین جنبه و جهت دارد. قطعا مشاوران ایران در سوریه حضور دارند. همچنین گروههایی از داوطلبان ایرانی برای حضور در جنگ وارد سوریه شده اند و فرماندهان ایرانی آنها را مدیریت و فرماندهی می کنند. بنابراین ایران، در دفاع از مردم سوریه جنگیده و در این راه، خون داده است. از این رو، مشاور یک کلمه عام و فراگیر است. اما این بدان معنا نیست که ما از اشاره رسمی به حضور ایرانی ها در سوریه ابایی نداریم. اما درباره اصطلاح "مشاور" باید گفت دلیل استفاده از آن، عدم وجود یگان های جنگی رسمی ایران در سوریه است.

منظورتان تشکیلات نظامی کامل است؟

بشار اسد: بله تشکیلات کامل اعم از گردان، تیپ یا لشکر ایرانی در سوریه وجود ندارد. زیرا اولا نمی توان آن را پنهان کرد. و اساسا [اگر وجود داشته باشد] چرا باید از اشاره به ابا داشت؟ زمانی که به طور قانونی از روس ها خواستیم به سوریه بیایند از این امر ابایی نداشتیم و در صورتی که تشکیلات نظامی ایرانی در کشورمان وجود داشتند آن را اعلام خواهیم کرد و این روابط نیازمند توافق نامه هایی میان دو کشور است که از پارلمان ها می گذرد و نمی توان چنین روابطی را پنهان کرد.

آیا شما از مشاوران ایرانی دعوت کردید در سوریه حضور یابند؟

بشار اسد: بله. ما از همان اول از ایرانی ها و روس ها خواستیم در سوریه حضور یابند. زیرا به کمک این کشورها نیاز داشتیم و ایران به درخواست ما پاسخ مثبت داد.

چندین بار اشاره کردید که در سوریه هیچ پایگاه ایرانی وجود ندارد. اولا: چرا در حالی که مشاهده می کنیم روس ها در سوریه پایگاه دارند پایگاههای ایرانی ها در سوریه وجود ندارد؟

بشار اسد: از آنجا که ایران، مانند روسیه، یک کشور همپیمان روسیه است هیچ مانعی بر سر وجود چنین پایگاههایی وجود ندارد.

اگر ایران در این زمینه درخواست کند آیا شما موافقت می کنید؟

بشار اسد: اگر ما بخواهیم از آن کشور می خواهیم با آن موافقت کند و برعکس. یعنی ما درخواست می کنیم چنین پایگاههایی در کشورمان برپا شود تا به ما کمک کنند. ایران چنین درخواستی را مطرح نکرده است و تنها منافع آن کشور نیز در مبارزه با تروریسم است. اما گسترش دامنه جنگ منجر به گسترش ماهیت این حضور شد و درباره روس ها نیز این گونه بود. در ابتدا حمایت های روسیه مانند حمایت های ایران، با وضعیت امروز متفاوت بود. اما با مقابله ارتش سوریه با توریست ها، دامنه حمایت بین المللی از تروریسم گسترش یافت و در نتیجه آن حضور نظامی روسیه و ایران در سوریه نیز گسترده تر شد. در مرحله ای، ما با روس ها مشاهده کردیم که وجود پایگاههای نظامی هوایی برای حمایت هوایی از ارتش سوریه، ضروری است. امروزه اگر با همکاری، هماهنگی یا مذاکره با ایرانی ها احساس کنیم که به وجود پایگاههای نظامی ایران نیاز داریم در این زمینه تردیدی به خود راه نخواهیم داد. اما در حال حاضر، کمک های ایران به شکل کنونی، خوب و مؤثر است.

چرا با وجود اینکه به روسیه سفر کرده اید از ایران دیدار نکرده اید؟

بشار اسد: در حقیقت از چند ماه پیش دیدار از ایران در برنامه بود که به تعویق افتاد نه اینکه لغو شده باشد. دلیل به تعویق افتادن آن نیز، شرایط فوق العاده ای بود که در سوریه در ارتباط با تحولات جنگ به وجود آمد. این دیدار به تعویق افتاد. قطعا هیچ

مانعی در این زمینه وجود ندارد و به زودی و در اولین فرصت اقدام به دیدار از ایران خواهم کرد. این موضوع طبیعی و فقط مربوط به مسائل لجستیک است.

به موضوع دیگری می پردازیم. هفته گذشته، روز جهانی قدس بود. در حال حاضر، با توجه به مطرح شدن طرح موسوم به "قرارداد قرن" و انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس، قضیه فلسطین دشوارترین مراحل خود را سپری می کند. شما چه پیامی برای فلسطین دارید؟ آیا سوریه همچنان می تواند به قضیه فلسطین کمک نماید. اصولا مگر یکی از مهم ترین اهداف جنگ تحمیلی علیه سوریه، خارج کردن این کشور از محور مقاومت و تلاش برای کمک به مقاومت در فلسطین و لبنان نبود؟

بشار اسد: قضیه فلسطین از سال ۱۹۴۸ تاکنون، پیچیده بوده است. دلیل آن نیز پیچیدگی های منطقه و تلاش مداوم استعمار غرب حامی اسرائیل برای ایجاد عناصر متعدد در راستای هدف مشخصی یعنی ناامید کردن عرب هاست که از نظر تاریخی همواره با قضیه فلسطین ارتباط داشته و آن را قضیه قومیتی خود دانسته و حتی از نظر ملی آن را احساس کرده اند.

جنبه دیگر آن منحرف کردن اذهان ملت های عرب، دولت ها و به طور کلی جوامع با مسائل فرعی است تا وقتی برای فکر کردن به موضوع فلسطین و اشغالگری اسرائیل نداشته باشند و در این زمینه نیز تا حدودی موفق بوده اند و آخرین قضیه در این زمینه، انقلاب های موسوم به "بهار عربی" بود که هدف از آن نابودی زیرساخت ها و ساختارهای سیاسی و نظامی جوامع کشورهای عربی بود.

با این وجود حوادث اخیر ثابت کرد ملت های عرب، همچنان از نظر وجدانی با قضیه فلسطین در ارتباط است. حوادث سوریه نیز بخشی از این طرح ها با هدف ضربه زدن به وضعیت کلی عرب هاست تا اولا سوریه از کمک به قضیه فلسطین دست بردارد. همچنانکه قبلا اشاره کردم حمله به ارتش رژیم صهیونیستی، برقراری مجدد آرامش در سوریه، نابودی تروریسم و به شکست کشاندن طرح های اشغالگران صهیونیست در کشور، قطعا بخشی از کمک به قضیه فلسطین است.

ممکن است این موضوع تأثیرات مستقیم و غیر مستقیمی بر آن داشته باشد. اما تأثیرات مستقیم آن به وضعیت داخلی فلسطین ارتباط دارد. نباید فراموش کرد که وضعیت داخلی فلسطین نیز میان گروههای مقاومت و وفادار به مبارزه با اشغالگران، گروههای مخالف مقاومت و طرفدار سازش و تسلیم در مقابل آنها و همچنین جریان های دیگری که از مقاومت به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاسی در پوشش دین بهره برداری می کنند دچار چنددستگی شده است که البته این سیاست، روش اخوان المسلمین می باشد.

آیا شما از حزب الله درخواست کردید که از سوریه خارج شود؟ چندی پیش سید حسن نصر الله در یکی از سخنرانی های خود اعلام کردند که هیچ کس نمی تواند ما را از سوریه بیرون کند مگر آنکه مقامات رسمی سوری از ما این درخواست را داشته باشند.

بشار اسد: جنگ سوریه طولانی و مستمر است و نیاز به این ائتلاف سه گانه احساس می شود که با ورود حزب الله به آن می توان آن را ائتلافی چهارگانه تلقی کرد و زمانی که روی سخن ما در مورد کشور ها و دولت هاست این ائتلاف سه گانه نامیده می شود.

با این حال حزب الله عنصری اساسی در این جنگ است درحالی که این جنگ طولانی و مستمر شده است و نیاز به این نیروهای نظامی در مدت زمان زیادی احساس خواهد شد؛ اما هر زمانی که نیاز باشد و هر زمانی که حزب الله یا ایران یا غیر آنها اعتقاد داشته باشند که تروریسم سرنگون شده است آن زمان خواهند گفت که ما می خواهیم به کشورهای خود بازگردیم همانطوری که سید حسن نصرالله گفتند این نیروهای نظامی نیز خانواده هایی دارند و امور روزمره ای دارند که باید به آن بپردازند و این امری طبیعی است اما در زمان حاضر زود است که در این مورد صحبت کنیم.

تا امروز مناطقی وجود دارند که همچنان تحت سیطره تروریسم و اشغالگران هستند در همین حال متاسفانه برخی کشورهای عربی بویژه عربستان از آمادگی خود برای ارسال نظامیان خود به سوریه خبر داده اند و در مقابل در روزهای اخیر شاهد آن هستیم که گردانهای مقاومت عشایری مردمی برای مقاومت در برابر اشغالگران تشکیل شده است آیا این گروه ها واقعا مردمی هستند؟ آیا از حمایت دولت سوریه برخوردار هستند؟ و آیا این به آن معنی است که ارتش نمی تواند مناطق تحت اشغال را آزاد کند و به همین دلیل از عشایر کمک می گیرد؟ در واقع ماهیت این موضوع چیست؟

بشار اسد: در سال های اخیرشکل های مختلفی از این مقاومت ظهور پیدا کردند و در ابتدا و پیش از آن که ضد اشغالگران باشند با هدف مقابله با داعش و در مناطق شرقی و مرکزی ایجاد شدند و هم اکنون اشکال مختلفی از این گروه ها در مناطق مختلفی وجود دارد که شاید نتوان کاملا آن ها را شناسایی کرد و شاید برخی مواقع اخبار آنها را از طریق تحولات و اتفاقاتی که در آن اماکن رخ می دهد بشنویم و هم اکنون این حالت بیشتر شده است بنابراین می توان گفت این تلاش های مردمی به یک شکل واحد نیست و گاهی به شکل فردی و یا گروه های کوچکی که ارتباطی به گروههای نظام مند ندارند ظهور پیدا می کند اما در همه شرایط و نسبت به همه اشکال این گروه ها ، موضع ما از ابتدا به عنوان یک دولت آشکار بود و دولت سوریه از هرگونه مقاومت در برابر تروریست ها یا نیروهای اشغالگر صرف نظر از ملیتشان، حمایت کرده است؛خواه این اشغالگران آمریکایی باشند یا فرانسوی یا ترک و یا اسرائیلی. در واقع ما از این نیروهای مقاومت در برابر اشغالگران با توجه به نقش ملی خود در قالب دولت حمایت می کنیم.

ادعای ارسال نیروهای نظامی از سوی کشورهایی مثل عربستان به سوریه را چگونه ارزیابی می کنید؟

بشار اسد: زمانی که از یک کشور صحبت می کنیم بحث استقلال در تصمیم گیری توسط آن کشور مطرح است فلذا ما از نقش عربستان در ارسال نیروهای نظامی به سوریه صحبت نمی کنیم؛ می توان گفت که این امر به تصمیم آمریکا بستگی دارد.

برخی از کشورهای عربی وجود دارند که می توان گفت در جنگ علیه سوریه و تخریب این کشور نقش داشته اند و می کوشند که از طریق ادعای بازسازی سوریه وارد آن شوند در این مورد چه نظری دارید؟

بشار اسد: بازسازی در سوریه برای ما جای نگرانی ندارد، بازسازی نیازمند دو عامل است، اول عامل انسانی و دوم عامل مالی، وقتی کشوری مانند سوریه دغدغه عامل انسانی را ندارد، هزینه مالی برای آن نیز کمتر می شود، این موضوعی بدیهی است.
به رغم مهاجرت بسیاری از سوریه در طول جنگ؛ اما همچنان قدرت بازسازی را داریم به این دلیل که نظام حرکت می کند و بازسازی عملا آغاز شده است، اما درباره نیازهای مالی، از سویی ملت سوریه دارای امکانات مالی و سرمایه است که عمده آن در سوریه نیست یعنی در خارج است، اما این سرمایه منتظر آغاز بازسازی است تا سرمایه گذاری آغاز شود، از سوی دیگر، کشورهای دوست دارای توانمندی هستند و همچنین تمایل دارند ما را در این مسیر کمک مالی کنند، ما نیز راغبیم که بازسازی با مشارکت آنان صورت گیرد تا آنان از این فرصت استفاده کنند و ما نیز بهره خود را ببریم؛ اما اگر کشوری به بهانه ما در سوریه نیروی انسانی و متخصص بسیار داریم.

حتی اگر در این زمینه نیاز به منابع مالی باشد؟

بشار اسد: خیر، منابع مالی همه چیز نیست، به شما گفتم که این موجود و در دسترس است ، منابع مختلفی در جهان و در سوریه نسبت به این منبع مالی وجود دارد.

سوال پایانی، با این سال های پر از سختی ، طبعا درباره پایداری افسانه ای ارتش ، ملت و نیروهای مسلح سوریه ، سخن می گوییم ، اگر بخواهید درباره این دو سخن بگویید ، دشوارترین حالت یا حادثه که در این سالها به شما گذشت چه بود و همچنین در مقابل ، زیباترین و بهترین حالت ، چه بوده است؟

بشار اسد: بدترین حالت ها وقتی بود که تروریست ها بر یک منطقه سیطره می یافتند، طبیعی است در قلب نبرد نظامی که مرتبط با بهترین و بدترین حالت ها باشد و آن تحول در نبر نظامی است ، اگر بگویم بدترین حالت ها، وقتی بود که تروریست ها به یک منطقه، سیطره می یافتند، اشتباه نگفتم ، اما این مرتبط با نبردهای مشخصی است به ویژه وقتی یک منطقه استراتژیک یا یک شهر بزرگ باشد که در آن شمار زیادی از مردم باشند این دارای تاثیر روانی و معنوی بسیار زیادی است، اما در اینجا حالت های مستمری بود که باید به آن فکر کنیم و همچنان در آن زندگی می کنیم ، وقتی شخصی یا اشخاصی شهید می شوند ، این چیزی است که برای ما به طور هفتگی مستمر می باشد، باید فکر شود که یک خانواده عزیزی را از دست داده که هرگز، جبران نمی شود، چه بسا از طریق پیروزی در یک مرحله، اما در سطح خانواده و روانی، نمی توان شخص عزیزی را که خانواده از دست داده یا دوست را جبران نمود، این حالتی بسیار دردناک است که ما با آن زندگی می کنیم و به طور مستمر با آن مواجهیم ، و هرگز متوقف نمی شود حتی اگر جنگ متوقف شود، اما در اینجا جوانب دردناکی وجود دارد که از طریق جنگ در ابتدای آن حادث شده بود وقتی می بینی که این مقدار عدم مسئولیت ملی وجود دارد و چه بسا در اقلیت باشند اما شمار نه چندان اندکی از اشخاص بودند که آماده فروش وطن بودند و اینکه آن را در بازار با معیارهایشان قرار دادند اگر که اصلا موجود بوده باشد، در ازای پول یا مصلحت مشخص، طبعا مشخص از نظر افراط گرایی، در مقابل , هر پیروزی انگیزه ای برای پیروزی های بعدی در سال ۲۰۱۳ بود، همه پیروزی های شهر القصیر که آغاز پیروزی ها بود که اوج آن در شهر حلب در سال ۲۰۱۶ بود و آغاز پیروزی های بزرگ، پس از آن در دیر الزور و امروز در شادی پیروزی های آزادی دمشق زندگی می کنیم یعنی این حالت هایی که همه ما در آن زندگی می کنیم و شما با ما بودید و به طور حتم همان احساس شادی را دارید.

آیا لحظه ای بود که خسته شوید یا احساس خستگی نمایید، آیا لحظه ای بود که تردید کنید، در تمام تصمیم هایی که اتخاذ نمودید، آیا لحظه ای بود که دیگر همه چیز را رها کنید و بگویید که دیگر تمام شد کاری از دستم برنمی اید بگذارید بروم و خانواده ام را حفظ کنم، مثل خیلی ها که در دوره های خاصی رفتند؟

بشار اسد: امکان دارد این سوال در شیوه شخصی مطرح شود وقتی حالتی شخصی باشد می توانید با من به عنوان شخص برخورد نمایید ، شاید پس از چند ماه مایوس شوم و احساس خستگی و سرخوردگی نمایم یا بخواهم که به حالت دیگری انتقال یابم یا تسلیم شود این به عنوان شخص بالطبع امکان پذیر می باشد، اما آنچه مطرح می نمایید حالت شخصی نیست بلکه حالتی ملی است ، خودتان را در شرایط دیگر تصور نمایید چه بسا در حالت ساخت و ساز یا بازسازی وقتی تنها هستی احساس خستگی می کنی، اما وقتی شمار زیادی از مردم را می بینی که در این ساختن به تو کمک می کنند و دارای همان تصمیم هستند خستگی را فراموش می کنی، ما الان در حالتی ملی هستیم، از میلیون ها سوری سخن می گوییم، وقتی می بینی که یک خمپاره اصابت کرده و در هر مکان در سوریه قربانیانی هستند، احساس سرخوردگی می کنی اما وقتی پس از یک ساعت می بینی زندگی به همان منطقه بازگشته اوضاع روانی ات تغییر می کند، وقتی می بینی کارگران برق، نفت، معلم، کارمند در کنار رزمنده گان حرکت می نمایند آنهم بدون یاس و خستگی، چطور خسته شوی، این یک حالت گروهی است که به من به عنوان یک شخص تعلق ندارد بلکه متعلق به حالت انسانی ماست، وقتی با یکدیگر هستیم به عنوان یک جامعه چگونه زندگی می کنیم، این همان عاملی است که مشخص می نماید خسته شوی یا نشوی، اگر جامعه سوریه به این مرحله از یاس و تسلیم برسد به طور حتم من نیز از آنان خواهم بود و تسلیم خواهم شد، به طور حتم من دارای مولفه های پایداری هستم و این بدیهی است.

جناب رییس جمهور از حضرتعالی به خاطر این فرصت که به ما ارائه فرمودید، سپاسگزارم و به خاطر این صراحت که در پاسخ به این پرسش ها داشتید، از شما بسیار سپاسگزارم.

«رای الیوم» بررسی کرد؛

آیا لحن بشار اسد، نشان از ناامیدی او از پوتین دارد؟ / مسکو همچنان به سوریه اس ۳۰۰ نمی‌دهد؛ آیا پای تل‌آویو در میان است؟ / شاید پس از جام جهانی روسیه، اتفاقات جدیدی در سوریه رخ دهد

بشار اسد در جدیدترین مصاحبه اش به صورت تلویحی، هم پیمان روسی خود را به دلیل عدم واگذاری سامانه اس ۳۰۰ به سوریه سرزنش کرده، اما از انتقاد مستقیم دوری می‌کند. انگیزه‌های واقعی این تاخیر چیست؟ ایا اسرائیل تهدیدی کرده است؟ یا معامله‌ای بین پوتین و نتانیاهو صورت گرفته است؟



پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

رای الیوم در سرمقاله خود نوشت: بشار اسد در جدیدترین مصاحبه اش به صورت تلویحی، هم پیمان روسی خود را به دلیل عدم واگذاری سامانه اس ۳۰۰ به سوریه سرزنش کرده، اما از انتقاد مستقیم دوری می‌کند. انگیزه‌های واقعی این تاخیر چیست؟ ایا اسرائیل تهدیدی کرده است؟ یا معامله‌ای بین پوتین و نتانیاهو صورت گرفته است؟

به گزارش «انتخاب»، این روزنامه عرب زبان ادامه داد: نکات مهمی در مصاحبه بشار اسد با روزنامه انگلیسی «میل ان صندای» مطرح شد، اما مهمترین قسمت صحبت‌های اسد به واگذاری اس ۳۰۰ روسی به سوریه مربوط می‌شد.

رئیس جمهور سوریه در پاسخ به عدم واگذاری این سامانه توسط هم پیمانان روس خود اظهار داشت: «این مساله نظامی به طرف روسی مربوط می‌شود؛ این‌ها مواضع سیاسی و تاکتیک‌های نظامی خاص خود را دارند و ما در این مورد صحبت نمی‌کنیم».

از این پاسخ می‌توانیم دو نتیجه مهم بگیریم:

-اول آنکه روسیه تا این لحظه این نوع از موشک‌های خود را به سوریه واگذار نکرده است، با اینکه بارها مسئولان روس از نزدیک بودن زمان تسلیم اس ۳۰۰ به سوریه صحبت کرده اند، بویژه در سایه تجاوزهای مکرر اسرائیل به اهدافی در عمق سوریه.

-دوم آنکه تهدیدات اسرائیل در مورد بمباران این سامانه‌ها که از سوی لیبرمن وزیر جنگ اسرائیل و نتانیاهو مطرح می‌شود حداقل تا کنون نتیجه داده است و حتی شاید در این مورد معامله و تفاهمی بین تل آویو و مسکو وجود داشته باشد.

اسد با احتیاط شدیدی در این باره سخن گفته است، ضمن اینکه تلاش می‌کند هم پیمان روسی اش را خشمگین نکند. اما همزمان، لحن اسد حالتی از ناامیدی را منعکس می‌کند، چرا که روسیه این سامانه و حتی نسخه پیشرفته‌تر آن، اس ۴۰۰ را به کشورهای دیگری همچون ترکیه، الجزایر و حتی عربستان و قطر فروخته است، اما هنوز اقدام به واگذاری آن به هم پیمان روسی اش در منطقه نکرده است.

روس‌ها در پاسخ به سوالاتی در این باره می‌گویند که ارتش سوریه در حدّ نیاز خود سامانه‌های دفاعی لازم را در اختیار دارد و برای اثبات این ادعا، ساقط شدن حملات موشکی اسرائیل و آمریکا به دو پایگاه تیفور و شعیرات را مثال می‌زنند و این علاوه بر ساقط شدن اف ۱۶ اسرائیل توسط موشک اس ۲۰۰ روسیه است. اما این سامانه‌های موشکی پیشرفته

نیستند و نمی توانند در مقابل جنگنده‌های اف ۳۵ اسرائیل کاری از پیش ببرند.
نظریه‌ای وجود دارد که بر اساس آن، روسیه نمی خواهد این روزها وارد مقابله و تنش با اسرائیل شود؛ بویژه آنکه آغاز مهمترین اتفاق ورزشی یعنی جام جهانی در روسیه نزدیک است و هزینه‌ای بالغ بر ۴۰ میلیارد دلار برای مسکو دربرداشته است. اگر این نظریه درست باشد، که البته ما در صحت آن شک داریم، مانعی نیست که با پایان یافتن جام جهانی منتظر هر حادثه‌ای باشیم.
مترجم: مریم نصرالهی

شب شعر آیت‌الله خامنه‌ای

علی جیحون منتقد هنری



در شبی که حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، میزبان برخی از اهل فرهنگ بود، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی نیز طبق روال هر نیمه رمضان، چهارشنبه نهم خرداد، شب شعر سالانه خود را برگزار کرد.

انتقادها به برگزاری شب شعر رهبر جمهوری اسلامی همواره مطرح بوده است؛ در زمانه‌ای که حتی سنگ قبر شاعران بزرگ ایران از گزند مصون نیست، ادیبان مستقل هیچ‌گاه در چنین مراسمی شرکت نکردند و آن را نشانه توجه عالی‌ترین مقام حکومت به هنر شعر ندانستند.

در این شب شعر شاعرانی همچون موسوی گرمارودی، یوسفعلی میرشکاک و شاعرانی از افغانستان و هند و لبنان حضور داشتند.

شب شعر رهبر، بروز یک علاقه در شرایطی که شعر به عنوان "هنر ملی" ایران معرفی می‌شود و اغلب مردم این کشور نیز خود را علاقه‌مند به شعر می‌دانند، آیت‌الله خامنه‌ای نیز به گفته نزدیکانش از پیش از انقلاب به شعر و شرکت در محافل ادبی علاقه داشته است.

او همچنین دستی در شعر دارد و تخلص "امین" را برای اشعارش که بیشتر در قالب غزل سروده شده، انتخاب کرده است.

اما آیت‌الله خامنه‌ای دست‌کم در دوران رهبری‌اش، این علاقه را نه به شیوه‌ای مدرن، فردی یا با اتخاذ سیاست‌هایی کلی در جهت ارتقاء شعر ایران آنگونه که از یک مقام حکومتی انتظار

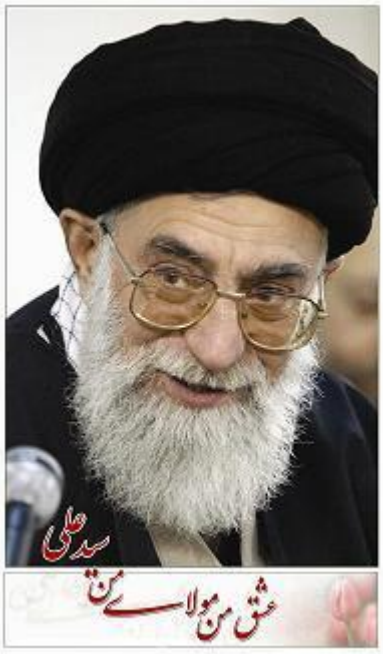
می‌رود، بلکه به همان شیوه قدیمی و همیشگی خود بروز می‌دهد.
در این مراسم که با تبلیغات گسترده رسانه‌های حکومتی برگزار می شود، پس از افطار با نوشیدن چای، رهبر ایران به شعرخوانی شاعران گوش می‌دهد و نظراتش را درباره آن ها بیان می کند.
از این نظر، آیت‌الله خامنه‌ای با سلفش آیت‌الله خمینی متفاوت است. بنیانگذار جمهوری اسلامی که او نیز "شاعر" خوانده می‌شد هیچگاه شب شعری در دفتر خود برگزار نکرد و دیوان اشعار منسوب به او نیز پیش از مرگش منتشر نشد.
با این حال، آیت‌الله خامنه‌ای تلاش دارد با سخنرانی سالانه درباره شعر، برگزاری چنین شبی را از چارچوب سرگرمی یا به قول نسل امروز "دورهمی" خارج کند و آن را برای ارتقاء "شعر انقلاب" و ارائه کارنامه‌ای از این گونه شعر ضروری بداند.



"مهمترین شب شعر سال"؟ اما رسانه‌های حکومتی فراتر از "شعر انقلاب" رفته و این شب شعر را با توصیفاتی چون "مهمترین شب شعر سال" و "منظومه‌ای از شعر و ادبیات ایرانی" به کل شعر ایران ارتقاء داده‌اند.
همچنین خبرنگاران این رسانه‌ها در "حاشیه‌نگاری"های خود، با به کار بردن عبارات تمجیدآمیز و لحنی خاص، تلاش می‌کنند "بار احساسی" این مراسم را تا جایی که ممکن است بالا ببرند.
مثلا خبرگزاری فارس از "حلقه شاعران گرد حضرت ماه" نوشته و "نکته‌سنجی" و "ذکاوت آقا" در شعر را ستوده، خبرگزاری مهر بر "تفقد"های آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کرده و خبرگزاری تسنیم نیز با اشاره به "حضور قابل توجه شاعران دیدار اولی" (یعنی کسانی که

برای بار اول در این شب شعر شرکت می‌کنند) رهبر جمهوری اسلامی را "قافله سالار شعر انقلاب" معرفی کرده است.
در گزارش این رسانه‌ها، که حتی "آفرین"ها و "احسنت"ها و "طیب‌الله"های آیت‌الله خامنه‌ای به همراه شوخی‌های او به صورت جزئی روایت شده، "تمامی شاعران حاضر" پس از "نکته‌های دقیق" رهبر جمهوری اسلامی "لب به تحسین" او می‌گشایند.
صرف نظر از روال یکنواخت، شعرهای تبلیغاتی و ایدئولوژیک و ستایش‌های غلوآمیز از رهبر جمهوری اسلامی، عدم شرکت برخی از شاعران مهم در این جلسه، موفقیت شب شعر آیت‌الله خامنه‌ای در جذب یا نگهداری شاعران نزدیک به حکومت را به چالش می‌کشد

شعرهای سیاسی در جلسه شعر رهبر شعرهایی که در شب شعر امسال آیت‌الله خامنه‌ای خوانده شد، اغلب در راستا و تأیید سیاست‌های کلان داخلی و خارجی حکومت است.
غلامعلی حداد عادل، از نزدیکان آیت‌الله خامنه‌ای که هر سال در شب شعر او شرکت می‌کند، با توجه به نامگذاری امسال از سوی رهبر جمهوری اسلامی، شعری در ستایش "کالای ایرانی" خواند: "هوادار آبادی میهنم، نگهدار ایران ز ویرانی‌ام، ندارم به جز مهر ایران به دل، خریدار کالای ایرانی‌ام."
همچنین در این جلسه در ستایش "مدافعان حرم" شعر خوانده شد و شاعر دیگری نیز علیه عربستان سعودی شعر خواند: "امّا تو چه داری که به جز فتنه ببافی؟ امّا تو چه داری که به جز فرقه بسازی؟"
یکی از شاعران امسال در حضور آیت‌الله خامنه‌ای شعری را خواند که برگزاری شب‌های شعر در ایران را تمسخر می‌کرد: "یک شب به هوای طلب فوت و فن شعر، رفتم شب شعری منِ استاد ندیده ... دیدم چه مراعات نظیری است در آنجا ... مردان همگی پاچه شلوار تفنگی، زن‌ها همگی مانتوی پندار دریده، بر بینی‌شان تیغ عمل خورده و لب‌ها، بوتاکس شده همچو انار ترکیده..."
هر سال پس از برگزاری شب شعر رهبر جمهوری اسلامی، برخی از شاعران در گفت‌وگو با رسانه‌ها از تجربه حضور خود در این جلسه می‌گویند و بر "شعرشناسی" و قدرت رهبر جمهوری اسلامی در "نقد حرفه‌ای شعر" تأکید می‌کنند.



«سلم لمن سالمکم آقا حرب لمن حاربکم آقا»

شاعرانی که غایبند جلسه شعر رهبر جمهوری اسلامی فقط مورد انتقاد شاعران مستقل نیست. بلکه از جمع شاعرانی که از ابتدای انقلاب ایران در سازمان‌های انقلابی چون حوزه هنری و رادیو و تلویزیون دولتی حضور داشتند، کسانی هستند که هرگز در این جلسه شرکت نکردند و یا پس از مدتی از آن کناره گرفتند.

در سال‌های گذشته، برخی از این شاعران ترجیح می‌دادند که در همان شب شعر آیت‌الله خامنه‌ای، در مراسمی که روسای جمهور برگزار می کنند شرکت کنند.

بهترین نمونه در این زمینه قیصر امین‌پور است که از او به عنوان یکی از مهم‌ترین "شاعران انقلاب" یاد می‌شود. امین‌پور نه تنها از شرکت در شب شعر آیت‌الله خامنه‌ای پرهیز می‌کرد، بلکه حتی در اواخر عمر در همان شب دیدار شاعران با آیت‌الله خامنه‌ای ترجیح داد در مراسم سخنرانی محمد خاتمی در موزه قرآن شرکت کند که تازه از سیاست کنار رفته بود، اما هنوز ممنوعیت کنونی را نداشت.

به نظر می‌رسد که خود آیت‌الله خامنه‌ای به خوبی این نکته را می‌داند. امسال وقتی علیرضا قزوه، مسئول گزینش شاعران شرکت‌کننده، نام شاعران انقلابی درگذشته را ذکر کرد که قبلا در این شب شعر شرکت می‌کردند، رهبر جمهوری اسلامی گفت: "برخی‌ها هم نمی‌آمدند که نام بردید."

در مقابل، حضور همیشگی برخی از شرکت‌کنندگان در شب شعر آیت‌الله خامنه‌ای، گاهی حتی انتقاد شاعران شرکت‌کننده را هم برمی‌انگیزد.

صرف نظر از روال یکنواخت، شعرهای تبلیغاتی و ایدئولوژیک و ستایش‌های غلوآمیز از رهبر جمهوری اسلامی، عدم شرکت برخی از شاعران مهم در این جلسه، موفقیت این شب شعرها در جذب یا نگهداری شاعران نزدیک به حکومت را به چالش می‌کشد.

رهبري شاعر و منتقدي ادبی

Sun 12 08 2012 فرج سرکوهی

از بخت بدم نیست دگر سوز و گدازی = من سردتر از بخت زمستانی خویشم
از شعرهای علی خامنه ای متخلص به امین

«میهمانی افطار» یا دیدار ماه رمضانی امسال رهبر جمهوری اسلامی با کسانی که سایت رسمی اطلاع رسانی رهبری و رسانه های حکومتی آنان را « گزیده شاعران کشور» معرفی می کنند اما جز یکی دو تن ، آن هم فقط در عرصه تقلید از شعر پیش از مشروطه، نام و اعتباری در شعر و شاعری ندارند، چون شعرخوانی میهمانان «برگزیده» دفتر رهبری و چون گفته های رهبر در باره هنر و ادبیات، جز تکرار کلیشه ای تصویری که هر سال یکی دو بار به تیتر اول رسانه های ایران بدل می شود نبود اما کالبد شکافی این دیدارها برخی شاخصه های ساختار سیاسی جمهوری اسلامی و ابعادی از شخصیت رهبر آن را به دست می دهد.
به نوشته سایت رسمی رهبر «میهمانی افطار رهبر انقلاب با گزیده شاعران کشور از دوران ریاست جمهوری» او آغاز شد
اما علاقه وافر آقای خامنه ای به شاعری و نقد شعر به روایت خود او و به روایت زندگی نامه نویسان رسمی او، به دوران جوانی و به زمانی برمی گردد که طلبه جوان می کوشید تا با آشنا شدن با شاعران مشهور و عضویت در انجمن های ادبی به جرگه شاعران مقلد شعر پیش از مشروطه راه یابد.

چرا رهبر را شاعر و منتقد معرفی می کنند؟ چرا در نهادهای تبلیغاتی می‌کوشند تا چهره «رهبر معظم و فرزانه» را با نشان هنرشناسی، شاعری و منتقد ادبی نیز تزئین کنند؟

آیت الله خمینی نیز به تقلید از شاعران پیش از مشروطه شعر می سرود اما شاعری او، تا درگذشت او، از چشم اغلب مردم پنهان ماند و در تبلیغات کیش شخصیت او مطرح نشد چرا که او نه در عرصه سیاست و نه در عرصه روان شناسی فردی به معرفی خود به عنوان شاعر نیاز نداشت.
شهرت به شاعری و منتقد ادبی بودن بر شان، مرجعیت دینی و سیاسی، نفوذ معنوی و محبوبیت رهبر جمهوری اسلامی در میان هوادارنش نمی افراید و از همین روی تلاش آقای خامنه ای برای معرفی خود به عنوان شاعر و شعرشناس، بیش از آن که مولفه ای سیاسی در کیش شخصیت او باشد ریشه در نیازی نهفته در روان شناسی فردی او دارد.
ستایش های غلوآمیز از شعر شناسی و شاعری رهبر نیز تلاشی است برای جلب حمایت رهبر از راه پاسخ دادن به نیازهای روانی او.

وهم مستبد یا استبداد وهم آزادی نقد و انتقاد سیاستمداران را در سخن گفتن به تامل وامی دارد چرا که گفته های آنان از دیدگاه های گوناگون نقد شده و نقد بر شمار آرا و سرنوشت سیاسی آنان اثر می نهد.
آزادی قدرتمندان ازانتقاد، غیبت آزادی نقد و رواج چاپلوسی نیز صاحبان قدرت را به تدریج به توهم دانائی و فرزانگی و به تکرار ملال آور کلیات در همه عرصه ها معتاد کرده و گاه بدان جا می کشاند که آرزوهای ناکام جوانی خود را تحقق یافته بپندارند.
آدلف هیتلر به دوران جوانی سودای نقاش شدن در سر داشت اما نه فقط از خلق اثری با ارزش

پائین ناتوان بود که در آزمون ورودی مدرسه نقاشی پذیرفته نشد.
هیتلر به دوران جنگ جهانی اول سرجوخه پیاده نظام ارتش آلمان بود اما به دوران قدرت خود را در عرصه استراتژی نظامی از ژنرال های دانشگاه دیده و با تجربه برتر می پنداشت و باور داشت که نقاشی های او در تاریخ هنر ماندگار خواهد شد.

رهبر کنونی جمهوری اسلامی از دوران جوانی سودای شاعری و نقد شعر در سر داشت اما به گواهی کارنامه شعری و حتی به گفته خود او که «شعرهای خودم در حدی نیست که بخوانم. می دانستم که اگر نقد شوند اشکالات زیادی دارد»، در عرصه شاعری جز ناکامی نصیب نبرد.
او که به دوران قدرت و در غیبت نقد و انتقاد؛ آرزوی ناکام جوانی را تحقق یافته می پندارد سالی یک بار در ملاقات با «شاعران برگزیده» دفتر خود، کلیاتی را به عنوان نقد شعر و رهنمود به شاعران و نویسندگان تکرار می کند.
میهمانی افطار رهبر به گفته رسانه های حکومتی با «شعرشناسی، تخصص، خبرگی و هنر شناسی رهبر فرزانه معطر می‌شود» و «برگزیدگان» نیز به شیوه مدیحه سرایان عصر غزنوی از « نظرهای عمیق ، صائب، بدیع و راهگشای رهبر فرزانه» ستایش کرده و نقش خود را در روند مکانیزم جبرانی در روان شناسی رهبر بازی می کنند.
برخی شعرهای رهبر منتشر شده و برخی با صدای خود او در شبکه اینترنت موجود است.
نفرت از شکست نیز مولفه دیگر این روند است. برخی شاعران ناکام به بیماری حسد و نفرت از شاعران موفق و محبوب مبتلا شده و مکانیزم جبرانی روان شناسی فردی آنان به دوران قدرت، رنج ناتوانی را به تیغ سانسور و حذف و درد ناکامی را به میل وافر به شنیدن مدح و ستایش از توانائی های هنری استحاله می کند.
در یکی از نشست های رهبر با شاعران برگزیده، آقای حداد عادل، نماینده با نفوذ مجلس، در شعری «دو چشمان» رهبر را«چراغ شام یلدا و فانوس دریای همه»،« آفتاب صورت» او را« «خورشید فردای همه»، «خنده» او را«خنده خورشید صبح» و...دانست و رهبر شعرشناس بر شعر او «آفرین» گفت.

شاعران انجمنی و کارنامه شعری آقای خامنه ای «شاعران انجمنی» در دهه های چهل و پنجاه به سرایندگان اغلب گمنام و ناموفقی اطلاق می‌شد که با شعرخوانی برای یک دیگر اوقات فراغت خود را پر می کردند.
در «انجمن های ادبی» دهه های چهل و پنجاه، که در ادبیات و هنر معاصر و حتی در رسانه‌های کم مایه عامه پسند نقش و حضوری نداشتند، یکی دو شاعر مقلد اسلوب‌های قدمایی و گروهی شاعران گمنام ناموفق، که با تحولات زبانی، محتوایی، ساختاری و نظری شعر ایران پس از مشروطه و با دستاردهای نقد و نظریه ادبی جهان بیگانه بودند، گرد می‌آمدند و سروده‌های خود را، که اغلب تقلید کم مایه از سبک، روال، زبان، مضامین و محتوای قدمای سبک های عراقی و هندی بود، برای هم می‌خواندند.
شعرهای منتشر شده آقای خامنه‌ای، که اغلب با تخلص« امین» سروده است، به روال آن گروه از شاعران انجمنی نزدیک است که بازی های لفظی و تکراری سبک هندی را با مضامین

عرفانی هزاربار گفته شده غزل در سبک عراقی ترکیب و با صنایع بدیعی شعر پیش از مشروطه تزئین می کنند.
به روایت محسن مؤمنی شریف، از روسای حوزه هنری و از نویسندگان زندگی نامه رسمی آقای خامنه ای، آقای خامنه‌ای به دوران جوانی عضو «انجمن ادبی فردوسی» در مشهد بود و به «انجمن ادبی فرخ» نیز رفت و آمد داشت.
علی خامنه ای جوان که می کوشید تا با شاعران معروف آشنا شود به هنگام ورود علامه امینی به مشهد، کسی را می بیند که سایت رسمی رهبر او را «غلامرضا قدسی، شاعر نامدار خراسان» معرفی می کند اما قدسی به رغم سرایش منظومه «عفاف نامه» و صدها بیت قدمائی دیگر نام و اعتباری در تاریخ ادبی ایران ندارد.
به روایت آقای مومنی شریف خامنه ای جوان نزد قدسی می رود و «بیتی را که از او به یاد داشت» می خواند. «به تشویق و دلالت غلامرضا قدسی به انجمن ادبی فردوسی پیوست که عده اشان هر چند اندک بود، تبحرشان در نقد و حلاجی شعر بی مانند بود .... شاعران این انجمن عمدتاً مسحور صائب تبریزی بودند و اشعار شاعران مکتب عراقی، سبک رایج روزگار، برایشان حلاوتی نداشت»
صلاحیت ادبی راوی این داستان که «تبحر» اعضای انجمن فردوسی را در «نقد و حلاجی شعر» «بی مانند» توصیف می کند در حدی است که سبک عراقی، سبک غالب شعر فارسی از قرن پنجم هجری تا دوران صفوی را در دهه چهل، «سبک رایج روزگار» می داند.
«سیدعلی آقا نیز تحت تأثیر مضمون پردازیها و نازک اندیشی های سبک هندی قرار گرفت و از آن حظ بیشتری برد. همین شیفتگی موجب شد، امیری فیروزکوه ، بزرگترین شاعر این سبک در ایران را در تهران پیدا کند و دوستی دیرپایی بین شان صورت یابد. امیری فیروزکوهی همیشه از هوش آقای خامنه ای در دریافت پیچیدگی و ظرایف و طرائف شعر- خاصه شعرسبک هندی - با تحسین توأم با حیرت یاد می کرد و بارها به غلامرضا قدسی گفته بود:"ایشان بزرگترین شعر شناس ایران است»
امیری فیروزکوهی از شاعران انجمنی و مقلد سبک هندی دوران صفوی بود و از انبوه سروده های او جز یکی دو بیت، قطعه و غزل قدمایی بر جای نمانده است.
امیری فیروزکوهی از نظریه و نقد شعر پس از مشروطه بی خبر بود و توصیف او در باره آقای خامنه ای، که از آن روزگار تا کنون حتی یک مقاله در باب نقد شعر ننوشته است، به عنوان «بزرگترین شعر شناس ایران»، اگر جعلی نباشد، به مطایبه یا تعارف طنزآمیز شباهت می برد.
بر اساس این روایت« آقای خامنه ای، خیلی زود در انجمن فردوسی جایگاه خود را یافت. آن قدر که حتی بعضی از شاعران خراسانی پیش از نظر او سروده اشان را در جایی مطرح نمی کردند.»
رهبر جمهوری اسلامی نیز این گونه تمجیدها را باور کرده و در متنی با عنوان «گفت و گو با نویسندگان» مدعی است « در آن جلسه ادبی مشهد که اشعار نقد و بررسی می‌شد، گمان نمی کنم که من نظری داده باشم و مقبول واقع نشده باشد»
همه نظریات آقای خامنه ای در انجمن فردوسی، به ادعای او پذیرفته می شده و سطح و عمق مباحث نقد و نظریه ادبی در این انجمن، بازهم به ادعای او، از همه محافل ادبی ایران بالاتر

بوده است .«گمان نمی کنم هیچ جا، این جور نقّادی شعری که در انجمن ادبی‌ای که من میرفتم بود، وجود داشته باشد»
خامنه ای در«انجمن فرخ» نیز حضور می یافت و نظریات او «مورد تشویق دکتر فیاض قرار می گرفت».
حسین ابراهیمی دیانی از حضور خامنه ای در جلسه شعری در مدرسه دینی حجت، محمد حسین بهجتی از حضور او در شعر خوانی طلبه ها در «جلساتی که در ایام فراغت در یکی از حجره های مدرسه برگزار می شد» و محمد جواد کرمانی از حافظ خوانی او در جلسه ای دیگر خبر می دهند و او«در سفربه اصفهان در جلسه شعر صغیر اصفهانی شرکت کرد و شعری را از سروده های خود را خواند»
«در بیست و چهار سالگی شور شعر در او رو به کاستی نهاد. این به خاطر سفارش مرحوم امیری فیروز کوهی بود که ایشان را از پرداختن به شعر بر حذر داشته بود و گفته بود: حیف است شما صرف شعر شوید»
آقای خامنه ای خود می گوید «یک جوری فهمیده بودم که شعرهای خودم در حدی نیست که بخوانم. می دانستم که اگر نقد شوند اشکالات زیادی دارد ، از اشعار خودم راضی نبودم البته این تا سالهای 1342 و یا 1344 ادامه داشت»
آقای خامنه ای به گفته خود در سال 1353 بازداشت و در تنهائی سلول انفرادی بار دیگر «احساس کرد شعرهای سال ها فراموش شده به خاطرش می آید»
پس از انقلاب « وقتی شنیدند نخستین تشکل شاعران انقلاب شکل گرفته نیمه شبی به آن جلسه رسیدند»، « من، سه- چهار جلسه‌اش را توانستم بروم. اما من دیگر نمی‌رسیدم بروم. »
تمامی کارنامه شعری رهبر ایران به همین خطوط کم رنگ محدود می شود اما «شاعران برگزیده» دفتر رهبری و رسانه های حکومتی شعر او را با شعر کلاسیک هائی چون حافظ ، سعدی و صائب برابر می دانند.

نظریه های رهبر در هنر و ادبیات رهبر ایران در نشست سالانه با «شاعران برگزیده» دفتر خود اغلب کلیاتی را در باب «تعهد»، «هنر اسلامی» و «مبارزه با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم» در شعر مطرح و امسال نیز تاکید کرد که «شعر باید در خدمت ارزشها باشد و هنرمند باید استعداد خود را «در خدمت به دین، اخلاق، انقلاب و معرفت افزایی قرار دهد» .
تاکید ساختارهای استبدادی بر تولید هنر مکتبی رخدادی تازه نیست. نظریه پردازان آلمان نازی و اتحاد شوروی سابق با عمق و گستردگی بسیار فراتر از کلیات مطرح شده در سخنان آقای خامنه ای، ده ها کتاب نظری در این باب نوشته و سانسور این دو حکومت نیز با حذف دیگراندیشان و سرمایه گذاری برای تولید هنر مکتبی کوشیدند تا این نظریه ها را تحق بخشیدند.
اما شکست این دو و شکست سی سال تلاش برای تولید به اسم هنر و ادبیات اسلامی در ایران از امکان ناپذیری تقلیل هنر و ادبیات به تبلیغات حکومتی حکایت می کند.
سانسور حتی بر آثار کلاسیک شعر فارسی نیز اعمال می شود اما از نگاه رهبر ایران «کاروان شعر در کشور با سرعت، دقت و جهت گیری درست به پیش می رود » و «یکی از مهمترین عواملش، باز بودن فضای جولان در عرصههای مختلف فکری و علمی و ذهنی

است»
رهبر ایران به این کلیات بسنده نکرده و با تکرار برخی اصطلاحات شعر پیش از مشروطه، داوری در باره ارزش های هنری شعر برخی معاصران و روایت باژگونه تاریخ می کوشد تا خود را منتقد ادبی نیز معرفی کند.
آقای خامنه ای مدعی است که « شعرای پیش از انقلاب را می شناختیم و با خیلیشان نشست و برخاست داشتیم» .
در زندگی نامه های رهبر و زندگی نامه شاعران مشهور ایران هیچ نشانی از «نشست و برخاست» آقای خامنه ای با «خیلی» از شاعران مشهور نیست و رابطه های او با شاعران به آن کسان که در زندگی نامه شعری او آمد و یکی دو برخورد با اخوان ثالث و چند شاعر خراسانی دیگر محدود است.
به نظر رهبر ایران نه هوشنگ ابتهاج و شهریار که « امیری فیروزکوهی حقاً در قله غزل زمان خودش قرار داشت»
خامنه ای به شیوه قدمای عصر صفوی شعر را «ظرفی برای بیان احساس شاعرانه» تعریف و شعر را در « مضمون آفرینی و جوششهای ذوقی» ، «احساسات لطیف شاعرانه» و «سه رکن لفظ مناسب، مضمون سازی و مضمون یابی» محدود می بیند. از منظر او «قالب غزل تاثیر گذارترین قالب شعر فارسی» است و ساختار غزل به « سه عنصر اصلی احساس، مضمون و لفظ» محدود است.
شاعران انجمنی با این گونه اصطلاحات و حکم ها، که در کتاب های دبیرستانی بدیع وقافیه پیش از 1341 تدریس می شدند، ناآگاهی خود را از مباحث نقد و نظریه ادبی دوران مشروطه به بعد به نمایش می گذاشتند.
از نگاه رهبر ایران «قالب شعر کلاسیك، قالب مطلوبی است ..,وزن و قافیه، چیز خوب و مثبتی است»
دریافت آقای خامنه ای از شعر نیمائی به شکستن وزن عروضی محدود است «شعر نیمایی می‌گفت من می‌خواهم مطالب و مفاهیمی را که جدید است، بیان کنم بنابراین، مجبورم که این افاعیل را کم یا زیاد کنم»
اما او با شعر شاملوئی ، شعر سپید، که رها از وزن عروضی کلاسیک بر موسیقی درونی شکل می گیرد به شدت مخالف است.
« اما این شعر سپید ؟ چه ضرورتی را ایجاب می‌کند که ما بکلی وزن را بشکنیم؟ شما می‌توانید همین مضمون را در یك چیز موزون بیاورید».

خامنه ای و اخوان ثالث «رابطه رهبر ایران با مهدی اخوان ثالث تا پایان عمر اخوان ادامه یافت . از میان شاعران معاصر اخوان برای رهبر ایران به نماد شاعر موفق و به آماج نفرت و حسد شاعر ناکام از شاعر محبوب بدل شد.
از نگاه رهبر ایران «مرحوم اخوان قطعاً بهترین شاعر نیماییِ زمان خودش بود اما شعر کلاسیکش واقعاً شعر بسیار متوسطی است» ...
رهبر ایران حتی به هنگام تمجید از شاعری بزرگ چون اخوان در نشست با گروهی از شاعران جوان در مشهد می گوید «با این حال، شماها نمتوانید از اخوان استفاده کنید؛ نمتوانید

بروید با او بنشینید؛ چون او اصلاً شماها را نفی مکند؛ شماها هم او را بکلی از رگ و ریشه نفی مکنید»
آقای خامنه ای به دوران ریاست جمهوری خود کوشید تا برخی شاعران محبوب خود از جمله مهرداد اوستا و مهدی اخوان ثالث را به سرایش شعر حکومتی تشویق کند.
او روایت می کند که به دوران ریاست جمهوری خود «تلفن اوستا را داشتم. با منزلش تماس گرفتم. گفتم: آقای اوستا! دیگر نوبت شماست. حالا باید به میدان بیایید. گفت: چشم. چشم.. واقعاً هم به میدان آمد»
«همان وقتها، یک تماس هم با اخوان گرفتم. گفتم بیایید توی میدان و با شعر، با زبان، از انقلاب حمایت کنید.، گفت: ما همیشه بر سلطه بوده‌ایم نه با سلطه»
اخوان که در کلامی فشرده، با تاکید بر استقلال روشنفکر از قدرت و علیه قدرت بودن خود از دام شعر حکومتی می گریزد، بعدها برای من و شماری دیگر حکایت کرد که چند روز پس از رد پیشنهاد خامنه‌ای چند نفری در خیابان راه بر او می بندند و او را به شدت کتک می‌زنند.
حقوق بازنشستگی اخوان قطع و کتاب های او سال ها ممنوع الچاپ شدند.
آقای خامنه‌ای در یکی از خطبه‌های نماز جمعه خود اخوان را «هیچ» خطاب کرد اما به روایتی پس از درگذشت اخوان با به خاک سپردن او در آرامگاه فردوسی موافقت کرد.
آیت الله خامنه‌ای دوستی خود با اخوان را این گونه توصیف می‌کند: "اخوان با من دوست بود. هم زمان ریاست جمهوری با من يك نوع ارتباط رقيق داشت و هم بعد از ریاست جمهوری - این آخری که از يك سفرِ ظاهراً یکساله به اروپا، برگشته بود - نامه‌ای به من نوشت و شعری گفت و بعد هم از دنیا رفت." در ارتباط با بعد شعری اخوان نیز، رهبر معظم انقلاب او را یکی از بهترین شاعران نیمایی زمان خودش معرفی می‌کند: "... در عرصه‌ی شعر نو، مرحوم اخوان که قطعاً بهترین شاعر نیماییِ زمان خودش بود و به نظر من از همه‌ی اقرانش قویتر، مسلطتر و لفظ و معنای شسته رفته و بهتری داشت، در يك گوشه‌ای زندگی می‌کرد؛ کسی از او خبری نداشت، کسی او را نمی‌شناخت، جز يك عده خواص؛ در حال عزلت و انزوا."
استاد شفیعی کدکنی خاطره لطیفی از برخورد آیت الله خامنه ای و استاد اخوان در آن دوران بازگو می کند که شنیدن آن خالی از لطف نیست: "سال‌هاي حوالي 1350 آيت‌الله خامنه‌اي در يكي از سفرهايشان به تهران، بر من وارد شدند و ساعاتي را با هم به شعرخواني صحبت گذرانديم، و در ضمن صحبت‌ها، ايشان از حال ساير دوستان شاعر خراساني كه مقيم تهران بودند جويا شدند، از جمله شادروان مهدي اخوان ثالث، و بعد گفتند همين الآن برويم منزلش و احوالي از او بپرسيم. به در خانهٔ اخوان كه رسيديم، آيت‌الله خامنه‌اي كمي آن‌طرف‌تر ايستادند و من رفتم زنگ را زدم. اخوان خودش آمد و در را باز كرد. اخوان داخل و من بيرون، زير چارچوب در با هم دست داديم و سلام‌عليكي كرديم و بعد اخوان مرا به داخل دعوت كرد كه آرام به او گفتم: با سيدعلي آقاي خامنه‌اي آمده‌ام. اخوان به سرعت بيرون رفت تا به ايشان خوش‌آمد بگويد و همين‌طور كه به سمت ايشان مي‌رفت، براي اينكه مطايبه‌اي هم كرده باشد، با لهجهٔ مشهدي به من گفت: «بَرِه چي خبر نكردي با آسيدعلي مي يَي كه مُو اقلا وقتِ ميام دم در، آستينامِه بزنم بالا كه مثلا دِرُم مُورُم وضو بگيرم!"

بعد از انقلاب نیز این رابطه به قوت خود باقی ماند تا جایی که اخوان به هنگام گرفتاری‌ها و مشکلات، دوست و همشهری دیرین خود را ملجائی برای رسیدگی به آن مشکلات می‌داند. به عنوان مثال اخوان قطعه شعری (توصیه نامه) {1} را برای آیت الله خامنه ای به منظور معرفی حسین منزوی، یکی از غزل‌سرایان مطرح کشور، برای اشتغال با این مقدمه می‌سراید: "پس از سقوط رژیم پهلوی بود که حسین منزوی غزل‌سرای نام آشنای دیارمان از همسرش بخاطر بیکاری جدا شد و دخترش"غزل" را نیز بخاطر بیکاری به مادرش سپرد. مدتی در زنجان و بعد در تهران به دنبال کار می گشت و چون می دانست که من با آقای سید علی خامنه ای امام جمعه تهران (هنوز ایشان رئیس جمهور نشده بودند) آشنائی دارم به نزدم آمد تا توصیه ای برای کار برایشان بنویسم تا مشکل بیکاری اش حل شود. من قطعه‌ی زیر را برای همشهری خود آقای خامنه ای نوشتم و منزوی هم با خط زیبا آنرا نوشت و به خدمتشان برد."
مشکل دیگری که اخوان در مورد آن به واسطه آشنایی با رهبر انقلاب و شناخت ایشان به فضل و شرف، اقدام به میانجیگری می‌کند، مسئله بازگشت دکتر خوئی به کشور است است. معرفی می‌کند. خواندن این خاطره از لسان اخوان بسیار دلنشین می‌باشد: "بعضی از این‌ها هم البته از عزیزان خودمان هستند مثل دکتر اسماعیل خوئی و نعمت آزرم و همین‌طور چند شاعر خوب دیگر هم دیدم. و من خیلی دلم می‌خواهد اجازه‌ای بیابم از دولت جمهوری اسلامی، از آقای خامنه‌ای که اهل ذوق و فضل هستند، مرد فاضل و با شرفی هستند، من دلم می‌خواهد اگر بشود و راه باشد از عطوفت اسلامی ایشان بهره‌ای بردارم.
بعضی از شعرای آن طرف، آدم‌های خوبی هستند. آدم‌های با شرفی هستند، من تضمین می‌کنم شرافت و پاکدامنی و صداقت و صمیمیت آن چند نفری که می‌شناسم. حالا یک وقتی آمده‌اند یک چیزی گفته‌اند. فرض کن کرکری هم خوانده‌اند، اما نمی‌گویم پشیمان مطلق ناجور، بلکه یحتمل حالا در جو غربت و چه و چه‌ها، بعید نیست که بسیاری از راه را با ندامت گونه‌ای در ذهن برگشته‌اند، بسیاری جزم‌ها را توخالی یافته‌اند و از این قبیل حرف‌ها و حیف هم هستند، از جمله مثلا من به اسماعیل خوئی گفتم (و اخوان به لهجهٔ خراسانی می‌گوید) مِتِنی (می‌تونی) دکارت درس بدی، گفت مِتِنُم (می‌تونم)، گفتم متنی کانت درس بدی، گفت ها، گفتم متنی یرکه گار درس بدی، گفت ها، گفتم متنی ژان پل سارتر درس بدی، گفت ها، و بعد هم دعوتنامه‌ای نشان داد که از امریکا برایش آمده بود که شش ماه برود آنجا به انگلیسی با عنوان استاد مهمان و ...، درس بدهد، چقدر هم پول بگیرد. پولی که یکی دو سال خرجش را تکافو می‌کرد.
گفتم پس چرا به بچه‌های تهران، به بچه‌های ایران درس نمی‌دی؟ به بچه‌های امریکا درس می‌دی که چی؟ البته درس بده به هر زبانی که می‌توانی و هر جا، جایش بود، ولی چرا در ایران و به فارسی نه؟ ایران هم حق دارد، بله؟ اگر بخواهی من می‌روم رو می‌اندازم پیش آقای خامنه‌ای، من برای خودم رو نینداخته‌ام برای تو و امثال تو می‌روم رو می‌اندازم.

{1}. امام جمعه ی تهران، جناب خامنه ای
کسی که این ورق آرد حسین منزوی است

حسین منزوی از شاعران زنجانی ست
جوان و فاضل و صاحب قریحه ای قوی است
چکد ز لطف و تری آب از غزلهایش
به شور نیز گهی چو جناب مولوی است
چو ریش و پشم اگر گشته خط عارض او
خط کتابت او همچو نقش مانوی است
چو من ندارد اگر هیکلی و بالایی
چه غ ! نه خوشگل صوری ، که خوب معنوی است
سه چهار بیت از او موقع ورود امام
سرود گشته و طومار آن نه منطوی است
امام گشت چو بیمار ، او سرود دعا
که چاپ گشت و مجله ی سروش محتوی است
کتاب حنجره ی زخمی تغزل او
هنوز رشک چه بسیار کهنه ای ، نوی است
وی از نبایر شیخ شهید اشراق است
نه انگلیسی و روسی و نه فرنسوی است
به رادیو ، به جراید ، به جام جم ، صدها
مقال داشته، فارغ ز کل ماسوی است
(ببخش ماسوی ار گشت ماسوی به ممال
نه از خطای من آن ، اقتضای این روی است)
نگویم اینکه بود مثل صاحب عباد
نگویم آنکه نویری ست ، یا تهانوی است
سخنسرای و مقالت نویس و اهل قلم
یکی از خمسویان وطن ، نه نمسوی است
یکی مسلمان زاده است و اهل این کشور
نه اهل کیش یهود و بها ، نه عیسوی است
جوان ، سخنور پا در رهی است رو به کمال
نه صوفی است و نه مزدشتی و نه نقطوی است
به فارسی و به ترکی است ذولسانینی
دکه وزن و قافیه اش راست ، مثل مثنوی است
الا که لطف خود از این جوان دریغ مدار
ثواب اخروی اینجا ، اگر نه دنیوی است
جوان شاعر صاحبدل وطنخواهی ست
نه تودگی و نه غربی ، نه خویشِ پهلوی است
چنین شناخته بودم که فضل با اسلام
هماره نسبتشان مثل شکل و محتوی است

مگر میانه ی اسلام ، با وطنخواهی
چنان چو فضل و ادب ، اختلاف ماهوی است؟
چرا گرسنه بمانند اینچنین فضلا ؟
چرا زمانه چنین بی درایت و غوی است؟
کنون که مسند قدرت تراست دستش گیر
که دستگیر ضعیفان فضیلت قوی است
جناب حجة الاسلامِ دنیوی گفتار
بهوش باش ، درین کار اجر اخروی است
مرا اگر چه ز سادات امید خیری نیست
ولیک خامنه ای باز غیر انجوی است
چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند
جز این هر آنکه بگوید ، ضلال و کجروی است
من این مسود توسیم می برم به بیاض
که نام قطعه به دیوان حسین منزوی است

سیره نظري مقام معظم رهبري در مقابل چاپلوسي :
مقام معظم رهبري به عنوان حاكم نخستين حكومت اسلامي مشروع پس از دوران معصومين(ع)، الگوي رفتاري خويش را نيز امام علي ع قرار داده و در ضمن سخنان مختلفي بر لزوم الگوگيري از سيره نظري و عملي آن امام همام در زمينه مسائل اجتماعي و سياسي تاكيد داشته اند كه يكي از اين الگوهاي رفتاري ، نحوه مقابله آن حضرت با متملقان و چاپلوسان مي باشد كه در يكي از خطبه هاي نمازجمعه مقام معظم رهبري به آن اشاره شده و در مورد الگو برداري از اين شيوه عملي ، تاكيد صورت گرفته است . ايشان در اين زمينه مي فرمايند : «يكى از خصوصيات اميرالمؤمنين در سلوك سياسى‌اش اين بود كه از مردم جداً - نه به صورت تعارف - درخواست ميكند كه با او متملقانه حرف نزنند، چاپلوسى نكنند، تصنع در برخورد با او به خرج ندهند. در وسط يكى از خطبه‌هاى اميرالمؤمنين - كه يكى از آن خطبه‌هاى بليغ و عجيب اميرالمؤمنين است - يك نفرى بلند شد، شروع كرد تعريف و تمجيد از اميرالمؤمنين؛ از سخن و از مطالب آن حضرت بنا كرد تمجيد كردن و ثنا كردن بر اميرالمؤمنين. حرفهاى او كه تمام شد، حضرت رو كرد به او، تقريباً به همان اندازه‌اى كه صحبت كرده بود - آنچه كه انسان توى نهج‌البلاغه و در آن مقدارى كه سيد رضى انتخاب كرده، مى‌بيند - در نصيحت اين مرد صحبت كرد كه با من اينجورى حرف نزنيد. از جمله همين عبارت معروف است: «فلا تكلّمونى بما تكلّم به الجبابرة»؛ آنجورى كه با پادشاهان، با جباران حرف ميزنند، با من حرف نزنيد. «و لاتتحفّظوا منّى بما يتحفّظ به عند اهل البادرة»؛ آنجورى كه ملاحظه ميكنند كه نبادا بدش بيايد، نبادا موجبِ ناخرسندى يا ناخوشايندى فلان جبار بشود - حرفهائى را نميزنند، ملاحظاتى را ميكنند - جلوى من اين ملاحظات را نكنيد. «و لاتخالطونى بالمصانعة و لا تظنّوا بى استثقالا فى حقّ قيل لى»؛(10) خيال نكنيد كه اگر حرف حقى را به من گفتيد، على از حرف حق شما دلگير خواهد شد. براى او سنگين خواهد آمد؛ اينجور نيست. اين هم يكى از خصوصيات سياست اميرالمؤمنين است.»(خطبه هاي نمازجمعه تهران ، 20/6/88)
ايشان همچنين يكي از آفات مسئولان نظام جمهوري اسلامي را نيز خطر چاپلوسان و متلقان دانسته و همواره مسئولان را از دل سپردن به چنين افرادي برحذر داشته اند : «به سخن نرم و دلنشين چاپلوسان هم دل نسپريد. اگر ما اين را رعايت كنيم، به نظر من خيلى به سود ماست.»(ديدار با اعضاي هيات دولت ، 17/7/84)
مقام معظم رهبري معتقدند دوران حكومت پيامبر اكرم ص نمونه و الگويي از يك حكومت واقعي اسلامي بود كه متاسفانه در دوران اموي و عباسي به انحراف كشيده شد و يكي از ويژگي هاي آن افتادن كارها به دست انسانهاي متملق بود . بنابر اين از نظر ايشان تملق صفتي است مذموم و ناپسند كه باعث انحطاط حكومت اسلامي مي شود و بايد به شدت از آن اجتناب نمود . «دوران خلافت مروانى و سفيانى و عباسى، دورانى بود كه ارزشهاى اسلامى از محتواى واقعى خودشان خالى شدند. صورتهايى باقى ماند؛ ولى محتواها، به محتواهاى جاهلى و شيطانى تبديل شد. آن دستگاهى كه مى‌خواست انسانها را عاقل، متعبد، مؤمن، آزاد، دور از آلايشها، خاضعِ عندالله و متكبر در مقابل متكبران تربيت كند و بسازد - كه بهترينش، همان دستگاه مديريت اسلامى در زمان پيامبر(ص) بود - به دستگاهى تبديل شد كه انسانها را با تدابير گوناگون، اهل دنيا و هوى و شهوات و تملق و دورى از معنويات و انسانهاى بى‌شخصيت و فاسق و فاسدى مى‌ساخت و رشد مى‌داد ... كسانى كه در اين دوران، تملق رؤسا و خلفا را مى‌گفتند، كارها در دست آنها بود. كارها بر اساس صلاحيت و شايستگيشان واگذار نمى‌شد.»(سخنرانى در ديدار با اقشار مختلف مردم،روز پانزدهم ماه مبارك رمضان و ميلاد امام حسن مجتبى«ع» ، 22/1/69)

سيره عملي مقام معظم رهبري در مقابل چاپلوسي :
مقام معظم رهبري علاوه بر سيره نظري ، به لحاظ عملي نيز همواره در برابر صفات مذمومي همچون تملق ، چاپلوسي و اغراق واكنش در خور نشان داده اند كه به برخي از اين موارد اشاره مي كنيم :
1 – سايت جهان نيوز به نقل از وبلاگ سحر يار به دو نمونه از برخورد مقام معظم رهبري با تملق گويي اشاره كرد و نوشت: در تاريخ ۲۴ / ۶ / ۷۷ در ديدار با فرماندهان سپاه پاسداران، قبل از بيانات مقام معظم رهبري سرودي اجرا شد و در آن مصرعي بود كه جمع باهم مي خواندند سرور ما، خامنه اي.
ايشان در همان جلسه تذكر دادند و فرمودند: يك نكته هم درباره اين سرود زيبايي كه برادران اجرا كردند، عرض كنم: من خواهش ميكنم كه الفاظ اين اشعار و سرودها را از كلمات مبالغه‌آميز خالي كنيد. هم شأن شما اين است كه در اين راهها پيشقدم باشيد و هم حقيقت قضيه اين است. بنده افتخارم به اين است كه بتوانم خدمتگزار شما و مردم باشم.
«سَرورَ» فقط خداي متعال است و به امر او و در پيروي و عبوديّت او بندگان صالحِ برجسته و معصومين عليهم‌السّلام‌اند. ما بندگاني ناقص، نارسا، و ضعيف هستيم. بزرگترين هنر ما اين است كه بتوانيمَ در لابهلاي همه ضعفهايي كه داريم، كاري انجام دهيم كه انشاءالله طبق وظيفه باشد. اين كلمات مبالغه‌آميز را حذف كنيد. بنده، وقتي اين كلمات را ميشنوم، حقيقتاً متأذّي ميشوم.

2 - در ۱۲/ ۸/ ۸۰ در دیدار با جوانان اصفهان، قبل از فرمایشات امام خامنه اي، كسي ايشان را علي زمان خواند، در همان جلسه اينگونه تذكر دادند :
اگر كسي در مقابل جوانان ادّعا كند و بگويد نظام اسلامي ما هيچ عيبي ندارد و همان قالبي را كه اسلام خواسته، ما پياده ميكنيم، گزاف گفته است. به هيچ وجه اينطور نيست. خود ما انسانهاي ضعيفي هستيم. وقتي كساني اسم مبارك اميرالمؤمنين (عليهالسّلام) يا اسم مبارك وليّعصر (روحيفداه) را ميآورند، بعد اسم ما را هم دنبالش ميآورند، بنده تنم ميلرزد. آن حقايق نور مطلق، با ما كه غرق در ظلمتيم، بسيار فاصله دارند. ما گياه همين فضاي آلوده دنياي امروزيم؛ ما كجا، كمترين و كوچكترين شاگردان آنها كجا؟ ما كجا و قنبرِ آنها كجا؟ ما كجا و آن غلام حبشيِ فداشده در كربلاي امام حسين (عليهالسّلام) كجا؟ ما خاك پاي آن غلام هم محسوب نميشويم.
اما آنچه كه حقيقت است، اين است كه ما به عنوان مسلماناني كه راهمان را شناختهايم، تصميم خود را گرفتهايم و نيروي خود را براي اين راه گذاشتهايم؛ با همه وجود در اين راه حركت ميكنيم و ادامه خواهيم داد. نواقصي در كار ما وجود دارد؛ همه اين نواقص هم قابل حلّ است. البته وقتي اين نواقص را حل كنيم، اينطور نيست كه به غايت مطلوب رسيدهايم؛ نه، راه كمال تمام نشدني است. در اين جادهاي كه ما حركت ميكنيم، هر كيلومتر به كيلومترِ آن توقّف ممنوع است؛ نبايد توقف كرد؛ همچنان بايد جلو رفت. بسياري از مشكلات كنوني كه ملت و كشور ما با آنها دست به گريبان است، قابل حلّ است.
3 - ایشان حتي در برابر برخي تعبيراتي كه شائبه تملق ، انحراف و يا سوء استفاده داشته باشد نيز ايستادگي مي كنند به عنوان مثال چند سال پيش ايشان در برابر برخي تعابير همچون ذوب شدن در ولايت چنين فرمودند :
«تعبیر «ذوب در ولایت» را غالباً مخالفان شماها - کسانی که میخواهند نکتهگیری کنند و مضمونی بگویند - به کار میبرند؛ والّا بنده این حرف را از آدمهای حسابی کمتر شنیدهام. بنده نمیفهمم معنای ذوب در ولایت را. ذوب در ولایت یعنی چه؟ باید ذوب در اسلام شد. خود ولایت هم ذوب در اسلام است. روزی که شهید صدر گفت «در امام خمینی ذوب شوید؛ همچنانکه او در اسلام ذوب شده است»، تنها شاخص صحت راه، شخص امام بود؛ نه قانون اساسی بود، نه جمهوری اسلامی بود، نه نظامی بود، نه دستگاهی بود. در صحنهی آشفتهی هوسها و جریانها و خطوط مختلف، يك قامتِ برافراشته و يك علمِ سرافراز وجود داشت و او امام بود؛ شهید صدر میگفت در او ذوب شوید. راست هم میگفت؛ ذوب در امام، ذوب در اسلام بود. امروز اینطوری نیست. ذوب در رهبری، ذوب در شخص است؛ این اصلاً معنا ندارد. رهبری مگر کیست؟ رهبری هم باید ذوب در اسلام باشد تا احترام داشته باشد. احترام رهبری در سایهی این است که او ذوب در اسلام و ذوب در همین هدفها بشود؛ پایش را يك قدم كج بگذارد، ساقط میشود. هیچکس در شخص و در جهت ذوب نمیشود؛ در آن هدفها باید ذوب شد؛ در اسلام باید ذوب شد؛(27/3/1383بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دورهی مجلس شورای اسلامی به نقل از پايگاه اطلاع رساني دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبري)
4 - آقاي حداد عادل نيز نقل قولي در اين زمينه از مقام معظم رهبري دارد به اين مضمون كه « من بسيار حساسم كه مبادا درباره من اغراق شود و شخص پرستي و اين نوع عيوب در جامعه ما رواج پيدا كند. يك بار ديدم از تلويزيون راجع به من شعري پخش مي‌شود، به قدري ناراحت شدم كه قبل از آنكه شعر تمام شود، بلند شدم و از اتاق بيرون رفتم و بعد به مسئولان صدا و سيما پيغام دادم كه اين چه كاري بود كرديد؟ ديگر اين شعر را پخش نكنيد.»(خبرگزاري فارس ، (http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8905271604
5 - شايد يكي از جالبترين برخوردها در مقابل مداحي هاي تملق آميز را برخورد ايشان با سخنان يكي از نمايندگان مجلس در ديداري كه با ايشان داشتند باشد كه خبر اين ماجرا را به نقل از يكي از خبرگزاري ها خدمت شما ارائه مي دهيم : «در حاشيه ديدار امروز رهبر معظم انقلاب با نمايندگان مردم در مجلس شوراي اسلامي، ايشان واكنش جالب و البته آموزنده اي نسبت به سخنان يكي از نمايندگان داشتند.
به گزارش خبرنگار «تابناك»، در خلال اين جلسه، هنگامي كه يكي نمايندگان مجلس در سخنان خود برخي تعابير و تمجيدهاي مبالغه آميز را در وصف رهبري طرح كرد، رهبر معظم انقلاب در واكنش به سخنان وي فرمودند: «اين تعبيرات كمكي به پيشرفت كار نمي كند».
حضرت آيت الله خامنه اي در واكنش به تعبيرات اين نماينده، همچنين فرمودند: «اين صحبت‌ها من را شرمنده مي‌كند و هم به ضرر من است و هم به ضرر گوينده».»(سايت تابناك)
6 - در صفحه 12 كيهان ديروز - 16/3/89- متن سخنراني يكي از افرادي كه خود را از محافظان پيشين رهبرمعظم انقلاب معرفي مي كرد با تيتر و عنوان «ناگفته هايي از رابطه امام و رهبري» به چاپ رسيده بود. به دنبال انتشار متن پياده شده اين سخنراني كه پيش از كيهان در برخي از خبرگزاري ها آمده و سي دي آن نيز توزيع شده بود، يكي از اعضاي بيت رهبرمعظم انقلاب در تماس با كيهان اعلام كرد آنچه در سخنان منسوب به يكي از محافظان معظم له آمده است، حاوي مطالب خلاف واقع و اغراق آميز فراواني درباره رهبرمعظم انقلاب است و ناخشنودي و گلايه شديد ايشان را در پي داشته است.(روزنامه كيهان ، به نقل از سايت خبر آنلاين ، http://www.khabaronline.ir/news-67026.aspx)
بنابر اين سيره نظري و عملي مقام معظم رهبري هرگز با تملق و چاپلوسي متملقان و چاپلوسان سازگار نيست . با اين حال نكته اي را نبايد از نظر دور داشت و آن اينكه اگر دور و بر فردي انسانهاي چاپلوس و متملق وجود داشته باشد اين فرد دو وظيفه دارد نخست اينكه از مدح و ثناى آنها دچار غرور و مستى نشود ، از اين تملّقها، فريب نخورد و كلاه سرش نرود. و دوم اينكه در برخورد و معاشرت با اين افراد بايد با مدارا و مهارت برخورد كرد؛ نه مشود با اين افراد تندى كرد و يك جا آنها را طرد نمود و نه متوان ميدان را براى جولان و تاخت و تاز آنها بازگذاشت. رفتار حضرت رسول(ص) در اين زمينه الگوى بسيار شايستهاى است. نبى اكرم(ص) نيز در عصر خود، ياران و صحابه فراوانى داشت كه با نفاق و دورويى و احياناً تملّق و چاپلوسى، برخورد منمودند؛ ولى رسول اكرم(ص) با اين كه كار آنها را به طور كامل مىشناخت، مدارا مىفرمود؛ يعنى، ظاهر را حفظ منمود و طردشان نمىكرد و در نتيجه، جلو فتنه و فساد بيشتر و اختلافات احتمالى را مىگرفت. نبى اكرم(ص) مىفرمايد: امرنى ربّى بمداراة النّاس كما امرنى باداء الفرائض؛ هم چنان كه پروردگارم مرا به انجام واجبات موظف ساخته، مرا به مدارای با مردم نيز امر فرموده است، (ميزان الحكمه، ج 3، ص 238). عبداللّه ابىّ (منافق معروف مدينه) به در خانه نبى اكرم(ص) رفت و اجازه ورود خواست. پيامبر(ص) فرمودند: بئس اخوالعشيرة ؛ آدم شايستهاى نيست. *آنگاه عايشه از جا برخاست و به اندرونى رفت و رسول اللّه اجازه دادند عبداللّه ابى وارد شود. حضرت(ص) با روى خوشى از او استقبال*

کردند، تا این که عبداللّه ابی سخنانش را گفت و از خانه خارج شد. آن گاه عایشه به حضرت(ص) عرض کرد: در حالی که شما درباره او آن گونه تعبیر فرمودید، چرا این طور با روی خوش از او استقبال کردید؟ حضرت رسول(ص) فرمودند: ان شرّ الناس عنداللّه یوم القیامة من یکرم اتّقاء شرّ؛ بدترین مردم نزد خدا در قیامت کسی است که به خاطر پرهیز از شرّش مورد احترام قرار گیرد، (بحار الانوار، ج 75، ص 401).

بنابر این رفتاري که از مسئولان نظام جمهوري اسلامي انتظار مي رود این است که در برخورد با انسانهاي متملق و چاپلوس ضمن حفظ هوشیاري و فریب نخوردن ، به زیرکانه ترین وجهي با آنان برخورد نمایند که در عین کنار گذاشتن رفتارهاي متملقانه ، مفسده اي صورت نگیرد و البته در برخي موارد نیز به تناسب مورد نیاز به برخوردهاي آشکار و تند وجود دارد که انتخاب هر کدام از این رفتارها به هوشیاري آن فرد بستگي دارد.

اخبار برجام

برجام به روایت آیت‌الله خامنه‌ای: 'این ها اگر پاره کنند ما آتش می زنیم'

مهدی مهدوی آزاد روزنامه نگار

مواضع متفاوت آیت الله خامنه ای درباره مذاکرات هسته ای ایران با آمریکا

برجام به نفع آنها است؛ هم به نفع اروپایی‌ها است، هم به نفع آمریکا است؛ طبیعی است که بخواهند پاره نشود؛ ما هم البتّه گفته‌ایم مادامی‌که طرف پاره نکند، ما هم پاره نمیکنیم، امّا اگر پاره کرد، ما ریزریزش میکنیم

پس از چهار دهه غرب ستیزی بی منطق، خروج یکجانبه آمریکا از برجام بالاخره یک بهانه واقعی به حکومت داده است. تصمیم ترامپ نوعی همدلی میان طبقه متوسط با راس هرم قدرت ایجاد کرده و دستگاه تبلیغاتی حکومتی می‌کوشد از این فرصت برای تثبیت گفتمان رهبر و سپاه در سیاست خارجی استفاده کند. تصویری که از آیت‌الله خامنه‌ای ساخته می‌شود تصویر یک "دانای کل" است که از ابتدا همه چیز را می‌دانست، نظراتش در قبال آمریکا و برجام دقیق بود و بی‌توجهی به هشدارهایش باعث خسارت شد. خود آقای خامنه‌ای نیز در اولین واکنش به خروج ترامپ از برجام، با سیمایی حق به جانب تاکید کرد که اتفاقات رخ داده اصلاً "خلاف انتظار" او نبوده است.

واقعیت این است که در میان محافل ذی نفوذ بر ذهن رهبری ایران، کمتر شخص یا نهادی پیدا می‌شود که حداقل در سطح علنی، پیش‌بینی دقیق و منسجمی از تصمیم تاریخی ترامپ مطرح کرده باشد. روزنامه ذی‌نفوذ کیهان تا آخرین لحظات اصرار داشت خروج ترامپ از توافق هسته‌ای یک بلوف سیاسی و "بهانه ای مضحک و احمقانه" از طرف نفوذی‌هاست. حتی چهره بانفوذی مثل حسین سلامی، قائم مقام فرماندهی سپاه نیز ششم اردیبهشت تاکید کرد "پیش‌بینی ما این است که آمریکا از برجام خارج نمی‌شود ولی تحریم‌ها را حفظ می‌کند" که به معنای پیش‌بینی غلط سپاه از راهبردهای جدید آمریکا آن هم ده روز پیش از خروج ترامپ از برجام بود. در واقع اغلب رسانه‌ها و چهره‌های جریان تندرو معتقد بودند برجام بیشتر به نفع ایالات متحده است و آمریکا نهایتاً چنین توافقی را به هم نخواهد زد.

آیت‌الله خامنه‌ای و برجام: روزشمار مواضع و واکنش‌ها

موضوع جالب این است که بر اساس سخنرانی‌های عمومی رهبری نظام، او نیز به صورت جدی معتقد بوده واشینگتن بیشتر از ایران نیازمند مذاکرات و توافق هسته‌ای است. آیت الله خامنه ای در سه سال اخیر حداقل در شش سخنرانی چنین تحلیلی را به صراحت مطرح کرده است. از جمله شانزدهم اردیبهشت ۹۴ طی سخنرانی در جمع معلمان و فرهنگیان گفت "اگر احتیاج طرف مقابل به این مذاکرات بیشتر از ما نباشد که حتماً هست، لااقل کمتر از ما نیست" و ششم شهریور ۹۳ در جمع اعضای مجمع عالی بسیج تصریح کرد "اگر این مذاکرات به

نتیجه نرسد، آن که بیش از همه ضرر میکند ما نیستیم، آمریکاییها هستند". بیست و ششم مهرماه ۹۶ نیز چند روز پس از تحریم کلیت سپاه پاسداران از سوی خزانه داری آمریکا به مردم ایران هشدار داد به "القائات دشمن" اعتنا نکنند و ضمن استقبال از مخالفت های اروپا با سیاست های دونالد ترامپ گفت: "خب برجام به نفع آنها است؛ هم به نفع اروپاییها است، هم به نفع آمریکا است؛ طبیعی است که بخواهند پاره نشود؛ ما هم البتّه گفتهایم مادامیکه طرف پاره نکند، ما هم پاره نمیکنیم، امّا اگر پاره کرد، ما ریزریزش میکنیم".

در کنار این اعتماد به نفس غیرمنطقی که به تدریج تعدیل شده، مواضع علنی آقای خامنهای نشان میدهد که به مرور زمان از اعتماد به نفس او در زمینه قدرت واکنش ایران به بدعهدیهای آمریکا هم کاسته شده و بر تردیدهایش پیرامون چارچوب حقوقی برجام افزوده شده است. رهبری ایران البته در تمام این سالها به ایالات متحده بی اعتماد بوده و از این زوایه مواضعی کاملاً ثابت و یکسان داشته است. با این حال نگاه او به ابعاد سیاسی و حقوقی برجام تغییرات فراوانی پیدا کرده که احتمالا ناشی از افزایش اطلاعات او یا تصحیح پیش فرضهایش بوده است.

دوازدهم مهرماه ۱۳۹۲ در آغاز مذاکرات اتمی، آقای خامنه ای در جمع دانشآموزان و دانشجویان ابراز اطمینان کرد که هر چند نسبت به حصول نتیجه خوشبین نیست، اما ایران از این مذاکرات ضرری نخواهد دید.
چند ماه بعد او مجدداً ابراز اطمینان کرد که "جمهوری اسلامی بلد است چگونه در عرصههای حقوقی از منافع خود دفاع کند".
اطمینان او به کارآمدی حقوقی مذاکرات به حدی بود که بیست و یکم اسفند ۱۳۹۳ چند روز پس از نامه ۴۷ سناتور جمهوری خواه و تهدید آنها به خروج دولت بعدی آمریکا از برجام در دیدار با اعضای مجلس خبرگان گفت: "این آقایان سناتور صریحاً برداشتند اعلام کردند که اگر چنانچه این دولت در آمریکا از کار برکنار شد، این قراردادی که با شما می بندد و تعهّدی که میکند کأنلمیکن است. ما اگر چنانچه به توافقی هم برسیم، بلدیم چهجوری عمل بکنیم که بعد آنها نتوانند جمهوری اسلامی را پشت در نگه دارند. این را مسئولین نظام جمهوری اسلامی بلدند که چه جوری عمل بکنند".
با این حال ظاهراً آیت الله خامنه ای تدریجاً متوجه شده که مسئولان جمهوری اسلامی نه تنها بلد نیستند مانع از خروج آمریکا از توافق شوند که دیپلماتهای هسته ای ایران در نگارش برجام [احتمالاً] خطاهایی حقوقی هم داشتهاند. ۲۵ خرداد ۱۳۹۵ آقای خامنهای در دیدار مسئولان نظام تصریح کرد که متن توافقنامه "یک خلل و فرجی دارد، یک زوایای پر ابهامی دارد که اینها موجب شده است دشمن بتواند سوءاستفاده کند". او حدود یک سال بعد یعنی بیست و دوم خرداد ۱۳۹۶ بار دیگر در جمع مسئولان نظام به چنبن موضوعی پرداخت و گفت: "ما در موارد زیادی بهخاطر اعتماد به حرف آن طرف مقابل، مذاکره کننده مقابل، از یک نقطهای صرفنظر کردیم، به یک چیزی اهتمام نورزیدیم، یک خلأیی باقی ماند؛ دشمن همین الان از همان خلأ دارد استفاده میکند".نهایتاً سی ام شهریور همان سال با صراحت بیشتری به اعضای مجلس خبرگان گفت: "در این مذاکره بایستی دقّت و مراقبت لازم انجام میگرفت تا اینجور

نباشد که طرف مقابل، هر غلطی خواست بکند، نقض برجام محسوب نشود امّا ما اگر یک مختصر تکانی بخوریم، نقض برجام محسوب بشود... این نباید اتّفاق می‌افتاد".
رهبری جمهوری اسلامی حتی دوم خرداد امسال اذعان کرد که برخی پیش فرض‌های فنی و کارشناسی او درباره برجام نیز درست نبوده و از جمله درباره میزان پول نقدی که پس از توافقنامه وارد کشور شده، گفت: "ما اوّل مذاکرات در ذهنمان بود و خودمان تصوّر کردیم و به دیگران هم گفتیم که اگر ما مذاکره کنیم، صد میلیارد دلار پول وارد کشور میشود. خب این ... مبلغ مهمّی است، اصلاً به کلّی میتواند خیلی از مشکلات کشور را برطرف کند. این واقعیّت نداشت. خود ما هم به یک نحوی باور کردیم این ۱۰۰ میلیارد را اما تصوّر بود، توهّم بود، واقعیّت نداشت".

تغییر در واژه‌ها
نظیر چنین تغییرات بزرگی در حوزه هشدارهای سیاسی رهبر هم رخ داده است. مروری بر سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای نشان می دهد که از بهار ۱۳۹۵ تا بهار ۱۳۹۷ و به تدریج، از حجم لفاظی‌ها و تهدیدات زبانی او به نحو قابل تاملی کاسته شده و بسیاری از خطوط قرمزی که پیشتر بر آن ها اصرار می‌ورزید توسط خودش نادیده گرفته شده است.
منطقاً یکی از دلایل مهم این تغییر رفتار، تسلط نئوکان‌ها بر کاخ سفید و نگرانی جدی جمهوری اسلامی از واکنش نظامی آمریکا بوده است.
با این حال علاوه بر این نگرانی و محاسبات ناشی از آن، به نظر می‌آید رهبری نظام به این نتیجه هم رسیده که ایران واقعاً و در عرصه عمل گزینه های چندانی برای مقابله با اقدامات تهاجمی کاخ سفید در حوزه برجام ندارد.
در واقع تنها واکنش جدی و قابل اجرا، گزینه آغاز غنی‌سازی است که در نوع خود می تواند خطرناک ترین گزینه باشد.

خط و نشان های اولیه و شرایط به شدت سختگیرانه رهبری جمهوری اسلامی در بدو امضای برجام فراموش شدنی نیست.
آیت‌الله خامنه‌ای بیست و نهم مهرماه ۱۳۹۴ و در نامه تایید برجام تصریح کرد: "وضع هرگونه تحریم در هر سطح و به هر بهانه‌ای از جمله بهانه‌های تکراری و خودساخته تروریسم و حقوق بشر توسّط هر یک از کشورهای طرف مذاکرات، نقض برجام محسوب خواهد شد و دولت موظّف است ... فعّالیّتهای برجام را متوقّف کند". او حتی "هرگونه اظهاری مبنی بر این‌که ساختار تحریمها باقی خواهد ماند" را هم نقض برجام دانست.
سی ام دی ماه ۱۳۹۴ در دیدار با دست اندکاران برگزاری انتخابات یادآور شد "چنانچه آمریکا نقض عهد کرد، ایران هم باید نقض عهد بکند" و بیست و پنجم خرداد ۱۳۹۵ نیز در آن موضع گیری مشهور تهدید کرد که اگر آمریکا برجام را نقض یا پاره کند، جمهوری اسلامی آن را آتش خواهد زد.

این سیاست سختگیرانه "چشم در برابر چشم" اما به تدریج به نحو عبرت آموزی توسط خود آقای خامنه‌ای تعدیل شد.

رهبری جمهوری اسلامی در گام اول عقب نشینی، خرداد ماه ۱۳۹۵ تاکید کرد تا زمانی که آمریکا برجام را "به طور کامل" نقض نکرده، ایران هم آن را نقض نخواهد کرد.
او چند ماه بعد یعنی سوم آذر ۱۳۹۵ بر خلاف نظر وزارت خارجه و دولت، تمدید تحریم های ایسا را "نقض قطعی برجام" دانست و هشدار داد "جمهوری اسلامی حتماً در مقابل آن واکنش نشان خواهد داد".
با این حال نه تنها پس از تمدید این تحریم ها واکنشی نشان داده نشد، که تصمیم دولت ترامپ برای تحریم ۲۵ شخص و نهاد ایرانی به اتهام مداخله در پروژه موشکی نیز عملاً نادیده گرفته شد.
شاید جالب‌ترین بخش ماجرا واکنش شخصی آقای خامنه‌ای به این تحریم‌ها بود که طی سخنانی در جمع پرسنل نیروی هوایی ارتش (۱۳۹۵/۱۱/۱۹) از دونالد ترامپ "تشکر" کرد که "زحمت ما را کم کرد و چهره واقعی آمریکا را نشان داد".
آیت الله خامنه ای: از ترامپ متشکریم که زحمت ما را کم کرد و چهره واقعی آمریکا را آشکار کرد
در ادامه این روند حتی امضا و ابلاغ تحریم‌های کاتسا توسط دونالد ترامپ در یازدهم مرداد ۱۳۹۶ نیز عملاً با سکوت تهران مواجه شد. رهبری نظام شهریور همان سال (۱۳۹۶/۰۶/۲۶) در دانشگاه علوم انتظامی از مسئولین خواست "در مقابل این حرکت خصمانه دشمن اثبات کنند که ملّت ایران به برکت اسلام، زیر بار زور نمی رود و در مقابل قدرتها کُرنش نمیکند" و تهدید کرد "در برجام هر حرکت غلط نظام سلطه با عکس‌العمل جمهوری اسلامی مواجه خواهد شد". با این حال واکنش های بعدی حکومت از جمله اظهارنظرهای خود آقای خامنه ای ثابت کرد که این هشدار و تهدید نیز چیزی جز یک لفاظی گذرا نبوده و جمهوری اسلامی تحت تاثیر رهیافت تازه خود تمایل چندانی به افزایش تنش های برجامی ندارد.
آخرین گام از این زنجیره عقب نشینی و تعدیل مواضع، سخنرانی بهمن ماه آیت‌الله خامنه ای در دیدار مردم آذربایجان شرقی (۱۳۹۶/۱۱/۲۹) بود که از "برخوردهای بسیار خوب و قاطع وزیر خارجه با خباثت آمریکایی‌ها" تقدیر و تشکر کرد و گفت: "راه همین است؛ باید برخورد کنند؛ عزّت ملّی را باید نشان بدهند در ارتباطات خارجی".
چنین واکنشی آن هم پس از اجرای قانون کاتسا و قرار گرفتن کلیت سپاه در لیست تحریم‌های آمریکا نشان داد رهبری حکومت به رغم تمام آن تهدیدات اولیه و خطوط قرمز پررنگ حیثیتی، حالا به جایی رسیده که واکنش ساده یک وزیر خارجه یعنی یک اعتراض زبانی (ولو تهدیدآمیز) آن هم در یک جلسه خصوصی را کافی می‌داند و مطالبه‌ای بیشتر از آن ندارد.
این تناقض در لحظه خروج آمریکا از برجام نیز عیناً تکرار شد. در حالی که مقامات ارشد نظام از جمله رئیس جمهور، علی شمخانی دبیرشورای عالی امنیت ملی ایران و محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه حتی تا تهدید به خروج از ان‌پی‌تی نیز پیش رفته بودند، تصمیم نهایی حکومت در قبال اقدام آمریکا نه تنها هیچ ربطی با این تهدیدات که مطلقا هیچ ربطی با سیاست‌های ابلاغی شخص آقای خامنه‌ای و حتی سخنرانی‌های عمومی او نداشت.
۱۵ سال پس از آغاز بحران اتمی ایران و حدود سه سال پس از امضای برجام، با خروج آمریکا از این توافق ایران دوباره به نقطه صفر بازگشته و آیت الله خامنه ای نیز در جایی قرار

گرفته که تابستان ۱۳۹۲ در آن قرار داشت. در تابستان ۱۳۹۲ یعنی زمان آغاز مذاکرات هسته ای، ترجیع بند تمام سخنرانی های رهبری این بود که او به طرف مذاکره یعنی آمریکا "بی اعتماد" است. با روشن شدن سیاست فعلی یعنی ادامه برجام به اتکای اروپا، آیت الله خامنه ای بار دیگر ساز "بی اعتمادی" البته این بار به اروپا را کوک کرده است. درست مثل سال ۱۳۹۲، آقای خامنه ای از "مسئولان نظام" می خواهد که مقابل زورگویی ایستادگی و از "عزّت و اقتدار این ملّت عزیز" دفاع کنند. دقیقاً مثل سال ۹۲ از دولت و مسئولان وزارت خارجه خواسته است که از طرف مقابل "تضمین" بگیرند. عیناً مثل آن سال تاکید می کند که امید چندانی به توافق نهایی ندارد و چنین توافقی را "بسیار بعید" می داند. دقیقاً مثل همان سال تاکید دارد که مشکلات میان ایران و غرب با "انعطاف یا عقب نشینی" حل نمی شود. و نهایتاً درست مثل آن سال می کوشد با یک بازی چند وجهی، هم زمینه مذاکرات را فراهم کند و هم خود را فرادست مذاکرات، در جایگاه یک مدعی همیشه حق به جانب بنشاند.

رهبر ایران: خراب کردن برجام، نهایت خباثت آمریکا است

رهبر ایران خواستار تضمین اروپا برای ادامه برجام شد

برجام دو؛ آیا خامنه‌ای در تقابل با دولت روحانی است؟

نقش آیت‌الله خامنه‌ای در شکل‌گیری مشکلات ایران

جمهوری اسلامی؛ پایان دوران یک حاکمیت و دو چهره

نکته مهم: نقل تحلیلهای فوق به معني تایید انها نیست بلکه جهت ارائه نبض دشمن است که جطور دقیق مراقب حتی شعاردادنهاي ایران و میزان جدیت یا توخالي بودنش هستند،

اکر بناست جیزي فردا عمل نشود برای جه شعارش داده شود؟! که هم هزینه بر کشور و ملت تحمیل شود، هم بعدا ضعف و ترس حاکمیت ایران تلقي شود؟ و دشمن جریتر بشود؟!!

یک منبع خبری روس به نقل از مقامات فرانسوی مدعی شد:

فرانسه برای خروج از برجام و مذاکره جهت حصول یک توافق جدید با ایران آماده می شود!

خبرگزاری روس «ایتارتاس» به نقل از «یک منبع بلندپایه در وزارت امور خارجه فرانسه» که با روزنامه روزنامه «ایزوستیا» گفتگو کرده است، نوشته است که پاریس آماده آغاز مذاکرات جهانی با تهران بر سر یک توافق جدید بعد از خروج آمریکا از برجام است.

خبرگزاری روس «ایتارتاس» به نقل از «یک منبع بلندپایه در وزارت امور خارجه فرانسه» که با روزنامه روزنامه «ایزوستیا» گفتگو کرده است، نوشته است که پاریس آماده آغاز مذاکرات جهانی با تهران بر سر یک توافق جدید بعد از خروج آمریکا از برجام است.

به گزارش تابناک، کمیته امور خارجی، دفاعی و نیروی مسلح سنای فرانسه نیز این موضوع را تأیید کرده و اضافه کرده پاریس احتمال امضای توافقی جدید با ایران و خروج از برجام را بررسی می‌کند.

به نوشته این رسانه روس و به نقل از روزنامه «ایزوستیا»، «امانوئل ماکرون»، رئیس‌جمهور فرانسه در جریان دیدار اخیرش با «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه با او درباره حفظ برجام و در عین حال، تدوین سندی جدید که به امضای همه طرف‌های توافق، از جمله آمریکا برسد بحث و گفتگو کرده است. از سوی دیگر، ماکرون در دیدار با «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا هم این موضوع را مطرح نموده است.

به نوشته این خبرگزاری، در سند جدید نیز باید تمامی موارد اضافه بر موضوع هسته‌ای که محل نگرانی مشارکت‌کنندگان در توافق است نیز مورد توجه قرار گیرد.

یک منبع در وزارت خارجه فرانسه نیز گفته است: «علاوه بر موضوع سلاح‌های هسته‌ای ما درباره فعالیت‌های ایران در حوزه موشک‌های بالستیک و حضور نظامی روزافزون آن در خاورمیانه هم نگرانی داریم. به همین دلیل است که مایل به آغاز یک فرایند مذاکره‌ای جهانی و جامع با تهران هستیم.»
این منبع اضافه کرد: «می‌خواهیم ایران این را درک کرده و بپذیرد که لازم است با یکدیگر عمل کنیم.»
یک منبع در سنای فرانسه هم با تأیید این خبر گفته است: امانوئل ماکرون به دنبال گرد هم آوردن طرف‌های فعلی و سابق برجام دور میز مذاکره با هدف دست یافتن به یک توافق جدید و اصلاح‌شده با تهران است.
در همین راستا، «رابرت دل پیچیا»، معاون کمیته امور خارجه، دفاعی و نیروهای مسلح سنای فرانسه نیز گفت: قصد مکرون این است که فرانسه ممکن است از توافق کنونی با ایران خارج شود، اما تنها به این منظور که مذاکراتی برای دست یافتن به یک سند جدید و کامل‌تر را آغاز کند که قطعا زمان زیادی را نیاز دارد».
لازم به ذکر است، رییس‌جمهور فرانسه در سخنرانی خود در صحن علنی کنگره آمریکا که در ۲۵ آوریل انجام شد، گفته بود که فرانسه از برجام خارج نخواهد شد.
او گفته بود: «ما آن [برجام] را به ابتکار ایالات متحده امضا کردیم. ما هر دو آن را امضا کردیم، فرانسه و آمریکا. به همین دلیل هم نمی‌توانیم بگوییم باید از دست آن خلاص شویم.»
مکرون گفت تا زمانی که جایگزین بهترین برای توافق ایران وجود نداشته باشد، فرانسه از برجام خارج نمی‌شود.
با این حال او گفت به دنبال توافق جامع‌تری است که ۴ رکن اساسی را دربرگیرد: اجرای مفاد توافق فعلی، گسترش مفاد توافق‌نامه فعلی به پس از سال ۲۰۲۵، نظارت بر برنامه‌های موشکی ایران و مهار نفوذ نظامی ایران در منطقه.

علی خرم، دیپلمات سابق در گفت‌وگو با «انتخاب» مطرح کرد؛

تصور می‌کنم سخنان اخیر ولایتی، نظر شخصی او نبود / او سیگنال‌هایی دریافت کرده که بر اساس آن به برجام و تیم مذاکره‌کننده حمله کرد

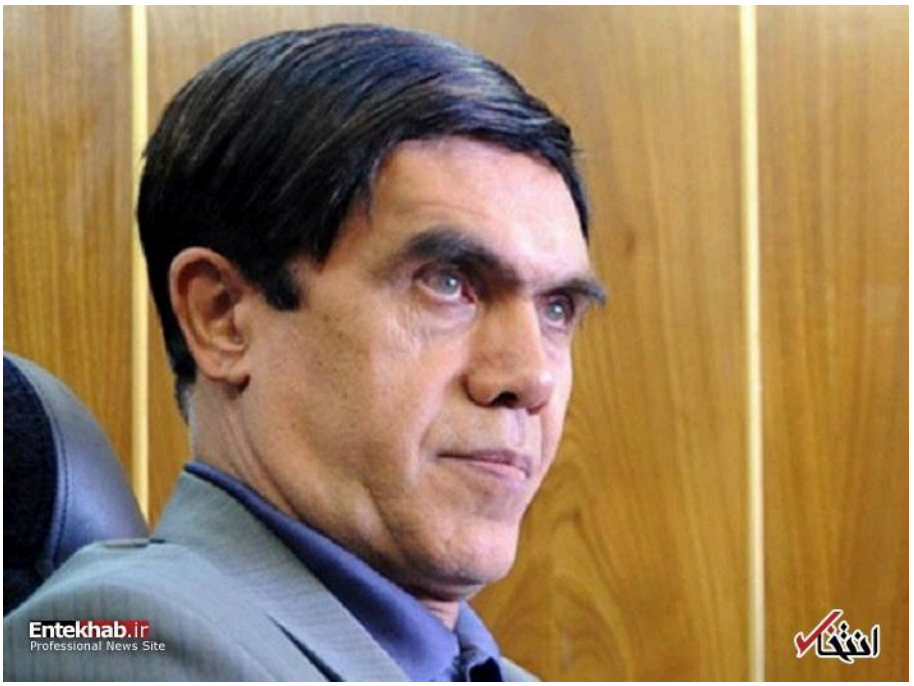
علی خرم، دیپلمات سابق کشورمان می گوید: توافق های دوجانبه، معمولا به زبان هر دو کشور نوشته می شود اما در توافق های بین المللی، معمولا یک زبان بین المللی برای آن انتخاب می شود. موضوع برجام هم بین المللی بود و همه طرف ها به زبان انگلیسی مذاکره کردند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

علی خرم، دیپلمات سابق کشورمان می گوید: توافق های دوجانبه، معمولا به زبان هر دو کشور نوشته می شود اما در توافق های بین المللی، معمولا یک زبان بین المللی برای آن انتخاب می شود. موضوع برجام هم بین المللی بود و همه طرف ها به زبان انگلیسی مذاکره کردند.

به گزارش «انتخاب»، علی اکبر ولایتی، اخیرا با انتقاد بی سابقه از برجام و اعضای تیم مذاکره کننده هسته ای، در بخشی از اظهاراتش گفته بود: «یک اشکال دیگر برجام نداشتن متن فارسی بود که احساس حقارت به انسان دست می‌داد. حتی عهدنامه های گلستان و ترکمانچای هم با آن متن ذلت بار نسخه فارسی داشتند اما درباره برجام اینهم انجام نشد.»

علی خرم، نماینده پیشین ایران در دفتر اروپایی سازمان ملل در گفت و گو با خبرنگار «انتخاب»، درباره موضوع نبود نسخه فارسی برای برجام گفت: این موضوع ضعف برجام نیست. توافق به یک زبان نوشته شده که تفسیرپذیر هم نباشد. در توافق های بین المللی حتی گاهی مشخص می شود که اگر اختلافی به وجود آمد، کدام نسخه آن، معیار خواهد بود.



او درباره رویه مرسوم برای توافق های اینچنینی در دنیا گفت: اگر توافق دوجانبه باشد، معمولا به زبان هر دو کشور نوشته می شود اما در توافق های بین المللی، معمولا یک زبان بین المللی برای آن انتخاب می شود. موضوع برجام هم بین المللی بود. همه طرف ها به زبان انگلیسی مذاکره کردند و نوشتند و در نهایت ماحصل مذاکرات نیز به انگلیسی نوشته شد.

این تحلیلگر مسائل بین المللی ادامه داد: حتی طرف های چینی و روسی هم در جریان مذاکرات به زبان انگلیسی بحث کردند. در نتیجه موضوع روشن است. حال اگر مثلا به زبان دیگری مانند فرانسه یا هر زبان دیگری بحث می شد، شاید زبان دیگری برای آن انتخاب می شد.

این دیپلمات سابق کشورمان درباره علت بیان چنین اظهاراتی از سوی ولایتی گفت: آقای دکتر ولایتی رئیس ما بوده واحترامش واجب است. اما من تصور می کنم که صحبت های اخیر، نظر شخصی ایشان نبود بلکه سیگنال هایی دریافت کرده اند که بر اساس آن، به تیم دیپلماسی یا برجام حمله کرده اند.

خرم در پاسخ به این سوال که آیا این سیگنال ها به برخی پیش بینی ها مبنی بر «به سرانجام نرسیدن برجام» مربوط است؟، گفت: ممکن است این باشد یا هر موضوع دیگری در میان باشد. من جای آقای دکتر ولایتی نیستم که بتوانم اظهارنظر کنم. فقط از راه دور در همین حد می توانم بگویم.

«انتخاب» ادعای ناگهانی ولایتی در مورد توافق هسته ای را از نگاه حقوقی بررسی می کند؛

اگر برجام به فارسی نوشته شده بود.... / آیا تهیه نسخه ی فارسی به نفع ایران تمام می شد؟

فرض کنیم کشورهای حاضر در برجام و براساس بند 37 برجام جهت حل اختلاف خود بین متن فارسی و انگلیسی به شورای

امنیت سازمان ملل مراجعه نمایند. براساس قوانین سازمان ملل، زبان فارسی به عنوان زبان رسمی این سازمان شناخته شده نیست و عملا شورای امنیت فقط متن انگلیسی را به رسمیت می شناخت. از این جهت نیز متن فارسی برجام نه تنها گره گشا نبود بلکه موجب بروز اختلاف و تضییع حق ایران می شد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

«انتخاب»؛ سیدمحمدهادی موسوی: در روزهای اخیر و با انتقاد دکتر علی اکبر ولایتی، عضو کمیته نظارت بر برجام، در خصوص لزوم نگارش فارسی متن برجام دوباره بحث در خصوص این معاهده بین المللی بالا گرفته است. در این مجال قصد داریم از منظر حقوقی، شرایط نگارش متن برجام به زبان فارسی را بررسی نماییم.

پیش از هرچیز باید بدانیم، از منظر حقوق بین المللی و براساس "کنوانسیون 1969 وین، حقوق معاهدات"، برنامه جامع اقدام مشترک(برجام) یک «معاهده بین المللی» است، از این رو میتوان در خصوص زبان نگارش برجام به این معاهده ارجاع داد. براساس بخش دوم، فصل سوم، ماده 33، بند 2 معاهده وین، "متن معاهده به زباني غير از زبانهايي كه اعتبار معاهده به آنها تصديق شده است تنها در صورتي معتبر محسوب خواهد شد كه معاهده آن را پيش بيني كرده باشد، يا طرفهاي متعاهد آنگونه كه توافق كرده باشند."

از این رو جهت نگارش متن برجام به زبان فارسی یا هر زبان دیگری اولا باید در خود برجام به وجود متون دیگر اشاره می شد ثانیا دیگر ذینفعان برجام باید آن را به عنوان متن معتبر قبول داشته باشند.

علاوه بر آن بر اساس بخش پنجم، فصل هفتم، ماده 77 این معاهده، جهت تهیه متن قابل استناد به زبانهای دیگر، نیاز به تشکیل یک «هیات امنا» از طرفین هر معاهده است.

بر اساس متن برجام، نسخه غیر انگلیسی برای برجام تعیین نشده است اما ممکن است اشکال جناب ولایتی و دیگران به همین نکته باشد که چرا در متن برجام یک نسخه فارسی پیش بینی نشده است. جهت پاسخ به این پرسش اجازه دهید فرض کنیم قرار بود یک متن فارسی در کنار متن انگلیسی مورد استناد قرار گیرد. چه اتفاقی می افتاد؟

اولین شرط تهیه متن فارسی برجام این است که باید تمام طرفین و ذینفعان برجام وجود متن فارسی را بپذیرند. با توجه به تعدد و تنوع ذینفعان برجام، پذیرش این امر به نوعی غیر ممکن بوده و توجیه لزوم وجود متن فارسی به مذاکراتی در سطح تهیه متن اصلی برجام نیاز داشت!

مضافا اینکه دراین شرایط ممکن بود بقیه کشورها نیز به فکر تهیه متن برجام به زبان خود می افتادند و باید 6 نسخه از برجام (انگلیسی، فارسی، آلمانی، فرانسوی، چینی، روسی) تهیه می شد. در چنین وضعیتی اگر اختلافی بین متون رخ میداد کدام متن و چگونه مورد استناد قرار می گرفت؟ بعلاوه ؛ جدا از اینکه ماه ها باید زمان صرف تطبیق ترجمه ها می شد و زمینه برای رفع اختلافات و چانه زنی ها بر سر ترجمه فراهم می شد، نهایتا به مانند اکثر توافقاتی که همواره بین ایران و یک کشور غیرانگلیسی زبان امضا می شود، باید یک نسخه انگلیسی هم اضافه شده و توافق می شد که در صورت اختلاف در ترجمه، متن انگلیسی مرجع باشد. لازم به ذکر است، باوجود آنکه سازمان ملل متحد ۶ زبان رسمی دارد، اما هنگامیکه مذاکرات به بحث های دقیق روی متن می رسد، فقط یک متن مبنای مذاکره است که سالهاست زبان متن مذاکره، انگلیسی است.

شرط دوم این است که «هیات امنا» جهت تهیه متن فارسی برجام تشکیل گردد. از آنجا که بین هفت کشور ذینفع برجام، فقط ایران از زبان فارسی استفاده می نماید ترکیب و افراد موثر دراین هیات امنا خود محل اختلاف اساسی بود. حتی در شرایطی که از هر طرف حداقل یک نفر به عنوان امین معرفی شود رای ایران در برابر دیگر ذینفعان، یک به شش است و متن فارسی مطلوب دیگر کشورها، مرجع قرار خواهد گرفت.

همانگونه که شرح داده شد درصورت اصرار ایران به تهیه نسخه فارسی و قابل استناد برجام، شرایط بسیار پیچیده ای رخ می داد که در صورت بروز اختلاف بین متون، شرایط به نفع ایران رقم نمی خورد.

حال فرض کنیم هم ذینفعان برجام به نگارش فارسی متن برجام رضایت دهند و هم متن فارسی به نحوی تهیه گردد، مرجع حل اختلاف کدام متن خواهد بود؟

براساس بخش دوم، فصل سوم، ماده 33، بند 4 معاهده وین در این شرایط "معنايي برگزيده خواهد شد كه نظر به موضوع و هدف معاهده بهترين تلفيق را بين متون مزبور بر قرار مي سازد." این یعنی اختلاف بین متون تقریبا لاینحل باقی مانده و با توجه به ترکیب شش در برابر یک دیگر دینفعان و ایران، عملا دست دیپلماتهای کشور در به کرسی نشاندن نظر خود، خالی می ماند.

از طرف دیگر فرض کنیم کشورهای حاضر در برجام و براساس بند 37 برجام جهت حل اختلاف خود بین متن فارسی و انگلیسی به شورای امنیت سازمان ملل مراجعه نمایند. براساس قوانین سازمان ملل، زبان فارسی به عنوان زبان رسمی این سازمان شناخته شده نیست و عملا شورای امنیت فقط متن انگلیسی را به رسمیت می شناخت. از این جهت نیز متن فارسی برجام نه تنها گره گشا نبود بلکه موجب بروز اختلاف و تضییع حق ایران می شد.

از منظر دیگر، طبق بند 3 همین ماده، در شرایطی که باز معنایی کلمات محل اختلاف باشد می توان به "قواعد بین

المللی مرتبط" رجوع کرد. به عنوان مثال چنانچه در معنای کلمه Lift در برجام اختلافی ایجاد شود ایران به راحتی میتواند به قطعنامه های سازمان ملل که از این کلمه به معنای "لغو تحریم" استفاده شده استناد نماید در حالیکه چنانچه متن فارسی وجود داشته باشد این ارجاع، قابل استناد نیست.
لذا همانگونه که ملاحظه شد حتی با فرض پیش بینی نگارش متن فارسی برجام در این معاهده، وجود این متن نه تنها منفعتی نداشت بلکه محل بروز اختلافات اساسی و دردسرهای دیپلماتیک فراوان خواهد شد.
چنانچه صرف وجود متن فارسی از برجام جهت مصارف داخلی و بحثهای کارشناسی مد نظر باشد که وزارت خارجه، نسخه فارسی برجام را منتشر کرده و در دسترس است.
در پایان خاطر نشان می شود؛ وجود متون متعدد گرچه از نظر معاهده وین به رسمیت شناخته می شود اما به دلیل بروز همین مشکلات عملا استفاده نمی شود و ذینفعان معاهدات، مخصوصا معهاداتی با چند ذینفع، ترجیح می دهند با یک زبان مشترک(معمولا انگلیسی) به نگارش معاهدات بپردازند. لذا قیاس جناب ولایتی در مقایسه برجام با ترکمانچای در وجود متن فارسی عملا مع الفارق است.

محسن رضایی هم ضد برجام شد!

محسن رضایی در صفحه اینستاگرامش از اشتباهات در روزهای پس از برجام نوشت، این درحالی است که او در روزهای پس از امضای برجام خود از حامیان این توافق‌نامه بود.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با انتشار عکسی در صفحه شخصی خود در اینستاگرام درباره روزهای پس از برجام نوشت:
برجام تمام شده و باید از آن درس آموخت. اولین اشتباه، حضور نداشتن تیم اقتصادی در مذاکرات و وادار نکردن خزانه‌داری امریکا در متن توافقنامه برای ابلاغ تعهدات برجام به بخش های اقتصادی آمریکا و اروپا بود.
دومین اشتباه؛ نیز با دنبال نکردن شروط نه گانه رهبر معظم انقلاب از سوی دولت ومجلس، واقع و برجام درحالی نیمه کاره رها شد که مذاکرات باید ادامه می یافت تا شرایط رهبر انقلاب به عنوان متمم به برجام الحاق شود؛ حال آن که شتابزدگی آقای روحانی در اعلان جشن ملی برجام، مذاکرات را متوقف کرد.
سومین اشتباه، گره زدن اقتصاد به سرنوشت برجام بود که موجب شد کارآفرینان ما بیهوده به مدت چند سال به سراب توافقنامه ای بین المللی چشم بدوزند. اگر نرمش قهرمانانه ایران با این اشتباهات مواجه نمی شد، آمریکا هم نمی توانست راهی برای فرار بیابد. اکنون که دولت روحانی با اشتباهات سه گانه فوق، خود را در موقعیتی دشوار قرار داده، دست کم باید از ارتکاب اشتباه چهارم پرهیز کند.

ضد و نقیض‌های برجامی رضایی

این روزها که محسن رضایی در نقد برجام گوی سبقت را از دیگر منتقدان ربوده این سوال در ذهن نقش می بندد که آیا

همواره نظر دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام همین بوده است؟
بخشی از صحبت های رضایی را مرور می کنیم:
24 تیر 94(یک روز بعد از امضای برجام)؛ حقیقتا آقایان ظریف و صالحي و شمخاني مجاهدت بزرگي كردند و به فرجام رساندن اين مذاكرات در مقابل شش قدرت بين المللي كار ساده اي نبود.
مهر 94:{با اشاره به ابعاد ثمرات اقتصادی و سیاسی برجام }در زمینه سیاسی توانستیم پروژه منزوی سازی ایران را بشکنیم و در بعد اقتصادی وضعیت ایران از دوران تحریم بهتر می شود.
آذر 94 {در نامه‌ای خطاب به مقام معظم رهبری ضمن استقبال از دستاوردهای اخیر ایران در پرونده هسته ای} امروز فرزندان و سربازان رهبری، از ظریف گرفته تا قاسم سلیمانی درحال پیشروی در سنگرهای دشمن هستند.
دی 94: *ترس دولتمردان آمریکا از اجرایی شدن برجام کاملاً مشهود بود چراکه فشار عربستان، رژیم صهیونیستی و تندروهای آمریکا، بزرگ‌ترین موانع اجرای برجام به شمار می‌آمد.
*امروز که برجام، اجرایی شده قاطبه ملت ایران یک‌صدا فریاد برمی‌آورند که: زنده‌باد جمهوری اسلامی ایران- پاینده باد وحدت ولایی ملت ایران
*هر نوع برداشت جناحی و شخصی از اجرایی شدن برجام، نوعی ناشکری به شمار می‌آید. باید از همه دست‌اندرکاران و نقش‌آفرینان این موقعیت سپاسگزاری کنیم.
اردیبهشت 95: ما مخالف برجامی که رهبر انقلاب مشروط پذیرفتند نیستیم، از این تصمیم هم حمایت می کنیم.
منبع: خبرآنلاین
سفیر ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی؛

خسارات ایران جبران نشود، حق داریم اقدام مناسب را اتخاذ کنیم

کد مطلب: 113714

تاریخ انتشار : چهارشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۹۷ ساعت ۱۸:۱۵
سفیر کشورمان در آژانس بین المللی انرژی اتمی تاکید کرد: اگر خسارات ایران بابت نقض برجام توسط آمریکا جبران نشود، حق داریم اقدام مناسب را اتخاذ کنیم.

به گزارش **ایران خبر**، رضا نجفی سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین، در نشست اخیر شورای حکام آژانس با انتقاد از نقض برجام توسط آمریکا تصریح کرد: چنانچه پس از طی راهکارهای موجود برای جبران خسارت، حقوق و منافع مردم ما به صورت کامل تامین نشود، این حق غیرقابل انکار ایران است که نسبت به اتخاذ اقدامات مناسب در پاسخ به اعمال غیرقانونی فراوان و مداوم ایالات متحده به ویژه خروجش و تحمیل مجدد همه تحریم‌ها، مبادرت ورزد».

متن کامل سخنان سفیر کشورمان در آژانس به شرح زیر است؛
«بسم الله الرّحمن الرّحیم
آقای رئیس، مدیرکل و همکاران گرامی،
مایلم مراتب تقدیر هیات خود از دبیرخانه آژانس بابت کوشش‌های آن در زمینه اقدامات راستی‌آزمایی مرتبط با برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در جمهوری اسلامی ایران را ابراز نمایم.
آقای رئیس،
انعقاد برجام در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ به بحرانی غیرضروری که بیش از یک دهه به درازا کشیده بود، پایان داد. این بارقه ای از امید بویژه در منطقه آشوب زده غرب آسیاست و حکایت از آن دارد که دیپلماسی و گفتگو می تواند همچنان موثر باشد. برجام منحصرا" به منعقدکنندگان آن تعلق ندارد که یک یک طرف بتواند از روی هوس آنرا بهم بزند. برجام یک توافق چندجانبه براساس عمل متقابل است. دامنه، مقررات و زمان‌بندی آن مبتنی بر یک توازن دقیق، مذاکره شده و مورد توافق چندجانبه است که نمی‌تواند گسترده‌تر شود، تغییر یابد یا مورد مذاکره مجدد قرار گیرد. همان‌گونه که درطول مذاکرات برجام و سپس اجرای آن بطور مکرر اعلام نموده ایم اجرای متقابل و کامل تعهدات از سوی همه طرف‌ها، بنیان اساسی برجام و عنصری حیاتی برای پایداری آن به شمار می‌رود.
در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷، ایالات متحده، با نقض اساسی قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ شورای امنیت که برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) هم ضمیمه‌ی آن است، تصمیمِ یکجانبه و غیرقانونی خود مبنی بر خروج از برجام را اعلام داشت. به طور همزمان، رئیس جمهور آمریکا به مقامات ذیربط خود دستور داد، «مشارکت ایالات متحده آمریکا در برجام را متوقف کنند» و «همه تحریم‌های آمریکا که وفق برجام لغو یا اجرای آنها متوقف شده بود را مجددا تحمیل نمایند»، و بدین ترتیب مرتکب چندین مورد «عدم پایبندی اساسی» نسبت به برجام و تخلف آشکار از قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت گردید. این اقدامات بی‌اعتنایی کامل به حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد است، اصل حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات را تضعیف می‌کند، چندجانبه‌گرایی و نهادهای آن را به مخاطره می‌اندازد، حاکی از بازگشت به عصر فاجعه‌بار و شکست‌خورده یک‌جانبه‌گرایی است و باعث تشویق سرکشی و قانون ستیزی می‌شود. آمریکا منزوی شده از تصمیم غیرقانونی خود تنها از جانب رژیم صهیونیستی و معدودی از کشورها مورد حمایت قرار گرفت که حداقل سه ویژگی مشترک دارند: دریافت صدها میلیارد دلار سلاح های زیبای آمریکائی؛ تجاوز علیه همسایگان و کشتار افراد غیرنظامی بیگناه به بهانه مقابله با تروریستها؛ و تلاش مفرط و از سر استیصال برای جلوگیری از انعقاد برجام.
ایالات متحده قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت که این کشور خود از جمله بانیان آن بود و با اتفاق آرا در شورا تصویب شد را وقیحانه نقض نموده است. متعجبانه آمریکا برای زمانی طولانی از سایر اعضای سازمان ملل خواسته است که به قطعنامه های شورای امنیت پایبند باشند چراکه این شورا مسئول صلح و امنیت بین المللی است و اکنون خود به دولتی عدم پایبند تبدیل شده و از اینرو نه حالا و نه در آینده نمی تواند از دیگران بخواهد که از قطعنامه های شورای امنیت تبعیت کنند. در واقع خروج آمریکا از برجام نقطه اوج

تلاشهای مسبوق به سابقه آمریکا در نقض و تخریب آن و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بشمار می رود که برجام را تایید کرده است و "از همه کشورهای عضو می خواهد که ... از اجرای آن حمایت کنند". خروج نامشروع دولت آمریکا از برجام و خصوصا روشهای قلدرمآبانه ای که این دولت برای همراه ساختن سایر کشورهای جهان بکار می گیرد اصل وفای به عهد را شدیدا" نقض، حاکمیت قانون در سطح بین المللی را بی اعتبار، اهداف و اصول منشور ملل متحد را تضعیف و نهادهای بین المللی را به چالش می کشد. اقدام غیرقانونی ایالات متحده در خروج از برجام این کشور را در قبال نقض فاحش و اساسی تعهداتش ذیل این توافق مسئول می سازد. بنابراین، ایالات متحده باید در قبال عواقب عمل زیانبار و خطرناکش که در چالش آشکار با منشور ملل متحد و حقوق بین الملل است مسئول شناخته شود.
برخلاف رفتار ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران به تعهدات خود ذیل برجام به صورت کامل پایبند بوده است. این امر، همان طور که در گزارش های مدیرکل به شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل از «روز اجرا» در ژانویه ۲۰۱۶ تاکنون منعکس شده، به صورت مکرر توسط آژانس راستی آزمایی شده است.
در راستای تعهد ایران به قانونمندی و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفته است برای یافتن راه حل ها و نیز تعیین امکان و چگونگی تضمین منافع کامل و حقوق حقه مردم ایران از این دستاورد دیپلماتیک جهانی توسط مابقی اعضای برجام و دیگر شرکای اقتصادی، با حسن نیت به سازوکارهای برجام توسل جوید. چنانچه پس از طی راهکارهای موجود برای جبران خسارت، حقوق و منافع مردم ما به صورت کامل تامین نگردد، این حق غیرقابل انکار ایران است که نسبت به اتخاذ اقدامات مناسب در پاسخ به اعمال غیرقانونی فراوان و مداوم ایالات متحده به ویژه خروجش و تحمیل مجدد همه تحریم‌ها، مبادرت ورزد.
ضمن تقدیر از حمایت قوی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای عضو از توافق، می بایست تاکید کنم که چنانچه برجام بخواهد به حیات خود ادامه دهد، مابقی اعضای برجام و سایر شرکای اقتصادی بایستی کاملا اطمینان دهند که منافع ایران بدون هیچ قید و شرطی از طریق اقدامات مناسب ملی، منطقه ای و جهانی جبران می‌گردد. همانگونه که مقامات عالی ما بیان کردند ملت ایران نمی پذیرد که به اجرای تعهداتش طبق برجام ادامه دهد درحالیکه اقدامات محدودکننده و تحریمها بر خلاف توافق در حال اجرا باشند.
طرف خارج شده نباید اجازه یابد که از خروج غیرقانونی از برجام منتفع شده و یا بتواند سایر دولتها را به نقض قطعنامه شورای امنیت تهدید یا مجبور کند قطعنامه ای که "تاکید کرده کشورهای عضو تحت ماده ۲۵ منشور ملل متحد متعهد می شوند تصمیمات شورای امنیت را پذیرفته و اجرا نمایند" و "از همه کشورهای عضو، سازمان های منطقه ای و سازمان های بین المللی می خواهد اقدامات مناسب برای حمایت از اجرای برجام را اتخاذ نمایند از جمله اتخاذ اقدامات متناسب با اجرای برنامه مصرح در برجام و این قطعنامه و از طریق اجتناب از هر اقدامی که اجرای تعهدات ذیل برجام را تضعیف می سازد."
شورای حکام نیز می بایست به مسئولیت خود در این زمینه بطور جدی عمل نموده و نباید اجازه دهد که یک عضو برای همه سایر اعضا تصمیم بگیرد.
آقای رئیس،
هرچند گزارش روزآمد اخیر آژانس (GOV/۲۰۱۸/۲۴) همانگونه که قبلا" اشاره کردم بار دیگر نشان می‌دهد که برنامه هسته ای ایران در چارچوب برجام ادامه می یابد، مایلم تاکید نمایم که مواضع و تحفظات ما درخصوص مفاد برجام راجع به آب سنگین، تعریف «ذخیره» (stockpile) و تفاوت آن با اصطلاح «فهرست موجودی» (inventory) و در مورد برخی تفاسیر خودسرانه برخلاف متن صریح بخش های مختلف ضمیمه یک برجام و سابقه مذاکرات مربوط تغییری نکرده است و شما را به بیانیه های قبلی ام در این زمینه ارجاع می دهم.
همچنین مایلم به تعدادی از هیات هایی اشاره نمایم که دوباره خواستار انتشاراطلاعات پادمانی خام و تفصیلی محرمانه برخلاف دستورالعمل مصوب شورای حکام شده اند. طرح چنین درخواستی وجود بی‌اعتمادی نسبت به آژانس را به ذهن متبادر می سازد و این که ارزیابی‌های آژانس باید دوباره به صورت مستقل توسط برخی سازمانهای غیر دولتی که به آنها پول پرداخت می شود مورد راستی آزمایی قرار گیرد. هیات اینجانب مایل است یادآوری نماید که علاوه بر مفاد ماده ۵ موافقتنامه جامع پادمان و ماده ۱۵ پروتکل الحاقی برای حفاظت از اطلاعات محرمانه، برجام به روشنی از آژانس می‌خواهد تا «کلیه تدابیر مراقبتی را برای حفاظت از اسرار تجاری، فن‌آوری و صنعتی و همچنین سایر اطلاعات محرمانه‌ای که به آگاهی آن می‌رسد را اتخاذ نماید». ما قویا" با افشای اطلاعات پادمانی محرمانه در گزارشات آتی به بهانه شفافیت بیشتر مخالفیم. درخصوص تشویق به همکاری فعال مستفاد از ماده ۸ پروتکل الحاقی، از نظر ما در حالیکه ایران از توافق منتفع نمی شود، چنین درخواستی خارج از موضوع است. هیات اینجانب همچنین مایل است تصمیم به اتفاق آراء شورای حکام در تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ را یادآور شود که گزارش "نهائی" مدیرکل را مورد توجه قرار داد و پرونده موضوعات گذشته را بدون هیچگونه ابهامی مختومه نمود؛ و هشدار دهیم که هرگونه تلاش برای بازگشائی موضوعات بی پایه خاتمه یافته؛ بخاطر سیرک نمایشی اسناد جعلی؛ نقض تصمیم یادشده و خارج از مندیت آژانس بشمار می رود.
در مورد آخرین سخنران قبل از اینجانب، طبق روال معمول بیانیه‌ای نامربوط را شنیدید. بگذارید ببینیم رژیم صهیونیستی اسرائیل کجا قرار گرفته است. این رژیم روی دهها کلاهک هسته ای غیر انسانی نشسته، روی تاسیسات مخفیانه هسته ای و خارج از پادمان هسته ای که در آن سلاح های هسته ای تولید می شود نشسته، و روی تاسیسات زیرزمینی سلاحهای کشتارجمعی جاییکه روی سلاحهای شیمیایی و میکربی کار می کند نشسته است. به همین دلایل این رژیم هرگز به کنوانسیونهای منع سلاحهای شیمیایی و میکربی و ان پی تی نپیوسته است.
این رژیم با تاریخچه ای مملو از تجاوزگری و اشغالگری همه قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل که در پاسخ به اقدامات مکرر تجاوزکارانه و اشغال غیر قانونی و فجایع مستند ارتکابی، سیاست های آپارتاید و جنایات جنگی علیه مردم فلسطین صادر شده را آشکارا نقض کرده است. کشتار مردم بی دفاع و زنان و کودکان معصوم فلسطینی و اشغال سرزمین های فلسطین به راهبرد اصلی صهیونیستها در طول ۷۰ سال گذشته تبدیل شده است. کشتار وحشیانه مردم مظلوم فلسطین طی هفته های اخیر تنها یک نمونه از جنایات جنگی این رژیم بشمار می رود.
این رژیم نمی تواند با چنین سخنانی برفجایع ارتکابی و برنامه سلاح های هسته ای غیرمشروع خود، که تهدیدی واقعی برای صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی است، سرپوش بگذارد».

نامه ایران به آژانس در شب شروع غنی سازی اورانیوم

در شب آغاز غنی سازی اورانیوم، ایران طی نامه ای مراتب اجرای این دستور رهبری را به آژانس گزارش کرد
به گزارش **ایران خبر**،
آژانس از برنامه ایران برای تولید خوراک سانتریفیوژ مطلع شد
بین الملل > دیپلماسی - ایرنا نوشت: سخنگوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که نامه ایران درباره

تولید خوراک سانتریفیوژ را دریافت کرده است.
به گزارش خبرگزاری رویترز، وی گفت: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز چهارم ژوئن (14 خرداد) نامه‌ای را از سوی ایران دریافت کرده که در آن به برنامه زمانی [مدنظر جمهوری اسلامی ایران] برای تولید هگزافلوراید اورانیوم اشاره شده است.
هگزافلوراید اورانیوم، خوراک تزریقی به سانتریفیوژ است و ایران در چارچوب برجام قادر است به میزان 3.67 درصد غنی‌سازی کند.
رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر دیروز (دوشنبه) در اجتماع پرشور مردم قدرشناس در بیست‌ونهمین سالگرد عروج ملکوتی امام خمینی(ره) فرمودند: مسئولان سازمان انرژی هسته‌ای موظف هستند به‌سرعت آمادگی‌های لازم را برای رسیدن به 190 هزار سو (البته فعلاً در چارچوب برجام) فراهم آورند و مقدمات اجرای مسائلی را که رئیس‌جمهور دستور داده‌اند از همین فردا آغاز کنند.
«علی‌اکبر صالحی» رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان نیز روز سه شنبه در یک کنفرانس خبری با اشاره به سخنان اخیر مقام معظم رهبری، از آماده بودن تأسیسات برقی نطنز برای پیگیری اهداف بلندمدت چندساله خبر داد.
صالحی به افتتاح یک واحد اختلاطی اشاره کرد و توضیح داد: کار دیگری که در نطنز انجام شد و در چارچوب تعهدات پادمانی ما بود، ولی اعلام عمومی نکردیم، ساخت سانتریفیوژهای پیشرفته بود.
وی ادامه داد: برای ساخت این سانتریفیوژها باید تأسیساتی را فراهم و بهترین تجهیزات اندازه‌گیری و تجهیزات مختلف کنترلی و مکانی را برای مونتاژ سانتریفیوژهای جدید آماده می‌کردیم که این کار انجام‌شده و فعالیت‌های گسترده‌ای صورت گرفته است.
پیش‌ازاین یک سخنگوی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با اشاره به سخنان صالحی گفته بود که این اتحادیه بر مبنای ارزیابی اولیه خود، گام‌های اعلام شده تهران برای توسعه برنامه هسته‌ای را نقض برجام نمی‌داند.
این تحولات در حالی صورت می‌گیرد که دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا شامگاه هجدهم اردیبهشت در اقدامی یک‌جانبه و به‌رغم مخالفت‌های جهانی، خروج دولتش را از برجام اعلام کرد. در مقابل اروپا، روسیه، چین، انگلیس، آلمان و فرانسه به عنوان طرف های دیگر برجام اعلام کرده‌اند که به تعهداتشان در این توافق پایبند هستند. ایران نیز اعلام کرده است که اگر از منافع برجام منتفع شود و تضمین‌های لازم داده شود، در برجام می‌ماند.
پیمان سعادت سفیر جمهوری اسلامی ایران امروز با انتشار یادداشتی در تارنمای یورونیوز به اروپا هشدار داد که چنانچه در دوران ریاست جمهوری ترامپ به‌جای حفظ برجام، مناسبات فرا آتلانتیکی را در اولویت قرار دهد، حاکمیت و اعتبار خود را زیر سؤال خواهد برد.
وی از اروپا خواست تا پایبندی ایران به برجام را تائید و ارزش‌های راهبردی برجام را در برقراری ثبات و صلح منطقه برجسته کند.

صالحی: مرکز مونتاژ سانتریفیوژ تا یک‌ماه آینده کامل می‌شود

رئیس سازمان انرژی اتمی با حضور در مرکز مونتاژ سانتریفیوژ در سایت نطنز گفت: امیدواریم تا یک‌ماه آینده کل سالن‌های این مرکز آماده باشد.

به گزارش **ایران خبر**، علی‌اکبر صالحی، چهارشنبه شب در گفت‌وگوی ویژه خبری که در محل سایت نطنز انجام شد، گفت: بعد از دستور مقام معظم رهبری برای آماده‌سازی مقدمات کار در این مرکز فعالیت‌ها به‌طور سریع و جدی آغاز شد و ظرف ۴۸ ساعت محلی که الان مشاهده می‌کنید به این شکل درآمد.

صالحی :

در بازطراحی رآکتور اراک جلوتر از زمان‌بندی مدنظر هستیم

رئیس سازمان انرژی اتمی با اشاره به آخرین اقدامات ایران برای نوسازی و بهسازی رآکتور اراک گفت: در بازطراحی رآکتور اراک جلوتر از زمان بندی مدنظر هستیم.

به گزارش **ایران خبر**، علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی در نشست خبری در پاسخ به سوال خبرنگار مهر در خصوص آخرین وضعیت بازطراحی رآکتور اراک گفت: طراحی پایه‌ای رآکتور اراک به طور کامل به پایان رسیده و سرتیفیکیشن طرف مقابل یعنی چینی‌ها، آمریکایی‌ها و گروه ۵+۱ از نظر فنی و طراحی‌های ما مورد تأیید قرار گرفته است.
وی با بیان اینکه در حال یک طراحی تفصیلی برای رآکتور اراک هستیم که ایران به طور کامل انجام داده است، گفت: طراحی‌های قبلی نیز توسط ایران انجام می‌شد. آنها طراحی‌های ما را مورد بررسی قرار می‌دادند و اگر ایراداتی داشتند با متخصصان ما صحبت می‌کردند. این مسائل آخرین مراحل خود را طی کرده است.
صالحی ادامه داد: امروز بحث طراحی تفصیلی را داریم که به طرف چینی ارائه شده است و آنها هم در حال بررسی هستند. هیات ما هم اکنون در چین مستقر است و موضوعات را بررسی می‌کند.
رئیس سازمان انرژی اتمی ایران خاطرنشان کرد: ما به آستانه تهیه نقشه ها و ساخت تجهیزات جدیدی مثل «کالاندریا» رسیده ایم. ابعاد همه چیز روشن است و عملا باید سفارش تجهیزات بدهیم.
وی افزود: در بحث نوسازی و بهسازی رآکتور اراک نسبت به زمان‌بندی مدنظر جلو هستیم.

صالحی در برنامه گفت وگوی ویژه خبری:

تکمیل مرکز مونتاژ سانتریفیوژ در نطنز تا یک ماه آینده/هیچ اقدامی خلاف برجا م انجام نداده‌ایم

رئیس سازمان انرژی اتمی از تکمیل مرکز مونتاژ سانتریفیوژ در نطنز تا یک ماه آینده خبر داد و تصریح کرد جمهوری اسلامی ایران هیچ اقدامی خلاف برجام نکرده است.

به گزارش خبرنگار گروه سیاست خارجی خبرگزاری فارس، علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی چهارشنبه شب در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو سیما از محل سالن مونتاژ سانتریفیوژهای در نطنز گفت: جایی که در حال حاضر در آن نشسته‌ایم، قبلا یک سوله متروکه بود و وقتی که مذاکرات آغاز شد با توجه به تجربه‌ای که از گذشته داشتیم پیش بینی می‌کردیم که شاید مذاکرات بالاخره به نتیجه نرسد و یا اگر هم به نتیجه برسد، براساس بدعهدی‌که از آمریکایی‌ها و دیگران سراغ داریم، آمادگی لازم را برای برگشت پذیری برای خودمان ایجاد کردیم.

معاون رئیس جمهور بیان کرد: قبل از آن که برجام به سرانجام برسد، فعالیت این سالن را شروع کردیم و در سال 93 شروع به طراحی و تامین تجهیزات و ساخت این سوله متروکه کردیم، این سوله از چند غرفه مختلف تشکیل شده به عنوان مثال تست روتور در سرعت‌های مختلف.

صالحی با بیان اینکه تمامی تست‌های لازم را هم برای روتور و هم تجهیزات دیگری که در سانتریفیوژ به کار گرفته می‌شود در این سالن‌های مختلف انجام می‌شود، خاطرنشان کرد: در این سالن تعدادی از شاخص‌ها اندازه‌گیری می‌شود و علاوه بر این، یک سالن بزرگتری نیز هست که هنوز کارش به اتمام نرسیده و انشاءالله ظرف چند هفته دیگر آماده می‌شود که در آنجا کنترل کامل یک سانتریفیوژ بعد از اینکه کاملا مونتاژ می‌شود، انجام می‌شود و آنجا ظرفیت 60 سانتریفیوژ را دارد که همزمان کنترل کامل کند.

رئیس سازمان انرژی اتمی اضافه کرد: از زمانی که مقام معظم رهبری دستور دادند همکاران در سازمان انرژی اتمی به صورت شبانه روزی در حال کار کردن هستند و در 48 ساعت گذشته اینجا این گونه نبود و شبانه روز کار کردند و امیدواریم حداکثر تا یک ماه دیگر کل این سالن‌ها آماده شده و فعالیت در آن آغاز شود.

وی با بیان اینکه این سوله متروکه‌ای بود و از قبل ساخته شده بود، ما محدودیت سقف داشتیم، اظهار داشت: چون هر چقدر سانتریفیوژها پیشرفته‌تر می‌شود به لحاظ شعاع ، طول و ارتفاع افزایش خواهند داشت و اگر بخواهیم سالن مونتاژ داشته باشیم ارتفاع باید افزایش یابد.

صالحی اضافه کرد: این سالن برای سانتریفیوژهای IR6, IR4, IR2m که جزو سانتریفیوژهای پیشرفته ما هستند، مناسب است. اما سقف آن برای IR8 مناسب نیست و می‌توانیم در ادامه این سوله یک سوله دیگری را داشته باشیم و در سالن جدید سقف را آن قدر بزرگ در نظر می‌گیریم که IR8 و نسل‌های بعدی و تا IR80 در آن جا بگیرد.

*** کارهای مقدماتی IR8 در حال انجام است**

وی یادآور شد: البته در حال حاضر کارهای مقدماتی IR8 در حال انجام است و سال‌ها طول می‌کشد که به مرحله سانتریفیوژهایی که در حال حاضر داریم برسد، ولی ما می‌توانیم طراحی‌ها و کارها را انجام دهیم که به لحاظ زمانی عقب نباشیم.

معاون رئیس جمهور درباره اظهارات مقامات اروپایی در پی اقدامات اخیر سازمان انرژی اتمی گفت: **ما الان اینجا نمی‌توانیم هر مقدار که دلخواهمان است سانتریفیوژ جدید را مونتاژ کنیم، محدودیت** برجامی **داریم و مقام معظم رهبری نیز فرموده‌اند که شما زیرساخت‌های لازم را آماده کنید تا چنانچه ضرورت یافت به سرعت بتوانیم مونتاژ سانتریفیوژهای جدید را آغاز کنیم، به گونه‌ای که تا ظرفیت 190 هزار سو در یک فاصله زمانی کوتاهی برسیم.**

وی با بیان اینکه در حال حاضر ظرفیت این سالن حدود 60 ماشین در روز است، گفت: اگر 60 تا IR6 را بخواهیم مونتاژ کنیم 60 تا 10 سو می‌شود 600 سو، ماهی 18 هزار سو و 10 ماه می‌شود 180 هزار سو؛ یعنی در عرض 10 ماه مجموعه سالن‌هایی که ایجاد شده می‌توانند 180 هزار سو یا همان 190 هزار سو مدنظر را تولید کنند.

رئیس سازمان انرژی اتمی در عین حال یادآور شد: اما این به مفهوم این نیست که ما شروع به تولید سانتریفیوژهای پیشرفته برای استفاده‌های صنعتی می‌کنیم، بلکه ما در حدی که برجام اجازه می‌دهد سانتریفیوژهای جدید را مونتاژ می‌کنیم برای کارهای تحقیق و توسعه خودمان. ما در چارچوب برجام الان تحقیق و توسعه کرده و روی ماشین‌های IR8 و IR6 کار می‌کنیم.

وی گفت: اگر امروز نیز ما 180 هزار سو داشته باشیم، همه شرایط آماده نیست و مواد اولیه برای تغذیه این میزان سو را نداریم، خوشبختانه پس از برجام موفق شدیم حدود 400 تن به مواد اولیه خود اضافه کنیم.

رئیس سازمان انرژی اتمی افزود: اگر 190 هزار سو داشته باشیم سالانه به 300 تن اورانیوم نیاز داریم تا به عنوان ورودی مواد اولیه تغذیه باشد و اکنون این میزان را در اختیار نداریم، اما به شدت روی اکتشاف و استخراج کار می‌کنیم

که در سنوات آتی بتوانیم در یک افق پنج شش ساله از حیث تولید مواد اولیه در کشور، به حد 300 تن برسیم.
صالحی اضافه کرد: ما با این پیش‌بینی که اگر مذاکرات هسته‌ای یا با شکست روبرو می‌شود و یا اگر موفق شد با بدعهدی مواجه شود، مذاکره کردیم و رهبر انقلاب نیز تذکر داده بودند که به اینها اعتماد نکنید و پیش‌بینی‌های لازم را بکنید.
وی ادامه داد: سال 93 شروع به ساخت این سوله کردیم و 94 تمام شد اما از آن بهره برداری نکردیم و در واقع زیرساختی بود تا اگر شرایط تغییر کرد جلوتر از زمان باشیم، اگر می‌خواستیم طبق روال معمول عمل کنیم، مجموعه‌ای که اکنون می‌بینید 5 الی 6 سال آینده ساخته می‌شد.
رئیس سازمان انرژی اتمی درباره تاثیر 190 هزار سو بر زندگی مردم و اقتصاد و صنعت خاطرنشان کرد: ما اکنون نیروگاه اتمی بوشهر 1 را در اختیار داریم و دو نیروگاه دیگر نیز در دست احداث داریم و هرکدام از این نیروگاه‌ها در حالت پایدار به 28 الی 30 تن مواد اولیه و سوختی نیاز دارند که این 30 تن غنی شده معادل 270 تن کیک زرد است، پس ما 190 هزار سو برای اینکه 300 تن مواد اولیه را به 30 تن سوخت غنی شده تبدیل کنیم، نیاز داریم. برای هر نیروگاه 190 هزار سو نیاز داریم، ما الان یک نیروگاه داریم و دو نیروگاه دیگر به آن اضافه می‌شود.
وی گفت: ما نمی‌توانیم برای هر نیروگاه 5 میلیارد دلار هزینه کنیم و بعد از نظر سوخت وابسته به دیگران باشیم که هر موقع خواستند به ما سوخت بدهند و هر موقع خواستند ندهند، لذا ما باید پیش‌بینی خوداتکایی به لحاظ تامین مطمئن سوخت را داشته باشیم. اگر 3 نیروگاه داشته باشیم، یعنی حدود 600 هزار سو نیاز داریم.
صالحی افزود: ما در نطنز باید تمامی زیرساخت‌ها مورد نیاز را برای یک میلیون سو آماده کنیم و الان کل نطنز جایی برای 48 هزار ماشین دارد.
وی با بیان اینکه ما زیرساخت‌ها را تامین کرده‌ایم، عنوان کرد: یکی از زیرساخت‌هایی که 20 فروردین رونمایی شد، تاسیسات برقی اینجا است، چرا که مراکز غنی سازی نیازمند برق بسیاری هستند و ما اکنون برق را برای یک میلیون سو آماده کرده‌ایم. واحد اختلاط عظیمی را ایجاد کردیم.
به گزارش فارس، رئیس سازمان انرژی اتمی افزود: یک واحد بزرگ دیگری در دست احداث است، تحت عنوان ای هزار یا واحد پسمانداری، به عنوان مثال فرض کنید که در این سالن‌ها 40 هزار ماشین در حال کار باشد، لذا این حجم از ماشین به آلوده زدایی نیازمند است و بعد از آماده شدن ای هزار نطنز برای یک میلیون سو آماده شده است و اگر سیر طبیعی را دنبال می‌کردیم این هفت الی هشت سال آینده انجام می‌شود.
صالحی اظهار داشت: هر سانتریفیوژ برای آن که به تولید انبوه برسد باید پنج الی ده سال تحت تست‌های مختلف قرار بگیرد، به عنوان مثال IR4 و IR2M اکنون استفاده می‌شود بیش از ده سال تست می‌شد.
وی درباره IR8 افزود: قطعا ما تا 7 الی 8 سال آینده نمی‌توانیم IR8 تولید انبوه کنیم و باید آن قدر عیب یابی شود تا مطمئن شویم که سانتریفیوژ تولیدی با حداقل صدمه قابل بهره برداری است.
رئیس سازمان انرژی اتمی ادامه داد: ما باید خوداتکا باشیم و به دیگران نشان دهیم که اگر به ما نخواستند سوخت بدهند ما این توانمندی را داریم که سوخت را تولید کنیم.
وی دستیابی به این فناوری و دانش را بیانگر قدرت علمی کشور خواند و گفت:الان کشوری در حوزه خلیج فارس است که 4 نیروگاه از کره جنوبی خریداری کرده و اینها باتری‌های بزرگ خریداری کرده‌اند و نمی‌شود گفت نیروگاه هسته‌ای خریده‌اند.
صالحی با بیان اینکه یک عده برای آن کشور می‌آیند نیروگاه می‌سازند و راه اندازی می‌کنند، تصریح کرد: بعد از حدود 60 سال دوباره می آیند و نیروگاه را جمع می‌کنند، ما باطری نمی‌خواهیم و می‌خواهیم نیروگاهی که ساختیم از ابتدا و انتهای نیروگاه را تا جایی که امکانپذیر است خود اتکا باشیم که مهمترین آن سوخت است.
رئیس سازمان انرژی اتمی افزود: سوخت را به صورت تجاری تامین می‌کنیم و نه به هر قیمتی.
صالحی ادامه داد: ما الان IR8 را می‌توانیم تولید انبوه کنیم، ولی این کار درست و رفتار علمی و صنعتی نیست، ما سازمان را روی ریلی قرار داده‌ایم که به صورت تجاری و بهینه جلو رویم، تا سوختی که ساخته می‌شود بتواند در مقایسه با سوختی که دیگران می‌سازند اگر ارزان تر نبود گران‌تر هم نباشد و توجیه اقتصادی داشته باشد.
صالحی با بیان اینکه نیروگاه‌های هسته‌ای توجیه اقتصادی دارند، گفت: و الا چرا کشوری که 3 میلیون جمعیت دارد اکنون باید 6 برابر نیروگاه بوشهر ما نیروگاه می‌سازد.
وی با بیان اینکه این کشور تنها سه میلیون جمعیت دارد و مثل ما دارای نفت و گاز نیز هست، افزود: ما 82 میلیون نفر جمعیت داریم، این سؤال به جایی نیست که گفته شود برای چه نیروگاه می‌سازید در صورتی که نفت و گاز دارید.
صالحی همچنین درباره تولید برق هسته‌ای نیز خاطرنشان کرد: در حال برنامه ریزی هستیم که در میان مدت 8 هزار مگاوات تولید کنیم، اما در بلندمدت 20 هزار مگاوات مدنظر ماست.

رئیس سازمان انرژی اتمی درباره هزینه صنعت هسته‌ای اضافه کرد: برخی نوشته بودند در صنعت هسته‌ای ما 300 میلیارد دلار هزینه شده که گفتم یا اشتباه تایپی بوده است یا نمی‌دانند 300 میلیارد چقدر است.

***هزینه در سازمان انرژی اتمی در 30 سال گذشته حدود 6 میلیارد دلار**

وی خاطرنشان کرد: در طول 30 سال گذشته مبلغی که در سازمان انرژی اتمی هزینه شده اعم از اکتشاف و استخراج، نطنز، اراک و ... با احتساب قیمت ریال به دلار آن روز، حدود 6 میلیارد دلار بوده است.

صالحی با بیان اینکه یک و نیم میلیارد دلار بابت بوشهر پرداخت کرده‌ایم، افزود: الان اگر بوشهر را بخواهیم بخریم در حدود 5 میلیارد دلار می‌ارزد.

رئیس سازمان انرژی اتمی تصریح کرد: پنج میلیارد دلار هم هزینه نطنز، فردو، اصفهان و.. شده است که در مجموع طی 30 سال گذشته شش و نیم میلیارد دلار شده است.

وی افزود: ما چیزی به آن مفهوم هزینه نکرده‌ایم و این همه دستاورد داشته‌ایم، دستاورد صنعت هسته‌ای نه تنها اقتدار علمی است بلکه از نظر صنعتی شما را جلو می‌برد، چرا که صنعت هسته‌ای میعادگاه صنایع مختلف است.

صالحی با بیان اینکه قدرت هسته‌ای استفاده دوگانه دارد، یادآور شد: ولی ما طبق فتوای مقام معظم رهبری از استفاده غیرصلح‌آمیز منع شده‌ایم.

وی درباره اقدامات انجام شده در مقابله با خرابکاری‌های سرویس‌های جاسوسی غرب افزود: ما پدافندغیرعامل را در همه زمینه‌ها به کار گرفته‌ایم، استاکس نت در زمان بنده اتفاق افتاد و می‌خواستند صنعت هسته‌ای ایران را با آن خاموش کنند که نشد، چون بچه‌های ما پیش‌بینی‌های لازم را کردند.

رئیس سازمان انرژی اتمی اظهار داشت: صنعت هسته ای در کشور ما واقعا بومی شده است؛ جزو وجود دانشمندان و مهندسان ما شده است و ما مشکلی نداریم ولی در عین حال پدافند غیر عامل را هم مدنظر داریم.

وی ضمن قدردانی از نیروهای مسلح که از تمامی سایت‌های هسته‌ای کشور حفاظت می‌کنند، درباره نیروگاه بوشهر بیان کرد:همان زمان که چند قطعنامه در سازمان ملل داشتیم ساخت نیروگاه‌ها ادامه داشت و لذا اگر برجام به هم بخورد هم این مساله تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد. ما در این زمینه همراه زمان بندی تعیین شده به پیش می‌رویم.

***پامپئو برای خودش صحبت می‌کند**

صالحی درباره شروطی که وزیر خارجه آمریکا بیان کرده از جمله برگشت به نقطه صفر گفت: آمریکایی‌ها از ابتدای ساخت پرونده ساختگی می‌گفتند که ایران نباید غنی‌سازی داشته باشد، در زمان مذاکره با سه کشور اروپایی ما همه فعالیت‌های خود را به مدت دو سال متوقف کردیم حتی یوسی‌اف اصفهان را، اما بعد از بدعهدی‌های آنها به دستور مقام معظم رهبری مجدد فعالیت های خود را آغاز کردیم. ما از این مرحله گذشتیم و این آقا (پامپئو) برای خودش صحبت می‌کند. غنی سازی حق ماست و تثبیت هم شده است، این همه مقاومت و پایداری به دلیل حق غنی سازی ایران است و شورای امنیت هم در قطعنامه 2231 بر آن تاکید کرده است.

رئیس سازمان انرژی اتمی همچنین گفت: ما در زمینه اکتشاف و استخراج با سرعت به جلو می‌رویم و هیچ محدودیت برجامی نداریم و پیشرفت‌های خوبی داریم.

وی همچنین گفت: در تحقیق و توسعه در حال کار هستیم. الان IR2mو IR4 در مرحله تولید انبوه قرار دارند، اگر اراده کنیم و برجامی نباشد این دو سانتریفیوژ را تولید انبوه می‌کنیم. IR6 هم یک مختصر عیب‌هایی دارد که بعد از رفع آن می‌تواند در مرحله تولید انبوه قرار بگیرد.

معاون رئیس جمهور خاطرنشان کرد: **ما در فاصله زمانی خیلی کوتاهی می‌توانیم به لحاظ غنی سازی پرواز کنیم.**

صالحی همچنین گفت که ما از آستانه‌های فناوری هسته‌ای عبور کردیم.

وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو بیان کرد: **در حوزه اکتشاف و استخراج می‌توانیم امسال 30 تن تولید داخلی کنیم.**

رئیس سازمان انرژی اتمی درباره راکتور اراک نیز با اشاره به روند طراحی تفصیلی این راکتور گفت: فرض کنیم شرایطی پیش بیاید که آنها به ما تجهیزات ندهند و ما قادریم خیلی از آنها را خودمان بسازیم.

وی در ادامه این برنامه با بیان اینکه اروپا در یک شرایط نامناسب سیاسی قرار دارد و بعد از آمریکا یک قدرت اقتصادی در دنیا به حساب می‌آید، اظهار داشت: آمریکایی که اروپا را برای مذاکره هسته‌ای با ایران همراه کرد امروز می‌گوید من رفتم بیرون شما هم بیایید بیرون و این یعنی غلام حلقه به گوش آمریکا شدن و اروپا در یک دوراهی سیاسی گیر کرده است.

صالحی با بیان اینکه اروپا همواره به ایران نیاز دارد برای ذخیره تامین انرژی و نمی‌خواهد ایران به لحاظ یک ذخیره بالقوه انرژی از دست آنها خارج شود، خاطرنشان کرد: از طرف دیگر بحث امنیتی است که اروپایی‌ها نمی‌خواهند وضعیت منطقه با برجام به هم بخورد.

معاون رئیس جمهور گفت: بحث دیگر به خطر افتادن اعتبار سیاسی اروپایی‌ها است. **اگر اروپا پشت سر آمریکا سینه**

بزند چیزی در بلندمدت عایدش نمی‌شود.
رئیس سازمان انرژی اتمی عنوان کرد: مقام معظم رهبری تاکید کردند که این اقدامات در چارچوب برجام باشد و ما هیچ کاری را خلاف برجام انجام ندادیم و ملتزم به تعهدات خود هستیم و تا قبل از صدور دستور رهبری نیز ما هیچ کاری خلاف برجام انجام ندادیم.

سخنگوی اتحادیه اروپا:

برنامه‌های ایران در مورد غنی‌سازی نقض برجام نیست

یک سخنگوی اتحادیه اروپا تاکید کرد که برنامه ایران در رابطه با غنی‌سازی اورانیوم نقض توافق هسته‌ای محسوب نمی‌شود.



به گزارش **ایران خبر**، به نقل از فایننشیال تایمز،مایا کوسیانچیچ،سخنگوی فدریکا موگرینی،مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در واکنش به سخنان علی اکبر صالحی در مورد آمادگی ایران برای افزایش توان غنی سازی ایران گفت:در حال حاضر برنامه‌های اعلام شده ایران در مورد غنی‌سازی نقض برجام نیست.
وی افزود:اگرچه‌در این موقعیت حساس این برنامه‌ها در راستای اعتمادسازی در مورد برنامه هسته‌ای ایران نخواهد بود.
یک دیپلمات اروپایی دیگر در این باره به فایننشیال تایمز گفت:بیانیه ایران به همه اعضای باقی مانده در برجام نسبت به احتمال فروپاشی توافق هسته‌ای هشدار می‌دهد.

آمریکا: نمی‌توانیم گزارش‌های «جمع آوری دوربین‌های مدار بسته فردو» را تایید کنیم / راهبردی که پمپئو اعلام کرد، روشن است؛ ایران هرگز نباید غنی سازی اورانیوم انجام دهد / می‌توانیم تحریم‌های زیادی اعمال کنیم تا دولت‌های دیگر، تجارت با ایران را انتخاب نکنند

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



سخنگوی وزارت خارجه آمریکا درباره دستور روز دوشنبه رهبر معظم انقلاب در فراهم کردن زمینه غنی سازی 190 هزار سو، گفت: پمپئو در روز بیست و یکم ماه مه راهبرد جدید آمریکا را درباره ایران اعلام کرد. او خیلی روشن مطرح کرد که ایران هرگز نباید غنی سازی اورانیوم انجام دهد، این کشور نباید به سمت فرایند بازتولید پولوتونیوم برود و هرگز نباید راهی برای دستیابی به سلاح اتمی داشته باشد.
به گزارش «انتخاب»، نوئرت مدعی شد، اگر آژانس بین المللی انرژی اتمی معتقد باشد این اتفاق روی داده است، باور داریم که آن را به اطلاع اعضای شورای حکام و همچنین سازمان ملل می رساند، بنابر این ما تنها منتظر آن هستیم و در واقع کار در ایران تمام است.
به گزارش ایرنا، خبرنگاری پرسید که گزارش هایی آمده است مبنی بر اینکه دوربین های مدار بسته فردو جمع آوری شده است که سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: این گزارش را دیده است اما اکنون نمی تواند آن را تایید کند.

منبع اطلاعات: سازمان انرژی اتمی ایران / موسسه مطالعات علوم و امنیت بین‌المللی

برنامه هسته‌ای ایران؛ 'سو' چیست؟ و چرا رهبر ایران' ۱۹۰ هزار سو' می‌خواهد؟

نیروگاه بوشهر سالانه به حدود ۳۰ تن سوخت هسته‌ای نیاز دارد

آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر ایران، روز ۱۴ خرداد، به سازمان انرژی اتمی ایران دستور داد "آمادگی لازم برای رسیدن به ۱۹۰ هزار سو را فعلا در چارچوب برجام فراهم کند". رهبر ایران قبلا هم تاکید کرده که ایران باید به چنین ظرفیتی برسد. اما این اصطلاح به چه معنا است و رسیدن به آن چه اهمیتی برای برنامه هسته‌ای ایران دارد.

سو (SWU) یعنی چه؟

اصطلاح "سو" یا (SWU) مخفف Separative Work Unit است. ترجمه این اصطلاح (واحد کار جداسازی) کمک چندانی به درک مفهوم آن نمی‌کند و برای همین هم در منابع فارسی از همان "سو" استفاده می‌شود.

واحد "سو" کیلوگرم است و معمولا حجم تولید اورانیم غنی شده (تا یک درصد خلوص معین) را در طول یک سال نشان می‌دهد. مثلا منظور از ظرفیت حدود "شش هزار سو" آن است که صنعت هسته‌ای یک کشور بتواند در یک سال، حدود هزار کیلو اورانیم غنی شده با درصد خلوص چهار درصد تولید کند. (در ادامه مطلب درباره نحوه محاسبه توضیح داده خواهد شد.)

در این مطلب، برای روشن کردن مفهوم عملی "سو"، مفاهیم ساده شده‌اند و در واقع این تعریف از نظر علمی کاملا دقیق نیست.

۱۹۰ هزار سو یعنی چقدر اورانیم غنی شده؟

دستور رهبر ایران، برای رسیدن به ظرفیت تولید ۱۹۰ هزار سو به معنی افزایش توان تولید اورانیم غنی شده (با خلوص چهار درصد) است برای تامین سوخت نیروگاه بوشهر. مقدار اندکی هم برای استفاده راکتور تهران و آزمایشگاه‌های تحقیق و توسعه است. ایران می‌گوید بخش عمده اورانیوم غنی شده قرار است صرف تولید برق شود.

آنطور که علی اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران اعلام کرده، ایران برای تامین سوخت نیروگاه بوشهر به "سالی ۳۰ تن ماده سوختی" نیاز دارد و برای تولید این حجم اورانیم غنی شده حدود چهار درصدی، به "حدود ۳۰۰ تن اورانیم" نیاز است.

بنابراین، به گفته اقای صالحی، ظرفیت ۱۹۰ هزار سو، به معنی تولید سالانه همان ۳۰ هزار

کیلو (۳۰ تن) اورانیم غنی شده چهار درصدی است.

جدول زیر رابطه وزن اورانیم غنی شده تا حدود چهار درصد را با اورانیم طبیعی و "سو" نشان می‌دهد. همانطور که می‌بینید، برای تامین سوخت سالانه نیروگاه بوشهر یعنی ۳۰ هزار کیلو (۳۰تن) اورانیم با خلوص چهار درصد، در این جدول به حدود ۲۱۸ هزار کیلو اورانیم طبیعی نیاز است. این معادل ۱۹۰ هزار سو غنی سازی است.

دلیل اختلاف عددهای جدول زیر، با گفته‌های مقام‌های ایران، به نظر موسسه مطالعاتی علوم و امنیت بین‌المللی آن است که مقام‌های ایران از واحدهای غیر معمولی استفاده می‌کنند که به گفته این موسسه "عددهای مربوط به توان هسته‌ای را کمی بالاتر نشان دهند".

اورانیم طبیعی مورد نیاز= اورانیوم با خلوص ۴ درصد = سو (SWU)

۷ کیلو =۱ کیلو =۶ سو

۷۳ کیلو =۱۰ کیلو=۶۳ سو

۷۲۶ کیلو =۱۰۰ کیلو=۶۳۴ سو

۷۲۶۰ کیلو (۷/۳ تن) =۱۰۰۰ کیلو (یک تن) =۶۳۳۹ سو

۲۱۷۸۰۸ هزار کیلو (حدود ۲۱۸ تن) =۳۰۰۰۰ کیلو (۳۰ تن) =۱۹۰۱۷۰ (حدود ۱۹۰ هزار سو)

توضیح: برای محاسبه عددهای جدول بالا، از فرمول‌های معمول در صنایع هسته‌ای استفاده شده است. در این محاسبه میزان هدر رفتن اورانیوم در سانتریفیوژ ۰/۲ (دو دهم) درصد درنظر گرفته شده است. خلوص اورانیم غنی شده ۳/۹ درصد و خلوص اورانیم طبیعی طبق معمول ۰/۷ درصد در نظر گرفته شده است. برای محاسبه از فرمول‌هایی که در این جزوه دانشگاه ام آی تی آمریکاآمده استفاده شده است. البته باید در نظر گرفت که تغییر کوچکی در میزان اتلاف نتایج را تا حدودی تغییر می‌دهد.

ایران چند سانتریفیوژ برای رسیدن به ظرفیت ۱۹۰ هزار سو نیاز دارد؟
سانتریفیوژی که ایران به شکل گسترده استفاده می‌کند، IR-۱ نام دارد که به عنوان سانتریفیوژهای نسل اول هم شناخته می‌شوند. اگر یکی از این سانتریفیوژها، یک سال تمام کار کند، می‌تواند حدود یک کیلو گرم اورانیم چهار درصدی تولید کند به همین دلیل هم، توان غنی سازی هر سانتریفیوژ از این نوع "حدود یک سو" برآورد می‌شود.

با این حساب اگر ایران بخواهد، با استفاده از همین سانتریفیوژها به ظرفیت مورد نظر رهبر ایران برسد - براساس برآورد موسسات بین‌المللی و باتوجه به اختلاف واحدهای به کار رفته در سخنان مقام‌های ایران با واحدهای استاندارد - باید بیش از ۱۳۰ هزار سانتریفیوژ نسل اول خود را نصب و راه اندازی کند.

قبل از توافق هسته‌ای ایران حدود ۱۸ هزار و پانصد سانتریفیوژ نسل اول و حدود هزار سانتریفیوژ نسل دوم فعال داشت که ظرفیت تولید ایران را براساس گزارش موسسه مطالعاتی علوم و امنیت بین‌المللی، به حدود هفت هزار سو در سال می‌رساند. با این حساب حدودا ۳۰ برابر کردن ظرفیت غنی‌سازی در کوتاه مدت بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

اما آنچه باعث نگرانی غرب می‌شود آن است که بالارفتن ظرفیت غنی سازی یک کشور، می‌تواند توانایی دست یافتن به سلاح هسته‌ای را تقویت کند. براساس برآوردهای موسسه مطالعاتی علوم و امنیت بین‌المللی، با ظرفیت ۱۸۰۰ سو، می‌توان ۲۶۰ کیلوگرم اورانیوم با خلوص ۲۰ درصد را طی یک سال به ۵۶ کیلوگرم اورانیوم مناسب برای ساخت سلاح هسته‌ای تبدیل کرد. با بالاتر رفتن ظرفیت سو، این زمان کمتر هم خواهد شد.

دستور خامنه ای درباره رسیدن به ۱۹۰ هزار سو چه معنایی دارد؟

رضا حقیقت نژاد

رهبر جمهوری اسلامی ۱۴ خرداد، در یک سخنرانی عمومی به سازمان انرژی اتمی ایران دستور داد « سریعا مقدمات و آمادگی‌های لازم برای رسیدن به ۱۹۰هزار سو را در چارچوب برجام فراهم بکند.» او گفت این کار فعلا در چارچوب برجام انجام شود.

خامنه ای، نخستین بار ۱۶تیرماه۹۳ به این موضوع اشاره کرد: «مسئولین ما می گویند ما به ۱۹۰۰۰۰ سو احتیاج داریم. ممکن است این نیاز مال امسال و دو سال دیگر و پنج سال دیگر نباشد، اما این نیاز قطعی کشور است، خب، باید نیاز کشور تأمین بشود.»

یک روز پس از این سخنان، علی اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی درباره سخنان رهبر جمهوری اسلامی توضیح داد: «سو (swu) واحد اندازه‌گیری است. طول را با متر و زمان را با ساعت اندازه می‌گیرند و توان جداسازی ماشین‌های سانتریفیوژ با «سو» اندازه‌گیری می‌شود ... بنا بر بررسی‌های انجام شده، ما سالانه به این مقدار واحد کار جداسازی نیاز داریم که سوخت سالانه نیروگاه بوشهر را تأمین کنیم و اگر سه نیروگاه مثل بوشهر را داشته باشیم، نیاز به سه تا ۱۹۰ هزار سو داریم.» وی افزود: «نیاز عملی ما هشت سال دیگر است که قرارداد ما برای تأمین سوخت بوشهر تمام می‌شود و تا هشت سال دیگر، خودمان خواهیم توانست سوخت بوشهر را تولید کنیم.» با ملاک قراردادن سخنان صالحی باید گفت که از سال ۱۴۰۱ ایران وارد نیاز عملی در این حوزه می شود، چهارسال دیگر.

مسئولان ایرانی در طول مذاکرات هسته ای هم ابتدا ۱۹۰هزار سو را به عنوان کف مطالبات مطرح می کردند و از آن به عنوان یک گره و نقطه تعیین کننده یاد می کردند ولی اندک اندک گفتند این میزان نیاز امروز نیست و بی خیال گنجاندن آن در برجام شدند.

به همین علت بود که مجلس شورای اسلامی در بند ۳ طرح «اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای برجام» مصوب ۲۱مهرماه ۹۴ آوردند « دولت موظف است هرگونه عدم‌پایبندی طرف مقابل در زمینه لغو مؤثر تحریم‌ها یا بازگرداندن تحریم‌های لغوشده و یا وضع تحریم تحت هرعنوان دیگر را به‌دقت رصد کند و اقدامات متقابل در جهت احقاق حقوق ملت ایران انجام دهد و همکاری داوطلبانه را متوقف نماید و توسعه سریع برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران را سامان دهد به‌طوری‌که ظرف مدت دو سال ظرفیت غنی‌سازی کشور به یکصد و نودهزار سو افزایش یابد.»

با این حال در طرح مجلس مصوب شده بود: «شورای‌عالی امنیت ملی مرجع رسیدگی به این موضوع می‌باشد» و «دولت باید ظرف مدت ۴ماه برنامه خود را برای این منظور جهت تصویب به شورا ارائه نماید.» ناظر به همین مصوبه بود که خامنه ای در نامه مورخ ۲۹مهرماه۹۴ به حسن روحانی نوشت: «مطابق

مصوّبه‌ی مجلس، طرح و تمهیدات لازم برای توسعه‌ی میان‌مدّت صنعت انرژی اتمی که شامل روش پیشرفت در مقاطع مختلف از هم‌اکنون تا پانزده سال و منتهی به ۱۹۰ هزار سو است، تهیّه و با دقّت در شورای عالی امنیّت ملّی بررسی شود.»

شورای عالی امنیت ملی مسئولیت رصد و تصمیم گیری در این زمینه را به «هیات نظارت بر اجرای برجام» واگذار کرده است. هیات نظارت بر برجام ۹مرداد۹۶ اعلام کرد که «تصمیمات ۱۶بندی» را در واکنش به نقض برجام اتخاذ کرده ولی تاکنون خبری مبنی بر اینکه بحث ۱۹۰هزار سو هم جزو این تصمیم ها بوده، منتشر نشده است. اقدام امروز خامنه ای که به جای هیات نظارت بر برجام یا شورای عالی امنیت ملی، واکنش جمهوری اسلامی را اعلام کرد، نشان دهنده این است که خامنه ای از روند تصمیم گیری این نهادها راضی نیست ولی چون نتوانسته است نظر خودش را از طریق این نهادها اعلام کند، شخصا آن را در یک سخنرانی علنی مطرح کرده است.

با این حال، چنین اظهارنظری تازگی ندارد. خامنه ای صرفا قانون مصوب مجلس را تکرار کرده و عبارت «فعلا در چارچوب برجام» هم یعنی اینکه سازمان انرژی اتمی به نحوی حرکت کند که ناقض برجام نباشد. اگر این سخنان را ملاک قرار دهیم، باید به سخنان مرداد۹۴ علی اکبر صالحی اشاره کنیم که روند رسیدن به این سطح را در چارچوب برجام توضیح داد: « ما از انتهای سال هشتم [اجرای برجام] شروع به تولید ۲۰۰دستگاه ir6 و ir8 می کنیم. از انتهای سال هشتم ، سالن B را آماده می کنیم. بعد از سال یازدهم، زنجیره سانتریفیوژهای ir6 ما ۱۶۴تایی می شود و زنجیره سانتریفیوژهای ir8 ما نیز ۸۰ تا. اینها را بایستی پیش بینی کنیم. بعد از سال سیزدهم شیب را زیاد می کنیم طوری که در سال پانزدهم ما به ۱۹۰هزار سو برسیم. شاید هم زودتر در انتهای سال ۱۴ برسیم.» بنابراین در «چارچوب برجام» ایران در سال ۱۴۰۸ یا ۱۴۰۹ می تواند به ۱۹۰هزار سو برسد. هرچند برخی اصولگرایان عقیده دارند این سخنان صالحی تبلیغاتی است و ایران در چارچوب برجام در طول حدود ۴۰سال می تواند به ۱۹۰هزار سو برسد.

با این شرح، دستور خامنه ای برای آماده سازی سریع مقدمات رسیدن به ۱۹۰هزار سو، می تواند این معنا را بدهد که ایران آماده خروج از برجام می شود. سخنان امروز رهبر جمهوری اسلامی، تهدید اروپایی ها در این زمینه بود.

اما با فرض جدی گرفتن این تهدید، از نظر عملی ایران برای اجرایی کردن این دستور در چه وضعیتی است؟ علی اکبر صالحی، شهریور۹۴ در پاسخ به منتقدان برجام گفت حرف هایشان برای رسیدن به ۱۹۰هزار سو در مدت کوتاه، بار علمی ندارد: «فرض کنید که ما این تعداد «سو» را بر اساس یک اتفاق و معجزه همین الان در اختیار داشته باشیم. ما مواد اولیه نداریم که برای مدتی این مجموعه ۱۹۰ هزار سو را دائما در فعالیت نگاه داریم و پس از دو سال فعالیت آن نیز به پایان می رسد. آنگاه چه باید کرد؟ ... این کار زمانی نتیجه می دهد که تولید مواد اولیه در داخل کشور بتواند تامین کننده نیاز سالانه ۲۰۰هزار سو باشد تا فعالیت کارخانه متوقف نشود و این موضوع نیازمند مدت زمان هفت تا هشت سال است.» امروز او در محل سخنرانی خامنه ای در جمع مسئولان جمهوری اسلامی نشسته بود. چشم های گردشده و متعجبش هنگام شنیدن دستور رهبر جمهوری اسلامی نشان می داد که همچنان به سخنان قبلی خود در این زمینه باور دارد ولی بعید است که فعلا بتواند چنین چیزی را به زبان بیاورد.

منبع: ایران وایر

آیا علی معتمد همان محمدرضا کلاهی است؟



راست، عکس منتشر شده از محمدرضا کلاهی در دهه شصت و چپ، تصویری از علی معتمد در هلند

راست، عکس منتشر شده از محمدرضا کلاهی در دهه شصت و چپ، تصویری از علی معتمد در هلند

دادگاه رسیدگی به قتل یک شهروند ایرانی هلندی که ادعا شده عامل بمبگذاری حزب جمهوری اسلامی بوده، در هلند آغاز شده است.

علی معتمد، ۵۶ ساله، پانزدهم دسامبر ۲۰۱۵ در نزدیکی خانه خود در هلند کشته شد. برخی منابع در هلند ادعا کرده‌اند که نام واقعی مقتول محمدرضا کلاهی صمدی است. مردی که جمهوری اسلامی ادعا می‌کند عامل بمبگذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیرماه سال ۱۳۶۰ بوده است.

در جریان آن بمبگذاری بیش از ۷۰ نفر از جمله محمد بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، کشته شدند.

متهمان قتل چه کسانی هستند؟

دوربین‌های مداربسته نشان می‌دهند که روز ۱۵ دسامبر ، ۲۴ آذر ۱۳۹۴، دو نفر با نقاب در یک ماشین بی‌ام‌و آقای معتمد را هدف قرار دادند. بعدها لاشه سوخته خودرو پیدا شد.

پلیس هلند دو نفر را به اتهام قتل بازداشت کرده که کم‌تر از ۳۵ سال دارند.

دو متهم به دلیل ارتباط با گروه‌های تبهکار در آمستردام سابقه قضایی دارند. این دو نفر هفته پیش جمعه در دادگاه حاضر شدند.

چه کسی از "هویت واقعی" علی معتمد خبر داشت؟
در جریان تحقیقات قضایی بعد از قتل علی معتمد، سوال‌هایی از دولت و مراکز اطلاعاتی امنیتی هلند مطرح شده که آیا از "هویت واقعی" او خبر داشته‌اند یا نه.

به گفته منابع هلندی و یک خبرنگار ایرانی هلندی که درباره موضوع تحقیق کرده، محمدرضا کلاهی صمدی اوایل دهه هشتاد میلادی از دولت هلند درخواست پناهندگی کرده و سی سال با نام مستعار علی معتمد در هلند زندگی کرده است.

مرتضی صادقی، خبرنگاری که درباره این قتل تحقیق کرده می‌گوید حتی همسر آقای کلاهی که افغان است سال‌ها از این موضوع بی‌خبر بوده است؛ اما در سال ۲۰۰۰ میلادی بعد از انتشار عکس‌های آقای کلاهی در نشریات ایران در جریان موضوع قرار گرفته است.

موضع حکومت ایران چه بوده؟
دی‌ماه ۱۳۹۲، حدود دو سال قبل از قتل علی معتمد در هلند، خبرگزاری دولتی ایرنا به نقل از یک "مقام آگاه" از دیده شدن محمدرضا کلاهی به همراه مسعود کشمیری در شهر کلن آلمان خبر داده بود.

مسعود کشمیری نام شخصی است که جمهوری اسلامی او را عامل بمبگذاری دفتر نخست‌وزیری در هشتم شهریورماه ۱۳۶۰ معرفی کرده است. از سرنوشت مسعود کشمیری اطلاعات بیشتری منتشر نشده است.

همچنین، حدود دو سال پیش رسانه‌های ایران به نقل از سخنگوی پلیس از بازداشت یکی از عوامل بمبگذاری‌های سال ۱۳۶۰ در آلبانی خبر دادند هرچند هویت این فرد اعلام نشد.

درباره هویت اصلی علی معتمد و اینکه آیا او واقعا محمدرضا کلاهی است یا نه، حکومت ایران هم مانند هلند سکوت کرده است.
قتل معماگونه علی معتمد دومین مورد مشابه در چند سال گذشته در هلند است.
آبان ماه پارسال هم یک فعال عرب مخالف جمهوری اسلامی ایران مشهور به احمد نیسی در لاهه با گلوله کشته شد.

آیا محمدرضا کلاهی عامل انفجار هفت تیر بود؟
رسانه‌های رسمی ایران محمدرضا کلاهی را عامل بمب‌گذاری معرفی می‌کنند و می‌گویند او، که عامل نفوذی سازمان مجاهدین خلق بوده، پس از بمب‌گذاری به عراق و سپس به آلمان گریخته است.

برخی از اعضای سابق سازمان مجاهدین چون سعید شاهسوندی و مسعود خدابنده نقش محمدرضا کلاهی در این انفجار را تایید می‌کنند.
روایت سعید شاهسوندی: شامگاه ۷ تیر، اولین و بزرگ ترین عمل مسلحانه سازمان مجاهدین خلق علیه جمهوری اسلامی رقم خورد: انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی. شب عملیات، علی زرکش، علیرضا معدن چی، احمد شادبختی و همسرش، محمدعلی جابرزاده انصاری، من و همسرم در خانه ای مخفی در اول اتوبان عباس آباد حضور داشتیم. زرکش خبر عملیات را به تعدادی از ما داد و ما از طریق دستگاه شنود بی سیم پاسداران و کمیته ها به گوش بودیم. شاخص پیروزی عملیات کشته شدن آیت الله بهشتی بود. بمب در زیر تریبون سخنرانی ایشان کار گذاشته شده بود. ساعت ۹ شب انفجار صورت گرفت. شدت موج انفجار و کهنه بودن ساختمان باعث فروریختن سقف و ریزش آوار شد. بیشترین تلفات نیز ناشی از ریزش آوار بود با انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و کشته و مجروح شدن صدها تن از مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی. سیکل معیوب و دایره شیطانی خشونت و خشونت متقابل بسته شد. دهه بعدی شاهد خونریزی های متقابل و کشته شدن فرزندان ایران زمین بود... درست در فردای هفتم تیر، من و سه نفر دیگر به عنوان گروه موسس "رادیو مجاهد"، بنا به دعوت دکتر قاسلمو عازم دفتر محل سیاسی حزب دمکرات کردستان در ارتفاعات زمزیران شدیم. چند هفته بعد، فردی به جمع ما پیوست. ظاهری نجیب و آرام و روحیه ای تشکیلاتی و اجرایی داشت. هویت او برای همه مشخص نبود. او با نام تشکیلاتی "کریم رادیو"در بخش فنی رادیو مجاهد سازماندهی شد. او کسی جز محمدرضا کلاهی، عامل انفجار ۷ تیر نبود. آخرین شنیده های من در مورد او این است که در روند تحولات ایدئولوژیکی درون سازمان مجاهدین خلق، مسئله دار شد و حتی شنیدم که از سازمان کناره گرفته و در حاشیه است، ولی به دلیل نقشی که در ماجرای هفت تیر داشت، امکان زندگی علنی ندارد و به صورت ناشناس زندگی می کند. (یادداشت "گام به گام تا فاجعه، محاسبه هر دو طرف اشتباه بود"

اما **ابوالحسن بنی‌صدر**، رئیس جمهور سابق ایران که چند روز پیش از انفجار از کار برکنار شده بود، می‌گوید سازمان مجاهدین خلق در آن مقطع دست داشتن در این انفجار را تکذیب کرده است. به گفته آقای بنی‌صدر ستاد ارتش ایران به او گفته بود: "این کار از لحاظ مهندسی انفجار، تنظیم شده بوده است... این کار را یا ارتش کرده، یا سپاه و یا یک قدرت خارجی."
روایت ابوالحسن بنی صدر: (پس از عزل از ریاست جمهوری توسط آیت الله خمینی) من در منزل شهید لقایی مخفی بودم. شب صدای انفجار شنیده شد. صبح پرسیدم که چه بود و کجا بود؟ معلوم شد که محل حزب جمهوری اسلامی بوده و آقای بهشتی و ۱۲۰ نفر دیگر، بلکه بیشتر، کشته شدند. من یک اعلامیه ای در محکوم کردن این انفجار انتشار دادم. به لحاظ اینکه معتقد نبودم و نیستم که مبارزه اجتماعی سیاسی از راه ترور به جایی می رسد. وقتی هم که همان روز دو نفر از سوی سازمان مجاهدین خلق در آن مخفیگاه نزد من آمدند، از آنها پرسیدم که آیا این کار شما بود؟ آنها گفتند نه، کار ما نبود. از ستاد ارتش پرسیدم، چون هنوز ارتباط وجود داشت، که این کار کی بود و اطلاعات ارتش در این مورد چه می گوید؟ آنها پاسخ دادند که این کار، کار مهندسی نظامی است. اینطور نیست که یک ماده منفجره یک گوشه گذاشته باشند و

انفجاری رخ داده باشد و ۱۲۰ نفر، بلکه بیشتر کشته شده باشند و تمام. نه! این کار از لحاظ مهندسی انفجار، تنظیم شده بوده است؛ به ترتیبی که انفجار طوری انجام بگیرد که احدی از آنجا زنده بیرون نیاید و همین طور هم شد. این کار را یا ارتش کرده، یا سپاه و یا یک قدرت خارجی که البته اطلاعات ما (ارتش) نمی گوید که یک قدرت خارجی چنین انفجاری را تدارک دیده و انجام داده باشد. بنابراین می ماند سپاه. (گفتار ویدیویی در یوتیوب)

عزت‌الله سحابی هم گفته بود که بازجویانش به او گفته‌اند مسئولیت انفجار دفتر حزب جمهوری با مجاهدین خلق نبوده و محمدرضا کلاهی عامل یک سازمان اطلاعاتی خارجی بوده است.

روایت علی اکبر ولایتی: اگر ساختمان قدیم حزب یا عکس آن را دیده باشید، در حقیقت این ساختمان، ساختمان سابق دانشکده الهیات و به صورت L و شامل سالن سخنرانی و یک طبقه بود و بقیه سه طبقه. ما قبل از ساعت ۹ به آن ساختمان سه طبقه رفتیم. و در اتاقی نشستیم تا بحث های مربوط به تدوین آئین نامه حزب را انجام بدهیم. جلسه ساعت ۹ تشکیل می شد و ما قرارگذاشتیم که ساعت ۹ و ربع یا ۹ و بیست دقیقه برویم. جلسه سر ساعت ۹ تشکیل شد. حدود ۹ و چند دقیقه بود که ناگهان دیدیم صدای انفجاری آمد. ما فکر می کردیم که بمب در اتاق ما منفجر شده زیرا تمام شیشه های اتاق ما خرد شدند و برق هم رفت. از پائین صدای فریاد می آمد و بعضی از رانندگان و همراهان افراد در حیاط بودند. آقای دکتر شیبانی از پنجره به آنهائی که در حیاط گفت: «چیزی نیست. اتاق ما بود کسی چیزی اش نشده». از آنجا بیرون آمدیم. در راهروها همه جا تاریک بود و ما روی قشر ضخیمی از شیشه خرده راه می رفتیم. به حیاط رفتیم، ولی تا چند دقیقه هنوز متوجه قضیه نبودیم چون هوا تاریک بود یک وقت کسی از بین ما گفت: «این سالنی که بود، دیگر نیست.» سقف سالن به زمین متصل و با خاک یکسان شده بود. تازه همه فهمیدند چه اتفاقی افتاده. بیل و کلنگ آوردند، ولی سقف یکپارچه و بتونی، به شکلی کامل فرود آمده بود. جرثقیلی را از سرچشمه آوردند که این طاق را بلند کند، ولی جرثقیل زورش نرسید، به جای اینکه بتون بلند شود، ته جرثقیل بلند شد. رفتند یک جرثقیل بزرگ تر آوردند که در داخل نمی آمد. سر در را خراب و سقف را بلند کردند. جرثقیل بزرگ هم یک دفعه در رفت و افتاد. بعضی ها را در این کند و کاوها در آوردند علت اینکه عده ای زنده ماندند این بود که صندلی های آنجا صندلی های آهنی ارج بود. سقف روی آنها فرود آمده و عده ای به واسطه این صندلی ها زنده مانده بودند و اگر روی زمین نشسته بودند همه رفته بودند. (گفت و گو با خبرگزاری فارس)

روایت اکبر هاشمی رفسنجانی بعد از ظهر در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. بحث های مهمی در دستور بود. از بیمارستان قلب خواسته بودند برای مشورت راجع به مسائل مربوط به معالجه آقای خامنه ای (که روز قبل ترور شده بود) کسی از مسئولان به آنجا برود. پس از جلسه شورا، برای بررسی وضع آقای خامنه ای، اول شب به عیادت آقای خامنه ای رفتم، حالشان بهتر بود. در وضع محافظت و سایر مسائل بحث شد. شب با احمد آقا خمینی در منزل قرار داشتم، به منزل آمدم. آقای موسوی خوئینی ها هم آمد. در باره ریاست جمهوری بحث کردیم. از دفتر امام آقای صانعی تلفن کرد و خبر داد که در دفتر حزب جمهوری اسلامی

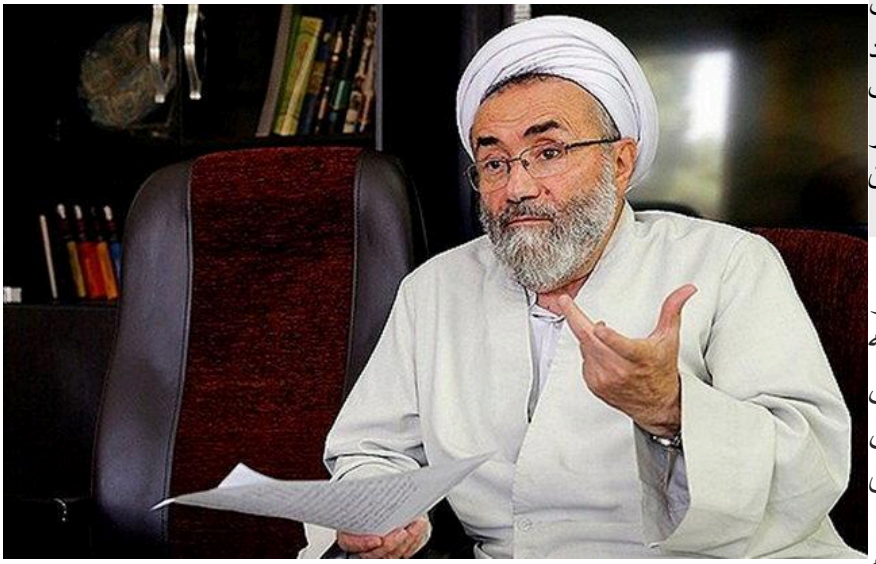
بمبی منفجر شده و عده ای شهید شده اند. وحشت کردیم. در تلفن های بعدی اطلاع رسید که بمب در همان سالن در حال سخنرانی آقای بهشتی منفجر شده. در حالی که نزدیک به یکصد نفر از افراد موثر مملکت حضور داشتند و ساختمان ویران شده و همگی زیر آوار رفته اند و مشغول بیرون آوردن شهدا و مجروحان هستند. با تلفن ها، خبرها در همه شهر منتشر شد. تا ساعت دو بعد از نصفه شب بیدار ماندم و مرتبا خبر می گرفتم. خبرها وحشتناک بود و حاکی از شهادت ده ها نفر و بالاخره خبر شهادت آقای دکتر بهشتی کمرم را شکست. گر چه خبرهای ضد و نقیض روزنه ای برای امید باز می گذاشت. فقط چند لحظه خوابیدم. فاطی تا صبح بیدار بود و جواب تلفن می داد و گریه می کرد. عفت هم کم خوابید.
(خاطرات روزانه، کتاب عبور از بحران)

روایت آیت الله علی خامنه ای اولین بار شاید روز دوم، سوم [بعد از انفجار در مسجد اباذر و زخمی شدن من] بود، من دقیقاً یادم نیست، چون در حال عادی نبودم، جراحی که من را معالجه می کرد، گفت که حزب جمهوری منفجر شده و عده ای شهید شده اند. اما اسم مرحوم بهشتی را نبرد. من چون در حال طبیعی نبودم آنقدر به این حساس نشدم و چیزی نفهمیدم. و بعد هم یادم رفت. در حدود روز دوازده، سیزدهم بود که من اصرار می کردم که روزنامه و رادیو به من بدهند که از اخبار مطلع شوم. برادرانی که با من بودند، پاسداران و نزدیکان مقاومت می کردند و نمی گذاشتند. من بر اصرار خود اضافه می کردم. آنها می گفتند نمی شود رادیو به اینجا بیاوری، چون دستگاه هایی که به قلب و نبض من وصل بود، می گفتند که اینها خراب می شود. گفتم خوب روزنامه بیاورید، روزنامه که دستگاه ها را خراب نمی کند. روزنامه هم نمی آوردند و من هم خیلی عصبانی شده بودم که چطور من چیزی می گویم و اطرافیان و دوستان من حاضر نیستند حتی یک روزنامه بخرند و بیاورند. یک روز آقای هاشمی رفسنجانی و حاج احمدآقا به عیادت من آمدند. طبق معمول که غالبا می آمدند. نمی دانستم که آمدن اینها را طبیب من خواسته که آنها بیایند و به من بگویند. طبیب من رو به من کرد و به آقای هاشمی گفت: که ایشان خیلی اصرار دارند که بهشان رادیو بدهیم. به نظر شما مصلحت است؟ آقای هاشمی گفت: نه. من گفتم: چرا مصلحت نیست؟ ایشان گفتند رادیو اخبار تلخ دارد. جریانات ناراحت کننده دارد. بعد من همینطور فکر کردم یعنی چه رادیو اخبار تلخ دارد؟ آقای هاشمی گفتند که ادامه دارد. و می خواستند جریان را به یک شکلی به من بفهمانند. بعدا گفتند: مثلا دفتر مرکزی حزب منفجر شده عده ای مجروح شدند. آقای بهشتی هم مجروح شده. در ضمن صحبت اسم آقای بهشتی را هم بردند. من بسیار ناراحت شدم. وقتی اسم آقای بهشتی را بردند. شاید هم گریه ام گرفت. یادم نیست. آن روزها هم حال من عادی نبود. یک عمل جراحی سومی هم داشتم. وقتی شنیدم آقای بهشتی مجروح شده از روزنامه و رادیو یادم رفت سوال کنم. از آقای بهشتی پرسیدم. گفتم که وضعشان چطور است؟ حالشان چطور است؟ گفتند که آقاب بهشتی حال خوبی نداشتند. من خیلی ناراحت شدم و گفتم که باید همه امکانات مملکت را بسیج کنیم تا آقای بهشتی را نجات دهیم. بعد من باز آرام نگرفتم. گفتم وضعشان بهتر از من یا بدتر از من است؟ گفتند: چه فرقی می کند، همینطوری است. بالاخره خبرهای بیرون تلخ است و رفتند. بعد از رفتنشان قدری فکر کردم. به ذهنم رسید که باید مسئله ای باشد. بچه های دور و برم را گفتم و از زیر زبانشان مطلب را کشیدم و حدس زدم که او شهید شده. و بچه ها گفتند همان اول شهید شدند.

گفتند که وضع من آن موقع چطور بود، تقریباً خیلی بد بود. و من چون نسبت به آقای بهشتی احساسات برادرانه داشتم و یک اعتقاد همه جانبه داشتم. با ایشان سال های درازی مانوس بودیم، در ایام انقلاب حدود یک سال و نیم تقریباً شب و روز با هم بودیم. مرتب همه کارهایمان و تلاش هایمان با هم مشترک بود. همین برای من خیلی سخت بود...حادثه دفتر مرکزی حزب در داخل تاثیرش خیلی زیاد بود. علت هم این بود که مردم به حزب و به این مسئولانی که شهید شدند، علاقه مند بودند. به خصوص بعد از افشاگری مجلس در مورد بنی صدر و اقدام قاطع امام نسبت به بنی صدر از این جریان رو برگردانده بودند و تقریباً به طور یکسره بطلان جریان لیبرال ها را فهمیده بودند. وقتی که این حادثه پیش آمد، میزان وحشیگری جریان مخالف را هم فهمیدند. البته جریان دست اندر کار حادثه ۷ تیر، جریان آمیخته ای از لیبرال ها و منافقین بود. یکسره از لیبرال ها نبود. لکن نشان می داد که چقدر آنها مردم ناجوانمردی هستند که حاضرند به خاطر مسائل سیاسی، شخصیت هایی مثل شهید بهشتی و بقیه شهدای ۷۲ تن را در یک حادثه نابود و شهید کنند. این چیزی است که به طور طبیعی هر کس را تکان می دهد و متوجه بطلان آن جریانی می کند که دست اندر کار این مسئله بود. بنابراین حادثه در داخل ایران جریان انقلاب را یکسره و یکپارچه کرد. اگر مردم تا آن زمان بطلان جریان مخالف را فهمیده بودند، در حادثه ۷ تیر حقانیت مطلق جریان مخالف لیبرال ها و منافقین را که خط امام باشد، احساس می کردند. انعکاس همین در خارج خیلی زیاد بود. (مصاحبه با مجله سروش، تیرماه ۱۳۶۱ - نقل شده در سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

در واکنش به ادعای رسانه های نزدیک به احمدی نژاد در مورد ارتباط کلاهی و میرحسین؛

مسیح مهاجری: این ادعاها در مورد مهندس موسوی دروغ است؛ «حفظ الغیب» واجب است / ورود کلاهی به حزب با نظر مثبت شهید بهشتی کذب است



به دنبال کشته شدن کلاهی عامل انفجار دفتر حزب جمهوری، برخی رسانه های نزدیک به احمدی نژاد ادعاهایی در مورد حضور کلاهی در حزب جمهوری با نظر مثبت شهید بهشتی طرح کردند و تلویحاً مدعی ارتباطاتی بین کلاهی و میرحسین موسوی شدند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

به دنبال کشته شدن کلاهی عامل انفجار دفتر حزب جمهوری، برخی رسانه های نزدیک به احمدی نژاد ادعاهایی در مورد حضور کلاهی در حزب جمهوری با نظر مثبت شهید بهشتی طرح کردند و تلویحاً مدعی ارتباطاتی بین کلاهی و میرحسین موسوی شدند.

به گزارش سرویس سیاسي انتخاب، این رسانه ها از قول کلاهی آورده اند: «من (کلاهی) و موسوی هر دو با نظر مثبت [شهید] بهشتی به حزب رفتیم، موسوی به روزنامه جمهوری اسلامی رفت و حالا من اینجا هستم و در این شرایط و بعد موسوی وزیر امور خارجه و سپس نخست وزیر شد.»

این رسانه ها در ادامه گزارش فاقد مستند خود، مي افزايند: «این قسمت آخر اعترافات نقل شده از طرف کلاهی جالب

توجه است! آیا این ورود همزمان و مشابه کلاهی و موسوی به حزب جمهوری اسلامی در سال 1358 به قرینه می تواند به این معنا باشد که در راهیابی میرحسین موسوی به حزب جمهوری اسلامی و ارتقا وی شبهات جدی و برخی برنامه ریزی ها وجود داشته است؟»
این شبهات و ادعاها در حالی مطرح می شود که حجت الاسلام والمسلمین مسیح مهاجری عضو شورای مرکزی حزب جمهوری و از نجات یافتگان انفجار هفتم تیر در گفتگو با خبرنگار سرویس سیاسي «انتخاب» ، این مسائل را از اساس دروغ پردازی دانست و به منتشرکنندگان این گزارش کذب را به "حفظ الغیب" توصیه کرد.
حجت الاسلام والمسلمین مسیح مهاجری انتشار این گزارش از قول کلاهی درباره ورود میرحسین موسوی به حزب را از اساس کذب خوانده و در عین حال گفت: این دروغ است که کلاهی بانظر مثبت شهید آیت الله بهشتی وارد حزب جمهوري شده است.
مدیرمسئول روزنامه جمهوري اسلامي افزود: کلاهی در تشکیلات تهران حزب جمهوری تهران با آقاي مالکی کار می کرد و اساساً شهید بهشتی او را نمیشناخت.
حجت الاسلام والمسلمین مسیح مهاجري در ادامه در مورد شخصیت شهید مالکي نیز گفت: البته خود آقای مالکی از نیروهای مخلص انقلاب بود و به ظاهر پرفریب کلاهی نگاه کرده بود و از ارتباطات او خبر نداشت.
مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی تاکید کرد: آقای میرحسین موسوی ازمتدین ترین نیروهای حزب و مورد اعتماد کامل آقای بهشتی بود.

به گزارش جهان نیوز به نقل از تسنیم، به مناسبت سالروز انحلال حزب جمهوری اسلامی به سراغ امیرسعید نقی‌زاده عضو حزب جمهوری اسلامی و سردبیر نشریه کارگری حزب رفتیم. وی از اعضای اولیه این حزب به شمار می‌رفت که دلیل ارتباطش با حزب واسطه بودن بین انجمن اسلامی دانشگاهش و حزب بود.

او که خود را مرید شهید آیت می‌داند، درباره نحوه آشنایی‌اش با این شهید بزرگوار می‌گوید "من قبل از حزب جمهوری اسلامی از طریق دایی خود که استاد دانشگاه علم وصنعت بود با نام پر آوازه مرحوم شهید دکتر سید حسن آیت و دکتر ابراهیم اسرافیلیان آشنا بودم و تمام ارتباطات من با این دو بزرگوار پس از تاسیس حزب جمهوری اسلامی و در آن حزب بوده است."

نقی‌زاده از فعالان شاخه دانشجویی و سردبیر نشریه صالحان سازنده، ارگان کارگری حزب **بود و می‌گوید "آن زمان حزب جمهوری اسلامی یک روزنامه به نام جمهوری اسلامی یک هفته نامه به نام صالحان سازنده و یک دو هفته نامه به نام عروه الوثقی منتشر می‌کرد."خبر انفجار دفتر حزب را از رادیو شنیدم/ «کلاهی» چگونه وارد حزب شده بود؟**
حالا از آغاز فعالیت حزب جمهوری اسلامی قدری فاصله بگیریم و ببینیم شما که در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در سرچشمه حضور داشتید شب انفجار حزب در 7 تیر سال 60 کجا بوده و چه می‌کردید؟ کلاهی عامل انفجار چگونه وارد حزب شده بود؟ آیا با وی قبل از انفجار مواجهه‌ای داشتید؟
نقی‌زاده: روز هفتم تیر من تا ساعت 19:30 در دفتر حزب حضور داشتم، آن ساعت به سمت منزل حرکت کردم و به خانه آمدم. برادرم مشغول پیچاندن موج رادیو برای شنیدن اخبار از رادیوهای بیگانه بود که نمی‌دانم کدام رادیو بود که گفت دقایقی قبل انفجار مهیبی در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به وقوع پیوست. در همان حال ناگاه و بی اختیار از جا پریدم، لباس پوشیدم و برگشتم به دفتر حزب و تا صبح به امداد رسانان و مردم عادی که برای نجات زیرآوار مانده‌ها و بیرون آوردن اجساد کوشش می‌کردند، کمک کردم.

در مورد کلاهی باید بگویم واحد تشکیلات حزب جمهوری اسلامی که زیرنظر شهید جواد مالکی اداره می‌شد وی را نیز جذب حزب کرده بود. در واقع بیشترین ارتباط کلاهی با جواد مالکی بود و اگر وی شهید نمی‌شد شاید دید افراد نسبت به او بد می‌شد چرا که کلاهی از طریق او به حزب وارد شد. کارت‌های عضویت حزب هم شهید مالکی امضا می‌کرد. من یکی دوبار کلاهی

را دیده بودم. انسان بی ادبی بود. یادم هست یک بار بدون در زدن، در را محکم باز کرد و وارد دفتر نشریه ما در ساختمان حزب شد که به او تذکر دادم.

معمای مسعود کشمیری

حسین باستانی

روز شنبه ۲۵ اردیبهشت، پرونده انفجار ساختمان نخست وزیری ایران در ۸ شهریور ۱۳۶۰، به دلیلی عجیب مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت: مهدی منتظرالمهدی سخنگوی نیروی انتظامی خبر از دستگیری یکی از عوامل بمب‌گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی در کشور آلبانی داد؛ اما خبرگزاری صدا و سیما، به اشتباه از قول او گزارش کرد که "عامل انفجار دفتر نخست وزیری" دستگیر شده است.

با وجود آنکه این نقل قول درست نبود، بلافاصله به انتشار اخبار، گزارش‌ها و شایعات متعددی در رسانه های رسمی ایران در مورد مسعود کشمیری عامل انفجار ۸ شهریور انجامید که در جریان آن محمد علی رجایی رئیس جمهور و محمد جواد باهنر نخست وزیر کشته شدند.

واکنش رسانه ها به نقل قول نادرست خبرگزاری صدا و سیما در مورد دستگیری مسعود کشمیری، البته شتابزده بود. اما این واکنش، بین سطوری نیز داشت که اغلب مخاطبان رسانه ها از آن بی خبر بودند: اینکه عده ای از اهالی رسانه، از قبل از نشست خبری سخنگوی ناجا شایعه ای را با موضوع دستگیری مسعود کشمیری در یک کشور خارجی شنیده بودند
واکنش رسانه ها به نقل قول خبرگزاری صدا و سیما، البته شتابزده بود. اما این واکنش، بین سطوری نیز داشت که اغلب مخاطبان رسانه ها از آن بی خبر بودند: اینکه عده‌ای از اهالی رسانه، از قبل از نشست خبری سخنگوی ناجا شایعه ای را با موضوع دستگیری مسعود کشمیری در یک کشور خارجی شنیده بودند.

خبرگزاری ایلنا، قاعدتا با اشاره به همین شایعه بود که روز یکشنبه نوشت اظهارات سخنگوی ناجا "خبر دستگیری مسعود کشمیری عامل اصلی انفجار در دفتر نخست‌وزیری" را "قوت می‌بخشد". یک ماه قبل از آن نیز، یک کانال تلگرامی "خبر" مورد اشاره ایلنا را منتشر کرده و بلافاصله مسدود شده بود.

درحقیقت خبر خبرگزاری صدا و سیما، احتمالا برای برخی از صاحبان رسانه ها، تأییدکننده شایعه ای محسوب می‌شد که به‌تازگی پراکنده شده بود. چه بسا خبرنگار صداوسیما که خبر دستگیری "عامل انفجار دفتر نخست وزیری" را تنظیم کرده بود یا سردبیری که چنین خبری را تأیید کرده بود نیز، تحت تأثیر سابقه ذهنی ناشی از شایعه دستگیری مسعود کشمیری قرار داشتند.

سخنگوی نیروی انتظامی، یک روز بعد از نشست رسانه ای خود، توضیح داد که اساساً فردی که او خبر از دستگیریش در آلبانی داده یک زن بوده که در انفجار ساختمان حزب جمهوری اسلامی در هفت تیر ۱۳۶۰ دست داشته و این زن، به استناد "اعلان قرمز" صادر شده از

سوی اینترپل دستگیر شده است.

این خبررسانی جدید هم، برای مخاطبان خاص و عام رسانه ها ابهامات جدیدی را ایجاد کرد. برای مخاطبان خاص، از آن جهت که فهرست افراد ایرانی تحت تعقیب اینترپل بر روی سایت آن قرار داشت و در میان آنها، نام هیچ یک از زنان عضو یا مشکوک به عضویت در مجاهدین خلق وجود نداشت. برای مخاطبان عام، از این جهت که تا به حال نشنیده بودند که یک زن هم در انفجار هفت تیر دخالت داشته است: هر چه شنیده بودند، در مورد یک مرد به نام "محمدرضا کلاهی" بود که رسانه های ایران در طول ۳۵ سال قبل او را به عنوان عامل بمب گذاری هفت تیر معرفی کرده بودند که در جریان آن، محمد بهشتی رئیس دیوان عالی کشور و ده‌ها نفر از دیگر مقام های حکومتی ایران کشته شدند.

نهایتا ۲۷ اردیبهشت، حسین اشتری فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد ایران "به دنبال استرداد" زن درگیر در انفجار دفتر حزب جمهوری بوده که تازه در مورد آن هم کشور آلبانی حاضر به همکاری نشده است.

با وجود توضیحات تکمیلی مسئولان ناجا، در همان نیم روز بعد از انتشار خبر جنجال آفرین خبرگزاری صدا و سیما، مطالب متعددی در مورد مسعود کشمیری منتشر شد که به سرعت به فضای افکار عمومی و شبکه های اجتماعی هم راه یافت. این شایعه که دستگیر شدگان در خارج از ایران بیش از یک نفر بوده اند، شایعه "اعدام" سریع مسعود کشمیری بعد از انتقال به ایران و ابراز هیجان زودهنگام بعضی از نزدیکان محمود احمدی نژاد در مورد نتایج احتمالی اعتراف گیری از او علیه اصلاح طلبان، از جمله آنها بودند.

مساله این نیست که چند نفر را بگیرند و محکوم کنند بلکه قضیه این است که افراد مؤمن به انقلاب و جمهوری اسلامی را کنار بزنند و افرادی که مخالفند کم کم روی کار بیایند... من از همان اول می‌دانستم که یک دستی در کار است که می‌خواهد این افراد [امثال خسرو تهرانی و بهزاد نبوی] را بدنام کند و کنار بزند. النهایه فکر کردم آقایان به قضیه می‌رسند و خاتمه می‌دهند ولیکن الان احساس می‌کنم که باز قضایا به جاهای دیگر کشیده می‌شود... اسلام برای افرادی که این‌طور اشخاص را دستگیر می کنند و آبروی آنها را می برند تکلیف اینها را معین کرده است... این پرونده باید ختم بشود و کنار برود و بسته شود و این افراد شناسایی شوند
دستور آیت الله خمینی برای بسته شدن پرونده انفجار نخست وزیری
حتی عبدالرضا داوری، یکی از مدافعان سرسخت آقای احمدی نژاد، با تاکید بر اینکه فرد بازداشت شده مسعود کشمیری است، وعده داد "با انتقال او به ایران، جعبه سیاه پروژه نفوذ در جمهوری اسلامی گشوده خواهد شد"؛ و سایت دولت بهار، حامی رئیس جمهور سابق، اندکی محتاطانه تر نوشت: "در صورت صحت خبر دستگیری کشمیری، دوستان سابق وی اکنون باید به شدت نگران گشوده شدن جعبه سیاه باشند. جعبه سیاهی که با گشوده شدن آن، نقاب از برخی چهره های نفاق کنار خواهد رفت."

همه این واکنش ها در شرایطی صورت می گرفت که با توجه به توضیحات نیروی انتظامی در مورد ماجرای دستگیری آلبانی، این سوال مهم بدون پاسخ می ماند که منشا شایعات یک ماه گذشته در مورد هویت فرد دستگیر شده چه بوده است؟ مهمتر آنکه آیا بخشی از این شایعات ریشه در واقعیت داشتند یا اینکه باید به کلی از جنس "ضداطلاعات" تلقی می شدند؟

شاید بخشی از پاسخ این پرسش ها، ریشه در اهمیت پرونده انفجار نخست وزیری در هشتم شهریور ۱۳۶۰ داشته باشد. انفجاری که در ۳۵ سال سپری شده از آن، یکی از سخت جان ترین بهانه های درگیری دو جناح چپ و راست حکومت ایران بوده است.

در این میان، مشخصا سرنوشت متهم اصلی این پرونده، مسعود کشمیری، در سال های اخیر بیشتر مورد توجه رسانه های ایران قرار گرفته است. از دی‌ماه ۱۳۹۲ که خبرگزاری دولتی ایرنا به نقل از یک "مقام آگاه" از دیده شدن وی به همراه محمدرضا کلاهی در آلمان خبر داده، تا همین سه روز پیش (۲۶ اردیبهشت) که روزنامه خراسان گمانه زنی جدیدی را در مورد احتمال اقامت مسعود کشمیری در فرانسه منتشر کرده است.

پرونده رازآلود انفجار نخست وزیری
سازمان مجاهدین خلق، که عامل انفجار ساختمان نخست وزیری شمرده می شود، رسما مسئولیت این انفجار را به عهده نگرفته و همین موضوع، یکی از دلایل گسترش گمانه زنی در مورد عاملان این انفجار بوده است.

برخی از ناظران دلیل عدم پذیرش مسئولیت این اقدام را، هزینه بالای به عهده گرفتن ترور رئیس جمهور و نخست وزیر یک کشور در عرف بین المللی می دانند که پذیرفتن رسمی مسئولیت انفجار نخست وزیری را برای سازمان مجاهدین، که بسیاری از اعضا و رهبرانش ناچار به استقرار در غرب شده بودند، مشکل می کرد.

احمد خمینی فرزند بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در سخنانی در ۷ مهر ۱۳۷۱، خاطره ای را نقل می کند که نشان دهنده شدت اعتماد مسئولان ارشد دولت به مسعود کشمیری است. وی می گوید که بعد از انفجار حزب جمهوری و در زمانی که مراقبت های امنیتی در نهادهای حکومتی و به ویژه در اقامتگاه آیت الله خمینی به شدت افزایش یافته بوده، کشمیری می‌خواسته به همراه محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر برای شرکت در جلسه‌ای به حضور آیت الله خمینی برسد اما محافظان جماران، به او اجازه نمی‌دهند کیفی که همراه داشته را به داخل بیاورد. به گفته احمد خمینی، در واکنش به ممانعت محافظان، محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر می‌گویند که اگر کشمیری نتواند با کیف همراهش وارد شود، آنها هم نمی‌شوند
البته، شکی وجود ندارد که مسعود کشمیری به عنوان عامل بمب گذاری، عضو سازمان مجاهدین بوده است. حتی سعید شاهسوندی، از اعضای سابق مجاهدین، در ۲۶ مهر ۱۳۸۶ گفته که او و همسرش مدت کوتاهی در ترکیه با کشمیری و همسرش در یک خانه سازمانی مجاهدین زندگی کرده اند.

آقای شاهسوندی، همچنین، به نوشته ای در شماره مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۴ نشریه "مجاهد" به قلم "یکی از قهرمانان عملیات ویژه" در ستایش مسعود رجوی اشاره می کند که نویسنده اش را مسعود کشمیری می داند. نویسنده مرموز مطلب اردیبهشت ۱۳۶۴، در بخشی از آن، از احوالات خود پیش از انجام طرحی بسیار مهم سخن می گوید که ظاهرا عملیات انفجار نخست وزیری بوده است. عملیاتی که به روایت نویسنده اش قرار بوده اول مرداد ۱۳۶۰ انجام شود ولی به خاطر در پیش بودن خروج مسعود رجوی از ایران (این خروج یک ماه قبل از انفجار نخست وزیری انجام شد) به تاخیر افتاده است.

اما جدا از چنین بحث هایی، مهمترین عامل اختلاف در حکومت ایران بر سر واقعه انفجار نخست وزیری، اعلام نام مسعود کشمیری بعد از این انفجار به عنوان یکی از کشته شدگان بوده است.
به دنبال انفجار نخست وزیری، افرادی و از جمله رئیس دفتر اطلاعات نخست وزیری، خسرو قنبری تهرانی، گفته بودند که مسعود کشمیری جزو کشته شدگان انفجار بوده و سپس صدا و سیما از او به عنوان یکی از "شهدای هشت شهریور" نام برده بود؛ در حالی که بعدها معلوم شد که وی قبل از واقعه، از محل انفجار خارج شده است.
درحقیقت، ۱۰ روز بعد از انفجار بود که محمدمهدی ربانی‌املشی، دادستان کل کشور، برای اولین بار در تلویزیون اعلام کرد که عامل انفجار نخست‌وزیری مسعود کشمیری بوده است.
با روشن شدن نقش کشمیری در بمب گذاری، خسرو تهرانی که دبیری شورای امنیت کشور را هم بر عهده داشت در معرض اتهام قرار گرفت؛ چون اولا کشمیری فرد مورد اعتماد و معاون او در دبیرخانه شورای امنیت محسوب می شد و ثانیا عامل بمب گذاری را جزو کشته شدگان واقعه معرفی کرده بود.
خسرو تهرانی بعدها بر سر این موضوع دستگیر و به مدت سه ماه مورد بازجویی قرار گرفت، اما نهایتا بی گناه تشخیص داده و آزاد شد. خودش در ۷ آذر ۱۳۸۹ در گفتگویی که در سایت بولتن نیوز منتشر شده، در مورد دلیل اعتماد اولیه خود به مسعود کشمیری می گوید: "اصلا فکر نفوذی بودن او را هم نمی‌کردیم. حتی وقتی بمب در نخست‌وزیری منفجر شد ما فکر نمی‌کردیم کار کشمیری باشد که بعدها با کار اطلاعاتی متوجه شدیم که کار او بوده است."

اسدالله لاجوردی دادستان وقت انقلاب تهران، که به شدت مخالف سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود، در زمان حیات خود از سرسخت ترین متهم کنندگان این سازمان بر سر ماجرای انفجار نخست‌وزیری محسوب می شد. او حتی در وصیت نامه ای که بعد از مرگش در شهریور ۱۳۷۷ منتشر شد، اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را کسانی دانست که 'هم رجایی و باهنر را می‌کشند هم به سوگشان می نشینند' و هشدار داد که خطر آنها 'به مراتب زیادتر' از خطر سازمان مجاهدین خلق است
احمد خمینی فرزند بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در سخنانی در ۷ مهر ۱۳۷۱، خاطره ای را نقل می کند که نشان دهنده شدت اعتماد مسئولان دولت به مسعود کشمیری است. وی می گوید که بعد از انفجار حزب جمهوری و در زمانی که مراقبت های امنیتی در نهادهای

حکومتی و به ویژه در اقامتگاه آیت الله خمینی به شدت افزایش یافته بوده، کشمیری می خواسته به همراه محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر برای شرکت در جلسه ای به حضور آیت الله خمینی برسد اما محافظان جماران، به او اجازه نمی دهند کیفی که همراه داشته را به داخل بیاورد.
به گفته احمد خمینی، در واکنش به ممانعت محافظان، محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر می گویند که اگر کشمیری نتواند با کیف همراهش وارد شود، آنها هم نخواهند شد؛ هرچند نهایتا مسعود کشمیری قبل از تفتیش کیفش به حالت قهر برمی گردد و آنها هم به ناچار بدون او در جلسه حاضر می شوند.
به هر ترتیب، از حدود سه دهه پیش، اعضایی از جناح محافظه کار جمهوری اسلامی، آقای تهرانی و دوستان او در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و به ویژه بهزاد نبوی را به خاطر اعتماد اولیه شان به کشمیری به دست داشتن در این انفجار متهم می کنند.

مثلا خبرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه پاسداران، در گزارش مفصلی که سه سال پیش (۲۸ مرداد ۱۳۹۲) منتشر کرده، خسرو تهرانی را همچنان به خاطر "نفوذ دادن کشمیری به صورت پلکانی و رسیدن به قائم مقامی خودش" و اینکه "شهادت داده که کشمیری در جلسه حضور داشته" متهم دانسته است.
اسدالله لاجوردی دادستان وقت انقلاب تهران، که به شدت مخالف سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود، در زمان حیات خود از سرسخت ترین مدافعان این اتهامات محسوب می شد. او حتی در وصیت نامه ای که بعد از مرگش در شهریور ۱۳۷۷ منتشر شد، اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را کسانی دانست که "هم رجایی و باهنر را می‌کشند هم به سوگشان می نشینند" و هشدار داد که خطر آنها "به مراتب زیادتر" از خطر سازمان مجاهدین خلق است.
سعید حجاریان که در زمان واقعه، همکار خسرو تهرانی در اطلاعات نخست وزیری بوده (در آن زمان هنوز وزارت اطلاعات تاسیس نشده بود) در توضیح علت اعلام شدن نام مسعود کشمیری به عنوان یکی از کشته شدگان انفجار نخست وزیری می گوید در ابتدا تصور بر این بوده که کشمیری کشته شده اما بعد شک کرده اند و نهایتا با شنود تلفن خانواده اش فهمیده اند که زنده است. وی در مصاحبه با نشریه اندیشه پویا در ۶ تیر ۱۳۹۱ می افزاید که با وجود این، مقام های امنیتی تصمیم گرفتند "وانمود کنند که او مرده تا وقت داشته باشند او را بازداشت کنند و دیرتر از کشور خارج شود."
اکبر هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات سال ۱۳۶۰ خود، با اشاره به اعلام شدن نام کشمیری به عنوان یکی از کشته‌شدگان انفجار نخست وزیری نوشته است: این کار برای این بود که منافقین فکر کنند نظام نمی‌داند که مسعود کشمیری عامل انفجار بوده و از غفلت آنها برای دستگیرکردن او استفاده شود
اکبر هاشمی‌رفسنجانی هم در خاطرات سال ۱۳۶۰ خود، همین دلیل را برای اعلام نام کشمیری به عنوان "شهید" ذکر کرده است: "این کار برای این بود که منافقین فکر کنند نظام نمی‌داند که مسعود کشمیری عامل انفجار بوده و از غفلت آنها برای دستگیرکردن او استفاده شود".
مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اول شهریور ۱۳۸۹ روایتی از بهزاد نبوی از ماجرا را نقل کرده

که حکایت دارد در ابتدا، مسئولان می خواسته اند حتی کشته شدن محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر را هم مخفی نگه دارند چون قرار بوده روز ۹ شهریور عملیات شکستن حصر آبادان شروع شود (این عملیات با تاخیر، نهایتا در ۵ مهر انجام شد) و مسئولان نمی‌خواسته اند که رزمندگان روحیه خود را از دست بدهند.
آقای نبوی که سخنگوی دولت محمدعلی رجایی بوده می گوید: "من در جلسه هیأت دولت مصاحبه کردم. دفعه اول اعضای دولت و آقای هاشمی گفتند مصاحبه مناسب نبود. چهره‌ات متأثر و مشخص کننده وقوع اتفاقی بود و خواستند دوباره مصاحبه کنم و دوباره مصاحبه کردم و مجبور شدم بگویم رجایی و باهنر جراحاتی برداشته و در بیمارستان بستری هستند."
وی می افزاید: "با استفاده از این سخنان بعدها علیه من پرونده سازی شد، ضمن اینکه آن مصاحبه هم خاصیتی نداشت و رزمندگان دریافتند که رجایی و باهنر شهید شده‌اند و عملیات شکست حصر آبادان به تأخیر افتاد."
اکبر هاشمی رفسنجانی در خطبه های نمازجمعه ۱۳ شهریور ۱۳۶۰، اشاراتی دارد که نشان می دهد تلاش برای "پرونده سازی" مورد اشاره بهزاد نبوی، از روزهای اول پس از انفجار نخست وزیری در جریان بوده است: "اخیرا می شنویم که درصددند شخصیت بهزاد نبوی یکی از اشخاص معتبر این مملکت را در همین رابطه زیر سوال قرار دهند که تحقیقا به این نتیجه رسیده ایم که سرمنشا این جریان به لیبرالیسم و منافقین می رسد."
وی حتی می گوید: "این ترور دوم است، یعنی خواسته اند در کنار آن ترور این ترور هم باشد. اگر رجایی را بیرون کردند، بهزاد را هم می‌خواهند این‌طور بیرون کنند و بعد بدنامی درست کنند."

بسته شدن پرونده به دستور آیت الله خمینی



صورت‌جلسه حاوی دستور آیت الله خمینی برای بسته شدن پرونده
پرونده انفجار نخست وزیری، یک بار از شهریور ۱۳۶۰ تا شهریور ۱۳۶۱ و زیر نظر محمدمهدی ربانی املشی دادستان کل کشور و بار دیگر از شهریور ۱۳۶۱ تا بهمن ۱۳۶۳ زیر نظر اسدالله لاجوردی دادستان انقلاب تهران مورد رسیدگی قرار گرفت ولی اتهامات جناح راست حکومت ایران علیه منتسبان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به اثبات نرسید. در جریان این پی‌گیری ها، مجموعا ۲۱ متهم مورد بازجویی قرار گرفتند.

بعد از رسیدن محمد موسوی خوئینی ها از اعضای جناح چپ حکومت به سمت دادستانی کل کشور در تیر ۱۳۶۴، وی تصمیم گرفت تکلیف این پرونده ناتمام سه سال و نیمه را مشخص کند. سعید حجاریان در مصاحبه با اندیشه پویا (۶ تیر ۱۳۹۱) می گوید: "آقای خوئینی ها گفت که پرونده را می دهم دست خودشان که تا تَهَش بروند و معلوم شود که هیچی نیست و قضیه یک بار برای همیشه بسته شود".

در مرحله سوم از پیگیری پرونده که تا خرداد ۱۳۶۵ طول کشید، مسئولیت پیگیری با ابراهیم رئیسی معاون سیاسی دادسرای انقلاب تهران بود که عضو جناح راست محسوب می شد، و بازجویی ها در شعبه ۷ دادسرای انقلاب مرکز صورت می گرفت که تحت کنترل تیم اسدالله لاجوردی قرار داشت.
دستگیری خسرو تهرانی هم در همین مرحله انجام شد که او بعدا گفت منجر به سه ماه زندان انفرادی در شرایط سخت شده اما همراه با شکنجه فیزیکی نبوده است.

باز در همین مرحله از پیگیری‌هاست که در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۶۵، جسد یکی از دستگیر شدگان، تقی محمدی، در زندان پیدا می شود. تقی محمدی، همان کسی است که یک ماه پس از نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، رسانه های آمریکایی تصویر او در کنار گروگان های سفارت آمریکا در تهران را منتشر کرده و به اشتباه گزارش دادند که محمود احمدی نژاد است.

اعضای جناح محافظه کار حکومت ایران، در سه دهه گذشته مرگ تقی محمدی را، که روایت رسمی قوه قضاییه از آن خودکشی بود، مشکوک به انجام از سوی جناح رقیب دانسته اند. خبرگزاری فارس در ۱۳ شهریور ۱۳۹۳ با تکرار این اتهام نوشته است: "شهید لاجوردی... با دستگیری برخی عناصر مشکوک به سرعت به هسته اصلی یعنی طراحان فاجعه ۸ شهریور نزدیک می شد. از جمله دستگیر شدگان فردی به نام تقی محمدی بود... اما در همان روزهای اولیه پس از دستگیری یک شب به صورت مشکوک در سلول خود به قتل رسید."

از سوی دیگر، سعید حجاریان در مصاحبه با اندیشه پویا با تاکید بر اینکه تقی محمدی "دست ما نبود و دست نیروهای لاجوردی و شعبه هفتی ها بود" گفته است: "آن قدر پررو شده اند که بگویند او را ما کشته ایم. طرف در زندان دست خودشان بوده، لطفا بیایند و بگویند که چطور ما توانسته ایم او را بکشیم."

بعد از رسیدن محمد موسوی خوئینی ها به سمت دادستانی کل کشور در بهمن ۱۳۶۳، وی تصمیم گرفت تکلیف این پرونده ناتمام هشت شهریور را مشخص کند. سعید حجاریان می گوید: آقای خوئینی‌ها گفت که پرونده را می‌دهم دست خودشان که تا تهش بروند و معلوم شود که هیچی نیست و قضیه یک بار برای همیشه بسته شود
سعید حجاریان می گوید که اعضای جناح مقابل در مرحله سوم پی‌گیری پرونده (که حدود یازده ماه طول می کشد) بعد از دستگیری خسرو تهرانی به دنبال دستگیری خود وی و بهزاد نبوی هم بوده اند که محمد موسوی خوئینی ها مخالفت می کند و آیت الله خمینی را در جریان می گذارد.

موسوی خوئینی ها، در ۲۲ مهر ۱۳۹۰ در توضیحی در وبسایت شخصی خود موسوم به "آهنگ راه"، توضیح داده که چگونه در جریان آخرین نوبت پیگیری پرونده هشت شهریور ، آیت الله خمینی او، عبدالکریم موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور و ابراهیم رئیسی را احضار کرده و شخصا دستور مختومه شدن پرونده بعد از ۵ سال را داده است.

محمد موسوی خوئینی ها، پس از همین جلسه، اظهارات آیت الله خمینی را صورت‌جلسه کرده و برای مرتضی اشراقی دادستان انقلاب تهران فرستاده تا به عنوان سند در پرونده گذاشته شود.

مطابق این صورت‌جلسه، آیت الله خمینی به محمد موسوی خوئینی ها، عبدالکریم موسوی اردبیلی و ابراهیم رئیسی گفته است: "مساله این نیست که چند نفر را بگیرند و محکوم کنند بلکه قضیه این است که افراد مؤمن به انقلاب و جمهوری اسلامی را کنار بزنند و افرادی که مخالفند کم کم روی کار بیایند."

رهبر وقت جمهوری اسلامی در ادامه، با ذکر نام خسرو تهرانی و بهزاد نبوی تاکید کرده: "من از همان اول می‌دانستم که یک دستی در کار است که می‌خواهد این افراد را بدنام کند و کنار بزند. النهایه فکر کردم آقایان به قضیه می‌رسند و خاتمه می‌دهند ولیکن الان احساس می‌کنم که باز قضایا به جاهای دیگر کشیده می‌شود."

مطابق این صورت‌جلسه، آیت الله خمینی با انتقاد از کسانی که به زعم او در پی بهره برداری سیاسی از پرونده انفجار نخست وزیری بوده اند گفته "اسامی اینها را بدهید من خودم باید تحقیق کنم و اسلام برای افرادی که این‌طور اشخاص را دستگیر می‌کنند و آبروی آنها را می برند تکلیف اینها را معین کرده است" و دستور داده: "این پرونده باید ختم بشود و کنار برود و بسته شود و این افراد شناسایی شوند."

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در نهایت، هشداری را نیز در مورد آینده مطرح کرده است که حکایت دارد: "اگر امروز اشخاصی بخواهند به بهانه هایی افرادی را این طور گرفتار کنند

و آبروی آنها را ببرند فردا یک عده دیگر را و روز دیگر هم یک عده دیگر را و با این ترتیب در جمهوری اسلامی کسی امنیت پیدا نمی کند و از همین جا باید جلوی این کارها گرفته شود."

دستور آیت الله خمینی، اگرچه باعث توقف پی‌گیری قضایی پرونده انفجار نخست وزیری می شود، اما جلوی پی‌گیری سیاسی آن در دوران رهبر بعدی جمهوری اسلامی آیت الله خامنه ای را نمی گیرد؛ تا جایی که با گذشت ۳۵ سال از انفجار نخست وزیری، هنوز گروهی از محافظه کاران بر لزوم 'بازگشایی' پرونده انفجار هشت شهریور اصرار دارند
بلافاصله بعد از همین جلسه است که باقی مانده زندانیان پرونده هشت شهریور، در ۷ خرداد ۱۳۶۵ آزاد می شوند و تا وقتی که آیت الله خمینی زنده است، اتهامات دیگری بر سر ماجرای انفجار نخست وزیری مطرح نمی شود.

با این حال دستور آیت الله خمینی، اگرچه باعث توقف پی گیری قضایی پرونده انفجار نخست وزیری می شود، اما جلوی پی گیری سیاسی آن در دوران رهبر بعدی جمهوری اسلامی آیت الله خامنه ای را نمی گیرد. پی‌گیری طولانی مدتی که البته عاملان آن، بسته شدن پرونده از سوی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را رد نمی کنند، اما ظاهرا اعتقاد دارند که او در هنگام اخذ این تصمیم، نسبت به ابعاد پرونده ناآگاه بوده است.

به نظر می رسد در ادامه چنین برداشتی بوده که با گذشت ۳۵ سال از انفجار نخست وزیری، هنوز گروهی از محافظه کاران بر لزوم "بازگشایی" پرونده انفجار هشت شهریور اصرار دارند.

تا جایی که انتشار شایعه دستگیری مسعود کشمیری در اردیبهشت ماه ۱۳۹۵، به سرعت منجر به واکنش صریح محافظه کارانی می شود که وعده می دهند "با انتقال او به ایران، جعبه سیاه پروژه نفوذ در جمهوری اسلامی گشوده شود".

اخبار انتخابات و دولت جدید عراق

«نشنال اینترست» تحلیل کرد؛

سیر مواضع مقتدی صدر در برابر ایران، آمریکا و عربستان

در سال ۲۰۰۵ م. برای نخستین بار نام مقتدی صدر به عنوان «Ready or Not» در جلد مجله تایم منتشر شد که این تصویر برای پیش بینی انتخابات مجلس ملی ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵ عراق مطرح شده بود. پس از تهاجم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، مقتدی صدر به مشهورترین شخصیت تبدیل شد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

ست جی فرانتزمن در نشنال اینترست نوشت: در سال ۲۰۰۵ م. برای نخستین بار نام مقتدی صدر به عنوان «Ready or Not» در جلد مجله تایم منتشر شد که این تصویر برای پیش بینی انتخابات مجلس ملی ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵ عراق مطرح شده بود. پس از تهاجم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، مقتدی صدر به مشهورترین شخصیت تبدیل شد. اکنون وی پس از کسب بیشترین میزان رای در انتخابات پارلمانی ۱۲ می‌عراق، در تشکیل دولت جدید عراق نقش تعیین کننده‌ای دارد.

به گزارش «انتخاب»، در ادامه این یادداشت آمده است: مقتدی صدر در سال ۱۹۷۳ در شهر مذهبی نجف در یک خانواده روحانی پرنفوذ شیعه متولد شده است. در دوران حکومت صدام حسین چندین تن از اعضای خانواده وی از جمله پدرش به قتل رسیدند. گروه صدر در ۱۸ می‌میزبان سفرای ترکیه، اردن، عربستان، سوریه و کویت بوده است و مقامات ایران در این نشست حضور نداشتند.

نویسنده بر این تاکید می‌کند که ایران درصدد است تا بین گروه‌های غیرصدر ائتلافی را تشکیل دهد. در گذشته مقتدی صدر به عنوان پیشگام شیعیان در مقابل آمریکا دیده می‌شد، ولی اکنون وی به یک مخالف نفوذ ایران در عراق پساداعش تبدیل شده است. وی همچنین در نزدیکی به عربستان سعودی در جولای ۲۰۱۷ در سفر به ریاض با محمد بن سلمان دیدار کرد.

سابقه و ریشه تاریخی گروه صدر به سال ۲۰۰۴ بر می‌گردد که مقتدی صدر یک روحانی جوان رهبری گروه جیش المهدی را برعهده داشت. در اواخر ماه مارس مقامات آمریکا انتشار روزنامه الحیات را به این دلیل که حامی صدر هستند ممنوع اعلام کرد. آمریکا در طی این سال حملاتی را علیه جیش المهدی انجام دادند؛ ولی گروه صدر توانست از شورش آوریل ۲۰۰۴ برای کنترل شهرک صدر استفاده کند. آن‌ها تا سال ۲۰۰۸ بخش عمده‌ای از این منطقه را تحت کنترل خود داشتند. آمریکایی ها، جیش المهدی را به عنوان گروه مخرب در تحولات عراق توصیف میکردند. بر این تاکید داشتند که آن‌ها از ارعاب و خشونت برای دستیابی به اهداف سیاسی خود استفاده می‌کنند. مقامات آمریکایی در گزارش هایی اشاره داشتند که گروه صدر و حزب الدعوه تحت حمایت مالی ایران بودند.

گروه صدر برای نمایش قدرت و نفوذ رو به رشد خود در عراق در فوریه ۲۰۰۶ قبل از سوریه به تهران و ریاض سفر کردند. مقتدی صدر در دیدار با بشار اسد تاکید کرد در صورت حمله کشورهای غربی؛ نیروهای نظامی جیش المهدی از سوریه حمایت می‌کنند. علاوه بر این برای دیدار با رهبران قبایل اهل سنت به رقه رفت و همچنین با افراط گرایان سنی که از رقه به عنوان کریدوری برای ورود به عراق استفاده می‌کردند دیدار داشت. در آن زمان شبه نظامیان شیعه به طور گسترده درگیر مناقشات فرقه‌ای با گروه القاعده بودند.

اعضای سازمان بدر به شدت از اقدامات گروه صدر انتقاد می‌کردند. (هادی العامری رهبر سازمان بدر توانست در قالب ائتلاف فتح با کسب ۴۷ رای به جایگاه دوم در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ دست پیدا کند) در سال ۲۰۰۷ گروه صدر عملیات شبه نظامیان خود را به مدت شش ماه تعلیق کرد و در اوایل سال ۲۰۰۸ یکی از مقامات ارشد آن به نام جواد الحسناوی به آمریکایی‌ها نزدیک شد و در اظهاراتی عجیب گفت که ایران نه ایالات متحده آمریکا بزرگترین دشمن عراق است. وی اقدام ایران مبنی بر حضور در کربلا را تقبیح و بر این تاکید کرد که تسخیر عراق بخشی از طرح قدیمی ایران است. صدری‌ها بر این عقیده هستند که عناصر خاصی در سازمان بدر و دفتر خانواده حکیم با ایران همکاری می‌کنند.

عمار الحکیم رئیس شورای عالی اسلامی عراق، رهبر حزب سیاسی است که توانست در انتخابات ۱۲ می‌حدود ۲۰ کرسی از آرا را در پارلمان به خود اختصاص دهد. وی در طی دوران حکومت صدام درسال ۱۹۷۹ به ایران سفر کرد و همراه با هادی العامری تحت نفوذ ایران قرار گرفتند. صدر تقریبا برای مدت دو سال پس از تصمیمش در تعلیق فعالیت شبه نظامیان جیش المهدی از سیاست کناره گیری کرد. اما حامیان وی به شدت برای کسب رای تلاش کردند و نیویورک تایمز در گزارشی به نظم بی سابقه گروه صدر اشاره کرد. وی در ژانویه سال ۲۰۱۱ در هنگام بازگشت به

نجف مورد استقبال هوادارانش قرار گرفت و به نویسنده الجزیره گفت که برای رهبری عراق آمده است.
یکی از رویدادهای مهم این دوره تصمیم اوباما درخروج سربازان آمریکایی از عراق تا دسامبر ۲۰۱۱ بود. در این دوره ایران و آمریکا هر دو خواهان نخست وزیری نوری مالکی بودند. گروه صدر برای حمایت از توافق با مالکی برای کسب نخست وزیری تحت فشار قرار گرفت و ظرف چند ماه بعد مالکی به گروه صدر خیانت کرد. در سال ۲۰۱۴ م. آندره پلبانی در مقاله‌ای گفت که گروه صدر به مهم‌ترین مخالف نوری مالکی تبدیل شد؛ و آن‌ها عموما نخست وزیر را به استبداد و فرقه گرایی متهم می‌کردند. مقتی صدر در فوریه ۲۰۱۴ اعلام کرد که سیاست را ترک می‌کند و هیچ حزبی نماینده او نخواهد بود. با این وجود ائتلاف الاحرار توانستند در انتخابات ۲۰۱۴، ۳۴ کرسی آرا پارلمان را به خود اختصاص دهند. وی در سال ۲۰۱۴ توانست احترام گسترده تمام جناح‌ها از جمله حکیم و سایر بازیگران دیگر که مخالف نوری مالکی، اسامه نجیفی و ایاد علاوی هستند را به دست آورد. علی رغم این که وی بارها ادعا کرده بود که از سیاست خارج شده است، ولی وی از سیاست خارج نشده بود.
پس از تسخیر موصل و سایر شهرهای سنی شین توسط گروه تروریستی داعش و قتل عام شیعیان در طول مسیر، مقتی صدر در یک سخنرانی در نجف در اواخر ماه ژوئن ۲۰۱۴ گفت: «شبه نظامیان صدر زمین را زیر پاهای جهل و افراط گرایی به لرزه خواهند انداخت.» در این راستا ده‌ها هزار شبه نظامی مسلح بسیج شدند.
مقتدی صدر در طی جنگ با داعش نگرانی‌های خود را در مورد فساد در بغداد و قدرت فزاینده شبه نظامیان حشدالشعبی را بیان کرد. سپاه بدر به رهبری هادی العامری در طی جنگ با داعش توانست قدرت بیشتری را به دست آورد. گروه صدر همچنین با اعضای عصائب الاهل الحق یا شبه نظامیان خزعلی در مارس ۲۰۱۶ درگیر شدند. حامیان صدر با رهبری اعتراضات گسترده بغداد در آوریل ۲۰۱۶ توانستند بار دیگر به مرکز توجهات بازگردند.
قبل از انتخابات ۲۰۱۸، حامیان صدر به تلاش خود همانند گذشته ادامه دادند و در مناطق محلی نجف و دیگر استان‌های جنوب بغداد به فعالیت گسترده اقدام کردند. افراد محلی علی رغم غرور از پیروزی نسبت به داعش، هیچ ارتباطی با حیدرالعبادی نداشتند و نسبت به نوری مالکی هم تنفر داشتند. همین امر باعث شد که در این انتخابات شیعیان بیشتر به سمت گروه صدر و ائتلاف فتح روی بیاورند.
با این وجود ۱۴ سال پس از ورود سربازان جیش المهدی به خیابان‌های شهر صدر برای مقابله با آمریکا؛ بار دیگر به اوج قدرت خود در بغداد رسیده اند. این موضوع می‌تواند برای واشنگتن یک چالش بزرگ باشد، زیرا که وی یکی از منتقدان صریح نقش آمریکا در عراق است. وی از این که دونالد ترامپ اعلام کرده بود که قدس پایتخت اسرائیل است خواستار بسته شدن سفارت امریکا درعراق شد. با این حال وی هم مخالف نفوذ ایران در عراق است چیزی که با سیاست‌های دولت فعلی عراق مغایر است. وی همچنین به ریاض متحد کلیدی آمریکا نزدیک شده است. اما سوال اصلی این است که آیا وی درصدد کاهش نفوذ ایران و همکاری با مناطق خودمختار کرد در شمال (متحد اصلی آن‌ها در مبارزه با داعش) است؟

مقتدی صدر و نیروهایش در برابر داعش مقاومتي نداشته و در ازادسازي عراق از دست داعش نیز نقشي نداشتند!

حیدرالعبادی خبر داد

تشکیل کمیته تحقیق درباره تخلفات انتخابات عراق

نخست وزیر عراق گفت که کمیته‌ای برای بررسی ادعاهای مطرح شده در خصوص تخلفات در انتخابات پارلمانی اخیر این کشورتشکیل می شود



به گزارش پایگاه خبری با اقتصاد، نخست وزیر عراق گفت که کمیته‌ای برای بررسی ادعاهای مطرح شده در خصوص تخلفات در انتخابات پارلمانی اخیر این کشور خبر داد.
«حیدرالعبادی» شامگاه پنجشنبه با بیان این مطلب گفت که کمیته مذکور به زودی فعالیت‌های خود را شروع خواهد کرد.
به گزارش سومریه، نخست وزیر عراق افزود، کمیسیون عالی انتخابات عراق این کمیته را که متشکل از دستگاه‌های امنیتی، قضایی و نظارتی است، با هدف رسیدگی به شکایت‌ها در خصوص تقلبات احتمالیو ادعایی تشکیل داده است.
قرار بود پارلمان عراق پنجشنبه به منظور بررسی انتخابات و بازشماری آراء را به درخواست برخی از احزاب عراق جلسه تشکیل دهد که به دلیل عدم کامل شدن حد نصاب نمایندگان این جلسه لغو شد.
استان کرکوک به مرکزیت شهر کرکوک یکی از مناطقی است که احزاب ترکمن و عرب درباره وقوع تخلفات انتخاباتی از سوی احزاب کرد به کمیسون عالی انتخابت شکایت کرده و خواستار بازشماری دستی آراء شدند.
چهارمین انتخابات پارلمانی عراق 22 اردیبهشت ماه برگزرا شد و ائتلاف سائرون به رهبری «مقتدی الصدر» با اندک اختلافی از سایر ائتلاف‌ها بیشترین کرسی را به دست آورد.

نخست وزیر عراق: در انتخابات تخلفات خطرناکي اتفاق افتاد

نخست وزیر عراق گفت: «تخلفات خطرناکی» در انتخابات دوازدهم مه اتفاق افتاده است.

به گزارش پایگاه خبری با اقتصاد، حیدر العبادی، نخست وزیر عراق گفت: «تخلفات خطرناکی» در انتخابات دوازدهم مه اتفاق افتاده است. برخی از اعضای کمیسیون عالی انتخابات عراق از سفر به خارج از کشور بدون مجوز منع شده‌اند.
او افزود: در تعامل با گروه‌های مسلح کُرد باید به استقلال و تمامیت ارضی عراق احترام گذاشته شود.

منبع: باشگاه خبرنگاران جوان
اسکای نیوز عربی؛

آرای انتخابات پارلمانی عراق به صورت دستی بازشماری می شود

به دلیل اعتراض نخست وزیر عراق مبنی بر رخ دادن تخلفات بزرگ در زمان شمارش آرا، آرای انتخابات پارلمانی اخیر که مقتدی صدر برنده آن بود به صورت دستی بازشماری خواهد شد.

به گزارش پایگاه خبری با اقتصاد، پارلمان عراق کمیساریای انتخابات را ملزم به بازشماری آراء انتخابات اخیر در عراق به صورت دستی کرد.
پارلمان در ادامه از دستگاه مربوطه خواست تسریع در اعلام نتایج قطعی را متوقف کند.
رئیس کمیسیون انتخابات عراق هم برکنار شده و نتایج صندوق‌های آرای خارج از کشور و عراقیان جابه‌جا شده هم باطل اعلام شده است.
همچنین پارلمان عراق ۹ قاضی جدید را به جای اعضای فعلی کمیساریای عالی انتخابات تعیین کرد.
این تصمیم پارلمان پس از آن اتخاذ شد که حیدر العبادی، نخست وزیر عراق اظهار داشت، "تخلفات بزرگی" در زمان شمارش آراء در انتخابات پارلمانی اخیر انجام شده است.
العبادی در کنفرانسی مطبوعاتی گفت، در گزارشی که به دولت ارائه شده، به بازشماری آراء انتخابات اخیر توصیه شده است.
نخست وزیر عراق در ادامه به برخی نمایندگان کمیساریای انتخابات هشدار داد که اجازه ندارند بدون اجازه او از کشور خارج شوند.

انتخابات ماه گذشته در عراق (۱۲ مه) در اکثر نقاط این کشور برای نخستین‌بار با استفاده از سیستم رای‌گیری الکترونیکی برگزار شد.
در انتخابات پارلمانی اخیر عراق ائتلاف سائرون به رهبری مقتدی صدر با کسب ۵۴ کرسی از مجموع ۳۲۹ کرسی پارلمان در جایگاه نخست ایستاد، در این میان فراکسیون النصر به رهبری العبادی با کسب ۴۲ کرسی در جایگاه سوم قرار گرفت و ائتلاف فتح که مورد حمایت حشد شعبی است در جایگاه دوم قرار گرفت.
منبع:ایسنا

دامنه آتش به برگه‌های رای عراقیها نرسیده است

مدیرکل دفاع مدنی عراق اعلام کرد که دامنه آتش به انبارهایی که حاوی برگه‌های رای است، نرسیده است، بلکه آتش سوزی در سه انباری رخ داده است که حاوی اسناد و مدارک بود



به گزارش پایگاه خبری با اقتصاد، مدیر کل شهرداری «الرصافه» اعلام کرد که سه انبار صندوق‌های رای در آتش‌سوزی که در محل کمیسیون انتخابات در نزدیکی الرصافه رخ داده است، دچار حریق شد.
«احمد خوام» به السومریه نیوز گفت که «آتش سوزی شامل سه انباری است که در داخل آن صندوق های رای وجود دارد».
از سوی دیگر، «کاظم بوهان» مدیر کل دفاع مدنی عراق اعلام کرد که دامنه آتش به انبارهایی که حاوی برگه‌های رای است، نرسیده است، بلکه آتش سوزی در سه انباری رخ داده است که حاوی اسناد و مدارک بود.
حادثه آتش سوزی امروز در داخل مواد غذایی در مرکز بغداد رخ داد که کمیته امنیت شورای استانداری بغداد فاش کرد، صندوق های رای هدف آتش‌سوزی است.
وزارت کشور عراق امروز یکشنبه اعلام کرد که بزرگترین مرکز نگهداری صندوق‌های رای در عراق در آستانه بازشماری دستی آراء، دچار حریق شد و به طور کامل در آتش سوخت.
«سلیم الجبوری» رئیس پارلمان عراق در پی آتش سوزی در بزرگترین مرکز نگهداری صندوق‌های رای در بغداد اعلام کرد که انتخابات پارلمانی باید مجددا برگزار شود.

رئیس پارلمان عراق در پی آتش سوزی بزرگترین مرکز صندوق‌های رای در بغداد اعلام کرد که انتخابات پارلمانی باید مجددا برگزار شود



به گزارش پایگاه خبری با اقتصاد، «سلیم الجبوری» رئیس پارلمان عراق در پی آتش سوزی بزرگترین مرکز صندوق‌های رای در بغداد اعلام کرد که انتخابات پارلمانی باید مجددا برگزار شود.
به گزارش السومریه نیوز، او تاکید کرد که باید کسانی را که در مساله تقلب در انتخابات عراق دست داشته‌اند، تحت تعقیب قرار داد و مجازات کرد.

منبع: فارس

عراق 4 نفر را به اتهام آتش زدن انبارهای صندوق رای بازداشت کرد

دادگاه عراق دوشنبه شب دستور بازداشت چهار مظنون آتش زدن انبارهای حاوی صندوق‌های رای را صادر کرد



به گزارش پایگاه خبری با اقتصاد، دادگاه عراق دوشنبه شب دستور بازداشت چهار مظنون آتش زدن انبارهای حاوی صندوق‌های رای را صادر کرد.
تلویزیون دولتی عراق گزارش داد که سه نفر از مظنونان از نیروهای پلیس و یک نفر دیگر نیز از کارکنان کمیسیون انتخابات است.

منبع: فارس

بازداشت ۴ کارمند پلیس و کمیسیون به اتهام آتش زدن صندوق‌های رای در بغداد



شفقنا- شورای عالی قضایی عراق از بازداشت شماری از افراد در رابطه با حادثه آتش سوزی در انبار حاوی صندوق های اخذ رای انتخابات پارلمانی اخیر در پایتخت این کشور خبر داد.

به گزارش سرویس ترجمه شفقنا به نقل از پایگاه خبری السومریه نیوز، «عبدالستار بیرقدار»، سخنگوی شورای عالی قضایی عراق شامگاه دوشنبه با صدور بیانیه ای اعلام کرد که دادگاه تحقیق منطقه «الرصافه» به عنوان بخش شرقی شهر بغداد، پایتخت این کشور تصمیم گرفته چهار فرد به اتهام آتش زدن انبارهای کمیسیون مستقل انتخابات در این منطقه بازداشت شوند.

بر اساس این گزارش، سخنگوی شورای عالی قضایی عراق در بیانیه خود ضمن اعلام این که سه نفر از بازداشت شدگان نیروی پلیس و فرد دیگر نیز کارمند کمیسیون انتخابات هستند، تاکید کرد که شورا بار دیگر به آنهایی که می خواهند اسناد مربوط به انتخابات را دستکاری کنند، هشدار می دهد که شدیدترین مجازات را در حق آنها اتخاذ خواهد کرد.

لازم به ذکر است که روز یک شنبه در داخل انبارهای وزارت بازرگانی عراق در منطقه الرصافه که حاوی صندوق های اخذ رای انتخابات پارلمانی ماه گذشته میلادی آتش سوزی روی داد و به دنبال آن نیز جریان های معترض به نتایج انتخابات هدف از این کار را جلوگیری از بازشماری دستی آرا و جریان های پیروز نیز هدف از آن را برگزاری دوباره انتخابات عنوان کردند.

کارشناس مسایل خاورمیانه: در صورت ادامه ی تنش انتخاباتی در عراق، شورش مردمی دور از ذهن نیست



شفقنا- صالح صدقیان، کارشناس مسایل خاورمیانه گفت: اکنون مساله تقلب و تخلف در انتخابات عراق بیشتر متوجه دو جریان است. اول جریان فتح به ریاست هادی عامری و دیگری جریان سائرون به ریاست آقای مقتدی صدر است. در این میان هم جریان صدر بیشتر متهم به تقلب انتخاباتی است. اما مشکلی که در این میان وجود دارد، پایگاه مردمی این جریان است. لذا اگر بازشماری آراء به تغییر نتایج بینجامد، احتمالا آقای صدر با آن مخالفت خواهد کرد و از طرف دیگر هم این احتمال وجود دارد که با این مخالفت جریان صدر، تنش ها و اعتراضات مردمی هم شکل گیرد. در این صورت یک شورش مردمی بزرگ داخلی و یا حتی جنگ داخلی دور از ذهن نخواهد بود.

او معتقد است: اگر بیانیه این ائتلاف را نگاه کنید می بینید که این سه جریان در چند نکته به اجماع رسیده اند، نه به توافق کلی برای تشکیل دولت. لذا این دو مساله را باید از هم تفکیک کرد. در همین راستا هم جریان الحکمه آقای حکیم هم اشاره به این داشتند که این توافق یک ائتلاف پارلمانی برای تشکیل دولت نیست، بلکه یک اجماع سیاسی کلی است.

او همچنین گفت: چند روز پیش پارلمان عراق دستوری را مبنی بر جایگزینی دادگاه عالی انتخابات به جای هیات نظارت بر انتخابات اعلام داشت. بر اساس این دستور دادگاه انتخابات باید تمامی آرای اخذ شده را دوباره و البته به صورت دستی بازشماری کند. یکی از عوامل مهم این مساله باز شماری هم به الکترونیکی کردن انتخابات باز می گردد. چرا که در اکثر نقاط عراق برای اولین بار از سیستم رأی گیری الکترونیکی استفاده شده بود.

محمد صالح صدقیان معتقد است که اولین چالش به زمانبر بودن پروسه بازشماری باز می گردد. بر طبق برخی گفته ها این بازشماری نزدیک به دو ماه به طول خواهد انجامید. چالش دیگر به آرای اخذ شده خارج کشور باز می گردد. در این رابطه و بر اساس برخی شنیده ها احتمالا تمامی آرای اخذ شده در سایر کشورها باطل خواهد شد.

با بالا گرفتن بحث بر سر تخلفات انتخاباتی پارلمانی در عراق، مجلس این کشور در جلسه چهارشنبه ۶ ژوئن دستور داد که برگه های رای گیری به صورت دستی بازشماری شوند که با موافقت ۱۷۳ نماینده از ۳۲۸ نماینده پارلمان مواجه شد. در این رابطه نیز حیدر عبادی، نخست وزیر عراق از احتمال تخلفات گسترده ای سخن گفت که حتی احتمال لغو انتخابات را می تواند موجب شود. با این مساله بعد جدیدی بر انتخابات ۱۲ مه عراق افزوده شد که در کنار حضور ۴۴.۵ مردمی و نیز نتایج

تقریبا غیر منتظره آن می تواند شرایط دوران بعد از انتخابات را با التهاباتی روبه رو کند.

متن کامل گفت و گوی محمد صالح صدقیان، رییس مرکز عربی مطالعات ایران و کارشناس مسایل خاورمیانه با دیپلماسی ایرانی را در ادامه می خوانید:

بعد از کش وقوس های فراوان انتخابات پارلمانی عراق و نتایج تقریبا غیر منتظره آن اکنون مساله باز شماری دستی آراء هم بعد جدیدی را به مقوله انتخابات افزوده است. از دید شما اساسا این میزان از تشتت در انتخابات عراق، چه قبل از برگزاری و چه بعد از آن را ناشی از چه عامل و یا عواملی می دانید؟

در مصاحبه پیشین با به این نکته اشاره داشتم که شرایط نابه سامان عراق بعد از جنگ با داعش و نیز مساله فساد اداری و مالی سبب شده تا مردم این کشور، هم از مسئولین ناامید باشند و هم نگاهی خوشبینانه به آینده عراق نداشته باشند. لذا این مسائل موجب شد تا میزان مشارکت مردم در این دور از انتخابات پارلمانی کاهش یابد. به تبع آن هم نتایج تقریبا غیر منتظره ای هم از دل انتخابات بیرون آمد. اما چنان که اشاره داشتید اکنون مساله ای که می تواند کل پروسه انتخابات را تحت الشعاع خود قرار دهد، بازشماری دستی آراء است. این بازشماری در حال حاضر درستی و صحت انتخابات برگزار شده را زیر سوال برده است. از سوی دیگر باید گفت که هیات نظارت بر انتخابات هم خود به چالش مضاعفی بدل شده است. چند روز پیش پارلمان عراق دستوری را مبنی بر جایگزینی دادگاه عالی انتخابات به جای هیات نظارت بر انتخابات اعلام داشت. بر اساس این دستور دادگاه انتخابات باید تمامی آرای اخذ شده را دوباره و البته به صورت دستی بازشماری کند. یکی از عوامل مهم این مساله باز شماری هم به الکترونیکی کردن انتخابات باز می گردد. چرا که در اکثر نقاط عراق برای اولین بار از سیستم رأی گیری الکترونیکی استفاده شده بود. اما مساله اینجا است که مقامات شورای انتخابات عراق به بی توجهی و نادیده گرفتن میزان خطای دستگاه های الکترونیکی اخذ رای متهم شده اند. این میزان از اشتباه به قدری است که می تواند تغییر جدی در نتایج نهایی داشته باشد. لذا دستور بازشماری کل آراء داده شد.

چالش های این بازشماری برای عراق، آن هم در این شرایط حساس چیست؟

از بعد دخالت حضور نهادهای بین المللی مانند خود سازمان ملل این دخالت بسیار بعید به نظر می رسد. چرا که از قدرت چندان زیادی در این خوص برخوردار نبیست که اگر بود یقینا از پروسه آرای الکترونیکی انتخابات صیانت می کرد. اما از بعد حضور دخالت کشورهای دیگر به نظر می توان انتظار داشت کشورهایی مانند آمریکا و عربستان سعودی در صورتی که کار به جای حساسی کشیده شود در این مساله دخالت کنند.

اولین چالش به زمانبر بودن پروسه بازشماری باز می گردد. بر طبق برخی گفته ها این بازشماری نزدیک به دو ماه به طول خواهد انجامید. خوب این زمان با توجه به نکته شما در خصوص حساس بودن مقطع زمانی می تواند برخی مشکلات را برای عراق ایجاد کند. چالش دیگر به آرای اخذ شده خارج کشور باز می گردد. در این رابطه و بر اساس برخی شنیده ها احتمالا تمامی آرای اخذ شده در سایر کشورها باطل خواهد شد. مجموعه این شرایط یک خلاء قانونی را برای عراق آن هم در شرایط حساس کنونی پدید آورده است. همین فاصله زمانی دو ماهه بازشماری آراء و نیز فرصت حداقل یک ماهه برای بررسی اعتراضات و شکایات قانونی می تواند عراق را دچار نوعی بی برنامگی کند. در این شرایط کمتر از ۶ ماه دیگر هم در عراق انتخابات شوراهای استانی را داریم. لذا این خلاء و عدم تشکیل پارلمان جدید که نهایتا موجب عدم شکل گیری دولت می شود، می تواند تشتت و تنش جدی را در عراق موجب شود. تازه اگر انتخابات پارلمانی کنونی و نتایج آن هم پذیرفته شود. در غیر این صورت و با لغو نتایج دوباره باید انتخابات پارلمانی برگزار شود.

اتفاقا در جلسه ۶ ژوئن هم برخی نمایندگاه پارلمان خواهان آن شده بودند که کل انتخابات ۱۲ مه باطل

اعلام و پروسه انتخابات دوباره برگزار شود. هر چند که این خواسته با مخالفت روبرو شد. اما در این شرایط شما مساله برگزاری مجدد انتخابات تا چه اندازه جدی می دانید؟
هر چند که احتمال آن ضعیف است اما نباید این سناریو را هم از نظر دور داشت. فعلا خود مساله بازشماری آراء هم با اما واگر روبه رو است وتا زمان حصوص نتیجه نهایی آن فاصله زیادی وجود دارد. پس باید منتظر ماحصل کار بود تا در خصوص احتمال برگزارس مجدد انتخابات سخن گفت.
مساله ای که اکنون همه این تحلیل ها را با اما و اگر مواجه کرده است، عدم شفافیت در وضعیت باز شماری است. در حال حاضر نه کسی قاطعانه اعلام داشته که آراء بازشماری می شود، نه کسی هم اعلام داشته که آرای انتخابات باز شماری نمی شوند. همین مواضع دوگانه شرایط هر گونه تحلیلی را کمی مبهم می کند.
اما اگر در نهایت بازشماری آراء انتخابات عراق صورت گیرد و در سایه آن نتایج انتخابات تغییر یابد جریانات و احزاب به خصوص احزاب پیروز به این مساله تن خواهند داد؟
اکنون مساله تقلب و تخلف در انتخابات عراق بیشتر متوجه دو جریان است. اول جریان فتح به ریاست هادی عامری و دیگری جریان سائرون به ریاست آقای مقتدی صدر است. در این میان هم جریان صدر بیشتر متهم به تقلب انتخاباتی است. اما مشکلی که در این میان وجود دارد، پایگاه مردمی این جریان است. لذا اگر بازشماری آراء به تغییر نتایج بینجامد، احتمالا آقای صدر با آن مخالفت خواهد کرد و از طرف دیگر هم این احتمال وجود دارد که با این مخالفت جریان صدر، تنش ها و اعتراضات مردمی هم شکل گیرد. در این صورت یک شورش مردمی بزرگ داخلی و یا حتی جنگ داخلی دور از ذهن نخواهد بود.
اکنون به جز جریان صدر و فتح جریانات دیگر هم چه موضعی در این خصوص دارند؟
علاوه بر دو جریان یاد شده اکنون اهل سنت عراق هم حاضر به بازشماری آرای انتخابات نیستند. اما در نگاه کلی تمامی جریانات و احزاب عراق اکنون به دو دسته تقسیم شده اند. نیمی از آنها که بیشتر جریانات شکست خورده انتخابات عراقند خواهان بازشماری آراء هستند. در آن سو هم احزاب پیروز باز شماری آراء را قبول ندارند. اکنون شرایط کلی عراق در این حال و هوا است. همین شرایط هم بر مردم اثرات سوء خود را داشته است. لذا اکنون نگاه مردم، احزاب و جریانات سیاسی عراق به بعد از پایان ماه مبارک رمضان دوخته شده است. در نتیجه در این یک هفته به نظر اتفاق خاصی روی نخواهد داد.
شما به جنگ داخلی و شورش مردمی عراق اشاره داشتید در این صورت احتمال دخالت سازمان ها و نهادهای بین المللی و یا سایر کشورها در این انتخابات وجود دارد؟
از بعد دخالت حضور نهادهای بین المللی مانند خود سازمان ملل این دخالت بسیار بعید به نظر می رسد. چرا که از قدرت چندان زیادی در این خصوص برخوردار نبیست که اگر بود یقینا از پروسه آرای الکترونیکی انتخابات صیانت می کرد. اما از بعد حضور دخالت کشورهای دیگر به نظر می توان انتظار داشت کشورهایی مانند آمریکا و عربستان سعودی در صورتی که کار به جای حساسی کشیده شود در این مساله دخالت کنند. شاید اکنون واشنگتن در خصوص انتخابات عراق اظهار نظر رسمی نداشته باشد اما در ادامه با در خطر دیدن اهداف و منافع خود یقینا دخالت هایش را در این راستا خواهد داشت.
اهداف و منافع امریکا در این انتخابات چیست؟
بر اساس برخی اخبار آمریکا در جریان انتخابات از سه جریان سائرون، تیار الحکه به رهبری آقای عمار حکیم و جریان الوطنیه به رهبری ایاد علاوی حمایت داشته است. لذا اگر جریان بازشماری به نتایج این سه جریان لطمه ای وارد کند، یقینا آمریکا دخالت خواهد کرد.

اما ائتلاف چند روز پیش همین سه جریان را چگونه ارزیابی می کنید. آیا این مساله یک فرار روبه جلو است؟
یقینا چنین است. اما در این میان چند نکته وجود دارد که باید مد نظر داشت. اول این که اگر بیانیه این ائتلاف را نگاه کنید می بینید که این سه جریان در چند نکته به اجماع رسیده اند، نه به توافق کلی برای تشکیل دولت. لذا این دو مساله را باید از هم تفکیک کرد. در همین راستا هم جریان الحکمه آقای حکیم هم اشاره به این داشتند که این توافق یک ائتلاف پارلمانی برای تشکیل دولت نیست، بلکه یک اجماع سیاسی کلی است. دوم این که با اعلام چنین توافقی این سه جریان سائرون، تیار الحکمه و الوطنیه دچار یک اشتباه جدی شدند چرا که این سه جریان در سایه انجام اجماع و صدور بیانیه بسیار عجله کردند. در صورتی که سایر جریان های سیاسی انتخاباتی تا اکنون هیچ اظهار نظری نداشته اند. مثلا کردها علیرغم برخی مذاکرات تا کنون ائتلافی را انجام نداده اند و یا لیست نصر، فتح؛ قانون وغیره. پس این جریانات نسبت به سائرون، الوطنیه و تیار الحکمه کمی پخته تر عمل کرده اند. لذا این بازی ناشیانه سه جریان در اعلام یک توافق سیاسی می تواند برخی شائبه ها در خصوص تخلف انتخاباتی را ایجاد کند، چرا که در حالی که هنوز نتایج انتخابات در هاله ای از ابهام به سر می برد این دست از رفتارها و واکنش ها یقینا به ضرر خود این جریانات تمام خواهد شد. چون بازی زود هنگام این سه جریان برخی سیاسیون و احزاب را تحریک کرده است که در نهایت به حساسیت جامعه عراق نسبت به این جریانات می انجامد. اکنون تمامی جریانات منتظر رای ادگاه انتخابات عراق و نتیجه بازشماری آرا هستند و تا آن زمان می توان گفت که شرایط عراق در یکی تعلیق به سر خواهد برد. حداقل تا پایان ماه مبارک رمضان.

مقتدی صدر: عراقی‌ها به جای درخواست تکرار انتخابات به فکر اتحاد باشند



شفقنا- مقتدی صدر به حادثه آتش‌سوزی انبار نگهداری آرای مردم عراق واکنش نشان داد.
به گزارش سرویس ترجمه شفقنا به نقل از رویترز، مقتدی صدر که حزبش پیروز انتخابات اخیر سراسری در عراق بوده در واکنش به آتش‌سوزی انبارهای نگهداری آرای مردم در منطقه الرصافه از آنها خواست با هم متحد باشند. صدر گفت: مردم به جای اینکه خواستار تکرار انتخابات باشند باید متحد باقی بمانند.
مقتدی صدر خطاب به کسانی که دست به آتش زدن این صندوق‌ها زده‌اند نیز گفت: جنگ بر سر

قدرت، پست و مقام را کنار بگذارید و به جای آتش زدن رای مردم، با آنها همراه شوید؛ آیا وقت آن نرسیده به جای حمله به مساجد و کشتن مردم بی‌گناه، سلاح را کنار گذاشته و به روند سیاسی بپیوندید؟ خبر اصلی را در رویترز ببینید

ابوعفطه

مقتدی صدر: خطر جنگ داخلی وجود دارد / آیا زمان آن نرسیده که نفوذ خارجی در عراق متوقف شود؟ / پست‌ها و مناصب برایم از آب بینی بز بی‌ارزش‌تر است

رهبر جریان صدر در عراق اوضاع این کشور را خطرناک توصیف کرد و درباره آنچه آن را خطر "جنگ داخلی" خواند، هشدار داد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

رهبر جریان صدر در عراق اوضاع این کشور را خطرناک توصیف کرد و درباره آنچه آن را خطر "جنگ داخلی" خواند، هشدار داد.

به گزارش تسنیم به نقل از شبکه تلویزیونی السومریه نیوز، مقتدی صدر رهبر جریان صدر در پیامی درباره خطرناک بودن اوضاع عراق و "آغاز جنگی داخلی" هشدار داد.

وی در عین حال ابراز عقیده کرد: پست‌ها و مناصب برای من از آب بینی بز بی‌ارزش‌تر است.

مقتدی صدر در این پیام با اشاره گذرا به اوضاع و تحولاتی که در طول سالها بر عراق گذشته است، خطاب به مردم این کشور آورده است: عراق شما زخم‌خورده است و همچنان خونریزی دارد. عراق شما نیازمند همیاری و همکاری است و همچنان زیر اشغالگری و تروریسم و فساد قرار دارد و از خدمات شهری بی‌بهره است.

وی افزود: همچنان آثار بعث و ظلم و دیکتاتوری آن بر چهره عراق واضح و هویدا است.

مقتدی صدر خطاب به سیاستمداران عراقی گفت: درگیری برای کسب پست و کرسی و نفوذ و قدرت و حکومت بس است. اما زمان آن نرسیده است که اشغالگری و نفوذ خارجی متوقف شود؟ آیا زمان برای متوقف کردن درگیری‌ها و ترورها و انفجارها و تروریسم نرسیده است؟

وی با اشاره به آتش‌سوزی در انبارهای صندوق‌های رأی‌گیری انتخابات اخیر پارلمانی در شهر بغداد گفت: آیا زمان آن نرسیده است که در صف واحدی برای ساخت‌وساز کشور بایستیم؛ به‌جای آنکه صندوق‌های رأی‌گیری را بسوزانیم یا انتخابات را برای یک یا دو کرسی دوباره برگزار کنیم؟

مقتدی صدر افزود: آیا زمان آن نرسیده است که سلاح را به دولت تحویل دهیم؛ به‌جای آنکه در مساجد و حسینیه‌ها انبار کنیم تا منفجر شود و جان بی‌گناهان را بگیرد؟ تا کی می‌خواهد عراق در برابر اراده خارجی پشت مرزها خوار و ذلیل باشد؟

وی با اشاره به شعارهای انتخاباتی ائتلاف خود تحت عنوان "سائرون" در انتخابات پارلمانی اخیر و کسب کرسی‌های پارلمان گفت: اصلاحات پیروز شد... این اراده ملت است، اما نه آن‌طور که فروشندگان دوسوم عراق می‌خواهند که سرآغازی برای جنگی داخلی باشد... نه، ما طرفی در آن نخواهیم بود و گفتم که پست‌ها و مناصب را بگیرید و میهن را برای من بگذارید.

رئیس جریان صدر گفت: هرگز میهن را به‌خاطر کرسی‌ها نخواهم فروخت. هرگز ملت را به‌خاطر قدرت نخواهم فروخت و تنها عراق است که برای من اهمیت دارد و پستها و مناصب از آب بینی بز بی‌ارزش‌تر است.

عفطه آب بيني بز را مي كويند = عفظة عنز = كنيه سياسي ابوعفطه اخيرا شايع شده است

مجتبی خامنه‌ای و قاسم سلیمانی در عراق



دبی-العربیه.نت، فارسی

چند ساعت از آتش گرفتن محل نگهداری صندوق‌های آرای انتخابات پارلمانی اخیر عراق نگذشت، تا این‌که ایرج مسجدی سفیر ایران در بغداد، دوشنبه 11 ژوئن، ضیافت افطاری با حضور مجتبی خامنه‌ای فرزند رهبر جمهوری اسلامی ایران، قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس فرمانده شاخه برون مرزی سپاه پاسداران، نوری المالکی نخست‌وزیر پیشن عراق و رهبر ائتلاف دولت قانون و هادی العامری رهبر ائتلاف الفتح، متشکل از گروه‌های شبه‌نظامی شیعه مورد حمایت ایران برگزار کرد.

این ضیافت در سفارت ایران در بغداد پایتخت عراق برگزار شد.

یک منبع نزدیک به سفات ایران که خواسته نامش فاش نشود، در این باره به «العربیه.نت» گفت: «سفیر ایران ضیافت افطار بزرگی برگزار کرد که در آن، علاوه بر مقام‌های بلندپایه ایرانی، فرماندهان شبه‌نظامیان حشد الشعبی و مسئولان سیاسی دو ائتلاف الفتح و دولت قانون حضور داشتند».

این منبع گفت که در جریان ضیافت افطار، تلاش‌ها برای تشکیل «فراکسیون بزرگتر» در پارلمان عراق برای تشکیل دولت آینده توسط این ائتلاف به بحث گذاشته شد.

بنا بر اخبار رسیده، تلاش‌ها برای تشکیل فراکسیونی متشکل از ائتلاف دولت قانون با 29 کرسی، ائتلاف فتح با 48 کرسی، گروه‌های کرد که در مجموع 43کرسی در پارلمان دارند، به علاوه ائتلاف‌های کوچک‌تر که قصد پیوستن به این فراکسیون را دارند، در جریان است تا در مجموع، این فراکسیون بیش از 120 کرسی پارلمان را از آن خود کند.

همچنین قرار است تماس‌های مستقیمی با حیدر العبادی نخست‌وزیر کنونی عراق و رهبر ائتلاف النصر گرفته شود تا او را به پیوستن به این فراکسیون متقاعد ساخت. در صورت پیوستن العبادی، فراکسیون مد نظر ایران، به 175 کرسی خواهد رسید.

منبع آگاه به «العربیه.نت» گفت که ایران در تلاش است، فراکسیونی بزرگتر از آن چیزی که تا کنون مقتدی صدر، عمار حکیم و ایاد علاوی بر سر آن به توافق رسیده‌اند تشکیل دهد.

در انتخابات اخیر عراق که روز 12مه برگزار شد، ائتلاف سائرون به رهبری مقتدی صدر، با به دست آوردن 54 کرسی، از دیگر ائتلاف‌ها و فهرست‌ها پیش افتاد. حاصل تفاهمات صدر، حکیم و علاوی تا کنون، فراکسیونی با 102 کرسی است. اما مذاکرات همچنان ادامه دارد و احتمال پیوستن حیدر العبادی به این ائتلاف نیز مطرح است.

بنا بر تفسیر دادگاه فدرال عراق، فراکسیون «بزرگتر»، ائتلافی نیست که در انتخابات پیشتاز شود، بلکه فراکسیونی است که در نخستین جلسه پارلمان، خود را با بیشترین شمار کرسی‌ها، مطرح کند. این فراکسیون شخص مورد نظر خود را برای نخست‌وزیری نامزد می‌کند.

در سال‌های اخیر، مقتدی صدر با ایران، زاویه پیدا کرده و بارها علیه سیاست‌های تهران در عراق موضع گرفته است. او تاکید می‌کند که به دنبال تشکیل «دولت تکنوکرات» است.

عمار حکیم رهبر «جریان الحکمه» هم که با صدر ائتلاف کرده، گفته دولت آینده عراق، «ایرانی یا آمریکایی نخواهد بود».

بارها مسئولان ایرانی علیه صدر و ائتلافش اعلام موضع کردند. صریح‌ترین موضع از سوی علی اکبر ولایتی مشاور رهبر ایران در امور بین‌الملل مطرح شد که پیش از انتخابات گفته بود: «ایران اجازه نخواهد داد حاکمیت عراق به دست لیبرال‌ها و کمونیست‌ها بیفتد».

اشاره صریح ولایتی به ائتلاف «سائرون» بود که در آن صدر، با حزب کمونیست ائتلاف کرده است.

یکشنبه 10 ژوئن، محل نگهداری صندوق‌های رای‌گیری پس از آن آتش گرفت که پارلمان عراق، بازشماری دستی آرا را تصویب کرد. این مصوبه به خاطر وجود شبهه تقلب در جریان شمارش الکترونیک آرا صادر شد.

به کوري چشم سعوديها حضور فعال ايران سبب توافق و اجتماع بيشتر ميان عراقيان مي شود

عراق پس از انتخابات| مقتدی صدر از ائتلاف

«سائرون» و«الفتح» خبر داد

رئیس جریان صدر امشب از ائتلاف فهرست سائرون با الفتح به رهبری هادی العامری با هدف تشکیل فراکسیون اکثریت پارلمانی خبر داد.



به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم به نقل از شبکه السومریه، مقتدی صدر امشب از ائتلاف سائرون و الفتح برای تشکیل فراکسیون اکثریت در پارلمان عراق خبر داد.

وی با شرم‌آور خواندن حادثه آتش زدن صندوق‌های آرای انتخابات اخیر تاکید کرد موضع خود را پس از اعلام نتایج اعلام خواهد کرد.

صدر که در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با هادی العامری رئیس ائتلاف الفتح در نجف اشرف سخن می‌گفت، خاطر نشان کرد ائتلاف الفتح و سائرون در فضای ملی ائتلاف سه گانه میان سائرون، الحکمه و الوطنیه را حفظ می‌کند.

پنجشنبه هفتم ژوئن رسانه‌های عراقی از سندی خبر دادند مبنی بر توافق میان سائرون به رهبری مقتدی صدر، الحکمه به رهبری عمار حکیم و الوطنیه به رهبری ایاد علاوی پس از آنکه آنها از تشکیل«ائتلاف اکثریت ملی پدرانه» خبر دادند.

نوری مالکی هم به ائتلاف «صدر» و «العامری» می‌پیوندد



یکی از رهبران ائتلاف «دولة القانون» تاکید کرد که این ائتلاف در چارچوب فراکسیون اکثریت تحت عنوان «ائتلاف همپیمانی ملی» با ساختاری جدید، قرار دارد.

به گزارش مشرق، «محمد العکیلی» از رهبران ائتلاف «دولة القانون» به ریاست «نوری المالکی»، اعلام کرد که این ائتلاف در داخل ائتلاف همپیمانی ملی است و از ارکان این ائتلاف بوده و برادرانش در ائتلاف «سائرون» کسانی بودند که از این ائتلاف خارج شده بودند.

وی در گفت‌وگو با «شفق نیوز»، از تلاش‌ها برای متقاعد کردن «سائرون» به بازگشت به ائتلاف ملی با ساختاری جدید، خبر داد و گفت که به نظر می‌رسد این تلاش‌ها موفقیت‌آمیز بوده است.

العکیلی در ادامه به بازگشت به ائتلاف‌های سابق اما این‌بار با ساختاری جدید اشاره کرد و گفت که اغلب فراکسیون‌های سیاسی به نتایج نهایی درباره نحوه ائتلاف با یکدیگر دست یافته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که با برخی نمی‌توانند همپیمان شوند و دستیابی به توافق نهایی با برخی با موانعی همراه است. واقعیت موجود موجب شد که کلیه فراکسیون‌های پیروز در انتخابات به سوی اصولی که روند سیاسی عراق بر اساس آن، بنا شده، گام بردارند و این اصول تشکیل ائتلاف‌های کُردی، سنی و شیعی، پیش از آغاز هرگونه مذاکره‌ای است اما این بار با واقع‌بینی و مصلحت‌بینی بیشتری این اقدام، انجام می‌شود.

این در حالی است که سه‌شنبه شب، نیز ائتلاف «الفتح» به ریاست «هادی العامری» و ائتلاف سائرون به رهبری «مقتدی صدر» همپیمانی و عضویت در فراکسیون اکثریت پارلمان را اعلام کردند.

نقش آیت‌الله خامنه‌ای در رفع مشکلات اقتصادي ایران

لطف الله قره‌چه‌داغی پژوهشگر



حسن روحانی، رئیس جمهور ایران

آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ایران، تقریبا بطور مستمر از وضعیت کشور بویژه در امور اقتصادی انتقاد کرده و می‌کند. وی گاه تلویحا و گاه صراحتا مسئولین را در این خصوص مورد نقد و سرزنش قرار می‌دهد.

وی در جائی می‌گوید: "به رئیس جمهور محترم [آقای حسن روحانی] گفته‌ام که بیان شاخص‌های کلان خوب است البته اگر آمارها قابل خدشه نباشد، اما به هر حال اینها در زندگی و معیشت مردم در کوتاه مدت و میان مدت اثر نمی‌گذارد."

رهبر جمهوری اسلامی می‌افزاید: "شکایات مردم و دیدگاه‌های صاحبنظران به‌دست ما می‌رسد و باید در مسائلی نظیر تولید، اشتغال، از بین بردن رکود به معنای واقعی کلمه ... به‌گونه‌ای عمل کرد که مردم تأثیر آن را در زندگی خود، کاملاً احساس کنند اما اکنون، اینگونه نیست."

اما شاید مهمترین عاملی که به نظر می‌رسد آیت‌الله خامنه‌ای از آن غفلت می‌کند نقش خود وی در بروز این مشکلات بویژه مثلا در زمینه اقتصادی است. آیت‌الله خامنه‌ای در دو عرصه سیاست داخلی و خارجی روش‌هائی در پیش می‌گیرد که می‌توان گفت آثار تخریبی غیرقابل انکاری بر اقتصاد دارد.

جنگ مستمر قدرت در درون نظام یکی از عوامل نابسامانی‌های اقتصادی است. این امر باعث شده که "مدیریت کلانِ با ثبات و کارآمد" در کشور شکل نگیرد، موضوع "برنامه‌ریزی دراز مدت اقتصادی" به بایگانی سپرده شود، "مبارزه سازمان یافته و موثر با فساد فراگیر" محقق نشود و بالاخره "مدل اقتصادی کشور بلاتکلیف مانده" و بین اقتصاد دولتی و اقتصاد بازار آزاد معلق باقی بماند.

نامه کروبی به خامنه‌ای: به جای انتقاد از دیگران بار مسئولیت سه دهه گذشته خود را بپذیرید
آیت‌الله خامنه‌ای و اعتراضات اخیر
آیت‌الله خامنه‌ای حاضر به تأیید یا رد برنامه 'اقتصاد مقاومتی' دولت نشد
رهبر ایران دستور اجرای فوری 'اقتصاد مقاومتی' را صادر کرد

در عرصه سیاست داخلی آقای خامنه‌ای نقش فراجناحی نداشته و بارها وارد جنگ قدرت بین دو جناح محافظه کار و میانه‌رو شده و در موارد متعددی قاطعانه به نفع محافظه‌کاران موضع گرفته است. وی در مواردی حسن روحانی، رئیس جمهور، را که با انتخاب مستقیم مردم به قدرت رسیده، در صحنه عمومی به صرف نظر کردن از احکام اسلام متهم کرده است. معنای این امر در عمل به معنی رو در رو قرار گرفتن رهبر کشور با اکثریت رای دهندگانی است که به هر دلیل آقای روحانی را برگزیده‌اند.

اعتراضات خیابانی سال ۸۸ با حمایت علنی آیت‌الله خامنه‌ای از محمود احمدی‌نژاد شدت پیدا کرد و شاید بتوان با صراحت گفت که از همان تاریخ جامعه ایران به شکلی آشکار به دو بخش

متخاصم تقسیم شد. حمایت وی از آقای احمدی‌نژاد در آن شرایط پرالتهاب جرقه‌ای به انبار باروت و آغاز دورانی بود که برخی از کارشناسان در ایران از آن به عنوان "فروپاشی اجتماع" یاد می‌کنند.

در ادامه همین طرز تفکر آقای خامنه‌ای هر کجا که نماینده‌ای از سوی خود منصوب کرده آنان را از میان تندروترین عناصر جناح محافظه کار انتخاب نموده است: از ائمه نماز جمعه گرفته تا تولیت آستان قدس رضوی، تا نمایندگان ولی فقیه در دانشگاه‌ها، در سپاه در ارتش در روزنامه کیهان؛ و آنچه که شاید بیش از همه می توان گفت در جامعه تنش ایجاد می کند تعیین مدیر "صدا و سیما" است که از آن با عنوان "رسانه ملی" و به عنوان رسانه‌ای که متعلق به همه مردم است یاد می‌شود.

عباس عبدی، روزنامه نگار، در مصاحبه‌ای که اخیرا انجام داده به این نکته اشاره می‌کند که جامعه در مسیر فروپاشی اجتماعی است. او تاکید می‌کند که برای جلوگیری از این امر "به طور مشخص نهاد رسانه (باید) بازسازی جدی" شود. او می‌گوید "وضعیت نهاد رسانه در حد فاجعه است".

آقای خامنه‌ای با اصرار بر انتصاب این عناصر، به بی‌ثباتی در داخل کمک نموده که نتیجه بلافصل این وضعیت سردرگمی و بلاتکلیفی برای حل مشکلات کلان اقتصادی و مآلا از هم‌پاشیدگی اقتصادی می تواند باشد.

اما سیاست خارجی که خطوط اصلی آن را آیت‌الله خامنه‌ای ترسیم می‌کند شاید بیش از سیاست داخلی به اقتصاد ایران ضربه زده و می‌زند.

به فاصله اندکی بعد از امضاء توافق هسته‌ای بین ایران و کشورهای ۵+۱ موسوم به برجام، آقای خامنه‌ای اعلام کرد که مذاکره با آمریکا در زمینه های دیگر ممنوع است. استدلال ایشان این بود که "مذاکره با آمریکا یعنی راه را باز کردن که اینها بتوانند در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی کشور نفوذ کنند." اینکه این نظریه تا چه حد اعتبار دارد محل پرسش جدی است.

روابط تجاری و سیاسی فوق‌العاده گسترده چین و ویتنام، دو کشور دارای نظام کمونیستی که با نظام آمریکائی در تضاد بنیادی‌اند (به خصوص ویتنام که بیست سال با آمریکا درگیر یکی از خونین‌ترین جنگ‌ها بعد از جنگ جهانی دوم بود) به ما نشان می‌دهد که می‌توان با نظام آمریکا در تضاد بود اما روابط سیاسی و تجاری داشت.

جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، در کتاب "آقای سفیر" در مورد رابطه ایران و آمریکا می‌گوید: "رابطه با آمریکا یا هر کشور دیگری ابزار است و باید در جهت منافع ملی به کار گرفته شود ... اصل، پیگیری منافع و اهداف ملی است." وی می‌افزاید"تعامل به معنی رابطه

دوستانه نیست. هیچ دو کشوری رابطه کاملا دوستانه ندارند". این درک درستی از روابط بین‌الملل است. اسرائیل و آمریکا نزدیکترین روابط را بین کشورهای جهان با یکدیگر دارند اما هر دو از هم جاسوسی می‌کنند و حتی جاسوس‌های یکی در کشور دیگر به زندان می‌افتند. آقای ظریف در عین حال می‌گوید: "من اعتقاد دارم که روابط ما با آمریکا هیچ گاه دوستانه نخواهد بود".

اما آیت‌الله خامنه‌ای با بستن راه مذاکره با آمریکا باعث گردیده که به دلیل تنش دائمی با آمریکا، هم ثبات اقتصادی در داخل کشور به مخاطره بیفتد و هم کشورهای پیشرفته صنعتی از برقراری رابطه تجاری گسترده با ایران خودداری کنند. این تصور که ایران با آمریکا رابطه خصمانه داشته باشد و کشورهای پیشرفته، به عنوان شریک تجاری، آمریکا را کنار بگذارند و با ایران مراوده داشته باشند تصور باطلی است. ادامه همین روابط خصمانه احتمالا به فروپاشی برجام و نهایتا دنباله روی اروپا از آمریکا خواهد انجامید.

آقای خامنه‌ای دوای همه دردهای اقتصادی را در "اقتصاد مقاومتی" می‌بینند. در دهه ۱۹۵۰، مدل اقتصادی مشابهی در کشورهای آمریکای لاتین با عنوان "صنعتی شدن جایگزین واردات" (mport substitution industrialization") شکل گرفت. در کوتاه مدت، اشتغال بطور چشمگیری افزایش پیدا کرد. اما نخستین شکاف‌ها در دهه ۷۰ میلادی ظاهر شد و در دهه ۸۰ پروژه مزبور در همه کشورها با شکست کامل روبرو شد.

تحقیقات مفصلی که برای ریشه‌یابی شکست مدل اقتصادی مزبور انجام شد به این نتیجه رسید که محصولات داخلی چون از طرف حکومت‌ها حمایت می‌شدند و در رقابت با محصولات خارجی نبودند، رفته رفته قیمت‌هایشان سر به آسمان کشید در حالی که کیفیت اجناس نیز یا در جا زد و یا افت چشمگیری پیدا کرد. اقتصاددان، پتریس فرانکو که تحقیقات مفصلی در باب علل شکست پروژه مزبور کرده می‌گوید که در آن دوران، رواج عدم کارآئی که حاصل حمایت حکومت‌ها از تولیدات داخلی بود سراسر آمریکای لاتین را در بر گرفت.

اصطلاح "اقتصاد مقاومتی" را آیت الله خامنه ای نخستین بار در اواسط سال ۱۳۸۹ و در مورد نحوه مقابله با تحریم های بین المللی علیه ایران به کار برد
آیت الله خامنه ای چهارشنبه ۳۰ بهمن سال ۱۳۹۲ خورشیدی **"سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی"** را که در مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین شده است، به روسای قوای سه گانه (دولت، مجلس و قوه قضائیه،) و رئیس این مجمع ابلاغ کرد.
بر اساس این سیاست ها، تولید کالاهای اساسی، به ویژه آن دسته از کالاهای اساسی که در حال حاضر از طریق واردات تأمین می شود، باید افزایش یابد و مبادی واردات این کالاها نیز باید متنوع شود. همچنین برای تأمین امنیت غذا و دارو، باید برای این کالاها و مواد اولیه تولید آنها "ذخایر راهبردی" ایجاد شود. از سوی دیگر مقرر شده است که دولت درآمدهای خود را از مالیات افزایش دهد و سهمی از درآمدهای نفتی که به صندوق توسعه ملی می رود هر سال نسبت به سال قبل افزایش یابد تا جایی که وابستگی بودجه سالانه به درآمدهای نفتی به صفر برسد. ضربه پذیری درآمدهای نفتی نیز باید از طریق انتخاب "مشتریان راهبردی"،

تنوع دادن به روش های فروش، مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش فرآورده های نفتی و افزایش صادرات گاز، برق و محصولات پتروشیمی کاهش یابد. هزینه های عمومی کشور باید از طریق "منطقی سازی اندازه دولت"، حذف دستگاه های موازی یا غیر ضروری و حذف هزینه های زائد کاهش یابد و صادرات کالا، به ویژه صادرات کالاهای "دانش بنیان" افزایش پیدا کند. "دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه" از جمله اهداف سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی اعلام شده است.

خلاصه این سیاست‌ها شامل کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و کاهش هزینه‌های عمومی است. عمده مطالب مطرح شده در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، مباحثی است که از سال ها قبل در ایران مطرح بوده است.

داستان 'مفقود شدگان' شیعه در پاکستان

اسکندر کرمانی خبرنگار بی‌بی‌سی، کراچی



تصاویر دوربین مدار بسته از بازداشت نعیم حیدر

تصاویر دوربین مدار بسته از بازداشت نعیم حیدر
از شب شانزدهم نوامبر ۲۰۱۶ دیگر کسی از نعیم حیدر سی ساله خبر ندارد.

در تصاویر تلویویون مداربسته یک مسجد محلی در آن شب، نعیم حیدر با دستهای بسته دیده می‌شود و بیش از ده مرد مسلح او را با از محل دور می‌کنند. برخی از این مردان صورت‌های خود را پوشانده‌اند و تعدادی دیگر یونیفورم پلیس به تن دارند.

برغم وجود تصاویر، هم پلیس هم سرویس اطلاعاتی پاکستان تکذیب می‌کنند که نعیم حیدر در بازداشت است.

به گفته فعالان، آقای حیدر یکی از ۱۴۰ شیعه پاکستانی است که در بیش از دو سال گذشته "ناپدید" شده‌اند. بیش از ۲۵ نفر از مفقود شدگان از جمله نعیم حیدر ساکن بزرگ‌ترین شهر پاکستان، کراچی هستند.

خانواده‌های این افراد معتقدند که آن‌ها در بازداشت دستگاه امنیتی هستند.

خانواده آقای حیدر گفته‌اند که او دو روز قبل از بازداشت، به همراه همسر باردارش از زیارت کربلا بازگشته بود.

همسرش اکنون یک پسر بدنیا آورده که هنوز پدرش را ندیده است.



خانواده آقای حیدر گفته‌اند که او دو روز قبل از بازداشت، به همراه همسر باردارش از زیارت کربلا بازگشته بود

خانواده آقای حیدر گفته‌اند که او دو روز قبل از بازداشت، به همراه همسر باردارش از زیارت کربلا بازگشته بود
همسر نعیم حیدر به بی‌بی‌سی گفت: "بچه‌هایم مرتب از من سوال می‌کنند که پدرشان کی به خانه می‌آید؟ چه جوابی می‌توانم به آن‌ها بدهم. هیچ کس به ما نمی‌گوید که او کجاست و حالش چطور است. حداقل به ما بگویید که او به چه چیزی متهم است."

خانواده‌های سایر شیعیان "ناپدید" شده هم داستان‌های مشابهی دارند.

تعدادی زن که در خانه‌ای در حومه شیعه نشین کراچی جمع شده و گریه می‌کردند به من گفتند که مقامات هیچ اطلاعاتی درباره عزیزان‌شان به آن‌ها نمی‌دهند. این که کجا آن‌ها را نگهداری می‌کنند یا اتهامات آن‌ها چیست؟

گفته شده که این افراد مظنون به ارتباط با شبه نظامیان مستقر در سوریه ، لشگر زینیبون، هستند.

تصور می‌شود این لشگر متشکل از هزار شیعه پاکستانی باشد که در حمایت از رژیم بشار اسد می‌جنگند.

لشگر زینبیون نامش را از نوه پیامبر اسلام، زینب، گرفته است. آرامگاه زینب دختر امام اول

شیعیان در دمشق، پایتخت سوریه واقع است.

گفته شده که هدف اصلی لشگر زینبیون محافظت این آرامگاه از گروه‌های تندرو سنی همانند گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) است. این لشگر همچنین در شماری از نبردهای مهم سوریه از جمله در حلب حضور داشته است.

نام این گروه در فهرست سازمان‌ها و گروه‌هایی که وزارت کشور پاکستان فعالیت آنها را ممنوع اعلام کرده، قرار ندارد و هیچ یک از "مفقود شدگان" به جرمی متهم نشده‌اند.

نعیم حیدر در ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶ مفقود شد
رشید رزوی، مسئولیت کمیته شیعیان مفقود شده را در کراچی برعهده دارد. او تاکنون چندین گردهمایی اعتراض آمیز در کراچی در حمایت از این مفقودشدگان برپا کرده و از مقامات خواسته این افراد را آزاد یا در دادگاه محاکمه کنند.

به گفته او اکثر این افراد پس از بازگشت از سفرهای زیارتی در خاورمیانه بازداشت شده‌اند.

او به بی‌بی‌سی گفت: "بعضی از نمایندگان سازمان‌های دولتی به ملاقات من می‌آیند، آن‌ها سعی می‌کنند مرا متقاعد کنند دست از این اقدامات اعتراضی بردارم." به من می‌گویند: "ما فکر می‌کنیم که آن‌ها برای جنگیدن با داعش و القاعده به سوریه رفته‌اند."

من در جواب می‌گویم: "خوب اگر مسئله این است، آن‌ها را محاکمه کنید. درغیر این صورت دادگاه و قاضی بی‌معنی است."

نیروهای امنیتی پاکستان به سوالات بی‌بی‌سی در این مورد پاسخی ندادند.

مفقودشدگان
براساس آمار رسمی بیش از ۱۵۰۰ در پاکستان ناپدید شده‌اند و از این رو این موضوع یکی از مسائل بسیار حساس این کشور شده است.

از جمله افرادی بازداشتی می‌تواند به سنی‌های مظنون به ارتباط با گروه‌های افراطگرا، فعالان ملی گرا و منتقدان سکولار در بخش‌های نظامی پاکستان نام برد.

ثمار عباس، یک فعال اجتماعی است. او در ژانویه ۲۰۱۷ در اسلام آباد بازداشت شد
مقامات در پاکستان اغلب گفته‌اند که سرویس‌های اطلاعاتی این کشور اغلب به نادرست مسئول مفقود شدن افراد شناخته می‌شوند.

آن‌ها همچنین شمار مفقود شدگان را در پاکستان نادرست می‌دانند.

از شیعیانی که افراد مسلح آنها را ربوده‌اند فقط تعداد اندکی آزاد شده‌اند.

یک مرد جوان که نخواست نامش گفته شود، به بی‌بی‌سی گفت که او را در "سلولی کوچک و تاریک" نگه داشته و سرویس‌های اطلاعاتی او را "بشدت شکنجه" کردند. او همچنین گفت که در مدت بازداشت مکررا درباره لشگر زینبیون از او بازجویی کردند و اکثر سوالات در این باره بود که چه کسانی را در این گروه می‌شناسد و بودجه این گروه را چه کسانی تامین می‌کنند.

ثمار عباس، یک فعال اجتماعی است. او در ژانویه ۲۰۱۷ در اسلام آباد بازداشت شد. درهمان زمان شماری از وبلاگ نویسان منتقد تشکیلات نظامی این کشور هم بازداشت شدند.

چند هفته بعد و پس از اعتراضات عمومی آن‌ها آزاد شدند اما آقای عباس تا مارس سال جاری میلادی (۲۰۱۸) در بازداشت بود. از همسر خواهر او که سال گذشته بازداشت شده بود، همچنان خبری در دست نیست.

موضوع "مفقود شدگان" یکی از مسائل بسیار حساس پاکستان است
پس از بازداشت به آقای عباس گفته شد که از او خطایی نزده سر نزده و او را آزاد کردند.

آقای عباس به بی‌بی‌سی گفت از این که آزاد شده خوشحال است. اما او در عین حال مدت بازداشت را برای خانواده بخصوص فرزندانش بسیار ناراحت کننده توصیف کرد.

او همچنین به بی‌بی‌سی گفت که از او درباره فعالیت‌هایش بازجویی کردند و سوال‌هایی در ارتباط با لشگر زینبیون پرسیدند:

"آن‌ها به من گفتند که تو در اعزام افراد به سوریه برای جنگیدن مشارکت داری. اسامی این افراد را به ما بگو. من در پاسخ آن‌ها گفتم که هرگز در تمام عمرم به سوریه نرفته‌ام."

لشگر زینبیون بخشی از شبکه نیروهای خارجی شیعه مرتبط به ایران هستند که در سوریه فعالیت دارند.

از جمله نیروهای شیعی شبه نظامیان عراقی، حزب‌الله لبنان و لشگر فاطمیون متشکل از شبه نظامیان افغان هستند.

هر چند از لشگر زینبیون به عنوان گروهی مخفی نام برده می‌شود اما حامیانش تصاویری از "شهدای "این گروه را منتشر می‌کنند. ظاهرا بسیاری از اعضای این گروه از پاراچنار، شهری در شمال غرب پاکستان هستند. اکثر جمعیت این شهر را شیعیان تشکیل می‌دهند. این شهر

تاکنون بارها هدف حمله افراط گرایان سنی بوده است.

براساس بررسی‌های انجام شده بیش از صد پاکستانی تاکنون در سوریه کشته شده‌اند. گفته شده که خانواده‌های آن‌ها از ایران کمک مالی دریافت می‌کنند.

رهبران جامعه شیعه به بی‌بی‌سی گفته‌اند که سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان احتمالا نگران هستند که اعضای لشگر زینبیون پس از بازگشت به کشور بر اساس دستورات ایران عمل کنند.

شمیمارا حسین ۶۵ ساله می‌خواهد بداند که فرزندش کجاست
آن‌ها همچنین بیم آن دارند که اعضای لشگر زینبیون باعث افزایش تنش‌های فرقه‌ای در جامعه پاکستان شوند، کشوری که اکثریت آن سنی هستند.

خانواده‌های مفقود شدگان می‌گویند که وابستگان آن‌ها در هیچ گروه مسلحی فعالیت ندارند و خواسته‌های آن‌ها ساده است.

شمیم‌آرا حسین ۶۵ ساله می‌خواهد بداند که فرزندش کجاست. او در حالی که گریه می‌کند به ما درباره روزی می‌گوید که نیروی‌های امنیتی کوچکترین پسرش را با خودشان بردند:

"آن‌ها به من گفتند که او را تنها برای چند سوال با خودشان می‌برند و بعد آزادش می‌کنند. از آن زمان یک سال و نیم گذشته. هیچ خبری از او نداریم. چه او را کشته‌اند یا اگر هنوز زنده است، چیزی به ما بگویند. من همه شهر را برای پیدا کردن پسرم جستجو کرده‌ام، از گریه کردن خسته شده‌ام، از دعا کردن خسته شده‌ام."

رد ادعای روزنامه جام جم توسط تاج‌زاده: فرماندهان سپاه و غیرنظامیانی چون علی لاریجانی خواهان حمله به هرات بودند

یکشنبه, ۲۰ خرداد, ۱۳۹۷

چکیده : فرماندهان سپاه به شدت خواهان حمله به افغانستان و اشغال هرات بودند. غیرنظامیانی چون علی لاریجانی رییس صدا و سیمای وقت نیز خواهان جنگ و اشغال هرات بودند. اما رییس جمهور خاتمی و اعضای کابینه در شورای عالی امنیت ملی شامل وزیر خارجه و نیز دبیر و دبیرخانه شورا و همچنین فرماندهان ارتش مخالف حمله بودند. در نهایت رهبری نظر مخالفان را تایید کرد. وزارت خارجه دولت اصلاحات نیز موفق شد حمایت بین‌المللی علیه این جنایت را به نفع ایران جلب کند و این اقدام در آرام کردن فضا موثر بود

روزنامه جامجم در ادعایی جدید تحت عنوان چرا ایران در سال ۷۷ به طالبان حمله نکرد، نوشته است: "در آن زمان جلسه فوق‌العاده شورای عالی امنیت ملی تشکیل شد و اکثر اعضای این شورا به ریاست محمد خاتمی به حمله به افغانستان (طالبان) رای دادند و به عنوان مصوبه شورای عالی امنیت ملی برای رهبری ارسال شد. موضوع حمله به طالبان آن قدر جدی بود که همزمان با طی فرآیند در شورای عالی امنیت ملی، ده‌ها هزار نیروی نظامی در مرزهای شرقی کشور مستقر و آماده عملیات شده بودند، لیکن آیت‌الله خامنه‌ای بر خلاف رویه معمول‌شان که مصوبات شورای‌عالی امنیت ملی را تائید می‌کنند، به صورت مستدل با این مصوبه مخالفت کردند و ایران را از ورود به جنگی پرخسارت حفظ کردند."

سیدمصطفی تاج‌زاده فعال سیاسی و معاون سیاسی وزارت کشور دولت اصلاحات در گفت‌وگو با امتداد ضمن رد ادعای این روزنامه وابسته به صداوسیما گفت: بلافاصله پس از کشتار دیپلمات‌های ایرانی توسط طالبان، مرزهای شرقی کشور با نقل وانتقالات سنگین نظامی مسلح شد. تا این مرحله همه موافق بودند؛ اقدامی مقتدرانه در واکنش به جنایتی علیه ملت ایران صورت بگیرد.

وی افزود: اما در مرحله بعد فرماندهان سپاه به شدت خواهان حمله به افغانستان و اشغال هرات بودند. غیرنظامیانی چون علی لاریجانی رییس صدا و سیمای وقت نیز خواهان جنگ و اشغال هرات بودند. اما رییس جمهور خاتمی و اعضای کابینه در شورای عالی امنیت ملی شامل وزیر خارجه و نیز دبیر و دبیرخانه شورا و همچنین فرماندهان ارتش مخالف حمله بودند. در نهایت رهبری نظر مخالفان را تایید کرد. وزارت خارجه دولت اصلاحات نیز موفق شد حمایت بین‌المللی علیه این جنایت را به نفع ایران جلب کند و این اقدام در آرام کردن فضا موثر بود.

سوروس: ترامپ قصد نابود کردن جهان را دارد باید برکنار شود

میلیاردر صهیونیست-آمریکایی، بار دیگر از رئیس جمهور آمریکا، انتقاد کرد و گفت وی قصد دارد جهان را نابود کند و باید از سِمت خود برکنار شود



به گزارش پایگاه خبری با اقتصاد، جرج سوروس، میلیاردر صهیونیست-آمریکایی، بار دیگر از دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، انتقاد کرد و گفت وی قصد دارد جهان را نابود کند و باید از سِمت خود برکنار شود.

سوروس روز یکشنبه در گفتگو با روزنامه واشنگتن پست گفت ترامپ «خودشیفته» می‌خواهد «جهان را نابود کند». سوروس افزود در صورتی که حزب دموکرات در انتخابات عمومی آمریکا در ماه نوامبر سال جاری میلادی به پیروزی چشمگیری دست یابد و برای استیضاح ترامپ اقدام کند، از برکناری رئیس جمهور آمریکا حمایت خواهد کرد.

رابطه ترامپ و سوروس از زمان انتخابات ریاست جمهوری سال 2016 آمریکا به سردی گرایید. سوروس که در آن هنگام یکی از حامیان بزرگ هیلاری کلینتون، رقیب دموکرات ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود، به ستاد انتخاباتی وی 10.5 میلیون دلار کمک مالی کرده بود. گزارش‌ها حاکی است پیروزی غافلگیرکننده ترامپ در انتخابات موجب وارد آمدن زیانی 1 میلیارد دلاری به سوروس شد.

او که ثروت خود را از طریق سرمایه‌گذاری به دست آورده است، به عنوان یکی از سودآورترین دلالان در بازار سهام شناخته شده است. وی در سال 1992، نزدیک به 1 میلیارد پوند درآمد کسب کرد و به این ترتیب، ارزش پول انگلیس را تحت تاثیر قرار داد. این رویداد به عنوان چهارشنبه سیاه شناخته شده است و یکی از بدترین وقایع در اقتصاد انگلیس به شمار می‌رود.

ماجرای اعلام وزیر آب ایران: کمبود آب برای 50 ملیون ایراني و کربلاي تشنکان ایران / و شمر خواندن رهبر؛ نتانیاهو را / و آب رساني نتانیاهو به ایرانیان تشنه با ارائه دانش بازیابي آب

رهبر ایران نخست وزیر اسرائیل را شمر زمان نامید

رهبر معظم انقلاب:

شمر زمان، می‌رود اروپا مظلوم‌نمایی می‌کند که ایران می‌خواهد ما را نابود کند / جمال عبدالناصر شعار می‌داد که یهودی‌ها را در دریا می‌ریزیم، اما ما از روز اول چنین حرف‌هایی نزدیم؛ از روز اول گفتیم برای تعیین تکلیف کشور فلسطین به مردم فلسطین مراجعه کنید

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، عصر امروز در دیدار جمعی از اساتید و پژوهشگران دانشگاه‌ها تاکید کردند: ما الان در دنیا کشوری هستیم که بیشترین دشمن را در بین دولت‌های مستکبر و قدرت‌های بی‌ارزش داریم و بیشترین طرفدار را هم در بین توده‌های مردم در بسیاری از کشورها داریم

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، عصر امروز در دیدار جمعی از اساتید و پژوهشگران دانشگاه‌ها تاکید کردند: ما الان در دنیا کشوری هستیم که بیشترین دشمن را در بین دولت‌های مستکبر و قدرت‌های بی‌ارزش داریم و بیشترین طرفدار را هم در بین توده‌های مردم در بسیاری از کشورها داریم. آن مقدار که جمهوری اسلامی در خیلی از کشورها آبرومند است، از کشورهای همسایه و فراتر از همسایه، هیچ کشور دیگری این مقدار آبرومند و دارای علاقه‌مند و ارادتمند نیست؛ برای همین است که دشمنان خبیث و مصممی هم دارد. حالا فرض کنید آن شمر زمان، نخست‌وزیر کودک‌کُش رژیم اشغالگر می‌رود اروپا مظلوم‌نمایی می‌کند که بله، ایران می‌خواهد ما را نابود کند. شمر به معنای واقعی کلمه این‌ها هستند؛ این‌ها از لحاظ ظلم و ستم سرآمد همه‌ی ظالمان تاریخند.

ایشان افزودند: آن مخاطب اروپایی هم گوش می‌دهد و سر تکان می‌دهد و نمی‌گوید شما الان در غزه و قدس دارید این جنایت‌ها را می‌کنید. جمهوری اسلامی در همه‌ی مسائل منطقی عمل می‌کند. در بحث رژیم صهیونیستی، جمال عبدالناصر شعار می‌داد که یهودی‌ها را در دریا می‌ریزیم. اما ما از روز اول چنین حرف‌هایی نزدیم. ما از روز اول یک طرحی اعلام کردیم، ما گفتیم امروز دموکراسی یک شیوه‌ی مدرن است که همه‌ی دنیا قبول دارند؛ گفتیم برای تعیین تکلیف کشور تاریخی فلسطین به مردم فلسطین مراجعه کنید. این طرح در سازمان ملل به‌عنوان نظر جمهوری اسلامی

ثبت شده است.
رهبر معظم انقلاب ادامه دادند: آن‌هایی که واقعاً فلسطینی‌اند و از ۸۰سال پیش، ۱۰۰سال پیش ساکن فلسطین بوده‌اند -هم مسلمان و هم یهودی و هم مسیحی- در هر جایی که هستند -چه در سرزمین‌های اشغالی چه خارج از آن- از آن‌ها نظرسنجی شود، هر چه آن‌ها گفتند همان بشود. این نظر بدی است؟ اروپایی‌ها این را حاضر نیستند بفهمند؟ بعد، آن کودک‌کُشِ ظالم خبیث شمرصفت می‌رود مظلوم‌نمایی می‌کند که ایران می‌خواهد چند میلیون جمعیت از ما را از بین ببرد.
ادامه دارد...
منبع: مهر

اسرائیل برای مردم ایران وبسایت بازیافت آب راه‌اندازی می‌کند

آقای نتانیاهو پیام خود را با نوشیدن یک لیوان آب شروع کردبنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در پیامی ویدئویی به مردم ایران از راه‌اندازی وبسایتی به فارسی برای آموزش مقابله با بحران آب خبر داد.
آقای نتانیاهو در این پیام گفت: "امروز پیشنهاد بی‌سابقه‌ای برای ایران دارم، در مورد آب. مردم ایران قربانی رژیمی بی‌رحم و استبدادی هستند که حتی آب مورد نیازشان را از آنها دریغ می‌کند."
"اسرائیل از مردم ایران حمایت می‌کند برای همین هم دلیل می‌خواهم به نجات تعداد بیشماری از مردم ایران کمک کنم."
نخست‌وزیر اسرائیل با اشاره به آمارهای سازمان هواشناسی ایران گفت که "تقریبا ۹۶ درصد از مناطق ایران" از درجاتی از خشکسالی در رنج است.
او به اظهارات عیسی کلانتری، وزیر سابق کشاورزی، اشاره کرد که در سخنانی گفته بود "پنجاه میلیون ایرانی" به دلیل آسیب‌های محیط زیستی مجبور خواهند شد محل زندگی خود را ترک کنند.
آقای نتانیاهو گفت: "اسرائیل هم با چالش آب روبرو است" و افزود اما کشورش با استفاده از فناوری بسیار پیشرفته با این مشکل روبرو شده است و "تقریبا نود درصد آب در اسرائیل بازیافت می‌شود".
او تاکید کرد که "اسرائیل کاردانی لازم برای جلوگیری از فاجعه زیست محیطی در ایران را دارد."
وی افزود: "من می‌خواهم این دانش را با مردم ایران به اشتراک بگذارم."
اما وی با اشاره به محدودیتهای سفر بین دو کشور گفت که "بنابراین باید خلاق باشیم"
در همین خصوص وی از راه‌اندازی یک سایت فارسی که با جزئیات به مردم ایران بگوید چگونه آب را بازیافت کنند، خبر داد و گفت که از این طریق به کشاورزان ایران نشان داده خواهد شد که چگونه محصولشان را حفظ کنند و غذای خانواده‌شان را تامین کنند.
در پایان این پیام آدرس یک کانال تلگرام به نام فناوری آب ذکر شده است.
نخست وزیر اسرائیل سپس با یادآوری اینکه کشورش ۹۰ درصد فاضلاب خود را تصفیه و بازیافت می‌کند و با استفاده از فناوری های پیشرفته به کشاورزی و آبیاری کمک می‌کند، می‌گوید که دولت او یک وبسایت برای ایرانیان راه اندازی کرده است تا روش های تصفیه و بازیافت فاضلاب را نشان دهد. به گفته او در این وبسایت همچنین نشان داده می‌شود که چگونه کشاورزان ایرانی می‌توانند از محصولات خود محافظت کنند.
خشکسالی طی سال‌های اخیر حدود ۹۰ درصد ایران را تحت تاثیر قرار داده است و برخی از مقام‌های ایرانی گفته‌اند ممکن است ده‌ها میلیون نفر به دلیل خشکسالی ناچار به ترک شهر و روستای خود شوند.
ایران هنوز به این پیام واکنشی نشان نداده است.
پیشنهاد بی سابقه نتانیاهو به مردم ایران: دانش خود در زمینه آب را با شما به اشتراک می گذاریم. رژیم ج.ا فریاد مرگ بر اسرائیل می زند. ما در پاسخ می گوییم زنده باد مردم ایران. شما نباید در برابر این رژیم بی رحم تنها باشید. ما با شما هستیم.#اصفهان_آب_ندارد #بحران_آب pic.twitter.com/F55SRsag7H
— اسرائیل به فارسی (@IsraelPersian) 10 June 2018

گام بعدی بن سلمان برای ساختن عربستان سکولار

گام‌های شتابان ولی‌عهد عربستان برای تبدیل وجهه سلفی-وهابی عربستان به کشوری سکولار ادامه دارد و در جدیدترین نمونه، «هفته مد عربی» در این کشور در حال برگزاری است.

به گزارش **ایران خبر**، عربستان سعودی در ادامه اقدامات شتابان «محمد بن سلمان» ولی‌عهد این کشور برای تبدیل وجهه عربستان از کشوری مذهبی (سلفی - وهابی) به کشوری سکولار، برای نخستین‌بار هفته مُد لباس برگزار کرد.

خبرگزاری رویترز گزارش داد که از چهارشنبه 22 فروردین (11 آوریل) اولین هفته مد عربی در عربستان آغاز شده و محل برگزاری آن هتل «ریتز کارلتون» ریاض است.

طبق گزارش رویترز، زنان سعودی و زنانی از شرق اروپا در این «هفته مُد» حضور یافته‌اند و مُدل‌ها و طراحانی که نسخه سعودی هفته مد عربی را برگزار کرده‌اند از سیاست باز عربستان سعودی که تاکنون کاملا محافظه‌کار و بسته بود، ابراز شگفتی کرده‌اند.

هفته مد لباس، مناسبتی است که در آن طراحان و فروشندگان و برندهای معروف جدیدترین مدل‌ها و طراحی‌های خود را به نمایش می‌گذارند. هفته مد عربی پنج سال است که در امارات عربی متحده (دبی) برگزار می‌شود و امسال برای نخستین بار، ریاض پایتخت عربستان سعودی میزبان آن است.

«آنیتا دمکروسکا» از جمله مدل‌های حاضر در این هفته مُد، به رویترز گفت «ما خیلی هیجان‌زده‌ایم، چون این اولین هفته مد در عربستان است و این بدین معناست که ما در حال تاریخ‌سازی هستیم».

«شورای لباس عربی» که نهادی قدیمی در حوزه لباس است، اواخر سال گذشته میلادی شاهد بازگشایی یک شعبه از خود در عربستان بود. ریاست افتخاری این شورا بر عهده یک شاهزاده سعودی به نام «نوره بنت فیصل آل سعود» است که از دنباله‌روان شورای لباس بریتانیاست و آن را الگوی کاری خود در جهان عرب می‌داند.



تحول بزرگ؟

نشریه «سیدتی» که از جمله مطبوعات حوزه زنان در دنیای عرب است در این خصوص نوشت «اولین بار نیست که هفته مد عربی تعداد زیادی از طراحان جهانی و عرب در حوزه لباس را به خود جذب می‌کند. تاکنون پنج دوره از سال 2015 در دبی برگزار شده اما این نخستین بار است که بُعدی منطقه‌ای و جهانی به خود می‌گیرد و دلیل آن مکان و زمان برگزاری آن یعنی در عربستان سعودی است».

«سیدتی» افزود که «انتخاب ریاض در این مرحله برای برپایی هفته مد عربی، دلالت بر تحولی بزرگ می‌کند که همه بخش‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی از جمله بخش طراحی لباس [در جهان عرب] شاهد آن است».

از جمله طراحان سرشناس حاضر در این هفته مد در ریاض «روبرتو کاوالی» و «ژان پل گوتیه» و بیش از 13 طراح عرب و خارجی دیگر هستند.



طبق گزارش‌ها، برگزارکنندگان هفته مد عربی در ریاض اجازه ورود مردان و فیلم‌بردارها را داده‌اند هر چند که از حضور مردان در مراسم

عرضه مدها روی صحنه ممانعت کرده‌اند و ضبط تصویر در خارج از آن ممنوع است. زنان نیز باید در اماکن عمومی عربستان «عبایه» مشکی گشاد بپوشند.
البته گفته شده است که نمایش مُدها شامل عبایه نیست و حضار مدعو صرفا کسانی هستند که رسما دعوت شده‌اند. علاوه بر این در چادری جداگانه انواع مد با حضور طراحانی از برزیل، لبنان، روسیه، عربستان، آمریکا و امارات نمایش داده خواهد شد.
رویترز گزارش کرد که «در سایه اصلاحات اخیر [بن سلمان] زنان در شهرها عبایه‌های رنگی می‌پوشند و برخی نیز روی آن "دانتل" (تور) یا "قطیفة" می‌پوشند و برخی نیز جلوباز است و دامن‌های بلند یا شلوارهای جین زیر آن دیده می‌شود».



گام‌های شتابان؛ از اوپرا و کنسرت تا مسابقات ورق و هفته مد

هفته مد عربی در عربستان در کنار برگزاری «اوپرا» در فوریه گذشته و مسابقات سراسری «ورق» (پاسور) در هفته گذشته و برگزاری قریب‌الوقوع کنسرت «تامر حُسنی» خواننده سرشناس دنیای عرب در شهر ساحلی «جده» در غرب عربستان و همچنین برگزاری راهپیمایی خانوادگی شامل زنان و دختران و اجازه به دختران و زنان برای حضور در سه ورزشگاه در عربستان از جمله اقدامات بن سلمان موسوم به اصلاحاتی است که قرار است با آن وجهه سلفی وهابی عربستان سعودی به کشوری سکولار و امروزی تبدیل شود.
از سپتامبر 2017 شماری زیادی از نویسندگان، روشنفکران و روحانیون سلفی و حتی میانه‌رو به دستور بن سلمان بازداشت شده‌اند.
هفته مد عربی در همان هتلی برگزار می‌شود که اخیرا دهها شاهزاده و تاجر عربستان به دستور بن سلمان بازداشت و در آنجا نگهداری شدند و مجموعا حدود 400 میلیارد دلار بابت آزادی خود پرداخت کردند. ولی‌عهد عربستان به اتهام فساد آنان را بازداشت کرده بود.



هالیوود در راه عربستان

علاوه بر این موارد، عربستان سعودی در 29 فروردین ماه شاهد افتتاح اولین مجتمع سینمایی است که مجوز راه‌اندازی آن به یک شرکت آمریکایی داده شده است.

عربستان سعودی قصد دارد تا سال 2030، 2500 سالن سینمایی در قالب 350 مجتمع سینمایی راه‌اندازی کند. وزارت فرهنگ و رسانه عربستان سعودی در دسامبر 2017 اعلام کرده بود که برای اولین بار در 35 سال گذشته، قصد دارد مجوز راه‌اندازی مجتمعی سینمای تجاری را از سال 2018 صادر کند.

شرکت آمریکایی ای.ام.سی (AMC) از شرکت‌های معروف و بزرگی است که در بخش سینماهای زنجیره‌ای در ایالات متحده فعالیت دارد. این شرکت در 29 فروردین 1397 (هجدهم آوریل) اولین مجتمع سینمایی در عربستان را افتتاح می‌کند که گفته می‌شود یکی از زیباترین سالن‌های سینمایی دنیا خواهد بود که 500 صندلی چرمی دارد و کفپوش آن سنگ مرمر است و مکان سالن در منطقه تجاری ریاض واقع شده است. «ادم ارون»، رئیس شرکت آمریکای ای.ام.سی از «بنایی فوق‌العاده و شگفت‌انگیز» سخن گفته و مدعی شده که «گمان می‌کنیم که این، زیباترین سینمای جهان خواهد بود».

«پلنگ سیاه» اولین فیلم سینمایی خواهد بود که در عربستان به نمایش درخواهد آمد؛ فیلمی در سبک ابرقهرمانی بر پایه شخصیتی به همین نام از شرکت «مارول کامیکس» است. فیلم،در 29 ژانویه سال جاری میلادی در لس‌آنجلس بر روی پرده رفت و اکران گسترده آن از 16 فوریه به صورت سه‌بُعدی و آی‌مکس در آمریکا آغاز شد.

از زمانی که محمد بن سلمان به قدرت رسیده، اخبار رسیده از این کشور حاکی از مبارزه این شاهزاده با مظاهر دینی و مذهبی (فرقه وهابیت) دارد. هرچند بن سلمان اخیرا در مصاحبه با «فاکس‌نیوز» اعلام کرد که ریاض، به درخواست متحدان غربی خود، وهابیت را برای مبارزه با شوروی توسعه داد، اما او در گفت‌وگو با نشریه تایم گفته که نمی‌داند وهابیت چیست. این تناقض گفته‌های بن سلمان درباره وهابیت، ناشی از تمایل او برای جداکردن دین از سیاست در کشورش است.

از زمانی که بن سلمان به قدرت رسیده، تلاش کرده که خود را رهبری امروزی نشان دهد. برای همین او در اواخر سال 2017 ممنوعیت رانندگی زنان را لغو کرد و اخیرا درباره عدم سختگیری در حجاب زنان سخن گفت.
تأسیس «اداره کل تفریحات و سرگرمی» در ماه می 2016 از اقدامات زیربنایی بن سلمان در عربستان برای تغییر وجهه دینی (وهابی) این کشور به کشوری سکولار است. این اداره مصوبات مختلفی مثل صدور مجوز راه‌اندازی مجتمعات سینمایی تا برگزار اوپرا و کنسرت داشته است.



مسابقات سراسری ورق (پاسور) در عربستان



حضور کلبانی امام جماعت مسجد الحرام و امام جمعه فعلي رياض در مسابقات ورق بازی!!!!

ـ ایرانیان ۶۰ تن طلا در ۶ ماه خریدند

روزنامه اعتماد درباره بازار سکه گزارش داده است: چرا مردم به سمت بازار سکه رفته‌اند؟ دلیل نوسانات قیمت سکه در چند روز اخیر چه بوده و چه آینده‌ای را می‌توان برای بازیگران اصلی این بازار متصور شد؟ براساس اعلام مسوولان بانک مرکزی، مردم ایران از آذرماه گذشته تاکنون از طریق طرح پیش‌فروش سکه بیش از هفت میلیون قطعه سکه تمام بهار آزاد ی خریده‌اند که معادل ۶۰ تن شمش طلا ست. سکه در اقتصاد ایران دارای چهار ویژگی است. نقد شونده است، قابلیت خروج از کشور را دارد، قیمت دلار در آن مستتر است و ارزش پول در آن حفظ می‌شود. تمامی این ویژگی‌ها سبب شده تا بازار سکه ریسک‌پذیری کمتری نسبت به سایر بازارها داشته باشد. فعالیت در چنین بازاری برای همه بازیگران جذاب است. چه آنها که قصد دارند ارزش دارایی‌های خود را حفظ کنند، چه کسانی که کسب و کارشان از این راه است و چه افرادی که فعالیت‌های سوداگرانه در بازار دارند. در شرایطی که انتظارات تورمی در اقتصاد ایران افزایش یافته، هوش اقتصادی آحاد اقتصادی حکم می‌کند که دارایی‌شان به سمت بازارهای کم‌ریسک حرکت کند که در غیاب بازار ارز، سکه جذاب‌ترین بازار برای حفظ دارایی‌هاست. در این میان اما یک خطر برای اقتصاد ایران در بلندمدت وجود دارد و آن اینکه با سرازیر شدن سرمایه‌ها به سمت بازار سکه، علاوه بر اینکه انتظارات تورمی افزایش می‌یابد، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش تولید سبب خواهد شد تا در آینده، رکود بر اقتصاد کشور حاکم شود. جنس این رکود تورمی خواهد بود و ممکن است بار دیگر اقتصاد ایران در معرض تورم‌های بالا و رشدهای پایین قرار گیرد که معنی آن کوچک شدن سفره مردم خواهد بود.

راه آرامش بازار سکه

قیمت سکه ظرف سه ماه اخیر با روند صعودی مواجه شده است، هر چند در مقاطعی هم افت قیمت داشت اما چند هفته‌ای است که بار دیگر به شیب افزایش قیمت بازگشته است. روند صعودی افزایش قیمت سکه از اواخر سال گذشته شروع شد، جایی که سکه تمام به یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان رسید که تا آن زمان بالاترین رقم برای قیمت سکه تمام بود. با شروع سال جدید روند صعودی قیمت سکه ادامه پیدا کرد و قیمت سکه تمام به یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومان رسید و پس از آن به دو میلیون تومان هم نزدیک شد. اما به دنبال سیاست جدید ارزی و تعیین دلار ۴۲۰۰ تومانی به عنوان تک نرخی، قیمت سکه هم به یک‌باره ۲۰۰ هزار تومان کاهش پیدا کرد. اما در دو، سه هفته اخیر حرکت قیمت سکه دوباره افزایشی شده و به کانال دو میلیون و پانصد هزار تومان وارد شده است. روز گذشته قیمت هر سکه بهار آزادی به قیمت ۲ میلیون و۴۱۲ هزارتومان رسید، قیمتی که نسبت به روز دوشنبه، تغییری ۲,۴۲ درصدی معادل با افزایشی ۵۷ هزارتومانی را نشان می‌داد. حال سوالی که وجود دارد این است که این افزایش قیمت‌ها ناشی از چیست و آیا درآینده نیز شاهد این روند افزایشی خواهیم بود؟اگر بخواهیم عوامل موثر بر تغییر ارزش سکه را بررسی کنیم به طور کل می‌توان به نرخ بهره، قیمت دلار و نرخ تورم اشاره کرد.

نرخ بهره

با کاهش یا ثابت ماندن نرخ بهره و کاهش تدریجی ارزش پول نقد، افراد دیگر تمایلی به سپرده‌گذاری سرمایه‌های نقدی خود ندارند. بنابراین با کاهش تمایل به نگهداری پول نقد و از آنجا که طلا از ویژگی‌های ثبات ارزش حتی در شرایط جنگ، بحران و تنش‌های بین‌المللی برخوردار است، افراد تمایل به خرید آن پیدا می‌کنند که خود باعث افزایش قیمت طلا می‌شود. به صورت عکس، اگر نرخ بهره بانکی افزایش پیدا کند، افراد سپرده‌گذاری در بانک را جذاب دانسته و منابع خود را به سمت آن روانه می‌کنند. حال اگر به بازارهای جهانی نگاهی بیندازیم، پیش بینی می‌شود بانک مرکزی اروپا برنامه خود برای پایان دادن به خرید اوراق قرضه را تا اواخر امسال اعلام کند. اتفاقی که در صورت وقوع می‌تواند افزایش نرخ بهره را به دنبال داشته باشد، همچنین پیش‌بینی می‌شود فدرال رزرو امریکا در نشست چهارشنبه خود نرخ بهره را برای دومین بار در سال ۲۰۱۸ میلادی افزایش دهد. در نتیجه اینکه روند سیاست‌های پولی و نرخ بهره امریکا و تصمیمات بانک مرکزی اروپا طی ماه‌های آینده چگونه خواهد بود، می‌تواند تاثیر مهمی بر نوسانات قیمت ارز و قیمت جهانی طلا داشته باشد. نوساناتی که می‌تواند بازارهای داخلی را با بی‌ثباتی همراه کند. در بازارهای داخلی نیز روند تغییر نرخ بهره، و اینکه درآینده چه تصمیمی برای آن گرفته می‌شود می‌تواند ارزش سکه طلا را دستخوش تغییر کند.

قیمت دلار

قیمت طلا در بازارهای جهانی فلزات قیمتی، توسط دلار تعیین می‌شود، به نظر اکثر کارشناسان مهم‌ترین عامل افزایش ارزش طلا، ارزش دلار است که عوامل اثرگذار دیگر نیز از این عامل تاثیر می‌پذیرند. هنگامی که ارزش دلار کاهش پیدا می‌کند، مقدار زیادی پول از بازار خرید و فروش ارز وارد بازارهای کالایی می‌شود که در بورس معامله می‌شوند. در چنین شرایطی در بازار طلا نیز پول‌های بسیار زیادی ورود پیدا کرده که این خود می‌تواند دلیل اصلی افزایش قیمت در این بازار باشد.

از سوی دیگر تنزل ارزش دلار به کاهش ذخیره ارزی بانک مرکزی کشورهای مختلف منجر می‌شود و آنها برای جبران این مساله به دنبال افزایش ذخیره طلای خود می‌افتند که به رشد چرخش پول در بازار طلا و افزایش قیمت آن می‌انجامد. بنابراین هم بانک‌های مرکزی و هم سرمایه‌گذاران در جهت جلوگیری از کاهش دارایی‌های خود طلا را بهترین گزینه به جای دلار می‌دانند.

طی ماه‌ها و هفته‌های گذشته ارزش دلار با نوساناتی همراه بوده است در نتیجه این تلاطمات، دیگر بازارها از جمله بازار سکه که عامل مهمی در تعیین ارزش قیمت دلار است، حال چون قیمت دلار روندی افزایشی داشته و تا زمانی که انتظار تغییرات ارزش دلار وجود داشته باشد، باید شاهد حاکم بودن بی‌ثباتی در بازار سکه بود. به طور مثال اعمال تحریم‌ها از سوی امریکا و انتظار کاهش فروش نفت و به تبع آن کاهش عرضه ارز، می‌تواند خود انتظارات افزایش قیمت دلار را بالا ببرد در نتیجه قیمت سکه نیز روندی افزایشی داشته باشد.

نرخ تورم
افزایش سطح قیمت‌ها و انتظار تداوم آن در آینده، تقاضا برای کالاهای فیزیکی را افزایش می‌دهد. زیرا در شرایط تورم این کالاهای فیزیکی هستند که می‌توانند ارزش حقیقی پول نقد افراد را نگه دارند. سکه و طلا نیز به عنوان دارایی‌های فیزیکی و البته عرضه محدود آنها، در شرایط تورمی با حجم بالایی از تقاضا روبرو هستند. البته دیگر کالاها همانند مسکن نیز این پتانسیل را دارند تا پذیرنده افزایش تقاضا باشند ولی سکه به دلیل این ویژگی خود که با حجم کمی از منابع نیز قابل خرید و فروش است این پتانسیل را دارد که منابع خرد را نیز جذب خود کند در نتیجه مقصد بهتری برای تقاضاهای سوداگرانه و احتیاطی است. نگاه به روند گذشته افزایش قیمت‌ها چه در بخش تولیدکننده و چه مصرف‌کننده، حاکی از روند افزایشی است. در نتیجه انتظارات حاکم بر بازار، افزایشی است؛ لذا می‌توان افزایش اخیر قیمت‌ها در بازار سکه و طلا را تا حدودی ناشی از رشد شاخص قیمت‌ها دانست و اگر این روند همچنان افزایش پیدا کند آنچه بر بازار سکه و طلا سایه انداخته ادامه روند افزایش قیمت‌ها است. با توجه به مطالب بیان شده، مهم‌ترین تصمیمی که نهاد سیاست‌گذار بهتر است اتخاذ کند، ایجاد آرامش در بازار است. آرامشی که از طریق کنترل انتظارات می‌تواند از بی‌ثباتی آینده جلوگیری کند. چرا که انتظارات از آینده روابط سیاسی کشور قیمت دلار را به‌شدت متاثر از خود کرده است، همچنین انتظار افزایش قیمت در آینده نیز خود به دلیل نامشخص بودن آینده متغیرهای اقتصادی، بر بازار حاکم است. لذا فرونشاندن این انتظارات از مهم‌ترین اولویت‌ها است.
در کنار این موضوع، تصمیم‌گیری در مورد تغییر نرخ بهره در جهت کنترل تورم و همچنین قیمت سایر دارایی‌ها از اولویت‌های پیش روی نهاد سیاست‌گذار است. البته امکان معاملات به صورت قراردادهای آتی سکه نیز از گزینه‌های پیش روی بانک مرکزی است که البته هماگونه که مشاهده شد به‌رغم پیگیری این سیاست، به دلیل ضعف در اجرا و مدیریت، با حجم بالایی از تقاضا روبه‌رو شد که درنهایت متوقف شد. لذا در ادامه می‌توان با درک شرایط حاکم براقتصاد به نحو بهتری از این ابزارها استفاده کرد تا بلکه التهابات از بازار خارج شود.

*** اعتماد**

روابط امریکا و اروپا + اجلاس جی ۷ در یک عکس



صفحه رسمی آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان روز شنبه عکسی از اجلاس گروه هفت در کبک کانادا منتشر کرد که بسیاری آن را نماد مذاکرات امسال هفت رهبر اقتصادهای بزرگ جهان دانسته‌اند.

به این بهانه اجازه دهید یک به یک حاضران در این عکس را معرفی و درباره موضع حضور آنها در اجلاس امسال بنویسیم.

۱- دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا

آقای ترامپ امسال به اجلاس جی هفت دیرتر از همه رفت و زودتر از همه هم آن را ترک کرد چرا که همه تمرکزش روی اجلاس روز سه‌شنبه خود با کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی در سنگاپور است.

با وجود این، او تاثیر خودش بر این اجلاس را حتی پیش از ورود به آن گذاشته بود؛ آقای ترامپ دو هفته پیش با وضع تعرفه ۲۵ درصدی برای واردات فولاد و تعرفه ۱۰ درصدی برای واردات آلومینیوم بسیاری از متحدان سیاسی و اقتصادی آمریکا را شگفت‌زده کرده بود.

او در اجلاس بارها از سوی رهبران دیگر مانند جاستین ترودو (که در این عکس دیده نمی‌شود اما در حقیقت پشت سر آقای ترامپ ایستاده)، آنگلا مرکل (شماره ۶- که در عکس گویی جلودار مخالفان شده) و ترزا می (شماره ۸ که سرش در گوشه چپ بالای عکس دیده

می‌شود) تهدید به اتخاذ تصمیم‌های تلافی‌جویانه شد اما "دست به سینه" نشست و در حالی که جان بولتون (شماره دو که با سبیل متمایز از دیگران است و بالای سر آقای ترامپ ایستاده) به پافشاری بر موضع خودش ادامه داد و گفت "دوران سواری گرفتن از آمریکا گذشته" و اگر سایر کشورهای می‌خواهند همچنان در بازار آمریکا دکه و حجره داشته باشند باید موانعی چون تعرفه و دردسرهای گمرکی که برای تولیدکنندگان آمریکایی ایجاد کرده‌اند را حذف کنند تا بلکه به قول آقای ترامپ بشود اصلا "عاری از تعرفه" داد و ستد کرد.

۲- جان بولتون، مشاور امنیت ملی دونالد ترامپ
او که فقط سه ماه است وارد کاخ‌سفید شده دست کم در سه حوزه بزرگ سه تاثیر مهم گذاشته است؛ الف) خروج آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران ب) اجرای تعرفه بر فولاد و آلومینیوم با استفاده از اختیارات رئیس‌جمهور در حوزه امنیت ملی و ج) مذاکره میان دونالد ترامپ و کیم جونگ اون که کم مانده بود با به میان کشیدن مدل "سرهنگ قذافی در لیبی" برای مواجهه با کره‌شمالی بر هم بخورد.

۳- این آقا که در حال گزیدن لبانش است هنوز شناسایی نشده است

۴- شینزو آبه، نخست‌وزیر ژاپن
او که همین دو روز پیش و قبل از رفتن به کانادا در کاخ‌سفید با آقای ترامپ سه ساعتی گفتگو کرد، از سوی مردم کشورش تحت فشار است که به گروه مخالفان اروپایی دونالد ترامپ بپیوندد و تمهیدات مقابله جویانه‌ای در برابر وضع تعرفه‌های فولاد و آلومینیوم در نظر بگیرد. ژاپن یکی از اصلی‌ترین صادرکنندگان فلزات به آمریکا است. اما آقای آبه که روابط صمیمانه‌ای با آقای ترامپ برقرار کرده احتمالا منتظر نتیجه دیدار روز سه‌شنبه میان دونالد ترامپ و کیم جونگ اون است چرا که تهدید اتمی شدن پیونگ‌یانگ بیشتر از واشنگتن، توکیو و سئول را تهدید می‌کند.

۵- یاسوتوشی نیشیمورا، معاون نخست‌وزیر ژاپن
او عضو حزب حاکم ژاپن است و پیش از این در سمت وزیر تجرت جهانی ژاپن فعالیت کرده و به خوبی از پیامدهای یک جنگ تجاری خبر دارد.

۶- آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان
خانم مرکل که عکس‌های او و دونالد ترامپ در دو سال گذشته تقریبا همیشه از اختلاف میان این دو حکایت داشته در کبک کانادا هم جلودار مذاکرات انتقادی با رئیس‌جمهور آمریکا بود. در این عکس هم واضح است که دستان روی میز ستون شده او در برابر دست به سینه نشستن آقای ترامپ از تنش در کبک و تضارب آرا میان آقای ترامپ و بقیه حکایت دارد.

او در حاشیه این اجلاس درباره رابطه‌اش با دونالد ترامپ گفته بود دو رهبر نباید لزوما با هم همیشه همراه و موافق باشند اما باید بتوانند با یکدیگر گفتگو کنند: "من می‌توانم بگویم توانسته‌ام رابطه‌ای کاملا رک و مستقیم با رئیس‌جمهور آمریکا حفظ کنم."

۷- امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه
آقای مکرون که رکوردار دست دادن طولانی با دونالد ترامپ است تنها چند ساعت پیش از آغاز اجلاس جی ۷ در کبک کانادا در توییتر که رسانه مورد علاقه آقای ترامپ هم هست انتقادهایی از سیاست‌ها تجاری آقای ترامپ کرد که خیلی‌ها گفتند احتمالا "رفاقت میان این دو" فیصله یافته اما با وجود این، در جریان اجلاس باز هم این دو دوست و صمیمی دیده شدند. آقای مکرون گفته در جریان جی ۷ امسال با آقای ترامپ "صریح و جدی" داشته است.

۸- ترزا می، نخست وزیر بریتانیا
خانم می که از یک طرف مشغول مذاکرات خروج از اتحادیه اروپاست و از طرف دیگر در برابر افزایش تعرفه‌ها از سوی آمریکا همسو با اتحادیه اروپاست، هفته گذشته با آقای ترامپ تلفنی گفتگو کرد و وضع تعرفه های فولاد و آلومینیوم را "غیرقابل توجیه و عمیقا ناراحت‌کننده" خواند. او در کبک کانادا بارها از وقوع یک جنگ جهانی تجاری ابراز نگرانی کرد.

۹- لری کادلو، رئیس شورای اقتصاد ملی آمریکا
او ارشدترین مشاور اقتصادی آقای ترامپ است و اگر معمار سیاست افزایش تعرفه ها نباشد این روزها نگهبان و مدافع اصلی این تصمیم است و تلاش می‌کند برای این دستور جنجالی رئیس‌جمهور آمریکا دلایل نظری و تاریخی دست و پا کند. او با دفاع از پیشنهاد آقای ترامپ برای حذف همه تعرفه‌ها گفته این راه خروج از بحران و پرهیز از یک جنگ تجاری است. حذف تعرفه‌ها برای بنگاه‌های اقتصادی آمریکا بسیار سودمند خواهد بود چرا که آنها برای ورود به بازارهای بزرگی چون چین و یا مثلا بازار خودرو اروپا باید از مرز تعرفه‌های قابل توجه عبور کنند.

زوایای دیگر یک عکس
در حالی که عکس منتشر شده در حساب خانم مرکل بسیار مورد توجه قرار گرفته، سایر رهبران هم از همین صحنه اما از زوایای دیگری عکس هایی را در شبکه های اجتماعی منتشر کرده‌اند. از جمله امانوئل مکرون که عکس زیر را منتشر کرده که جمع بیشتری را ایستاده نشان می‌دهد آن هم در حالی که دونالد ترامپ نشسته و گویی در برابر نظر جمع مقاومت می‌کند.

گزارشگر وبسایت تی-آنلاین آلمان در توییتر با انتشار عکس‌هایی از همین صحنه اما از زوایای مختلف به نوعی از تفاوت و ماهیت اختلاف میان جی ۷ خبر داده است.

در اجلاس هفت کشور
علنی شدن استراتژی ترامپ برای شعار «امریکا اول»!

یونگه ولت ترجمه رضا نافعی

والری ژیسکاردستن، رئیس جمهور اسبق فرانسه، هنوز زنده است، هلموت اشمید صدراعظم اسبق آلمان درگذشته است. قالب سیاسی «جی 7» را که رو به مرگ است، این دو نفر برای ایجاد هماهنگی غیر رسمی سیاسی برای کشورهای عضو «اختراع» کردند. (که در آغاز 6 کشور را در بر می گرفت تا سال 2014 که شد » جی8″). در دیدار امسال کار میان سران کشورهای هفتگانه: امریکا، ژاپن، آلمان، فرانسه، انگلستان، ایتالیا و همچنین کشور میزبان کانادا به اختلاف نظر علنی کشید: ترامپ پس از ترک محل کنفرانس که در «لامال بی» کانادا برگزار شد، دستور داد امضاء او را از پای بیانیه مشترک نهائی کنفرانس حذف کنند. این پدیده در تاریخ گروه «جی7» تازه بود و حاکی از وجود اختلاف عمیق میان کشورهایی که خود را معمولا «غرب» می دانند.

انگیزه آن چه بود؟

روز یکشنبه، پس از پایان اجلاس سران، ژوستین ترودو، نخست وزیر کانادا و مهماندار اجلاس در برابر رسانه های بین المللی قرار گرفت و اعلام کرد: «ما یک بیانیه پایانی داریم» این را گفت تا بر آن این نکته را بیفزاید: «که بیانیه توهین آمیز است» چون ترامپ می گوید انگیزه مقرر کردن تعرفه های تنبیهی علیه اتحادیه اروپا وکانادا علائق امنیتی ایالات متحده امریکاست. اینک کانادا واکنش نشان می دهد.

«ما دوست نداریم این کار را بکنیم، ولی آن را بطور کامل انجام خواهیم داد، چون ما کانادائی ها مهربان و معقول هستیم ولی اجازه نمی دهیم ما را تحت فشار بگذارند».

البته آنچه او گفت جرئت می خواست ولی دیپلماتیک نبود. رئیس جمهور امریکا اظهارات نماینده کانادا را در کنفرانس رسانه ای وسیله ای ساخت برای حمله متقابل و بی اثر ساختن نمایش ژوستن ترودو، و گفت چون کانادا گمرک سنگینی از دهقانان، کارگران و موسسات امریکائی می گیرد، من هیئت نمایندگی امریکا را موظف کردم بیانیه نهائی را امضاء نکند» . ترودو در طول کنفرانس مطیع و ملایم بود ولی در کنفرانس مطبوعاتی خود اظهارات نادرست کرد. ترامپ مهماندار را ناشایسته و ضعیف توصیف کرد.

ترامپ پیشنهاد کرد که کشور های عضو جی 7 بطور کلی از دریافت گمرک و پرداخت یارانه چشم پوشی کنند .

واکنش ها در برابر این پیشنهاد» سرد» بود، بخصوص با توجه به این که از همان آغاز مهر اختلاف میان امریکا از یک سو و پنج کشور از هفت کشور عضو جی هفت از سوی دیگر بر پیشانی مذاکرات نقش بسته بود.

چنین بنظر می رسد که فقط موضع جوزپه کونتی، نخست وزیر ایتالیا، با موضع پنج عضو دیگر جی 7 متفاوت است .

قبل از آغاز کنفرانس، ترامپ برای اداره جهان مانعی جلوی پای شش شریک دیگر قرار داد که می بایستی از روی آن بپرند و آن این بود که گفت بنظر او روسیه هم که در سال 2014 از این گروه اخراج شده باید به آن باز گردد. ولی نه تنها ژاپنی ها، انگلیسی ها، فرانسوی

ها، کانادایی ها و آلمانها هیچکدام حاضر به پریدن از روی این مانع نبودند، بلکه برعکس بشدت با این فکر مخالفت کردند. تنها کسی که پیشنهاد را پسندید، کونتی، نخست وزیر ایتالیا بود – اما این نظر کونتی ژان کلود یونکر و دونال توسک را بشدت عصبانی کرد (اتحادیه اروپا در کنفرانس جی7 وضعیت ناظر دارد) آنها با شتاب تمام اعلام کردند که اتحادیه اروپا متحدا مخالف این پیشنهاد است.

علت این در گیری که ترامپ آغاز کرده ، مبارزه برای تجدید تقسیم جهان است. هدف شعار » امریکا اول» براندازی سرمایه داری نیست، بلکه عکس آنست. آری بخشی از نخبگان امریکا از نتایج حاصل شده توسط جهانی گرایان نولیبرال در بیست سال گذشته ناراضی هستند .

ترامپ دینامیت ویرانگر را اینجا کاشته است. این که آیا آیندگان این عمل را «گامی سازنده » ارزیابی خواهند کرد یا نه، نکته ایست که در آینده روشن خواهد شد. صدراعظم آلمان، روز یکشنبه هنگام بازگشت به برلین، سخت لب بسته بود، آنچه گفت این بود : » اختلاف نظر ها قابل مشاهده اند».

https://www.jungewelt.de/artikel/333894.trump-sprengt-die-g-7.html

امریکا آغوش گشوده برای سرمایه های فراری از اروپا

«اخبار اقتصادی آلمان»- ترجمه رضا نافعی

منطقه یورو بزرگترین صادر کننده سرمایه در جهان است. بخش عمده سرمایه بسوی دو کشور امریکا و انگلستان که با کسربودجه روبروهستند، روان است. کانادا و استرالیا نیز از این انتقال سرمایه سود می برند. 75 در صد از مجموعه سرمایهٔ پس انداز شده خالص جهان که در اختیار منطقه یورو، چین و ژاپن است بسوی امریکا روان است.

از سال 2012 خروج سرمایه خالص از اروپا به امریکا در جریان است: در حال حاضر 3 در صد از تولید ناخالص ملی به خارج می رود. این امر در درجه اول از طریق سپرده های بانکی و اعتبارات صورت می گیرد : از سال 2012 تا 2014، فقط از این طریق ، 5 در صد از سود ناخالص ملی به خارج منتقل شده است.

این خروج سرمایه به خاطر بازده مورد انتظار است. و این تفاوت میزان بهره رو به افزایش است: نرخ بهره در دراز مدت در ایالات متحده امریکا پیوسته از نرخ بهره اروپائی دورتر می شود. در آوریل 2018 اختلاف میان بهره در امریکا و آلمان به 2،4 در صد ارتقاء یافت. آخرین بار که اختلاف میزان بهره در دو کشور به این حد رسید سال 1989بود.

این که آیا بانک مرکزی اروپا قادر به افزایش نرخ بهره در آینده نزدیک خواهد بود یا نه پرسشی است که پاسخ آن نمی تواند مثبت باشد. با بالابردن نرخ بهره کشورهای بشدت مقروض اروپائی باید برای بدهی های خود بهره بیشتری بپردازند. از سوی دیگر افزیش نرخ بهره در امریکا سیر خروج سرمایه از اروپا را سریع تر خواهد ساخت.

از سال 2011 میزان اعتباری که آلمان به خارج می دهد بسرعت فزونی می یابد: از 23، 2 در صد در سال 2011 طی فقط 6 سال به قریب 60 در صد از تولید ناخالص ملی رشد یافته است. دلیل آن تفاوت نرخ بهره و فعالیت در درون کشور بمثابه محل سرمایه گذاری است.

سرمایه ای که به خارج می رود برای سرمایه گذاری در آلمان یا منطقه یورو اختصاص داده نمی شود. سرمایه ای که از اروپا خارج می شود در اختیار امریکا و انگلستان قرار می گیرد. منطقه یورو برای سرمایه گذاران اروپائی از جذابیت کافی برخوردار نیست.
بطور کلی خروج سرمایه می تواند بر اقتصاد کشوری دیگر تاثیرات مثبت داشته باشد. این درحالتی است که این سرمایه برای کارهای تولیدی مورد استفاده قرار گیرد – یعنی وقتی که سودی از تولید بدست آید. در این حالت است که باز گشت بازده سرمایه (یعنی سود) می تواند مورد مصرف قرار گیرد یا دوباره سرمایه گذاری شود.
مازاد بازرگانی خارجی آلمان به این معنی است که تمام آنچه را که ما تولید می کنیم خود در داخل مصرف نمی کنیم، یعنی ما بیش از نیاز خود تولید می کنیم. مازاد بازرگانی در واقع بمعنی صدور سرمایه است. این سرمایه در اختیار کشورهائی گذاشته می شود که بتوانند هزینه واردات خود را بپردازند.
کشورهائی که کسر بودجه دارند مانند امریکا و انگلستان می توانند از طریق جذب سرمایه خارجی هزینه سنگین واردات خود را تامین کنند. از این رو عدم توازن در بازرگانی جهانی در دراز مدت برجای خواهد ماند. در نتیجه خطر حمایت از صنایع داخلی فزونی خواهد یافت – یعنی آن چیزی که هم اکنون در امریکا مشاهده می شود.
سرمایه گذاری خارجی کلان می تواند منجر به بحران اقتصادی شود. گویا ترین مثال بحران وام مسکن است. سرمایه گذاری بانک های بین المللی در اوراق بهادار امریکا سبب شد تا بحران امریکا جهان گیر شود. سرمایه گذاری سنگین بانک های اروپائی در امریکا نظام مالی اروپا و متعاقب آن اقتصاد تولیدی آن را متزلزل ساخت.
بر این اساس سرمایهٔ پس انداز شده ای که به خارج از منطقه تحت نفوذ اروپا منتقل شده باشددبا خطر روبروست. با تغییر نرخ ارز یا افت بهای دارائی مستقر در خارج، سرمایه انتقال یافته به خارج نیز کاهش خواهد یافت.

https://deutsche-wirtschafts-nachrichten.de/2018/06/04/kapital-verlaesst-europa-geht-die/-usa-und-nach-grossbritannien

قضاي نماز ركعتي 100 تومن - تلات قرآن صفحه اي 200 تومن - روزه هر روز 20000 تومان (15 تومان هزينه افطاري و بنج تومان هزينه روزه)

گشتی لا به لای آگهی‌های نماز و روزه استیجاری/ برسد به روح درگذشته



یکی دیگر از آگهی‌دهندگان در متن آگهی عنوان کرده که روی صحبت حضوری را ندارد و به خاطر مشکلات شدید مالی، نماز و روزه درگذشتگان را با عالی‌ترین قیمت و حتی به صورت قسطی انجام می‌دهد. البته قسط بندی فقط شامل روزه و نماز است و برای ختم کل قرآن، ۱۳۰ هزار تومان را اول می‌گیرد و قیمت جزء خوانی هم ۵ هزار تومان است.

شفقنا- مریم طالشی؛ روزنامه نگار در نوشتاری با عنوان برسد به روح درگذشته در روزنامه ایران نوشت؛ «مدتی بود می‌دیدیم مادربزرگم همه‌اش سر نماز است. تعداد رکعت‌هایی که می‌خواند به‌طور عجیبی زیاد شده بود. سؤال برایمان پیش آمده بود که چه اتفاقی افتاده؟ می‌رفتیم خانه‌اش سر نماز بود، زنگ می‌زدیم، جواب نمی‌داد بعداً می‌گفت سر نمازم، می‌رفت مسجد ۴ ساعت می‌ماند. با خودمان می‌گفتیم شاید نماز قضا می‌خواند اما همه می‌دانستند خانم جان نماز قضا ندارد.

شاید هم نماز مستحبی بود. خلاصه که کمی دقیق شدیم و در نهایت کاشف به عمل آمد که دارد نماز قضای درگذشتگانی را می‌خواند که خودش آنها را نمی‌شناسد. یعنی کسی واسطه شده و سفارش نماز قضا می‌گیرد و از دستمزد دریافتی، سهم خودش را برمی‌دارد و بقیه‌اش را به مادربزرگ ما می‌دهد برای ادای دین میت. در واقع برای مادربزرگ ۷۰ ساله ما و تعدادی دیگر اشتغالزایی کرده است.»

قضیه به همین سادگی است. ادای دین نماز و روزه مردگان، این روزها برای خیلی‌ها اشتغالزایی کرده. چه کاری بهتر از این برای یک خانم ۷۰ ساله که تنها کنج خانه نشسته. هم ثواب می‌برد و هم درآمدی کسب می‌کند. حتی کار آنقدر بالا گرفته که در سایت‌های پربازدید هم برای این کار آگهی می‌دهند؛ آگهی‌هایی عمدتاً با عنوان «نماز و روزه استیجاری» که در آن به شما اطمینان می‌دهند اعمال توسط طلبه سطوح عالی یا فرد مورد اطمینان، انجام می‌شود و موازین شرعی به طور کامل رعایت خواهد شد.

«برای هر ماه نماز قضا ۱۰۰ هزار تومان، روزه یک ماه ۴۵۰ هزار تومان و ختم قرآن ۲۵۰ هزار تومان.» این رقمی است که یکی از آگهی دهندگان اعلام می‌کند و می‌گوید: «اطمینان داشته باشید که اعمال توسط طلبه و در کوتاهترین زمان ممکن انجام و دِینش از گردن درگذشته برداشته می‌شود. خدا رحمت کند و ثوابی هم به ما برسد ان‌شاءالله.»

آگهی دهنده دیگر خانم و متأهل است. روی این نکته یعنی تأهل تأکید دارد. او هم اطمینان می‌دهد که در اسرع وقت نماز و روزه و ختم قرآن را انجام می‌دهد: «فقط این را بگویم که روزه را در شش ماه دوم سال می‌گیرم. در ضمن آنهایی که تعداد سال بالا دارند می‌توانند اقساطی پرداخت کنند. برای روزه ماهی ۵۰۰ هزار تومان می‌گیرم و اگر اقساط ببندید، کمی بالاتر می‌رود.»

از دیگر کسانی که آگهی داده، آقایی است که می‌گوید طلبه و متأهل است: «در ماه مبارک رمضان شایسته است به یاد اموات و اهل خاک باشیم. نیت من هم خیر است و اگر کسی جهت خیر و قضای دین اموات و از دست رفتگان قصد انجام نماز یا روزه یا ختم قرآن و صلوات داشته باشد، با کمال میل به بهترین و کاملترین نحو انجام می‌دهم تا مشکل حقیر هم رفع بشود ان‌شاءالله. انواع چله و ختم قرآن را هم قبول می‌کنم و قیمت هم کاملاً توافقی است. البته که من اسمش را قیمت نمی‌گذارم و می‌گویم هدیه که آن هم با توافق شماست.»

یکی دیگر از آگهی‌دهندگان در متن آگهی عنوان کرده که روی صحبت حضوری را ندارد و به خاطر مشکلات شدید مالی، نماز و روزه درگذشتگان را با عالی‌ترین قیمت و حتی به صورت قسطی انجام می‌دهد. البته قسط بندی فقط شامل روزه و نماز است و برای ختم کل قرآن، ۱۳۰ هزار تومان را اول می‌گیرد و قیمت جزء خوانی هم ۵ هزار تومان است.

مشکلات شدید مالی همان چیزی است که بیشتر آگهی دهندگان را به این کار وا می‌دارد، چراکه قطعاً ادای دین درگذشتگان کار چندان راحتی هم نیست و کوچکترین قصوری در آن، ضامن را مدیون می‌کند.

«نمی‌خواهم مدیون کسی باشم. خدا شاهد است تا به حال هیچ کم نگذاشته‌ام و انگار که نماز و روزه پدر خودم را بجا آورده‌ام.» این را خانمی ۴۲ ساله می‌گوید که به گفته خودش شوهرش مریضی سخت دارد و برای درآوردن خرج خانه و آبروداری، حتماً باید چند سال نماز و روزه بجا بیاورد: «خودتان می‌دانید برای بعضی خانواده‌ها سخت است که تحت پوشش کمیته امداد بروند خصوصاً در قم که من ساکن هستم. چه کاری بهتر از این؟! هم ثواب دارد و هم مشکل مالی من و خانواده‌ام حل می‌شود. همه هم با رضا و رغبت می‌آیند سراغم. این هم برای شادی و خلاصی اموات خودتان است و هم برای خانواده‌ای کمک خرج شده. چه ثوابی از این بالاتر؟»

او برای نماز و روزه یک سال جمعاً یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و برای ختم قرآن ۳۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند و تأکید دارد که اگر ۳ سال به بالا نماز داشته باشید، تخفیف جزئی هم داده می‌شود.

قیمت‌ها برای نماز و روزه قضا، رقابتی هم هستند. مثلاً کسی تأکید دارد که کمترین قیمت را دارد: «برای نماز ماهی ۷۰ هزار تومان می‌گیرم که اگر یک ساله بخواهید، کمتر می‌شود. حدود ۸۰۰ هزار تومان می‌شود و ۴۰ هزار تومان هم تخفیف دارد. برای روزه هم روزی ۳۰ هزار تومان که یک ماهش ۶۰۰ هزار تومان می‌شود. قرآن جزئی ۷ هزار تومان و ختم کامل۲۱۰ هزار تومان می‌شود. سنگ قبور را هم رنگ می‌کنم که بسته به نوع سنگ و اندازه و رنگ آن از ۳۰ هزار تومان شروع می‌شود و تا ۸۰ هزار تومان می‌رسد نهایتاً. کلش هم قابلی ندارد. کار خیر و ثواب است و ما می‌خواهیم گره‌ای از زندگی‌مان باز شود وگرنه اصلاً چرا پول بگیرد آدم؟! اگر می‌بینید کسی قیمت‌ها را بالاتر می‌گوید، خودش اعمال را بجا نمی‌آورد و احتمالاً می‌دهد کسان دیگری انجام دهند چون به هرحال دین است و کسی راضی نمی‌شود زیر دین درگذشته‌ای بماند.»

یکی دیگر از آگهی‌دهندگان مردی بازنشسته است و برای کمک خرجش اعمال را انجام می‌دهد. می‌گوید: «چه اشکالی دارد اگر نماز و روزه‌ای را که بر ذمه میت است بجا آوریم؟ انگار که پدر و مادر خودمان باشد، فرقی نمی‌کند. من نماز قضای پدر خودم را بجا آورده‌ام. حتی همسایه‌ای داشتیم که وقتی فوت کرد تا مدت‌ها روزی دو رکعت نماز برایش می‌خواندم چون می‌دانستم کاهل نماز است. این را هم که الان انجام می‌دهم برای رضای خداست و کمک خرجم هم هست چون به آن نیاز دارم.»

بعضی‌ها هم البته این کار را فقط برای ثوابش انجام می‌دهند. نذر می‌کنند در تعداد مشخصی که مدنظرشان است، برای میت نماز و روزه بجا آورند.

آگهی دادن برای نماز و روزه استیجاری گرچه جدیداً باب شده اما قبل از این معمولاً کسانی که قصد انجام چنین کاری را داشتند در

آرامستان‌های شهرها سراغ خانواده متوفیان می‌رفتند و پیشنهاد بجا آوردن اعمال نماز و روزه را در ازای دریافت مبلغی می‌دادند که معمولاً هم توافقی بود.
حجت‌الاسلام محمودی در رابطه با نماز و روزه قضای میت و شرایط ادای آن در دین اسلام چنین می‌گوید:«در دین مبین اسلام نماز و روزه قضای پدر بر پسر ارشد واجب است. یعنی پسر بزرگ‌تر باید نماز و روزه‌های قضا شده پدر را بعد از مرگش ادا کند. اگر او خودش ادا نکند، می‌تواند کسی را اجیر کند و اگر شخصی به نیت فرد مرحوم نماز و روزه را بجا آورد مشکلی پیش نخواهد آمد. البته برخی از مراجع نماز و روزه پدر و مادر هر دو را بر پسر ارشد واجب می‌دانند. اما باید در نظر داشت که اگر عزیزی این کار را قبول می‌کند، مهم‌ترین شرطش این است که اعتقاد درست داشته باشد و با آداب و رسوم مختلف در این زمینه هم آشنا باشد و زمانی که فردی نماز و روزه قضا را قبول و بابت آن پولی دریافت می‌کند، موظف است اعمال را تا آخر انجام دهد و بر ذمه اوست.»
کسانی که انجام نماز و روزه قضا را قبول می‌کنند عموماً به پول آن نیاز دارند گرچه مبلغ زیادی هم بابت این کار دریافت نمی‌کنند، خصوصاً آنهایی که با واسطه این کار را انجام می‌دهند مثل مادربزرگ آن رفیقی که اول گزارش داستانش نقل شد که نه دسترسی به سایت و کانال دارد و نه خودش اهل پیدا کردن متقاضی است. اما می‌شود امیدوار بود که به‌دلیل عمیق بودن ریشه‌های مذهبی بین مردم ما، دست سوءاستفاده‌کنندگان لااقل از این حیطه دور بماند.

نیم نگاه

«برای هر ماه نماز قضا ۱۰۰ هزار تومان، روزه یک ماه ۴۵۰ هزار تومان و ختم قرآن ۲۵۰ هزار تومان.» این رقمی است که یکی از آگهی دهندگان اعلام می‌کند و می‌گوید: اطمینان داشته باشید که اعمال توسط طلبه و در کوتاهترین زمان ممکن انجام و دِینش از گردن درگذشته برداشته می‌شود. خدا رحمت کند و ثوابی هم به ما برسد ان شاءالله
یکی دیگر از آگهی‌دهندگان در متن آگهی عنوان کرده که روی صحبت حضوری را ندارد و به خاطر مشکلات شدید مالی، نماز و روزه درگذشتگان را با عالی‌ترین قیمت و حتی به صورت قسطی انجام می‌دهد. البته قسط بندی فقط شامل روزه و نماز است و برای ختم کل قرآن، ۱۳۰ هزار تومان را اول می‌گیرد و قیمت جزء خوانی هم ۵ هزار تومان است.
یکی دیگر از آگهی‌دهندگان که مردی بازنشسته است و برای کمک خرجش اعمال را انجام می‌دهد، می‌گوید: چه اشکالی دارد اگر نماز و روزه‌ای را که بر ذمه میت است بجا آوریم؟ انگار که پدر و مادر خودمان باشد. حتی همسایه‌ای داشتیم که وقتی فوت کرد تا مدت‌ها روزی دو رکعت نماز برایش می‌خواندم چون می‌دانستم کاهل نماز است.

پومپئو وعده تضمین‌های امنیتی بی‌سابقه را به پیونگ‌یانگ داد



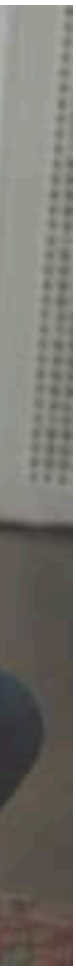
شفقنا- وزیر خارجه آمریکا بر آمادگی کشورش برای ارائه تضمین های امنیتی بی سابقه به کره شمالی در صورت دست کشیدن از سلاح هسته ای تاکید کرد.

به گزارش سرویس ترجمه شفقنا به نقل از شبکه خبری آر تی عربی روسیه، «مایک پومپئو»، وزیر امور خارجه آمریکا ظهر امروز (دوشنبه) در یک کنفرانس خبری در سنگاپور به عنوان میزبان دیدار تاریخی «دونالد ترامپ»، رئیس جمهوری آمریکا و «کیم جونگ اون»، رهبر کره شمالی، اظهار داشت: این را درک می کنیم که رهبر کره شمالی در رابطه با امنیت کشورش نگران است، اگر پیونگ یانگ از سلاح های هسته ای خود صرف نظر کند ما آماده ارائه تضمین های امنیتی هستیم.

بر اساس این گزارش، وزیر خارجه آمریکا ضمن تاکید بر این که در صورت شکست تلاش های دیپلماتیک در جریان، فشار بر کره شمالی ادامه می یابدف همچنین تصریح کرد: کره شمالی بر رویکرد خود برای عاری سازی شبه جزیره کره از سلاح های هسته ای تاکید کرده و ما می خواهیم بدانیم که آیا قصد و نیت آنها صادقانه است یا نه.

یادآور می شود که قرار است رئیس جمهوری آمریکا و رهبر کره شمالی فردا راس ساعت ۹ صبح به وقت محلی (۵:۳۰ صبح به وقت تهران) نخستین دیدار تاریخ سران دو کشور را در هتل «کاپیلا» در جزیره «سنتوزا» در جنوب سنگاپور برگزار کنند.

زبان بدن ترامپ و اون در دیدار تاریخی شان چه می گفت؟



شفقنا- اگرچه سران آمریکا و کره شمالی نهایت سعی خود را برای تسلط بر اوضاع به خرج دادند؛ اما اضطراب آنها در نخستین دیدار از چشم رسانه‌ها پنهان نماند.
نخستین دیدار سران آمریکا و کره شمالی در حالی پایان یافت که از هم‌اکنون رسانه‌ها گمانه‌زنی درباره زبان رفتار و نحوه برخورد طرفین در جریان این نشست تاریخی را آغاز کرده‌اند.
ظاهرا هیات کره شمالی بسیار مراقب بوده تا از بابت رعایت مساوات اطمینان حاصل کند تا مبادا کیم جونگ اون رهبر این کشور در جایگاه پایین‌تری نسبت به دونالد ترامپ رییس جمهوری آمریکا قرار بگیرد.
رعایت توازن در همه موارد از مراسم گرفته تا مسائل امنیتی به‌دقت رعایت شده و حتی شمار مقامات مذاکره کننده و تعداد پرچم‌های دو کشور در آغاز مراسم، به یک تعداد بود.
در این میان، «رویترز» هم به تحلیل زبان رفتار طرفین پرداخته و می‌گوید اگرچه در آغاز هر دوی آنها ژستی مطمئن به خود گرفتند، اما عصبی بودند و موفق به پنهان کردن این حالت نیز نشدند.
در ۶۰ ثانیه نخست، ترامپ و کیم تلاش کردند تا کنترل دیدار را به‌دست بگیرند.
کیم اون در حرفهای ترامب مشکوك و بي اعتماد نكاه مي كند



ظاهرا اگرچه هر دو به گونه‌ای رفاقت‌آمیز دست دادند، اما تمایل ترامپ برای اینکه نشان دهد او دست‌بالاتر را دارد، تاحدی قابل رویت بود.

کیم اون مردد است دست بدهد



صحبت ترامپ هم بیش از کیم به درازا کشید. این درحالی است که رهبر کره شمالی هم دستی به بازوی ترامپ زد تا نشان دهد کنترل اوضاع را در اختیار دارد.

اما اوج اضطراب طرفین وقتی بود که در جایگاه مذاکره نشستند، هنگامی که ترامپ با لبخندی زورکی مشغول بازی با انگشتانش شد کیم هم به زمین خیره ماند.
به گزارش مهر، از گمانه‌زنی‌ها که بگذریم، شاید این اظهار نظر رهبر کره شمالی که گفت: «بسیاری از مردم جهان به این موضوع به چشم صحنه‌ای از یک فیلم تخیلی نگاه می‌کنند» بیش از هر چیز دیگر شرایط دور از ذهنی را که طرفین در اولین دیدار تجربه کردند؛ به نمایش می گذارد.

ترامب از خوشحالي شيهه مي كشد



متن سند امضا شده ترامپ و کیم جونگ اون

ترامپ و کیم تبادل نظری جامع و عمیق در باره مسائل مربوط به روابط آمریکا - کره شمالی و برقراری صلح پایدار و دائم در شبه جزیره کره داشتند. ترامپ به ارائه تضمین‌های امنیتی به کره شمالی متعهد شد و اون نیر بر تعهد قاطع و کامل خود بر خلع سلاح کامل هسته‌ای شبه جزیره کره تاکید کرد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

بیانیه مشترک رهبران آمریکا و کره شمالی پس از نشست آنها در سنگاپور در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت.
به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری رویترز، متن این بیانیه به شرح زیر است:
دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی اولین دیدار رو در روی خود را ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ در سنگاپور برگزار کردند.
ترامپ و کیم تبادل نظری جامع و عمیق در باره مسائل مربوط به روابط آمریکا - کره شمالی و برقراری صلح پایدار و دائم در شبه جزیره کره داشتند. ترامپ به ارائه تضمین‌های امنیتی به کره شمالی متعهد شد و اون نیر بر تعهد قاطع و کامل خود بر خلع سلاح کامل هسته‌ای شبه جزیره کره تاکید کرد.
ترامپ و اون با تاکید بر این نکته که برقراری روابط جدید میان آمریکا و کره شمالی به صلح و رفاه در شبه جزیره کره و جهان مرتبط است و با درک این نکته که اعتمادسازی میان دو طرف می‌تواند روند خلع سلاح هسته‌ای را گسترش دهد اعلام می‌دارند:
۱- آمریکا و جمهوری دموکراتیک خلق کره متعهد به ایجاد روابط جدیدی میان آمریکا – جمهوری دموکراتیک خلق کره

مطابق با میل مردم دو کشور برای صلح و موفقیت می‌شوند.
۲- آمریکا و جمهوری دموکراتیک خلق کره تلاش‌های مشترکی را برای ایجاد یک نظام صلح پایدار و باثبات در شبه جزیره کره آغاز می‌کنند.
۳- جمهوری دموکراتیک خلق کره با تاکید مجوز بر بیانیه ۲۷ آوریل ۲۰۱۸ پانمونجوم متعهد به تلاش در جهت خلق سلاح هسته‌ای کامل شبه جزیره کره می‌شود.
۴- آمریکا و جمهوری دموکراتیک خلق کره متعهد می‌شوند که موارد باقی مانده مربوط به اسرای جنگی و مفقودین در جنگ را از جمله با استرداد گروهی که تاکنون شناسایی شده‌اند، حل و فصل کنند.
دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی بعد از اولین دیدار تاریخی که بین رهبران دو کشور برگزار می‌شود تایید کردند که این نشست یک رخداد تاریخی با اهمیت فراوان است که بر چندین دهه تنش و خصومت میان دو کشور غلبه کرده و موجب گشایش آینده‌ای جدید می‌شود و هر دوی آنها متعهد به اجرای مفاد این بیانیه مشترک به طور کامل و به صورت سریع شدند.
همچنین آمریکا و کره شمالی متعهد به انجام مذاکرات متعاقب تحت رهبری مایک پامپئو، وزیر امور خارجه ترامپ و همچنین با شرکت یک مقام مرتبط عالی‌رتبه از کره شمالی در سریع‌ترین تاریخ ممکن به منظور اجرای نتایج نشست رهبران دو کشور شدند.
همچنین ترامپ و کیم جونگ اون متعهد به همکاری برای توسعه روابط جدید آمریکا و جمهوری دموکراتیک خلق کره و حمایت از صلح، موفقیت و امنیت در شبه جزیره کره و جهان شدند

رییس جمهور آمریکا به رهبر کره شمالی: بیا ماشینمو از نزدیک ببین! + ویدیو



شفقنا- رییس جمهور آمریکا در دیدار با رهبر کره شمالی، از «کیم جونگ اون» خواست تا لیموزین ریاست جمهوری آمریکا را از نزدیک ببیند.
«دونالد ترامپ» صبح امروز در سنگاپور با کیم جونگ اون رهبر کره شمالی دیدار کرد.
در پایان این دیدار ترامپ از اون خواست تا خودروی ریاست جمهوری آمریکا را از نزدیک ببیند.

رویترز: توافق آمریکا و کره‌شمالی فعلاً نمادین است

شفقنا- بخشی از تحلیلگران تحولات شبه‌جزیره کره معتقدند توافق امروز ترامپ و رهبر کره‌شمالی فعلاً از حالت نمادین خارج نشده است.
به گزارش سرویس ترجمه شفقنا به نقل از رویترز، ترامپ و اون با لبخند با هم دست دادند و یک توافقنامه چهاربندی را نیز امضا کردند. اما بیشتر تحلیگران و ناظران می‌گویند این توافق بیشتر سملیک است؛ یعنی تا حصول نتیجه واقعی و بازگشت کره‌شمالی به دامان جامعه جهانی راهی بس طولانی باقی مانده است؛ واقعاً هنوز مشخص نیست که این توافق چطور می‌تواند به عاری‌سازی کامل شبه‌جزیره کره از سلاح اتمی منجر شود؟
برخی از تحلیلگران می‌گویند این توافق مانند همان چیزی است که دو طرف بیش از ۱۰ سال پیش درباره آن مذاکره کردند اما نتیجه‌ای از آن حاصل نشد.

ترامپ: تحریم های کره شمالی فعلا باقی می ماند/کیم به خلع سلاح هسته ای متعهد شده است

شفقنا- رئیس جمهوری آمریکا گفت: رهبر کره شمالی نسبت به خلع سلاح هسته ای این کشور به شکلی قابل اطمینان متعهد شده است.
به گزارش سرویس ترجمه شفقنا به نقل از اسکای نیوز عربی، دونالد ترامپ روز سه شنبه عنوان کرد: رهبر کره شمالی همچنین قول داده است سایت های آزمایش موشک های بالستیک را از بین ببرد.
وی افزود: تحریم های تحمیلی علیه کره شمالی در زمان فعلی باقی می ماند. مانورهای نظامی با کره جنوبی را به زودی متوقف خواهیم کرد.
رئیس جمهوری آمریکا در ادامه گفت: با کیم جونگ اون درباره پرونده حقوق بشر در کره شمالی نیز گفتگو کردم. ما آماده گشودن صفحه جدیدی با کره شمالی هستیم.

اظهارنظر ترامپ در مورد ایران پس از دیدار با اون: به ایران باج ندادم

شفقنا- دونالد ترامپ رییس جمهور آمریکا در سخنرانی پس از دیدار با رهبر کره شمالی در مورد ایران و برجام هم صحبت کرد.
به گزارش سرویس ترجمه شفقنا، ترامپ در اظهارنظری در مورد ایران گفت: مشکلات بسیاری از جمله موضوع ایران به دولت من به ارث رسید؛ چون توافق هسته‌ای ایران – برجام- بد بود من از آن خارج شدم تا رفتار ایران تغییر پیدا کند. اما من مثل باراک اوباما به ایران باج ندادم؛ او برای آزادی زندانی‌های آمریکایی میلیون‌ها دلار پول به ایران پرداخت کرد اما من چنین کاری نکردم.
ترامپ در ادامه گفت: جهان باید بداند که رییس‌جمهور آمریکا و وزیر خارجه ما هم عوض شده است.
وی مدعی شد: رفتار ایران در دو ماه گذشته عوض شده و آنها کمتر در خاورمیانه دخالت می‌کنند.

بلومبرگ: توافق احتمالی ترامپ با کره‌شمالی سخت‌تر از توافق اوباما با ایران خواهد بود



شفقنا- بلومبرگ نوشت: فشارهای سیاسی بر ترامپ برای اطمینان از معامله احتمالی با رهبر کره شمالی در سنگاپور بیشتر از فشاری است که اوباما در معامله با ایران تجربه کرد.
به گزارش سرویس ترجمه شفقنا به نقل از بلومبرگ، دونالد ترامپ به دستیابی به سک معامله سخت با کره شمالی نیاز دارد اما نه به خاطر ایران. دونالد ترامپ در هفته جاری تحت فشار سیاسی خواهد بود تا از هرگونه معامله ای که با رهبر کره شمالی انجام می دهد، اطمینان کسب کند؛ این کار دشوارتر از کاری است که باراک اوباما در معامله با ایران انجام داد. این مقایشه ممکن است گمراه کننده باشد.

مذاکرات آمریکا و کره شمالی در هاله ای از ابهام/ برنده کیست؛ اون یا ترامپ؟

شفقنا- مذاکره فعلی پیونگ یانگ با واشنگتن در سایه بی اعتمادی سنگین و با دست برتر و در نقطه مطلوب صورت می گیرد و به نظر می رسد آینده و سرنوشت این توافق هرچه باشد کره شمالی بازنده آن نخواهد بود.
به گزارش شفقنا از راهبرد معاصر؛ پس از مذاکرات فشرده و طولانی مدت نمایندگان آمریکا و کره شمالی، سرانجام دونالد ترامپ و کیم جونگ اون در یک دیدار تاریخی، ساعت ۹ بامداد به وقت محلی، سه‌شنبه ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ در جزیرهٔ سنتوزای سنگاپور با با اظهارنظری کوتاه در جمع خبرنگاران، پشت درهای بسته با یکدیگر دیدار و گفتگو کردند.
هنوز اطلاعات خاصی در مورد محتوای تفاهم‌نامه رهبران آمریکا و کره شمالی منتشر نشده است. در عین حال خبرگزاری فرانسه می‌نویسد "دو رئیس جمهوری یک تفاهم‌نامه «امنیتی» را امضا کرده‌اند و مطابق متن امضا شده دونالد ترامپ به کره شمالی «تضمین‌های امنیتی» داده است. کیم جونگ اون نیز در متن این تفاهم‌نامه تعهد داده است که نسبت به «هسته‌ای‌زدایی» در شبه جزیره کره «هر چه سریع‌تر» اقدام کند. آمریکا و کره شمالی در سند مشترک به ایجاد یک رژیم صلح پایدار و ماندگار در شبه جزیره کره متعهد شدند. همچنین دو کشور، در این سند متعهد به بازیابی و بازگرداندن بقایای افراد مفقود شده از جنگ کره شدند."

توافق پس از گذشت بیش از ۲ دهه

این دیدار و توافقات اعلام شده در حالیست که روابط دو کشور تا چند ماه اخیر در عالیترین حد تنش قرار داشت. لازم به ذکر است از دهه ۱۹۹۰ که برنامه کره شمالی بصورت جدی توسعه یافت، غرب و بویژه ایالات متحده نه تنها هیچگاه این توان هسته‌ای را به رسمیت نشناختند، بلکه همواره با انکار آن مواضع خود را با هدف محدودسازی و جلوگیری از توسعه این برنامه قرار دادند. اکنون اما با وجود گذشت بیش از دو دهه فشار و حداقل ۱۲ قطعنامه تنبیهی و تحریمی در شورای امنیت که بیشتر نیز از سوی آمریکا طرح‌ریزی شده‌اند، رسانه های خبری با پوشش دیدار مهم روسای جمهور آمریکا و کره شمالی که پیش تر درباره جزئیات آن گفته شد، خبر از توافق میان واشنگتن و پیونگ یانگ می دهند.

توافق واشنگتن و پیونگ یانگ؛ میراث ترامپ در عرصه سیاست خارجی؟!

بسیاری از کارشناسان عرصه سیاست خارجی ترامپ را فردی خودخواه، قدرت طلب و خود شیفته می دانند. این ادعا با تحلیل رفتار رئیس جمهور آمریکا به راحتی قابل اثبات است. عدم پایبندی به توافقات دولت های قبلی آمریکا به خصوص توافق هسته ای با ایران و توافق با کوبا، از بارزترین و جنجالی ترین اقداماتی بود که دونالد ترامپ انجام داد. اکنون رئیس جمهور آمریکا، در نخستین گام عملی خود در عرصه سیاست خارجی به زعم تصمیم سازان وتصمیم گیران کاخ سفید در صدد حل یکی از چالش های بزرگ واشنگتن در عرصه سیاست خارجی یعنی بحران کره شمالی است. به عقیده تحلیلگران، اگر ترامپ بتواند سایه آرامش را بر شبه جزیره کره حاکم کند، گامی مهم و میراثی ارزشمند در عرصه سیاست خارجی از خود به جا خواهد گذاشت. البته هیچ تضمینی برای تداوم این توافق با توجه به تلورانس رفتاری رئیس جمهور آمریکا، وجود ندارد. رفتار اخیر ترامپ در قبال برجام و اختلاف وی با کشورهای اروپایی درباره اعمال مالیات بر کالاهای وارداتی از این کشورها، هرگونه توافق وی با هر کشوری را با ابهام بزرگ روبرو می کند. این درحالیست که بندهای منتشر شده درباره این توافق هم با علامت سوال های بزرگ روبروست.به طور مثال، هیچ متر و معیار وتعریفی برای سنجش "صلح پایدار" ذکر شده، وجود ندارد و به راحتی این مورد و موارد دیگر می تواند مورد تفسیر مقامات کاخ سفید قرار بگیرد.

آیا دولت آمریکا قابل اعتماد است؟

توافق میان ترامپ و کیم جونگ اون در شرایطی انجام می شود که یک حس بی اعتمادی عمیق به آمریکا در میان کشورها و افکار عمومی با توجه به رفتارها و اقدامات اخیر رئیس جمهور این کشور حاکم است. برای درک بهتر این ادعا، باید به یاد آورد که ترامپ پس از کمتر از دو سال از به قدرت رسیدن خود، تمام توافقات یا معاهدات از جمله توافق‌نامه‌ها با نزدیک‌ترین متحدان آمریکا را پاره کرده و آن‌ها را زیر پا گذاشته است. ترامپ از معاهده آب و هوایی پاریس خارج شد و توافق مبادلات تجاری آزاد با متحدان اروپایی خود را لغو کرد و یک جنگ تجاری علیه آنان به راه انداخت و با در پیش گرفتن سیاست‌های حمایتی، مالیات‌هایی را بر کالاهای وارداتی از اروپا، کانادا و مکزیک اعمال کرد. او همچنین از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد و سفارت آمریکا را به قدس اشغالی منتقل کرد. تمامی این شواهد، سندی بر غیر قابل اعتماد بودن آمریکاست.

سرنوشت توافق آمریکا و کره شمالی چه خواهد شد؟

از یک طرف، اگرچه ترامپ به عنوان فردی خود شیفته علاقمند حفظ این توافق به عنوان یکی از دستاوردهای بزرگ دولت خود خواهد بود ولی همانگونه که گفته شد پیش بینی ناپذیری رفتار وی آینده این توافق را با ابهامات جدی روبرو کرده است. گذشته از این موضوع تفسیر پذیر بودن و مبهم بودن بندهای اعلامی این توافق هم مسئله ای است که می تواند در روزها یا ماه های آینده به یک چالش بزرگ در روابط طرفین تبدیل شود. از طرفی اگرچه به باور برخی تحلیلگران، کره شمالی با وجود اقدامات اعتماد زدا در محیط بین الملل در دوره ترامپ، در یک انعطاف و عقب نشینی بی سابقه دست

به مذاکره و تواف با واشنگتن زده است.ولی با مداقه دقیق این موضوع، این اقدام کره شمالی را می توان عملی هوشمندانه پس از دستیابی به فناوری هسته ای و موشکی پیشرفته دانست و تاکید کرد مذاکره فعلی پیونگ یانگ با واشنگتن در سایه بی اعتمادی سنگین و با دست برتر و در نقطه مطلوب صورت می گیرد. به نظر می رسد آینده و سرنوشت این توافق هرچه باشد کره شمالی بازنده آن نخواهد بود.

هاآرتص: برگزاری موفق نشست ترامپ با اون مقدمه جنگ با ایران است

شفقنا- یک نشریه صهیونیست در مقالهای به برگزاری نشست رییس جمهور آمریکا و رهبر کرهشمالی و ارتباط آن با ایران پرداخته است.

به گزارش سرویس ترجمه شفقنا؛ هاآرتص می‌نویسد: برگزاری موفق نشست ترامپ و اون درحقیقت مقدمه‌ای برای به چالش کشیدن ایران است. درواقع ترامپ و دسته بازهای او در کاخ سفید به دنبال حل موضوع کرهشمالی و کنار گذاشتن پرونده این کشور هستند تا به دشمن اصلی خود یعنی ایران برسند؛ می‌توان گفت اگر آنها موفق به این کار شوند، دوست دارند پرونده ایران را نه با مذاکره که با جنگ به پایان برسانند.

خلاصه:

با تامل در موافقتنامه امضا شده و صحبتها مي بينيم

1- که عمده متن را حرفهای کلي بر کرده است

2- وعده ها مثل رفع تحريم؛ شفاهي و توسط وزير خارجه امريکا داده شده ان هم قبل ملاقات و بعد ملاقات ترامب کفته تحريمها مي ماند!!

3- نتيجه کتبي مشخص: تعهده کره برای امريکا خلع سلاح کره است! بدون مقابلي مثل رفع تحريمها و برجيده شدن بايکاههای امريکا در کره و زابن که تهديد کره محسوب مي شود

4- موضوعاتي مثل عدم مانور نظامي امريکا در برابر عدم ازمايش هسته اي کره است که با خلع سلاح خودبخود منتفي است

5- البته موضوع مفقودان جنك کره که امر مشخصي نيست و با بيش برداخت قبلي کره بر ازدا کردن زندانيان امريکايي نه اقدام متناسب است و نه امري معلوم

و نهايتا دعوت ترامب از کيم اون برای ديدين ماشين شخصي ترامب که جقدر شيك و کران است!!!

با اين اوصاف کره برای جه خاصيتي ملاقات رفته و موافقتامه امضا کرده است؛ ظاهرا برای همان هدفي که ايران از برجام داشت = شکستن فضاي بسته و منفي جهاني برای کشور مقابل امريکا (ايران و کره شمالي) و اين امر اکر تغيير ملموسي در مخاصمتها و موضوع هسته اي نيست اما خواص جانبي بسياري دارد که از جمله اصلاح موقعيت بين المللي و سبك کردن فضاي جهاني و کمتر کردن هزينه ها =

دقت شود اکر کشوري مثل ايران و کره جنيين هدفي را نهايتا داشته باشند نمي توانند اظهار کنند و الا طرف مقابل زير بار نميرورد مثل اقدام ترامب که بعد که فهميده جه کلاهي سرش رفته برجام را ملغا کرده است

چند حاشیه خواندنی از دیدار ترامپ و رهبر کره شمالی

دیدار برنامه‌ریزی شده اما جنجالی سران آمریکا و کره شمالی سرانجام روز سه شنبه انجام شد که با حاشیه‌هایی مخصوص به خود همراه بود.

به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم، دیدار تاریخی و برنامه ریزی شده کیم جونگ اون رهبر کره شمالی و دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا صبح سه شنبه در مقابل دوربین رسانه‌ها آغاز شد.

دیداری که تا چند روز قبل تصور می شد لغو شده است اما ترامپ نظرش را تغییر داد و اعلام کرد با کیم در موعد تعیین شده ملاقات می‌کند.

جدای از تحلیل‌ها و گزارش‌های پیرامون محتوای مذاکرات محرمانه و توافقی که امضا و رسانه‌ای شد این رویداد بین‌المللی با حاشیه‌های خاص خود همراه بود.

هم رهبر کره شمالی و هم ترامپ روز یکشنبه وارد سنگاپور شدند یعنی دو روز زودتر از زمان دیدار.

اما ترامپ نشست خود با سران گروه 7 را سریعتر تمام کرد تا به سنگاپور برسد گر چه به دلیل اختلاف نظر شدید وی با سران دیگر کشورهای گروه 7 حاشیه ای قابل تامل به وجود آورد و گفته شد در هواپیما امضای خود زیر بیانیه سنگاپور را پس گرفته است!

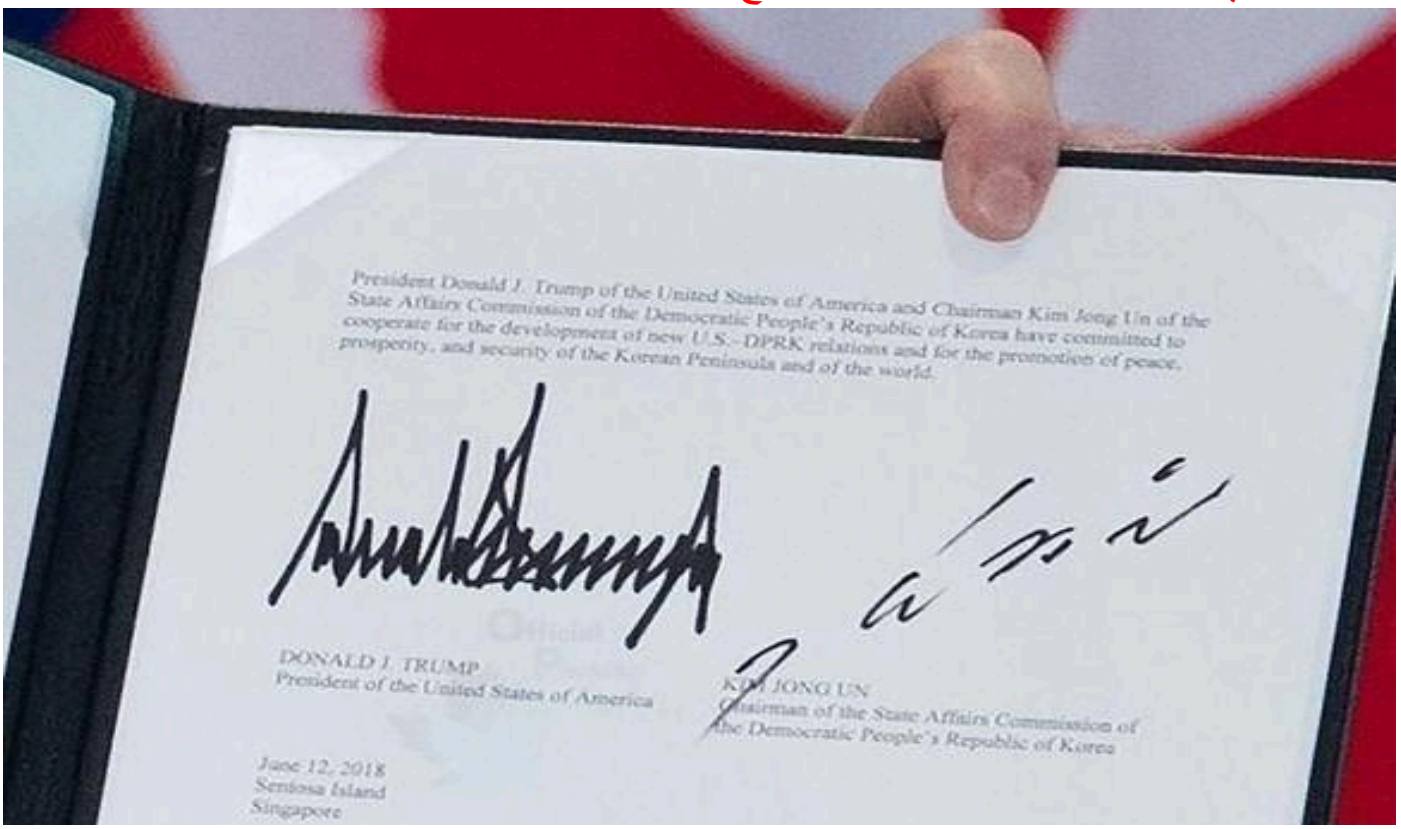
از حاشیه‌های قبل از دیدار سنگاپور پیاده روی رهبر کره شمالی در سنگاپور و سلفی گرفتن وی با مقامات بلندپایه این کشور آسیایی بود.



رسانه ها اعلام کردند وی در روز دیدار رای ساعت 8:56 صبح به وقت محلی وارد محل نشست یعنی هتل کاپلای جزیره سنتوزا شده است چهار دقیقه زودتر از ترامپ. دلیل آن هم احترام گذاشتن به رئیس جمهور آمریکا و بزرگتر بودن وی اعلام شد.

اما برخی رسانه‌ها و البته خبرنگاران حاضر در سنگاپور به حاشیه ای پرداختند که بیشتر بوی شایعه می‌داد و آن هم اینکه رهبر کره شمالی سرویس بهداشتی اختصاصی خود را از پیونگ یانگ به سنگاپور آورده است.
پس از دست دادن و خوش و بش گرم، سران دو کشور برای مذاکرات دو جانبه محرمانه به اتاقی رفتند و قبل از آن ترامپ گفت که احساس خیلی خوبی دارد و مذاکرات بسیار موفقیت‌آمیز خواهد بود. رهبر کره شمالی نیز گفت که رسیدن به این دیدار کار ساده ای نبوده است. نکته قابل توجه قبل از شروع مذاکرات دوجانبه 41 دقیقه‌ای استرس بالای هر دو طرف بود که از دید خبرنگاران حاضر و دوربین‌ها پنهان نماند.
پس از این دیدار دو طرف به اتاق دیگری راهنمایی شدند تا با وزرای خارجه و مشاوران خود سر یک میز بنشینند. پس از ساعت‌ها گفت و شنود پشت درهای بسته ترامپ و کیم از مذاکرات خارج شدند و حاشیه دیگری به وجود آوردند. پس از کمی قدم زدن در محوطه هتل کاپلا ترامپ لیموزینش را که به آن the beast یا همان "هیولا" گفته می شود نشان داد که رسانه‌ها از این حرکت ترامپ یعنی به رخ کشیدن خودروی 1.5 میلیون دلاری به عنوان خودنمایی تعبیر کردند.
ناهار کاری سران دو کشور و هیات همراه حاشیه دیگر بود چرا که با ترکیبی از غذاهای خاص منطقه شرق آسیا از مهمانان پذیرایی شد.
پس از ناهار کاری، ترامپ و کیم باز هم مشغول به قدم زدن شدند و ترامپ جمله ای کوتاه به خبرنگاران گفت که ابهام بر انگیز بود زیرا اعلام کرد "چیزی را امضا می‌کنیم"! ترامپ در پاسخ به سوال خبرنگاران گفت "چیزی که به زودی اعلام می شود". 30 دقیقه بعد همه متوجه شدند منظور از

چیزی که ترامپ می گفت همان توافقنامه چهار بندی میان آمریکا و کره شمالی بود که طی مراسمی به امضا رسید.
حاشیه قابل ذکر دیگر شاید نوع خاص امضاهای سران کره شمالی و آمریکا باشد. برخی فعالان رسانه‌ای امضای کیم را به نوعی قطرات باران یا نقاشی تشبیه کردند.
یک کارشناس با سابقه رسم الخط که روانشناسانه به امضاهای کیم و ترامپ نگاه انداخته می‌گوید ماهیت متزلزل ترامپ و فریبکاری رهبر کره به وضوح دیده می‌شود!



نیویورک تایمز:

ترامپ از برجام خارج شد اما به توافقی مشابه با «کیم جونگ اون» دست یافت؛ این مایه تعجب است / تعهدات پدران رهبر فعلی کره شمالی به بوش و کلینتون بسیار دقیق تر از سند یک صفحه ای ترامپ و «اون» بود

تعدادی از ناظران بین‌المللی و سیاستمداران برجسته در داخل ایالات متحده با احتیاط از محتوای دیدار دونالد ترامپ و کیم جونگ اون یاد کرده‌اند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



تعدادی از ناظران بین‌المللی و سیاست‌مداران برجسته در داخل ایالات متحده با احتیاط از محتوای دیدار دونالد ترامپ و کیم جونگ اون یاد کرده‌اند.

به گزارش «انتخاب»؛ منتقدان با اشاره به مفاد توافق‌نامه‌ای که دیروز میان رهبران آمریکا و کره‌شمالی امضا شد، می‌گویند تمرینات نظامی مشترک میان آمریکا و کره‌جنوبی و ژاپن که ترامپ با "بازی‌های جنگی" خواندن آنها وعده توقف‌شان را به کره‌شمالی داده، نگران‌کننده است.

جاناتان برکشایر میلر، تحلیل‌گر موسسه امور بین‌الملل ژاپن به سی‌ان‌ان گفته: "اگر ابزار بازدارنده برای تحرکات کره‌شمالی را مد نظر قرار دهیم، مانورهای نظامی مشترک آمریکا الماس تاج این ابزارها بود. کم‌تر شدن حضور نظامی آمریکا در شبه جزیره، ژاپن و کره‌جنوبی را در معرض تحرکات نظامی و تهدیدهای کره‌شمالی قرار می‌دهد."

همزمان، سرهنگ چاد کارول، سخنگوی نیروهای آمریکایی در کره‌جنوبی گفته: "ما هنوز هیچ دستور رسمی مبنی بر اجرا یا توقف برنامه‌های نظامی از پیش تعیین شده‌مان دریافت نکرده‌ایم."

آمریکا و کره‌جنوبی همیشه تمرینات نظامی مشترک خود را پاسخی در برابر آزمایش‌های موشکی و هسته‌ای پیونگ‌یانگ ارزیابی کرده‌اند و آن را راهکاری برای حفظ آمادگی نظامی در برابر هرگونه تحرک احتمالی کره شمالی دانسته‌اند. در برابر، کره‌شمالی هم همیشه این تحرکات را با هدف اشغال و سرنگونی حکومت کیم جونگ اون ارزیابی کرده و توقف آن را یکی از اصلی ترین شروط خود برای هرگونه مذاکره‌ای دانسته است.

شرطی که به نظر می‌رسد دیروز ترامپ وعده اجابت آن را داد.

روزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز نیز در یادداشتی تحلیلی درباره دیدار ترامپ با کیم جونگ اون نوشته: "رئیس‌جمهور آمریکا در توافق یک صفحه‌ای که با رهبر کره‌شمالی امضا کرد همان چیزهایی را دریافت کرد که پدر و پدر بزرگ کیم جانگ اون هم پیش‌تر به روسای جمهوری قبلی آمریکا وعده داده بودند."

دیوید سنجر، از سردبیران نیویورک تایمز در این یادداشت نوشته: "در سال ۲۰۰۵ هم پدر کیم جونگ اون به جرج دبلیو بوش وعده داد که همه فعالیت های هسته ای خود را متوقف کند، به پروتکل الحاقی بپیوندد و به آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای اجازه نظارت بر مراکز هسته ای خود را بدهد... وعده‌هایی که بسیار دقیق‌تر و عینی‌تر از آن چیزی بودند که دیروز در توافق‌نامه یک صفحه‌ای میان ترامپ و کیم جونگ اون رد و بدل شد."

ترامپ می گوید زمان زیادی صرف مطالعه مذاکرات گذشته با کره شمالی کرده، بنابراین او حتما باید فهمیده باشد که در

سال 1992، کره شمالی با برقراری خط تماس فوری و عقب نشینی نیروها از کره جنوبی موافقت کرده بود. کره شمالی همچنین در سال 1994 اعلام کرده بود که تولید پلوتونیوم را متوقف می کد.
در سال 2005، کره شمالی در مذاکره با دولت بوش متعهد به تسلیم تسلیحات هسته ای و رها کردن برنامه هسته ای خود شود. توافق های مذکور بسیار جزئی تر از سندی بود که «کیم» با ترامپ امضا کرد.
به گفته ی کارشناسان، مذاکرات آتی در مورد اعمال محدویت بر برنامه کره شمالی و نه خلع سلاح و نابودی تسلیحات هسته ای است.
آنچه مایه تعجب بسیار است، این است که تلاش ترامپ برای اعمال محدودیت بر توانایی کره شمالی به جای نابودی تسلیحات و توانایی اش، به مانند توافق هسته ای ایران می ماند که او آن را رد کرده است.

بازی زیرکانه «اون» در سنگاپور

یک خبرگزاری آمریکایی مذاکرات میان اون و ترامپ را در سنگاپور تحلیل کرده است و معتقد است رهبر جوان کره شمالی با دستی پر به کشورش بازگشت و به تمامی اهداف خود رسیده است.
به گزارش تیک ؛ خبرگزاری آمریکایی آسوشیتدپرس در گزارشی تحلیل کرده است که دستاوردهای کیم جونگ اون در نشست با ترامپ بسیار زیاد و زیرکانه بوده است. به طوری که همسایگان کره شمالی (چین و روسیه) نیز خوشحال و بهرمند خواهند شد.

همه آن چیزی که کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی واقعا به آن در نشست بی‌سابقه با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا نیاز داشت، نگهداری زرادخانه هسته‌ای خود برای مدتی بیشتر و منتشر شدن عکس دست دادنش با دونالد ترامپ بود، برای آنکه نشان دهد او حقیقتا وارد صحنه جهانی شده است.

کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی در حالی که هیچگونه وعده محکمی برای کنار گذاشتن زرادخانه هسته‌ای به سختی به دست آمده خود ارائه نکرد، به عنوان یک مقام برابر در کنار رهبر قدرتمندترین کشور جهان ایستاد و نشانه‌هایی دریافت کرد مبنی بر اینکه در آینده مانورهای نظامی مشترک آمریکا – کره جنوبی احتمالا برگزار نمی‌شود و با ستایش‌های رئیس‌جمهوری مواجه شد که سال گذشته او را به عنوان "مردک موشکی" مورد تمسخر قرار داده بود.

اگر او مجبور شده بود تحت فشارهای آمریکا مذاکره کند، مطمئنا چنین چیزی مشهود نبود.

همچنین مخالفان کمپین دیپلماتیکی که او اوایل سال جاری میلادی با همسایگانش به راه انداخت، با برگزاری این نشست به حاشیه رانده شدند.

همه این اتفاقات از جانب رهبر 34 ساله‌ای انجام شد که او را خیلی جوان و بی‌تجربه برای آنکه برای مدت طولانی به کارش ادامه بدهد تلقی می‌کردند.

ترامپ از ابتدای نشست آنها کیم جونگ اون را با انبوهی از تحسین‌ها مواجه کرده و او را یک "فرد با استعداد که خیلی زیاد عاشق کشورش است" خواند.

با این حال مهمتر از آن ترامپ از این صحبت کرد که می‌خواهد به رزمایش‌های نظامی سالانه با کره جنوبی – یک مطالبه مهم و طولانی مدت کره شمالی- پایان داده و به این ترتیب می‌تواند به کیم جونگ اون زمان زیادی برای حفظ سلاح‌های هسته‌ای‌اش بدهد و درخواست‌ها برای یک فرایند سریع و فوری خلع سلاح هسته‌ای با شانه خالی کردن و گفتن اینکه "این کار مدت زمانی طولانی نیاز دارد" جایگزین کرد. موفقیت این نشست قطعی نیست.

کره شمالی شاید حتی بیشتر از خود ترامپ خواهان این نشست بود و رهبر این کشور به شکل ملموسی عصبی بود.

کره شمالی بعد از آنکه شدیدا در مقابل درخواست‌های دولت ترامپ به منظور خلع سلاح هسته‌ای فوری خود ایستادگی کرد (مساله ای که یکبار ترامپ را وادار کرد موقتا این نشست را لغو کند) به یکباره لحن ملایمی را در پیش گرفت تا دوباره ترامپ را به سمت خود بکشاند.

کیم جونگ اون حتی برای آنکه این توافق را برای واشنگتن شیرین تر کند یک نمایش بزرگ در مقابل رسانه‌های خارجی برای تعطیل کردن محل مربوط به آزمایش‌های هسته‌ای خود ترتیب داد، سه زندانی آمریکایی را بازگرداند و از توقف یک جانبه آزمایش‌های هسته‌ای و پرتاب‌های موشک‌های دوربرد خود خبر داد.

با این حال به مجرد ورود کیم جونگ اون به سنگاپور در روز یکشنبه اعتماد به نفس کره شمالی پدیدار شد.
با وجود آنکه رسانه‌های دولتی این کشور به شکلی محتاطانه پوشش خبری نسبتا کمی درمورد این نشست در مقایسه با زمان قبل از آن به عمل آوردند اما بعد از آنکه رهبر کره شمالی با هواپیمای چارتر شرکت ایر چاینا به سنگاپور وارد شد به یکباره درهای خود را باز کردند.
در عین حال منتقل شدن رهبر کره شمالی با این هواپیمای چینی نشان می‌دهد که او از حمایت کامل همسایه قدرتمند و هم‌پیمان اقتصادی خود برخوردار بوده است.
تصاویر ورود رهبر کره شمالی به سنگاپور صفحه‌های روزنامه رسمی حزب حاکم را به خود اختصاص داده و در بخش‌های خبری تلویزیون غالب شد.
قدمزدن شبانه رهبر کره شمالی در سنگاپور در آستانه این نشست حتی جایگاه بزرگتری در رسانه‌های کره شمالی به خود اختصاص داد. در ویدئوهایی که از این بازدید پخش شد جمعیت ناظران مثل یک ستاره موسیقی از او استقبال کردند.

اخبار خود نشست سه‌شنبه شب در رسانه‌های کره شمالی گزارش شد.

تصویر دست دادن تاریخی او با ترامپ که سراسر جهان بازتاب پیدا کرد مطمئنا در صفحه اول شماره امروز (چهارشنبه) نشریه اصلی کره شمالی چاپ شده است.

به نظر می‌رسد که رهبر کره شمالی در مورد خلع سلاح هسته‌ای، مساله کلیدی این نشست موضعی قاطعانه اتخاذ کرده است یا شاید اینکه کسی او را در این مورد خیلی تحت فشار قرار نداده است.

با وجود آنکه این دو رهبر در بیانیه مشترک خود بر لزوم عاری سازی شبه جزیره کره از سلاح هسته‌ای تاکید کردند اما الفاظ به کار برده شده برای آن بسیار مبهم بود و چیزی بیشتر از وعده‌های قبلی کره شمالی در آن مطرح نشده است.

ادعای دونالد ترامپ درمورد اینکه کیم جونگ اون متعهد به این فرایند شده است باید در آینده بررسی شود. می‌توان فرض کرد که این برای کیم جونگ اون خوب بوده است.

او همچنین از ترامپ هدایای دیگری نیز دریافت کرد.

علاوه بر آنکه کیم جونگ اون توانست خودش را به عنوان یک شخصیت برابر و همچنین "یک

رهبر عادی یک کشور عادی" نشان دهد، او حتی دست به اقدامات تبلیغاتی دیگری نظیر گرفتن عکس سلفی با وزیر خارجه سنگاپور زد که در توئیتر منتشر شد. (شبکه‌ای که مثل همه شبکه‌های اجتماعی دیگر در کره شمالی ممنوع است.)

هدف اصلی کیم جونگ اون از ورود به این نشست تضعیف حمایت‌ها از تحریم‌های تجاری بین‌المللی بود که مدت‌هاست جلوی برنامه‌های توسعه کره شمالی را گرفته‌اند. موفقیت او در این جبهه تقریبا سریع اتفاق افتاد.

مالزی که یکسال پیش روابطش با کره شمالی را بر سر مناقشه ترور برادر ناتنی کیم جونگ اون در فرودگاه کوآلالامپور قطع کرده بود، اکنون از آغاز دوباره این روابط سخن می‌گوید و همینطور چین نیز براساس گزارش‌ها در حال بررسی کاستن از محدودیت‌های تجاری کره شمالی است.
*خبرآنلاین

درباره رهبر کره شمالی حالا مطبوعات چه دارند که بگویند

یونگه ولت ترجمه رضا نافعی

از سنگاپور واژه ها و الحانی شنیدیم و رفتاری دیدیم که شگفت آور بودند. نخستین دیدار رهبران دو کشور امریکا و کره شمالی، ترامپ و کیم یونگ اون، در دولت شهرسنگاپور واقع در جنوب خاوری آسیا، همه کسانی را متعجب ساخت که می گفتند » کیم» آدمی است دمدمی مزاج که رفتارش قابل پیش بینی نیست، دیکتاتوری است خپل، بی نزاکت با لپ های های سرخ ورقلمبیده» (این توصیف روزنامه آلمانی » کلنر اکسپرس » از او در همین اواخر بود). ارزیابی ترامپ از او و دیدار با او چنین بود: «دیدار با او صادقانه، مستقیم وخلاق بود. رئیس جمهور امریکا تضمین کرد که » من ذره ای تردید ندارم که ما روابطی عالی خواهیم داشت».
یک بار دیگر صحت این ضرب المثل کره ای به اثبات رسید : «کسی که بر تشک می خوابد به اعماق سقوط نخواهد کرد».
«کیم یونگ اون» و » مون یه این» رهبران کره شمالی و جنوبی واقعا موفق شدند با تلاشهای خود از آغاز سال جاری، مرد صاحب قدرت در کاخ سفید را از عرش اعلیِ امپراتوری فرود آورند و بر سر میز مذاکره بنشانند.
در بیانیه مشترکی که روز سه شنبه منتشر شده چنین آمده است: «پرزیدنت ترامپ و رئیس کیم یونگ اون واقف بودند که دیدار سران دو کشور امریکا و جمهوری دموکراتیک خلق کره (DVRK) – نخستین دیدار در تاریخ – رویدادی است دورانساز و با اهمیت فوق العاده، برای چیره گشتن بر تنش ها و خصومت های میان دو کشور که چندین دهه بطول انجامید، و آغاز آینده ایست نوین و متعهد می شوند مفاد این قرارداد مشترک را کاملا و بدون فوت وقت متحقق سازند.».
برندگان عبارتند از : مون، کیم ، لی حسین لونگ، نخست وزیر سنگاپور، که این دیدار قابل تحسین را عملی ساختند.
بدون » مون» نخست وزیر کره جنوبی، که خود را موظف به اجرای «سیاست آفتاب رخشان» در برابر کره شمالی می دید، بیانیه «پانمونیوم» مورخ 27 آوریل، چهارمین و آخرین دیدار دوجانبه برای نزدیکی میان شمال و جنوب پس از دیدار های 1972- 92

/1991- و 2000 صورت نمی گرفت.
و » کیم » در واقع موفق به کسب بیمه عمر هسته ای » شد – دست کم ، فعلا ، موفق شده در برابر سواره نظام امپریال بایستد. اگر این امر، با خوش بینی محتاطانه، تداوم یابد، بی تردید این دیدار دوجانبه دستیابی به قله ای بوده است که به دشواری می توان فراتر از آن رفت.
https://www.jungewelt.de/artikel/334056.kims-kür.html

پامپئو: کره شمالی باید ظرف ۲ سال و نیم خلع سلاح هسته‌ای شود



وزیر خارجه آمریکا یک روز پس از برگزاری نشست ترامپ و رهبر کره شمالی در سنگاپور، گفت که واشنگتن انتظار دارد که پیونگ یانگ طی ۲ سال و نیم، گام‌هایی اساسی در مسیر خلع سلاح هسته‌ای بردارد.
به گزارش مشرق، «**مایک پامپئو**» وزیر خارجه آمریکا یک روز پس از دیدار روسای جمهور کشورش و کره شمالی در سنگاپور، از جزئیات انتظارات هسته‌ای آمریکا از کره‌ای‌ها پرده‌برداری کرد.
بیشتر بخوانید:
اون:امیدوارم سوء تفاهمات رفع شود
آنطور که شبکه خبری راشاتودی گزارش داده، پامپئو گفته که آمریکا انتظار دارد که کره شمالی ظرف ۲ سال و نیم، «گام‌هایی اساسی» در میسر **خلع سلاح هسته‌ای** بردارد.
وزیر خارجه آمریکا که ساعاتی پیش وارد پایتخت یکی از متحدان اصلی آمریکا در شرق آسیا یعنی کره جنوبی شده، در بدو ورود به این انتظار هسته‌ای از کره شمالی اشاره کرده است.
پامپئو در مصاحبه با خبرنگاران، ابراز امیدواری کرد که درو بعدی مذاکره با مقامات **کره شمالی** «هفته آینده» برگزار شود ولی به رغم این ابراز امیدواری، باز هم زبان تهدید را کنار نگذاشت.
وزیر خارجه آمریکا گفت که اگر روند **مذاکره** با کره‌ای‌ها متوقف شود، آمریکا تمرین‌های نظامی در شبه‌جزیره کره را از سر خواهد گفت.
پامپئو از تصمیم دیروز رئیس دولت آمریکا برای توقف موقت تمرین‌های مشترک نظامی با **کره جنوبی** حمایت کرد و گفت که این تعلیق، فقط تا زمانی که «مذاکرات سازنده و با حسن نیت» در جریان باشد، ادامه خواهد یافت.
«**دونالد ترامپ**» رئیس‌جمهور آمریکا و «**کیم جونگ اون**» رهبر کره دیروز در سنگاپور دیدار و سه سند همکاری امضاء کردند.
بعد از نشست دوجانبه، اعلام شد که کره شمالی خود را به خلع سلاح هسته‌ای در قبال اخذ تضمین امنیتی از آمریکا، متعهد کرده است.

توافق ترامپ-کیم یا فریب افکار عمومی؟

دیدار رهبران کره شمالی و آمریکا که به آن دیدار قرن می گویند درحالی برگزار شد که سند امضا شده در جریان این دیدار هیچگونه جزئیاتی را در خصوص توافقات انجام شده میان«ترامپ» و «اون» مشخص نمی کند.
به گزارش مشرق، دیدار «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا با «کیم جونگ اون» رهبر کره شمالی صبح روز سه شنبه ۲۲ خرداد در سنگاپور برگزار شد و رهبران دو کشور سندی امنیتی را امضا کردند.
اما جزئیات سند امضا شده به هیچ وجه روشن نبوده و مشخص نیست که زمان و مهلت انجام توافقات انجام شده به چه صورت خواهد بود.
در همین رابطه اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا در تحلیلی در این خصوص می نویسد: نشست سران آمریکا و کره شمالی با وجود داشتن ماهیتی تاریخی، نتیجه ای مطلوب و مورد انتظار نداشت و دونالد ترامپ را با چالشی به نام متقاعد کردن افکار عمومی به تغییر روابط آمریکا و کره شمالی به عنوان موفقیتی تاریخی مواجه کرد.
نکته ای که موجب می شود تا به توافق انجام شده میان ترامپ و کیم جونگ اون با دیده تردید نگریسته شود بدعهدی آمریکا در

عمل به تعهدات خود و اقدام ترامپ در خروج از توافقات مهم بین المللی است. بر همین اساس تردیدی نیست که اگر آمریکا به تعهدات خود در این رابطه عمل نکند کره شمالی نیز همان سیاست قبلی خود را در پیش می گیرد.

توافق مبهم

سناتور «چاک شومر» رهبر اقلیت دموکرات سنا ضمن انتقاد از توافق حاصل شده بین آمریکا و کره شمالی، گفت که «دونالد ترامپ» اهرم فشار را در مذاکرات هسته ای با پیونگ یانگ، تسلیم کیم کرد. این قانونگذار آمریکایی توافق به دست آمده بین ترامپ و کیم را بسیار نگران کننده و مبهم خواند و گفت: این توافق فاقد جزییات لازم است.

برخی نمایندگان جمهوریخواه و مقام های دولت ترامپ گفته اند که توافق حاصل شده بین آمریکا و کره شمالی به مصوبه سنا نیاز دارد و این بدان معناست که دمکرات های سنا باید برای تصویب این توافقنامه، چراغ سبز نشان دهند.

سناتورهای جمهوریخواه نیز اعلام کردند که هر گونه توافق نهایی بین آمریکا و کره شمالی باید برای تصمیم گیری به کنگره ارائه شود.

علاوه بر آن بسیاری از کارشناسان می گویند توافق نامه امضاشده میان دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا و کیم جونگ اون رهبر کره شمالی نه فاقد ضمانت اجرایی بلکه حتی راهکارهای مناسب برای عملی شدن است و دیگر اینکه به نظر می رسد ترامپ برای حصول آن امتیازهای زیادی به کره شمالی داده است.

توافقنامه ای که رهبران دو کشور امضا کردند، چهار ماده داشت که براساس آن واشنگتن و پیونگ یانگ روابط جدیدی را آغاز خواهند کرد. چهار مورد این قرارداد دوجانبه که با حضور مقام های ارشد دو کشور به امضای ترامپ و کیم در مقابل خبرنگاران و در هتل کاپلا رسید شامل مواردی کلی و بدون ذکر شیوه اجرا به شرح ذیل است:

۱. ایالات متحده آمریکا و کره شمالی متعهد شده‌اند که روابط تازه‌ای را بنا کنند که اساس آن تمایل مردم دو کشور بر صلح و رفاه است

۲. آمریکا و کره شمالی تلاش مشترک خواهند کرد که صلح پایدار در شبه جزیره کره ایجاد شود.

۳. بر اساس توافق ۲۹ آوریل (پان مون جوم/ Panmunjom declaration) کره شمالی که در آن بخشی از تاسیسات هسته‌ای خود را تخریب کرد، پیونگ یانگ متعهد شده که خلع سلاح هسته‌ای را ادامه دهد.

۴. آمریکا و کره شمالی متعهد می‌شوند که بقایای سربازان کشته یا مفقود شده را در جنگ شبه جزیره کره (۵۳-۱۹۵۰) شناسایی کرده به کشورشان بازگردانند.

گر چه خیلی از کشورهای منطقه از این اجلاس فوری و با برنامه ریزی بسیار سریع و عجیب ابراز خرسندی و استقبال کرده اند اما همه این کشورها بر این باورند که به هیچ نتیجه فوری از این نشست خوشبین نیستند. هنوز معلوم نیست که این دو رهبر بر سر چه مسایلی دقیقا اتفاق نظر پیدا کرده اند زیرا توافقاتی که میان مقام های ارشد دو کشور و دیپلمات های آنها در سال های قبل بوده بسیار فراتر از اینها بوده است.

مشخص نیست چه جزییاتی در گفتگوها مورد بررسی قرار گرفته است و برآیند دقیق آن چیست و همین باعث شده است تا پس از این اجلاس هیچ تحول خاصی هم در منطقه شکل نگیرد. عوامل زیادی وجود دارد که هر آن می تواند گفتگوها و توافقات را به شکست بکشاند از جمله اینکه کره شمالی می گوید آمریکا باید به دشمنی خود پایان دهد و رزمایش ها را متوقف کند.

ترامپ قول داده است که رزمایش های مشترک با کره جنوبی متوقف شود اما ارتش این کشور در کره، هر اقدامی در این زمینه را تکذیب کرده و اعلام نموده دستوری در این باره دریافت نکرده است.

کره شمالی می خواهد از کاهش تحریم ها سود ببرد اما آمریکا آن را منوط به پایان برنامه هسته ای نظامی این کشور کرده است. هنوز معلوم نیست چه برنامه ای برای این فرایند تدارک دیده شده است.

«اتالی لوآزو» وزیر امور اروپایی فرانسه، نیز معتقد است که امضا توافق با رهبر کره شمالی که تا ساخت بمب اتم پیش رفت، در حقیقت به معنای پاداش دادن به کسی است که همه پیمان های بین المللی را نقض کرده است. دیدار رئیس جمهوری آمریکا و رهبر کره شمالی در سنگاپور را می توان گامی قابل توجه و مهم در عاری سازی شبه جزیره کره از تسلیحات هسته ای بر شمرد اما با این حال درباره این موضوع که همه مفاد سند امضا شده میان دو مقام فقط در عرض چند ساعت حاصل شده، تردید آمیز است.

فریب افکار عمومی

با توجه به مجموع اقدامات ترامپ در مقام ریاست جمهوری آمریکا که موجب منزوی شدن این کشور در عرصه بین المللی شده به نظر می رسد وی از دیدار روز گذشته با توجه به اهمیت موضوع کره شمالی برای فریب افکار عمومی استفاده کرده است.

در همین رابطه کارل برنشتین(Carl Bernstein) یکی از دو خبرنگار واشنگتن پست که باعث برملا شدن ماجرای واترگیت در دهه هفتاد میلادی شد، در باره دیدار رئیس جمهوری آمریکا با رهبر کره شمالی گفت:آنچه از دونالد ترامپ می دانیم این است که نمایش اجرا می کند، نمایشی که وی در روزهای اخیر در کانادا انجام داد دهشتناک بود، اما در سنگاپور تلاش کرد تا محبوبیت خود را بالا ببرد.

همچنین خبرگزاری رویترز به نقل از دو تحلیلگر نوشت: «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا و «کیم جونگ اون» همتای کره شمالی او درباره خلع سلاح هسته ای پیونگ یانگ توافق کردند اما به نظر می رسد این توافق نمادین است. برخی تحلیلگران سیاسی می گویند نشست ترامپ و کیم جونگ اون نمادین بوده و نتایج ملموسی نداشته است.

«آنتونیر روگیرو» (Anthony Ruggiero) کارشناس ارشد اندیشکده آمریکایی بنیاد دفاع از دموکراسی ها در این زمینه گفت: معلوم نیست که مذاکراتِ بیشتر به هدف نهایی در خلع سلاح هسته ای دست یابد. به نظر می رسد این نشست از سرگیری

مذاکرات از نقطه پایان آن در ۱۰ سال گذشته بود و گام مهمی به جلو قلمداد نمی شود.
«لی نان» (Li Nan) محقق ارشد موسسه سیاست عمومی «پان گُل» (Pangoal) مستقر در پکن، با تایید این نظر گفت این نشست فقط اهمیت نمادین داشته است. جزییاتی درباره خلع سلاح شبه جزیره کره و ضمانت های امنیتی آمریکا ارائه نشده است. خیلی زود است که این نشست را نقطه عطفی در روابط کره شمالی و آمریکا توصیف کنیم.
«ریچارد هاس» رئیس شورای روابط خارجی آمریکا نیز با انتشار رشته توییت هایی از بیانیه نشست سنگاپور انتقاد کرد. هاس در حساب توییتری خود نوشت: بیانیه نشست سنگاپور اساسا آرمانی است: هیچ تعریفی از خلع سلاح داده نشده، جدول زمانی ندارد ودر آن به جزییات فرآیند راستی آزمایی اشاره ای نشده است. نگران کننده ترین چیز در مورد تمام این ها آن است که آمریکا در مقابل، قید چیز محسوسی را چون رزمایش های نظامی آمریکا-کره جنوبی زد.
روزنامه گاردین نیز در مطلبی نوشت: دو طرف تلاش کردند تا در مقابل دوربین رسانه‌ها با یکدیگر گفت‌وگو کنند اما نمایش ناخوشایندی از آب درآمد.
گاردین در مطلب دیگری دیدار رهبران دو کشور را نمایشی و فاقد واقع‌گرایی دانست و نوشت: این اشتباه است که دیدار دو طرف را یک مذاکره فرض کنیم. این دیدار در حقیقت یک نمایش بود که توسط دو رهبر که اهداف متفاوتی از گفتگوها دارند، ترتیب داده‌شده بود. رئیس‌جمهوری آمریکا می‌خواست با نشستن در کنار رهبر کره شمالی شاید نامش در تاریخ ثبت شود، اما او این کار را با این دید انجام می‌دهد که تنها دست به کاری بی‌سابقه زده باشد.
منبع: مهر

کارشناسان پیروز اصلی این دیدار را رهبر کره شمالی نامیدند

روزنامه «کامرسانت»، چاپ مسکو در تحلیلی نوشته است: نخستین دیدار رهبران آمریکا و کره شمالی را باید نخستین گام در راستای عادی شدن اوضاع در شبه جزیره کره نامید. رهبر کره شمالی تضمینی در مورد خلع سلاح سریع نداده، رئیس جمهوری آمریکا نیز از تضمین صددرصد امنیتی خودداری نموده، ولی وعده داده که مانورهای نظامی مشترک سالانه آمرکا و کره شمالی برگزار نشود. مهمترین نتیجه این دیدار را باید برای رهبر کره شمالی دانست که از انزوا خارج شد و به موفقیتی دست یافت که حتی پدر او نتوانسته بود و آن «پذیرفته شدن برابری کره شمالی از سوی آمریکا» است.
"الکساندر گابویف"رئیس برنامه آسیای مرکز کارنگی مسکو به این روزنامه گفت: «تا همین اواخر "کیم جونگ اون" منزوی ترین رهبران کشورهای جهان محسوب میشد، ولی اکنون او با رئیس جمهوری آمریکا دیدار کرده است. پرچم کره شمالی در کنار پرچم آمریکا برافراشته شد، گویی کره شمالی کشوری کاملا عادی ست. مهمترین دست آورد پیونگ یانگ هم امضای توافقنامه ای با واشنگتن است که حداقل برای مدتی شبه جزیره کره را از خطر بروز یک جنگ واقعی که در زمستان گذشته بسیار واقعی شده بود، دور نگه می‌دارد.»
البته منابع خبری این روزنامه در مسکو و سنگاپور به این نکته توجه کرده اند که در بیانیه پایانی امضاء شده بین طرفین، هیچ مسئله مشخص و قطعی بیان نشده و اظهارات بسیار کلی است. بدین ترتیب که دو کشور ابراز تمایل نموده‌اند تا روابط جدیدی را آغاز کرده و در جهت صلح و ثبات درازمدت در منطقه بکوشند. کیم هم وعده داده که در جهت غیر هسته‌ای شدن کره شمالی، مطابق با بیانیه امضاء شده اخیر بین رهبران دو کره، تلاش کند. واشنگتن نیز به نوبه خویش پایبندی برای تضمین امنیتی کره شمالی را مورد تاکید قرار داده که بعید است چنین وعده‌ای برای مدت زیادی خرسندی مقامات پیونگ یانگ را جلب کند.
سفیر سابق سنگاپور در روسیه و سازمان ملل یادآور شده است، 70 سال نفرت و دشمنی با برگزاری یک نشست سران، از بین نخواهد رفت. اکنون لازم است گامهای اساسی از سوی هر دو طرف برداشته شود و باید دید روند اوضاع در آینده به چه صورت پیش خواهد رفت. نکته مهم آن است که مانورهای نظامی مشترک آمریکا و کره جنوبی تا زمانی که روند مذاکرات به بن بست نرسیده باشد، متوقف خواهند ماند. توقف مانورهای نظامی نه تنها رضایت کره شمالی، بلکه ازخواسته‌های دیرین روسیه و چین بوده است.
ضمن اینکه در مسکو و پکن نیز از نتیجه نشست سران در سنگاپور استقبال کردند. "وانگ ایی" وزیر خارجه چین این دیدار را بسیار ارزشمند ارزیابی کرده و نظریه امکان آغاز تجدیدنظر در مورد تحریمها علیه کره شمالی را نیز خوش بینانه نامید. "سرگئی ریابکوف" معاون وزیر خارجه روسیه نیز یادآور شد که مسکو تجربه زیادی در زمینه نابودسازی تسلیحات هسته‌ای دارد و حاضر است در صورت ضرورت به کره شمالی کمک لازم را ارائه دهد.

منافع روسیه از نشست رهبران آمریکا و کره شمالی

رسانه‌های روسی با اشاره به اهمیت برگزاری نشست سران سنگاپور، نتیجه این دیدار را بیشتر برای کره شمالی مثبت ارزیابی کرده و در عین حال رضایت روسیه و چین از نتیجه این ملاقات و منافع آن را بررسی کردند.
به گزارش مشرق، نشست روز سه شنبه "دونالد ترامپ" رئیس جمهوری آمریکا و "کیم جونگ اون" رهبر کره شمالی در سنگاپور با امضای بیانیه مشترکی در مورد نابودی کامل و غیرقابل بازگشت توان نظامی-هسته‌ای کره شمالی در ازای تضمین امنیتی از سوی آمریکا به پایان رسید. این سند در سایت رسمی کاخ سفید منتشر شده است.
آمریکا و کره شمالی همچنین متعهد شده‌اند تا امکان نشست وزرای امور خارجه دو کشور به منظور بررسی راههای تحقق توافقات صورت گرفته در نشست سران را فراهم سازنند.

روزنامه «گازیتا.رو» روسیه در این باره نوشته است: نشست تاریخی رهبران آمریکا و کره شمالی بالاخره در سنگاپور انجام گرفت. البته هنوز زود است نتیجه گیری مشخصی در مورد توافقات صورت گرفته ومکانیزم اجرای آن انجام شود. کارشناسان تردید دارند که نتیجه عملی و مشخصی از این نشست به دست آید.
"استیون پایفر" کارشناس سابق موسسه بروکلین ومعاون وزیر خارجه آمریکا در دولت بیل کلینتون در گفت‌وگو با این روزنامه یادآور شد که ملاقات صورت گرفته در سنگاپور را می‌توان حداقل خبر خوبی برای رهبر کره شمالی دانست برای اینکه او موفق شد به این هدف دست یابد که طرف آمریکایی از برگزاری مانورهای نظامی در خاک کره جنوبی دست بردارد. ولی نمی‌توان چنین نتیجه خوبی را برای طرف آمریکایی و برای شخص ترامپ در نظر گرفت. کیم متعهد شده تا در راه غیرهسته‌ای شدن کره شمالی فعالیت کند، ولی مسئله این است که آیا او گام‌های واقعی در این جهت گیری برخواهد داشت؟ در این رابطه تردیدهایی وجود دارد. باید به یاد داشته باشیم که کره شمالی پیش از این از روند مذاکرات در مورد برنامه هسته‌ای این کشور خارج شد.
البته کارشناسان اهمیت دیدار صورت گرفته را کم ارزش نمی دانند. "ویلیام پری" وزیر دفاع سابق آمریکا معتقد است که اکنون می توان تاحدودی به عدم بروز درگیری نظامی جدیدی در شبه جزیره کره امیدوار بود، برای اینکه در صورت بروز چنین جنگی، حداقل 10 میلیون نفر کشته می‌شدند. مسئله این است که پیونگ یانگ دارای سلاح هسته‌ای بوده و بارها آزمایشات مختلفی در این زمینه انجام داده و می‌توانست تهدید جدی باشد.
"ویچسلاو کانتور" رئیس اجلاس بین المللی تاکید کرده است: «تنها 6 ماه گذشته، ما شاهد وخامت اوضاع بین روسیه، آمریکا و چین بودیم. رویارویی نظامی ورقابت در مناطق اروپای شرقی، در خاورمیانه، غرب اقیانوس آرام و در مناطق قطبی افزایش یافته است. بنابراین تحقق این دیدار خود می‌تواند نتیجه مثبتی بر اوضاع جهانی داشته باشد.»

ادامه مذاکرات طرفین در راستای تحقق توافقات اهمیت بیشتری دارد

به عقیده کارشناسان، مذاکرات بین ترامپ و کیم، تنها بخشی از روند حل و فصل مناقشه در شبه جزیره کره است، هرچند ادامه مذاکرات بین دو کشور دارای اهمیت بیشتری دارد، چرا که دقیقا در سایه آنها باید در مورد جزییات پیچیده به توافق رسید.
علاوه بر این، نباید اقدامات آمریکا در راستای توقف برنامه هسته‌ای کره شمالی را به منزله پایان مشکلات در عرصه بازدارندگی هسته‌ای دانست.
کانتور یادآور شد: «رژیم کنترل بر تسلیحات هسته‌ای در حال تضعیف شدن است. پیمان مربوط به نابودی موشک‌های دارای برد کوتاه و متوسط به خاطر ادعای متقابل روسیه و آمریکا، در معرض خطر قرار دارد. ضمن اینکه خطر ازسرگیری مسابقه تسلیحاتی بین مسکو و واشنگتن و همچنین امکان عدم اجرای توافقات پیرامون غیر.. شدن کره شمالی نیز وجود دارد.»
به عقیده وی، مشکل ترین وضعیت در حال حاضر نامشخص بودن سرنوشت توافق هسته‌ای با ایران، بعد از خروج آمریکا از برجام است. ضمن اینکه دقیقا این وضعیت، یکی از عوامل اساسی تاثیرگذار نه تنها بر روند اوضاع در خاورمیانه، بلکه در روابط آمریکا با طرفین اروپایی شرکت کننده در برجام است.

روسیه از نشست ترامپ-کیم منافع اقتصادی خواهد برد

روزنامه اینترنتی «وزگلیاد» نیز نوشت: دیدار تاریخی دونالد ترامپ و کیم جونگ اون منجر به توافقات بسیار مهمی بین دو طرف شد که مهمترین آن خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی در ازای تضمین امنیتی از سوی آمریکاست. از چنین توافقی نقش آفرینان منطقه، از جمله روسیه، می‌توانند منافع زیادی حاصل کنند.
"کنستانتین آسمولوف" کارشناس مسائل کره معتقد است که ماهیت اصلی توافقات طرفین هنوز مشخص نیست، برای اینکه هیچیک از دو کشور تعهد مشخصی را برعهده نگرفته است. تحقق توافقات کلی صورت گرفته نیز نیازمند تلاش و زمان زیادی است که در مجموع باید تاثیر مثبتی بر جو حاکم بر شبه جزیه کره بگذارد.
به گفته وی، البته همینکه رهبران دو کشور بر سر میز مذاکره نشستند، با یکدیگر صحبت نموده و توافقنامه پایانی را امضاء کردند، خود دستاورد بسیار مهمی است. بنابراین برگزاری نشست سران را باید گام نخست در راستای حل و فصل شدن مناقشه کره شمالی دانست. ضمن اینکه به نظر میرسد رهبران هر دو کشور از نتیجه این دیدار رضایت داشتند.

یک مشکل بزرگ بین المللی در نزدیکی مرزهای روسیه از بین می‌رود

"کیم یم اون" کارشناس مرکز تحقیقاتی کره در موسسه خاور دور آکادمی علوم روسیه نیز در گفت‌وگو با این روزنامه، به اهمیت نشست سران سنگاپور برای روسیه اشاره کرده و گفت: «نتیجه این دیدار نشان داد که کره شمالی کشوری مستقل باقی می ماند و آمریکا امنیت آن را تضمین خواهد کرد. بدین ترتیب در نزدیکی مرزهای روسیه، یکی از بزرگترین مشکلات بین المللی که 70 سال حل نشده باقی مانده بود، حل و فصل شده و خطر بروز یک درگیری نظامی واقعی در منطقه از بین رفته است.»
به عقیده این کارشناس، در صورت عادی شدن واقعی روابط بین آمریکا و کره شمالی،روابط پیونگ یانگ و سئول نیز تقویت می شود، راه آهن شمال-جنوب در شبه جزیره کره می تواند به یکدیگر متصل گردد. گذشته از آن، دیگر هیچ مانعی برای اجرای طرح ساخت خط لوله گاز روسیه به کره جنوبی وجود نخواهد داشت. بدین ترتیب انتقال گاز طبیعی روسیه به کره جنوبی، 40 درصد ارزانتر تمام خواهد شد.
وی افزود: «یکی شدن خطوط راه آهن و ایجاد خط لوله دهها میلیارد دلار سود در پی خواهد داشت، ضمن اینکه به روسیه این امکان را می دهد تا حضور اقتصادی بیشتری در کره شمالی و جنوبی داشته باشد.»

منبع: تسنیم

فیلمی که ترامپ به رهبر کره شمالی نشان داد چه بود؟

رئیس جمهور آمریکا در جریان دیدار با رهبر کره شمالی فیلمی کوتاه به وی نشان داده است.
به گزارش مشرق به نقل از یورونیوز، دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا می‌گوید در جریان دیدار با کیم جونگ-اون رهبر کرهٔ شمالی، زمان کافی در اختیار نداشته است تا موضوعاتی مانند تضمین اینکه خلع سلاح کرهٔ شمالی باید «قابل تایید و غیرقابل برگشت» باشد را در توافق‌نامه لحاظ کند یا دربارهٔ صلح این کشور با کرهٔ جنوبی سخن بگوید.
او در پاسخ به پرسش خبرنگاران که چرا در پیمانی که به امضای دو رهبر رسیده است چنین جزئیاتی دیده نمی‌شود، پاسخ داد: «من فقط یک روز آنجا بودم.»



با این وجود او این فرصت را داشته است تا در جریان این دیدار کوتاه، فیلمی چهار دقیقه‌ای را به کیم جونگ-اون و همکارانش روی یک آی‌پد نشان دهد. فیلمی که به سبک فیلم‌های هالیوود صداگذاری شده است و این عنوان را دارد: «دو مرد، دو رهبر، یک سرنوشت.»
موضوع این فلیم، آینده بالقوهٔ کرهٔ شمالی و جهان در صورت به توافق رسیدن پیونگ‌یانگ و واشنگتن است.
دونالد ترامپ بعدها پس از اینکه این فیلم برای خبرنگاران نیز به نمایش درآمد اعلام کرد: «فکر می‌کنم او این فیلم را دوست داشت.»
ترامپ همچنین در پاسخ به این سوال خبرنگاران که آیا نگران نیست که ممکن است این ویدئو، که نشان می‌دهد ترامپ و کیم برای آیندهٔ جهان تصمیم می‌گیرند، از نظر دیگران یک فیلم تبلیغاتی محسوب شود، پاسخ داد که «به هیچ وجه» در این باره نگران نیست.
منبع: تسنیم
تحلیل نشریه «تایم» از نتیجه دیدار تاریخی ترامپ و کیم جونگ اون؛

رهبر جوان کره شمالی به پیروزی تبلیغاتی بزرگی دست یافت / «برند» کره شمالی از این پس تغییر می‌کند / این کشور اکنون به یک بازیگر «عاقل و مورد احترام» تبدیل شده / معلوم نیست توافق دو طرف پایدار بماند؛ پیونگ یانگ همچنان از داشتن سلاح اتمی لذت خواهد برد / کیم جونگ اون می‌تواند تا زمانی که ترامپ قطار را از ریل خارج کند، به بازی در این نقش ادامه دهد

پس از نشست سنگاپور ، به سرعت برند کره شمالی تغییر پیدا می کند. تنها در چند ماه گذشته برند کره شمالی با بدترین و تهدید آمیزترین مفاهیم برای ثبات جهانی مترادف بود که بیشتر با عناوین نقض حقوق بشر، چشم انداز جنگ اتمی و حملات سایبری واناکرای معرفی می شد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



نشریه تایم در تحلیلی به قلم برت بروئن نوشت: پس از نشست سنگاپور ، به سرعت برند کره شمالی تغییر پیدا می کند. تنها در چند ماه گذشته برند کره شمالی با بدترین و تهدید آمیزترین مفاهیم برای ثبات جهانی مترادف بود که بیشتر با عناوین نقض حقوق بشر، چشم انداز جنگ اتمی و حملات سایبری واناکرای معرفی می شد.

به گزارش «انتخاب»، در ادامه این تحلیل آمده است: یکی از مجموعه تحولات مهم و قابل توجه این است که رهبران یک کشور چگونه در صحنه جهانی دیده می شوند. نویسنده بر این تاکید دارد که کیم جونگ اون رهبر کره شمالی در زمره گروه بسیار کوچکی از رهبران جهانی است که نحوه تعامل موثر و درست با پرزیدنت ترامپ را متوجه شده است. اکنون یکی از بزرگترین تهدیدهای جهانی به چراغ صلح و ثبات تبدیل شده است. سخنان و اظهارات سنجیده و منطقی کیم جونگ اون توجهات جهانی را به خود جلب کرده و به عنوان یک شخصیت زیرک، پیچیده و تا حدودی جذاب مطرح شده است. رهبر جوان کره شمالی با نشستن در کنار پرزیدنت آمریکا به پیروزی تبلیغاتی بزرگی دست یافته است. از مهم ترین دستاوردهای نشست سنگاپور تصاویر دوستانه و اظهارات خوب هر دو مقامات است که این نشست به طور قابل توجهی برند کره شمالی را تقویت کرده است. آن ها از این طریق ورود مشروط به جامعه بین المللی مورد احترام ملت ها را کسب کرده اند و اگر چه تحریم ها به سرعت برداشته نمی شوند اما امتیازات آن ها در بسیاری از اجتماعات بین الملل و موسسات معتبر جهانی احیاء خواهد شد.

نویسنده با توجه به رویکرد ترامپ نسبت به توافقات بین المللی دیگر از جمله توافق پاریس، پیمان ترانس پاسیفیک و توافق هسته ای ایران بر این تاکید دارد که دوام و پایداری این توافق سوال برانگیز است. با وجود نشست های مثبت بین ترامپ و رهبران جهانی مانند جاستین ترودا (نخست وزیر کانادا) و امانوئل مکرون (رئیس جمهور فرانسه) ؛ اما در نهایت عمر این توافقات کوتاه بود. چرا کره شمالی بر این باور باشد که توافق مبهم آن ها پایدار بماند؟ پایدارترین نتیجه نشست سنگاپور ارتقای تصویر و وجهه جهانی کره شمالی است. این کشور اکنون به عنوان بازیگر عاقل و مورد احترام در عرصه جهانی پذیرفته شده است. به احتمال زیاد کره شمالی در وضعیتی و جایگاهی که همچنان از سلاح اتمی خود برخوردار است لذت خواهد برد. تعقیب دیپلماسی تاکتیک هوشمندانه کیم است و او می تواند تا زمانی که ترامپ قطار را از ریل خارج کند به بازی کردن این نقش ادامه دهد.

کره شمالی با برخورداری از توانمندی هسته ای در مقابل مداخلات کشورهای خارجی به یک بازدارندگی قابل توجهی

دست پیدا کرده است. این کشور با وجود سلاح های قدرتمند هنوز تا حد زیادی فاقد مشروعیت داخلی و خارجی است. اما ترامپ با این اقدام مسیر دستیابی این کشور به اهداف دیگرش را فراهم کرده است. صرف نظر از این که آمریکا به اهداف خود دست پیدا می کند یا خیر، اما کیم جونگ اون توانسته بر مهم ترین ضعف خود در تسلط بر قدرت غالب شود. با خروج آمریکا از توافق پاریس؛ پیمان ترانس پاسیفیک و برجام؛ همچنان اعضای باقی مانده درصدد تداوم این توافقات بدون حضور آمریکا هستند. کیم جونگ اون باید به ادامه ایجاد یک برند نسبتا معتبر برای خود و کشورش ادامه دهد. او ممکن است قادر به یافتن راه‌حل پایدار با کشورهای دیگر حتی بدون رئیس‌جمهور ترامپ باشد.

ترامپ: اکر توهین‌ها با «کیم جونگ اون» رد و بدل نمی‌شد، به این جا نمی‌رسیدیم!

ترامپ گفت: می‌دانید، ما تحریم اعمال کردیم و هر آنچه از دستمان برمی‌آمد، انجام دادیم. اما گمان می‌کنم بدون تهدید به جایی نمی‌رسیدیم؛ نمی‌خواهم خیلی روی آن دقیق شوم اما دولت‌های دیگر نتوانستند چون سیاست سکوت داشتند. اگر حرف خیلی بدی زدند، حرفی که خیلی تهدیدآمیز و وحشتناک بود، شما پاسخی ندهید. این جوابگو نیست، این کاری نیست که شما باید انجام دهید.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

رئیس‌جمهوری آمریکا تاکید کرد، توهین‌ها به کره‌شمالی برای سرعت دادن به روند حضور آنها در پای میز مذاکره "حیاتی" بود.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در مصاحبه با سی‌ان‌ان که سه‌شنبه شب منتشر شد، گفت: معتقدم بدون توهین، ما به اینجا نمی‌رسیدیم. من واقعا به این معتقدم. خب می‌دانید، ما تحریم اعمال کردیم و هر آنچه از دستمان برمی‌آمد، انجام دادیم. اما گمان می‌کنم بدون تهدید به جایی نمی‌رسیدیم؛ نمی‌خواهم خیلی روی آن دقیق شوم اما دولت‌های دیگر نتوانستند چون سیاست سکوت داشتند. اگر حرف خیلی بدی زدند، حرفی که خیلی تهدیدآمیز و وحشتناک بود، شما پاسخی ندهید. این جوابگو نیست، این کاری نیست که شما باید انجام دهید.

سپتامبر ۲۰۱۷ ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل به کره‌شمالی درباره اقتدار آمریکا هشدار داد. او گفت: مرد راکتی در عملیات انتحاری برای خودش است.

رئیس‌جمهوری آمریکا و کیم جونگ اون به ارسال پیام‌های تهدیدآمیز و توهین و فحاشی متقابل ادامه دادند اما ترامپ سه‌شنبه گفت که از نظر او لفاظی تند و پرخاشجویانه توانست احترام همتای او از کره‌شمالی را جلب کند!

ترامپ در ادامه مصاحبه‌اش گفت: از انجام این کار نفرت دارم و گاهی از انجام آن احساس حماقت می‌کردم اما هیچ چاره‌ای نداشتم.

او به سی‌ان‌ان گفت که معتقد است روابط اکنون "بسیار خوب" است.

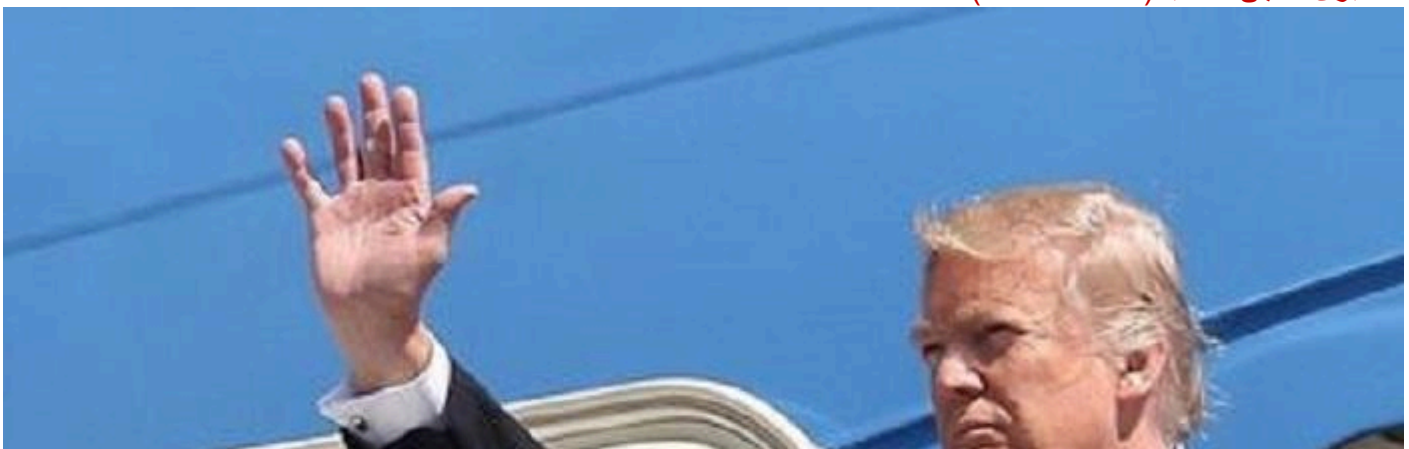
ترامپ افزود: قبلا هم درباره این رابطه و حس صحبت کردم. خب ما از همان ابتدا حس خوبی داشتیم و ما توانستیم کار بسیار مهمی را انجام دهیم.

منبع: ایسنا

ترامپ: تهدید اتمی کره شمالی دیگر وجود ندارد/ اکنون همه احساس امنیت بیشتری دارند/ اوباما می‌تواند امشب راحت بخوابد

رئیس‌جمهور آمریکا گفت: تهدید اتمی کره شمالی دیگر وجود ندارد. دیدار با کیم جونگ اون تجربه‌ای جالب و بسیار مثبت بود. کره شمالی پتانسیل عظیمی برای آینده دارد. «قبل از اینکه به منصب (ریاست جمهوری) برسم، مردم فکر می‌کردند که ما در آستانه جنگ با کره شمالی هستیم. رئیس‌جمهور اوباما گفت که کره شمالی بزرگترین و خطرناک‌ترین مشکل ما است. دیگر این چنین نیست. امشب خوب و آسوده بخوابید».

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



رئیس‌جمهور آمریکا پس از بازگشت از سفرش به سنگاپور و امضای سند مشترک بین او و کیم جونگ اون، مدعی شده که «تهدید اتمی کره شمالی دیگر وجود ندارد».
به گزارش فارس، رئیس‌جمهور آمریکا بلافاصله پس از بازگشت به واشنگتن از سفر سه روزه خود به سنگاپور و دیدار با رهبر کره شمالی، درباره برنامه اتمی این کشور اظهارنظری جنجالی کرد.
هواپیمای حامل دونالد ترامپ، دقایقی قبل وارد واشنگتن شد تا سفر 6 روزه او به کانادا و سنگاپور پایان یابد؛ سفری که با شرکت در نشست جنجالی گروه 7 در کانادا شروع شد و به دیدار با رهبر کره شمالی ختم شد.
رئیس‌جمهور آمریکا در حالی وارد واشنگتن شد که خبرنگاران حاضر در فرودگاه با صدای بلند از او درباره سفرش سوال می‌کردند.
ترامپ در پاسخ به آنها یک جمله معنادار گفت: «سه روز عالی داشتم».
بسیاری از خبرنگاران آمریکایی در شبکه‌های اجتماعی، تاکید ترامپ بر این سه روز را تاییدی بر نشست جنجالی او در کانادا و خرسندی او از حضور در سنگاپور خواندند.
رئیس‌جمهور آمریکا بلافاصله و همزمان با ورودش به واشنگتن، درباره کره شمالی توئیت هم کرد.
او نوشت: «اکنون همه احساس امنیت بیشتری دارند. تهدید اتمی کره شمالی دیگر وجود ندارد. دیدار با کیم جونگ اون تجربه‌ای جالب و بسیار مثبت بود. کره شمالی پتانسیل عظیمی برای آینده دارد».
وی افزود: «قبل از اینکه به منصب (ریاست جمهوری) برسم، مردم فکر می‌کردند که ما در آستانه جنگ با کره شمالی هستیم. رئیس‌جمهور اوباما گفت که کره شمالی بزرگترین و خطرناک‌ترین مشکل ما است. دیگر این چنین نیست. امشب خوب و آسوده بخوابید».

انتفاع ۹۵۰۰ میلیارد تومانی دولت از افزایش نرخ ارز در سال ۹۶ /هزینه‌های جاری با گرانی دلار جبران شد

عضو کمیسیون برنامه و بودجه با بیان اینکه، بنا به گزارش نهادهای نظارتی در پایان سال ۹۶ دولت حدود ۹۵۰۰ میلیارد تومان از افزایش قیمت ارز منتفع شده است، گفت: نمی‌شود دولت را مقصر افزایش قیمت ارز دانست اما این افزایش درآمد در بودجه جاری صرف شده است.



محمد حسینی در گفتگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم؛ با اشاره به درآمدی حدود 9 هزار و 500 میلیارد تومان از ما به التفاوت نرخ ارز مبادله ای، گفت: از نوسانات ارز 9 هزار و 500 میلیارد درآمد مازاد ایجاد شد که با توجه به اینکه ارز در ید و اختیار دولت بوده و با قیمت بالاتر فروخته شده باید در سرجمع درآمدهای نفتی طبقه بندی می شد؛ اما دولت آن را در ردیف درآمد متفرقه طبقه بندی و استفاده کرده است.

وی با بیان اینکه، بر اساس گزارش نهادهای نظارتی در پایان سال 96 دولت حدود 9500 میلیارد تومان از افزایش قیمت ارز منتفع شده است، گفت: نمی‌شود دولت را مقصر افزایش قیمت ارز دانست اما به هر حال این افزایش درآمد در بودجه جاری وجبران هزینه‌ها صرف شده است.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفت: نرخ تسعیر ارز در بودجه سال قبل 3500 تومان ذکر شده بود، هر چه قدر دولت و بانک مرکزی در مقاطع مختلف ارز را با نرخ بالاتری تحت عنوان ارز مداخله ای یا مبادله ای فروخته باشند درامد بیشتری کسب کرده اند. در نهایت در پایان سال 96 و همزمان با اوج بحران ارزی اخیر، دولت توانست 9.5 هزار میلیارد تومان از محل افزایش قیمت ارز منتفع شود.

وی افزود، این افزایش درامد در ردیفهای متفرقه جاری، برای جبران هزینه‌های مربوط به حقوق و مزایای کارکنان و همچنین هزینه های اجتناب ناپذیر مصرف شده است.

به گفته حسینی، این افزایش درآمد درگزارشهای سازمان برنامه و بودجه، خزانه داری کشور و همچنین دیوان محاسبات از عملکرد بودجه سال 96 ذکر شده است.

خلاصه اینکه: حکومت ایران با افزایش دستي قیمت دلار و کاهش ارزملي ایران (یعني سرقت از جیب مردم بیجاره ایران) کسري بودجه را تامین کرد

از حکومت سارق جیب ملت؛ مي خواهیم که هر وقت کسري داشت رسما از مردم بخواهد بقدر کسري بودجه به او باج بدهند ؛ اما ارزملي را کاهش نداده و نقدینه مردم را ندزدد

مردم به رسم زمان قدیم و باج دادن به حکام؛ به این ها هم باج مي دهند ضرر مي کنند اما ارزش پولشان از دست نمي رود

آیت‌الله سیستانی در دیدار با اردوغان و داوداوغلو و تاکید برحمایت عراقیها از عثمانیها دربرابر انکلیسیها، از ترکیه خواستار نبستن آب دجله و فرات شدند



شفقنا- به گزارش شفقنا، در واکنش به خبر احداث سد در ترکیه بر روی رود دجله، «حامد الخفاف» نماینده‌ی حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی در لبنان در یادداشتی نوشت:

روز سه‌شنبه ۲۹ مارس ۲۰۱۱، حضرت آیت‌الله سیستانی «رجب طیب اردوغان» نخست‌وزیر وقت ترکیه را به حضور پذیرفتند، و مسائل بسیاری در این دیدار مطرح شد، که از جمله‌ی آنها مشکل کمبود آب در عراق بود که حضرت سید با مهمان ترک خود مطرح کردند و از او خواستند که ترکیه را از اقداماتی که باعث کمبود سهمیه‌ی آب در عراق می‌شود بازدارد.

اردوغان گفت: «این سوریه است که مقدار آب در رود فرات را کنترل می‌کند و ما هم به مقدار کافی آب در این رود راه می‌دهیم»، و درصدی را در این باره ذکر کرد.

حضرت سید گفتند: «مشکل فقط در رود فرات نیست، بلکه مشکل در رود دجله هم هست! این رود از مرز ترکیه و سوریه عبور می‌کند، و ظاهرا توافقاتی بین سوریه و ترکیه صورت گرفته است که پروژه‌هایی را روی این رود اجرا کنند که بر سهمیه‌ی آب در منطقه‌ی عراق تاثیر منفی می‌گذارد.»

و اردوغان وعده داد که این موضوع را پیگیری کند.

در روز دوشنبه ۱۱ نوامبر ۲۰۱۳، «احمد داود اغلو» وزیر وقت امور خارجه‌ی ترکیه به زیارت

حضرت آقای سیستانی آمد، و ایشان در این دیدار یادآور شدند که عراق و ترکیه تاریخ مشترک گسترده‌ای دارند، و در جنگ جهانی اول، علمای نجف فتوا دادند که جنگ در کنار عثمانی‌ها و بر ضد انگلیسی‌ها واجب است، و جنگ‌های بزرگی در گرفت که در آن خون عراقی‌ها با خون ترک‌ها در آمیخت.

در این لحظه داود اغلو اظهار داشت: «این درست است، و نجف شهر مقدسی برای ماست که به آن افتخار می‌کنیم...»

حضرت سید سخن او را قطع کردند و گفتند: «تاریخ مشترک فقط مربوط به نجف نیست و بلکه مربوط به کل عراق است، و من این مسئله را به عنوان مقدمه‌ای برای موضوعی دیگر مطرح کردم، و آن اینکه: عراق از گذشته بخاطر فراوانی آب در دجله و فرات به سرزمین بین‌النهرین معروف بوده است، و هم‌اکنون عراقی‌ها از خشکسالی می‌ترسند، و اینکه سرزمینشان در آینده به منطقه‌ای لم‌یزرع تبدیل شود و دو رود آن بخشکد! و این به خاطر پروژه‌های سدی است که ترکیه قصد اجرای آن را دارد، و این به مصلحت تاریخ مشترک بین دو کشور نیست».

ایشان درباره‌ی این مسئله بیشتر صحبت کردند و بر اهمیت آن برای ملت عراق تاکید کردند حتی با این وجود که حکومت عراق به اندازه‌ی کافی به آن اهتمام نشان نمی‌دهد، و تاکید کردند که ضرورت دارد ترکیه آب مورد نیاز عراق را تامین کند و اینکه بر اساس مکانیزم‌های همکاری دوجانبه نسبت به این ضرورت اتفاق نظر وجود دارد، و اگر لازم است مشکل بین دو کشور بر سر رودهای مشترک بر اساس قوانین روابط بین‌الملل رسیدگی شود.

و حضرت آقا اشاره کردند که ترکیه قصد دارد یک سد بر روی رود دجله تاسیس کند و اینکه باعث کمبود آب در عراق می‌شود، و وزیر ترک گفت: «طبق اطلاعات من سدی بر روی رود دجله وجود ندارد، و فقط بر روی رود فرات وجود دارد.»

حضرت آقا بر نظر خود پافشاری کردند و اینکه از مدتی پیش در مورد این مسئله چیزهایی خوانده‌اند، و در این لحظه یکی از اعضای گروه همراه با وزیر وارد گفتگو شد و گت: «در حال حاضر پروژه‌ای برای تاسیس سد بر روی رود دجله در نزدیکی مرز سوریه و ترکیه در دست اقدام است».

و داود اغلو وعده داد که این موضوع را با حکومت عراق پیگیری کند.

و مسئله‌ی آب اکثر وقت ملاقات او با حضرت سید را به خود اختصاص داد.

شایان ذکر است که سد مورد اشاره‌ی حضرت سید همان سد «إلیسو» است و یک سد مصنوعی بسیار عظیم بر روی رود دجله است که از سال ۲۰۰۶ در دست احداث بوده است، و در نزدیکی روستای الیسو و در امتداد مرز ترکیه در استان ماردین و شرناق قرار دارد. این سد اخیرا تکمیل شده است و پیش‌بینی می‌شود عراق را از نیمی از سهمیه‌ی آبی خود محروم کند.

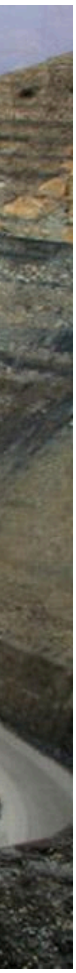
منبع: کتابات - ترجمه: شفقنا

سفیر ترکیه در عراق: درمورد آب دجله به عراق ضمانت داده ایم

Ilısu Barajı ve HES

شفقنا- فاتح یلدیز سفیر ترکیه در عراق اعلام کرد که با آغاز آبگیری سد ایلیسو جریان آب رودخانه دجله به سمت عراق قطع نخواهد شد چرا که کشورش در این زمینه به عراق ضمانت داده است. یلدیز طی نشست خبری در ساختمان سفارت ترکیه در بغداد با بیان اینکه یک ماه پیش در مورد چگونگی آبگیری سد ایلیسو از اول ژوئن(۱۱ خرداد ۹۷) تا اول نوامبر(۱۰ آبان ۹۷) توافق لازم با مقامات عراقی به عمل آمده است، افزود: مساله آب به موضوعی برای همکاری بیشتر آنکارا و بغداد تبدیل

شده است.
به گزارش شفقنا به نقل از ایرنا، وی با تاکید بر لزوم ادامه جریان آب رود دجله به سمت عراق گفت: آغاز آبگیری سد ایلیسو به معنی قطع کامل جریان آب دجله به سمت عراق نیست و در این زمینه بر اساس توافق دوجانبه اقدام شده و جریان آب قطع نمی شود.



وی با ادعای این که 'بخش مهمی از آب رود دجله هم اکنون نیز به سمت عراق جریان دارد' بیان کرد: ترکیه بدون مشورت با کشورهای همسایه در مورد سد ایلیسو اقدامی انجام نمی دهد چرا که معتقدیم آب رود دجله به تمامی کشورهای حوزه آبریز این رودخانه تعلق دارد و آنکارا همواره با اجتناب از اقدامات یک جانبه، همکاری لازم را در این مورد داشته است.
سفیر ترکیه در بغداد با اشاره به این که موضوع پایان ساخت سد ایلیسو و آغاز آبگیری آن در سفر سال گذشته حیدر العبادی نخست وزیر عراق به ترکیه به وی اعلام شده است، اظهار کرد: به طور معمول آبگیری سدها در بهار و پاییز صورت می گیرد اما ترکیه به رغم احتیاج به آب این سد، به درخواست مقامات عراقی آبگیری در سد را به تاخیر انداخته است.
یلدیز همچنین هدف اصلی از ساخت سد ایلیسو را تولید برق عنوان کرد و ادامه داد: از آب ذخیره شده در پشت سد ایلیسو برای تولید برق استفاده خواهد شد.
سفیر ترکیه در عراق همچنین با اشاره به کاهش عمومی میزان آب رود دجله در پی خشکسالی های اخیر افزود: مرتبط ساختن کاهش دبی رود دجله به آغاز روند آبگیری سد ایلیسو که تازه از اول ژوئن یعنی روز جمعه شروع شده، چندان منطقی نیست.
وی اعلام کرد: آبگیری کامل سد ایلیسو تنها یک سال به طول خواهد انجامید و پس از یکسال سطح آب پشت سد برای تولید برق کافی خواهد بود و جریان آب به روال قبلی باز خواهد گشت.
به گزارش ایرنا، آبگیری سد ایلیسو ترکیه که با هدف دو منظوره تولید انرژی برق و ذخیره و مدیریت آب بر روی رودخانه دجله در جنوب ترکیه ساخت شده، از اول ماه جاری میلادی(۱۱ خرداد ۹۷)

آغاز شده است.
سد ایلیسو به عنوان دومین سد بزرگ ترکیه که بر روی رودخانه دجله و در حد فاصل استان ماردین و شیرناک ساخته شده، از نظر ذخیره آب، دومین و از نظر ظرفیت نیروگاهی چهارمین سد بزرگ ترکیه به شمار می رود.
بنا به اعلام خبرگزاری آناتولی نصب ۶ واحد ژانراتور این سد انجام شده و پس از آن آبگیری سد آغاز شده است.
احداث این سد که از سال ۲۰۰۶ آغاز شده و ظرفیتی معادل ۱۰.۶ میلیارد متر مکعب گنجایش(سه برابر بزرگترین سد ایرانی یعنی کرخه) دارد، قرار بود در سال ۲۰۱۹(یکسال دیگر) به اتمام برسد ولی ساخت این سد پیش از موعد مقرر آن به پایان رسیده است.
'حسن الجنابی' وزیر منابع آب عراق چند ماه پیش طی یادداشتی در صفحه شخصی خود در فیسبوک نوشت که مسوولان ترکیه به مقامات عراقی اطلاع داده اند که آبگیری سد ایلیسو ترکیه در مارس سال ۲۰۱۸ شروع می شود و انتظار می رود که این اقدام تبعات کم آبی را برای عراق به دنبال داشته باشد.
ایلیسو بعد از سد آتاتورک با ۴۹ میلیارد متر مکعب گنجایش(معادل تمام ۶۵۰ سد ایرانی) که در ۱۹۹۲ بر روی رودخانه فرات احداث شد، دومین سد بزرگ ترکیه و از جمله سدهای بزرگ جهان به شمار می رود.
مقامات ترکیه اعلام کرده اند که سد ایلیسو از نظر قابلیت نیروگاهی نصب شده با یکهزار و ۲۰۰ مگاوات ظرفیت تولید برق، معادل ۱۰ درصد برق مصرفی ترکیه را تامین خواهد کرد و نیز با تولید سالانه چهار میلیارد و ۱۲۰ میلیون کیلووات ساعت برق، چهارمین سد بزرگ ترکیه بعد از سدهای آتاتورک، کبان و کاراکایا به شمار می رود.
ارتفاع این سد از کف رودخانه ۱۳۵ متر است و با ۱۰.۶ میلیارد متر مکعب حجم مخزن، بزرگترین سد احداث شده بر روی رودخانه دجله محسوب می شود که با رویه بتنی و بدنه و هسته خاکی و با ۲۳.۷ میلیون متر مکعب خاکریزی و بتن ریزی احداث شده است.
دریاچه سد ایلیسو بعد از آبگیری کامل در شاخه های متعدد بین ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر طول خواهد داشت و از بابت میزان انرژی تولیدی، سالانه ۱.۳ میلیارد لیره(حدود ۳۷۰ میلیون لیره) درآمد نصیب ترکیه خواهد کرد.
برای احداث این سد بیش از هفت میلیارد لیره(حدود ۲ میلیارد دلار)، برای حفظ آثار تاریخی واقع شده در محدوده این سد ۳۵۰ میلیون لیره(۱۰۰ میلیون دلار) و برای خرید اراضی، انتقال و اسکان اهالی نیز بیش از ۲ میلیارد و ۷۵۰ میلیون لیره(۷۸۵ میلیون دلار) هزینه شده است.
این سد بیش از ۱۲۱ هزار هکتار از اراضی دیم در حوزه پایاب در شهرستان های نصیبین، جزیره، ایدیل و سیلوپی ترکیه را به اراضی آبی مدرن تبدیل خواهد کرد.

بحران آب بین ترکیه و عراق و جو سازی رسانه ای علیه ایران

شفقنا- بحران اخیر آب بین عراق و ترکیه، جفاکاری هایی را که در منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران می شود و برخی جریان های داخلی عراق نیز از آن دنباله روی می کنند نمایان کرد تا جایی که واکنش انتقادی و طنزگونه عراقی ها به این گونه برخوردهای دوگانه را سبب شد.
به گزارش شفقنا به نقل از ایرنا، همزمان با پایین آمدن شدید آب رودخانه دجله در نتیجه شروع آبگیری سد ایلیسو ترکیه، بسیاری از فعالان سیاسی و کاربران عراقی در شبکه های اجتماعی سکوت

مقامات و شخصیت های این کشور در قبال این اقدام ترکیه را به باد انتقاد گرفته اند.
به باور فعالان عراقی، بسیاری از جریان های داخلی و حتی دولت های منطقه و جهان که در موارد بسیار کم اهمیت تر واکنش های جدی از خود بروز می دهند با گذشت چند روز از کاهش شدید آب دجله و جدی تر شدن خطر بی آبی عراق، همچنان مهر سکوت بر لب دارند.
سکوت در برابر جفایی که این بار نیز بدون هیچ دلیل موجهی در حق ایران صورت می گیرد، محور دیگر انتقادات فعالان عراقی از دولتمردان و احزاب سیاسی این کشور است.
به گفته آنها درحالی که منبع اصلی تامین آب دجله در عراق از داخل خاک ترکیه انجام می شود و آبگیری سد ایلیسو باعث کاهش شدید سطح آن شده است اما عده ای بی دلیل نام ایران را در کنار ترکیه قرار داده و آن را تکرار می کنند تا ذهنیت منفی علیه ایران ایجاد کنند.
یکی از انتقادهای طنزگونه از برخورد های دوگانه با جمهوری اسلامی ایران، نقشه سه کشور ایران و عراق و ترکیه است با این تفاوت که نام ایران بر روی نقشه ترکیه و نام ترکیه بر روی نقشه ایران گذاشته شده است!



کاربرانی که این نقشه را منتشر کرده اند از آن دسته از جریان ها و شخصیت های سیاسی عراقی که در هر بحرانی از زوایه انتقاد از ایران نگاه می کنند، به شکل طنز آمیزی انتقاد کرده و این نکته را یادآوری می کنند که گویی برخی ها در قضیه بحران آب، جای ترکیه را با ایران اشتباه گرفته اند!
یک تصویر طنز آمیز دیگر، ‘رجب طیب اردوغان’ رییس جمهور ترکیه را نشان می دهد که از قول او نوشته شده است: ‘برادران عراقی! من آب عراق را قطع کردم و نه ایران!’ که بازهم انتقادی تند همراه با چاشنی طنز از برخی جریان ها و رهبران سیاسی عراق است که در هر بحرانی می کوشند

به ناحق، نام ایران را مطرح کنند.
‘صلاح عبدالرزاق’ از اعضای برجسته حزب الدعوه اسلامی و رییس سابق شورای استان بغداد در همین راستا در یادداشتی کوتاه به شیوه ای طنز آمیز از برخی جریان های سیاسی عراق که نسبت به بحران قطع آب عراق توسط ترکیه، سکوت اختیار کرده اند، انتقاد کرده است.
وی نوشته است: ‘تصور کنید که اگر آب دجله از ایران سرچشمه می گرفت و ایران آب را قطع می کرد و یا اینکه ایران تا عمق ۳۵ کیلومتری اراضی عراق پیشرفت نظامی داشت، چه اتفاقی می افتاد!؟’
وی در ادامه نوشته است: بدون شک سفیر ایران در بغداد فراخوانده می شد، شورای امنیت جلسه فوق العاده تشکیل می داد و عده ای در میدان التحریر در مرکز بغداد تجمع می کردند و خواهان قطع روابط با ایران می شدند!
از طرفی ‘جاسم الحلفی’ از اعضای حزب کمونیست عراق و عضو فهرست انتخابی سائرون، از عدم اهتمام بسیاری از نمایندگان پارلمان عراق به مسئله بحران آب بین عراق و ترکیه ایراد گرفته است.
وی نوشته است که جلسه پارلمان عراق برای بررسی بحران آب با ترکیه در ۳ ژوئن گذشته به دلیل اینکه فقط ۵۰ نماینده از مجموع ۳۲۸ نماینده حضور یافته بودند، به حد نصاب نرسید.
شخصی به نام ‘فرزدق’ در کامنتی در زیر این یادداشت الحلفی نوشته است: ‘چون اغلب نمایندگان پارلمان عراق وابسته به ترکیه هستند و می ترسند احساسات اردوغان را جریحه دار کنند.’
‘احمد الذواق’ از جمله کاربران فعال در شبکه های اجتماعی نیز به طنز نوشته است که ‘تصور کنید که دجله از ایران سرچشمه می گرفت و ایران آب را به روی عراق می بست، چه اتفاقی می افتاد!؟.
در همین راستا ‘نجاح محمد علی’ تحلیلگر سیاسی عراقی در یادداشتی در توئیتراز سکوت بسیاری از جریان ها و رهبران سیاسی عراق به خاطر قطع آب دجله توسط ترکیه انتقاد کرده است.
وی به طنز خطاب به آنها نوشته است که ‘اگر به جای ترکیه، ایران در عمق ۳۵ کیلومتری مرز عراق نفوذ و پایگاه نظامی دائر می کرد و در مسیر رودهای دجله و فرات چند سد بزرگ می ساخت چه واکنشی نشان می دادید!؟’
نجاح محمد علی ادامه داده است که ‘تا به امروز هیچ صدایی از سیاسیون عراق در رابطه با گستاخی ترکیه در نیامده!!! براستی راز این سکوت چیست؟!’
یادآور می شود که ‘نوری المالکی’ رهبر فهرست ائتلاف دولت قانون و ‘سید عمار حکیم’ رهبر جریان حکمت ملی تنها دو رهبر سیاسی برجسته ای بوده اند که نسبت به قطع آب دجله توسط ترکیه در همان ساعات اولیه واکنش نشان داده اند و اغلب رهبران سیاسی دیگر سکوت اختیار کرده اند.
مقتدی صدر نیز گرچه از تظاهرات در برابر سفارتخانه ترکیه، طرفداران خود را منع کرده اما در عوض از دولت و دستگاه های ذیربط عراقی خواسته است که از طریق دیپلماسی و مذاکره، برای حل معضل آب چاره اندیشی کنند.
جالب است که همزمان با پایین آمدن آب دجله، برخی رسانه ها در شمال عراق مدعی شدند که ایران نیز آب رودخانه زاب کوچک را که از اراضی سرچشمه می گیرد، بست تا نام ایران در کنار ترکیه در قضیه بحران آب عراق مطرح شود.
این خبر کذب بعدا توسط مسوولان ایرانی تکذیب و حتی نوارهای ویدئوی مستند از ورود رودخانه زاب کوچک از ایران به داخل اراضی عراق پخش شد، اما همچنان بهانه ای شده که برخی شخصیت های عراقی، نام ایران را در کنار ترکیه به عنوان دو کشوری که باعث تشنگی عراق شده اند، یاد می کنند.
در همین راستا شبکه ‘بی بی سی’ عربی نیز به عنوان آتش بیار معرکه مدعی شده است که عراقی ها

هشتکی با عنوان ‘آب در برابر واردات کالا’ ایجاد کرده و خواهان تحریم کالاهای ترکیه و ایران به خاطر بستن آب به روی عراق شده اند.
در واکنش به این دروغ سازی ها کاربران عراقی فضای مجازی در شبکه های مختلف اجتماعی بویژه فیسبوک، توئیتر، وایبر، واتساپ و تلگرام با گذاشتن کامنت و استناد به اخبار و داده های مستند به طور گسترده به پاسخگویی برخاسته اند.
به باور ناظران موضوع بحران آب بین عراق و ترکیه، بار دیگر این فرصت را فراهم کرد تا رویکرد گروهها و شخصیت های سیاسی و نیز رسانه ای عراق در خصوص مسائل داخلی و منطقه ای به آزمون و نقد گذاشته شود.

بلای بزرگی که ترک‌ها بر سر همسایه های جنوبی شان آوردند!

دولت ترکیه که تا سال ۲۰۰۰ با ساخت چندین سد بزرگ و کوچک بر روی دجله و فرات به صورت جدی همسایه‌های جنوبی اش را وارد یک چالش آبی کرده بود، اکنون عملیات آبگیری از سد بزرگ دیگری را آغاز کرده است؛ مجموعه اقدامات گسترده‌ای در حوزه منابع آب که تأثیر بسزایی در تشدید بحران‌های زیست محیطی جنوب غرب آسیا داشته و خواهد داشت.

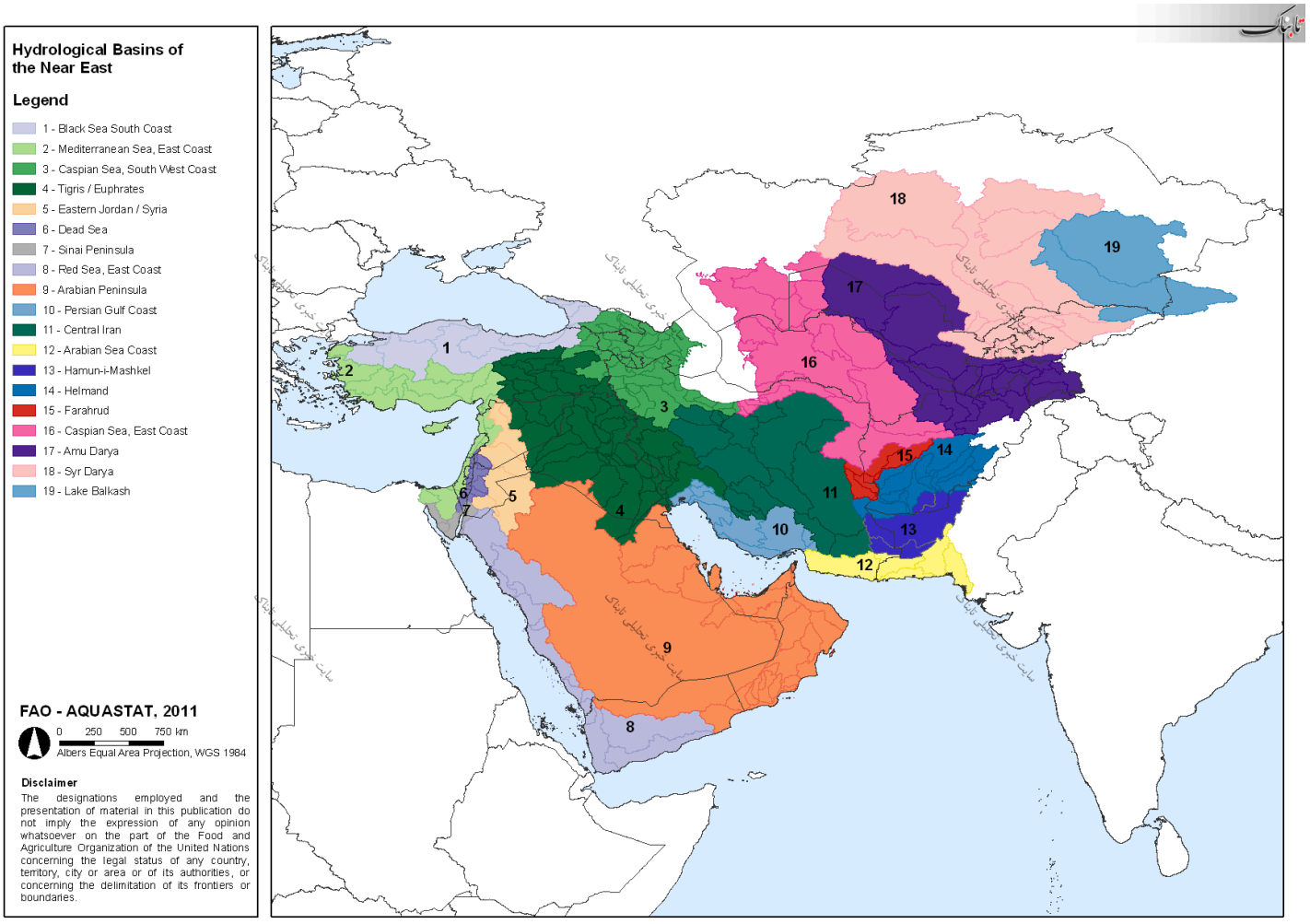
دولت ترکیه که تا سال ۲۰۰۰ با ساخت چندین سد بزرگ و کوچک بر روی دجله و فرات به صورت جدی همسایه‌های جنوبی اش را وارد یک چالش آبی کرده بود، اکنون عملیات آبگیری از سد بزرگ دیگری را آغاز کرده است؛ مجموعه اقدامات گسترده‌ای در حوزه منابع آب که تأثیر بسزایی در تشدید بحران‌های زیست محیطی جنوب غرب آسیا داشته و خواهد داشت.
به گزارش «تابناک»؛ خشک شدن تالاب هایی چون هورالعظیم و هورالحمار را می‌توان از جمله پیامدهایی دانست که در سال‌های گذشته و متأثر از سدسازی‌های ترکیه به وقوع پیوست؛ سدسازی‌هایی که در قالب پروژه آناتولی جنوبی یا گاپ ترکیه رقم خورد و مشکلات جنوب غرب آسیا را دو چندان کرد.
اکنون دیگر حوضه آبریز دجله و فرات با شرایطی که در بالادست آن به وجود آمده است، به یکی از پر تنش‌ترین حوضه‌های آبریز جهان بدل شده و به خاطر پروژه‌های عظیم سد سازی در بالادست و کشور ترکیه، خشکی غیر قابل توصیفی کشورهای جنوبی از جمله عراق، سوریه، ایران و کویت را در بر گرفته است.
سخن در مورد پروژه گاپ یا آناتولی که می‌شود، ناگزیر باید به ۲۲ سد تکمیل شده و نیمه کاره‌ای اشاره کرد که به ظاهر فعالیت‌های اقتصادی نظیر تولید برق و توسعه کشاورزی در دستور کار دولت ترکیه قرار گرفته است، اما در باطن به سلاحی مرگبار برای کنترل کشورهای جنوبی ترکیه تبدیل خواهد شد.
بررسی‌ها نشان می‌دهد، آنچه تا کنون و در پی ساخت و سازهای بی رویه ترکیه به وجود آمده، تمام توان و انرژی این کشور در مهار آب‌های سطحی دجله و فرات نیست و تنها ۲۱ درصد از پروژه آبیاری و ۷۴ درصد از طرح‌های برقابی ترکیه به پایان رسیده است. این یعنی هنوز در ابتدای کار هستیم و خسارات رویه در پیش گرفته شده ترکیه به مراتب افزایش خواهد یافت.
این موضوع از آنجایی اثبات پذیرتر می‌شود که بدانیم در همین چند روز پیش، مقامات ترکیه‌ای به طور جدی عزم خود را برای آب گیری سد ایلیسو که گفته می‌شود سه برابر بزرگترین سد ایرانی است، جزم کرده اند.
هرچند سد ایلیسو، تنها یکی از ۲۲ سد ترکیه در قالب پروژه آناتولی است، به لحاظ حجم و میزان اثرگذاری تنها مقدار اندکی از سد آتاتورک کوچک‌تر است و با این همه در کشور بزرگی، چون ایران سد بزرگی به وسعت آن وجود ندارد.
سد ایلسو با ۱۳۵ متر ارتفاع و توان ذخیره سازی بیش از ۴۳ میلیارد متر مکعب آب، تقریباً یک سوم کل حجم آب حوضه آبریز زاینده رود را در هنگام پرآبی در درون خود ذخیره خواهد کرد؛ سدی که بر روی رود دجله زده شده و



بر اساس کارشناسان بیش از ۵۰ درصد از حجم آبی رود دجله را متوقف خواهد کرد.
البته سد ایلیسو و عملیات آبگیری آن تنها دلیلی نیست که بتوان با استناد به آن خسارات سنگین جنوب ترکیه را تشریح و برای این کار جدا از ۲۰ سد دیگر همچنین باید به سد آتاتورک در بالادست رود فرات نیز اشاره کرد.
سد آتاتورک که بزرگ‌ترین سد ترکیه و اروپا معرفی می‌شود، همچنین پنجمین سد بزرگ جهان است که هدف از ساخت آن، برق رسانی و توسعه مناطق کردنشین ترکیه عنوان شد.
این سد ۱۶۴ متر ارتفاع دارد با مساحتی بالغ بر ۸۱۷ کیلومتر مربع، چیزی حدود ۴۸ میلیارد مترمکعب آب را از حقابه‌های جنوبی رود فرات پشت سد ذخیره کرده است؛ سدی که در مقایسه با مساحت دریاچه ارومیه در شرایط نورمالش، تقریباً ۱۵ درصد مساحت دریاچه ارومیه را دارد.
برای اینکه بتوان عینی‌تر خسارات برآمده از این دو سد و ۲۰ سد دیگر ترکیه را در قالب پروژه گاپ تشریح کرد، باید ناگزیر به سراغ نقشه رفت و مروری بر مسیر جریان رودهایی، چون دجله و فرات انداخت؛ رودهایی که از خاک ترکیه سرچشمه می‌گیرند و با عبور خاک کشورهایی چون سوریه و عراق به مرزهای ایران در استان خوزستان می‌رسند و با آب رسانی به تالاب‌ها و نیز میلیون‌ها شهروند در این منطقه راهی خلیج فارس می‌شوند.

این دو سد بزرگ، یعنی سدهای آتاتورک و ایلیسو تقریباً در گلوگاه‌های دو رود فرات و دجله احداث شده اند و با توقف تمامی حجم آب سرچشمه‌ها در خاک ترکیه کشورهای جنوبی و به ویژه عراق و سوریه را از مواهب آن بی بهره کرده اند.

البته خسارات پروژه‌های سد سازی ترکیه، تنها برای کشورهای عراق و سوریه به ایجاد بحران آبی دامن نزده و با مروری بر نقشه‌های جغرافیایی حوضه آبریز دجله و فرات، می‌توان به خوبی دریافت که چه وسعتی از منطقه جنوب غرب آسیا با این روند خسارت خواهند دید.
مقایسه نقشه حوضه‌های آبریز دجله و فرات با موقعیت جغرافیایی همسایه‌های جنوبی ترکیه به خوبی نشان می‌دهد که تنها کشورهای سوریه و عراق به عنوان کشورهایی که دجله و فرات از آن‌ها عبور می‌کند، متأثر از این بلای نوظهور نیستند و کشورهای دیگری، چون ایران، عربستان، کویت و اردن نیز مستقیم از این رخداد خسارت خواهند دید.



از آنجا که سه حوضه آبریز غربی کشور ایران یعنی حوضه آبریز کارون، کرخه و مرزی غرب را زیر شاخه حوضه

آبریز فرات و دجله قلمداد می‌کنند، باید گفت، به لحاظ حقایق جغرافیایی غرب ایران به صورت مشخص از این رخداد تلخ آسیب خواهد دید.
همچنین مناطق شمالی کشور عربستان، سراسر جغرافیایی کویت، بخش‌هایی از کشور اردن نیز از این مسیر دچار آسیب می‌شوند و این موضوع جدا از پدیده نگران کننده گرد و غبار و افزایش دامنه‌های آن است که بخش‌های وسیعی از خلیج فارس و کشورهای ذره‌ای آن را نیز شامل می‌شود.
با توضیحاتی که به آن اشاره شد، به خوبی می‌توان درک کرد که ترکیه با اقدامات جدی و بزرگ خود در سرشاخه‌های دجله و فرات، بیش از آنکه اهداف اقتصادی خود را دنبال کند، به دنبال تسلط بر کشورهای جنوبی خود است و این تنش‌های بین المللی موجود در منطقه نیز این فرصت را به بهترین شکل برای آن‌ها به وجود آورده است.

عکسی نادر از ادای سوگند رضاشاه در تکیه دولت با حضور ۱۶ نفر از علما از جمله آیت الله ابوالقاسم کاشانی



شفقنا- تصویر زیر مربوط به مراسم ادای سوگند رضا پهلوی در تکیه دولت تهران در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۰۴ است. در کنار او ۱۶ نفر از علمای مشهور تهران دیده می‌شود که در این مراسم حضور داشته‌اند، از جمله: آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، آیت‌الله سید محمد بهبهانی، میرزا یحیی امام جمعه خویی، میرزا هاشم آشتیانی، شیخ محمدحسین یزدی و شیخ زین‌العابدین رهنما.



علیه ایران (روزنامه پراودا- ترجمه آزاده اسفندیاری)

عربستان با چراغ خاموش وارد تاجیکستان شده است

سردی روابط ایران وتاجیکستان در سال های اخیر، ریشه در ظن دخالت های ایران در جنگ های داخلی تاجیکستان در دهه 1990 میلادی دارد. بر این بستر طی دو سال گذشته، عربستان سعودی با دادن وام های کلان به تاجیکستان سعی کرده استاین کشور را به جبهه مخالف ایران بکشاند.

روز 21 ماه مه بیش از پنجاه نفر از جوانان شهروند تاجیکستان، در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران با دادن شعار، مخالفت خود را با" دخالت های ایران" در حوادث این کشور اعلام کردند.

دو روز بعد شورای علمای تاجیکستان، طی اطلاعیه ای ایران را متهم به "حمایت از تروریسم و دخالت در کشورهای افغانستان، عراق، سوریه و یمن...کرد".

همان طور که انتظار می رفت، هم در اطلاعیه شورای علمای تاجیکستان و هم اطلاعیه های مقامات رسمی این کشور هیچ گونه سند و مدرکی مبنی بر دخالت های ایران در کشور های نامبرده ارائه نشده است. تنها مدرکی که به آن استناد می شود، حضور محی الدین کبیری، رهبر اسلامگرای مخالف دولت تاجیکستان در سال 2015 در یک کنفرانس اسلامی در ایران است. مقامات دوشنبه بر این اعتقاد هستند که حضور کبیری در تهران به معنی صحه گذاشتن ایران بر تروریسم می باشد.

تاکنون به تناوب شایعه دخالت ایران در امور داخلی تاجیکستان مطرح شده است. در ماه اوت سال گذشته تلویزیون جمهوری تاجیکستان فیلم مستندی را که توسط وزارت داخله این کشور تهیه شده بودبه نمایش گذاشت. در این فیلم نیز هیچ سند و مدرکی که دال بر دخالت ایران در جنگ های داخلی این کشور باشد ارائه نشد. ورق خوردن اتهامات علیه ایران پس از سکوت طولانی توسط مقام های تاجیکستان در ماه های گذشته همچنان جای سوال باقی می گذارد.

با نگاهی گذرا به روابط عربستان سعودی و تاجیکستان دلیل دوری جستن این کشور از ایران مشخص خواهد شد. اواخر سال 2015 و اوایل سال 2016 امام علی رحمان، رئیس جمهور تاجیکستان به دعوت پادشاه سعودی برای شرکت در"ائتلاف ضد تروریستی"به رهبری عربستان شرکت کرد. قبل از مسافرت امام علی رحمان به عربستان، پادشاه این کشور، برای ساخت یک موسسه بزرگ دولتی در تاجیکستان با پرداخت 200 میلیون دلار اعلام آمادگی کرد.

نقطه نظرات و تفاهم طرفین در نگاه ضد ایرانی، دیگر جای پرده پوشی باقی نگذاشت. روز 9 ماه مه جلسه مشترک سعودی- تاجیک در شهر خجند (لنین آباد سابق) و یکروز بعد در شهر دوشنبه با موضوع انرژی، معدن، کشاورزی، توسعه گردشگری و زیر ساخت های حمل و نقل تشکیل شد. موضوع دیگر مذاکره برای ایجاد بانک تاجیک- دیرات (بزرگترین بانک در تاجیکستان) با سرمایه 51 در صد سهم عربستان بود.

باید توجه داشت که پس از ورود یک هیات نمایندگی عربستان سعودی به تاجیکستان در اوائل ماه مه، شورای علمای تاجیکستان اطلاعیه ضد ایرانی خود را صادر کرد. متعاقب سفر هیات سعودی به این کشورخبرگزاری برجسته تاجیکستان"اوستا"، با عبدل عزیز محمد سفیر عربستان در شهر دوشنبه مصاحبه ای انجام داد. در این مصاحبه سفیر پادشاهی سعودی نه تنها از" نقش مخرب ایران" سخن به میان آورد بلکهجمهوری اسلامی ایران را "منبع تروریسم و تامین منابع مالی آن ها درجهان و منطقه" دانست.

بنا براین، کلیه شک ها در تشکیل اتحاد ضد ایرانی عربستان و تاجیکستان بر طرف خواهد شد. هدف سعودی ها داشتن موقعیت برتر در تاجیکستان است. دوشنبه با پشتوانه پول عربستان به ضدیت خود با ایران ادامه خواهد داد بدون این که به عواقب چاهی که عربستان سعودی برای آن ها کنده است بیاندیشد.

(یاد آوری می شود که برای دومین بار تاجیکستان از رسمی شدن عضویت ایران در سازمان شانگهای جلوگیری کرده است. بر طبق اساسنامه رای مثبت همه اعضا برای پذیرفتن عضو ثابت ضروری است!)

اختلاف قضائیه با اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات بر سر تصدي مسؤولیت تعیین جاسوس

بر سر کارهای امنیتی و اطلاعاتی یک اختلاف نظر جدی از ابتدای تاسیس جمهوری اسلامی در کل نظام وجود داشت. این اختلاف نظر بر سر این بود که مانند دوران شاه یک سازمان اطلاعات و امنیت داشته باشیم که مثل یک نهاد زیر مجموعه بیت رهبری باشد و یا یک وزارت اطلاعات و امنیت داشته باشیم که زیر نظر دولت باشد؟

در زمان آقای خمینی به همت و ابتکار سعید حجاریان این اختلاف نظر به سود طرح دوم تمام شد. یعنی تشکیل وزارت اطلاعات وامنیت (با بدنه اطلاعات سپاه)، اما حتی در همان زمان و بویژه در دوران رهبری آقای خامنه ای طرح اول دنبال شد و وزارت اطلاعات روز به روز ضعیف تر و سازمان اطلاعات روز به روز قوی تر شد. شاه سازمان امنیت (ساواک) را مثل یک سازمان نظامی اداره می کرد و روسا و کارگزاران آن نیز عموما ارتشی ها و صاحب منصبان شهربانی (بویژه در زندانها) بودند و در جمهوری اسلامی نیز همین سیاست دنبال شد. یعنی علیرغم وجود وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات و امنیتی در سپاه و زیر نظر مستقیم رهبر وسیعا فعال شد و گسترش یافت و فعلا یک رئیس معمم بنام "حسین طائب" دارد که از افراد پاکسازی شده از وزارت اطلاعات بدلیل انحرافات (این اصطلاح را شیخ مهدی کروبی به کار برد اما نگفت کدام انحرافات) است و یک جانشین نظامی دارد که سرتیپ سپاه است بنام سردار نجات. اطلاعات سپاه در زندان اوین برای خود یک بند ویژه دارد، هرکس را بخواهد دستگیر می کند، شکنجه می کند و اعترافات می گیرد، در عملیات برون مرزی فعال است، تیم های ضربتی (ترور) دارد، نه به دولت و نه به مجلس و نه به هیچ ارگانی پاسخگو نیست مگر شخص رهبر، فعالیت های ضد جاسوسی دارد اگرچه بارها جاسوس های نفوذی در درون همین تشکیلات کشف شده اما اعلام نشده است. به این ترتیب، وزارت اطلاعات چه در زمان محمد خاتمی و چه در زمان احمدی نژاد و چه در دوران روحانی کت بسته اطلاعات سپاه بوده اند. مگر در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی که علی فلاحیان رئیس آن کارنامه ننگینی را از قتل و جنایت (از جمله توسط معاون اول سیاسی خود سعید امامی) برجای گذاشت و اکنون عضو مجلس خبرگان انتخاب رهبری است!

با این مقدمه سخنان نایب رئیس کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس قابل درک تر می شود. او گفت:

اگر اطلاعات سپاه پاسداران در جریان انجام مأموریت‌هایش به موضوع جاسوسی برخورد کرد، حتماً باید موضوع را به وزارت اطلاعات منعکس کند تا آن‌ها به دنبال کشف جرم باشند. اگر قوه قضاییه بخواهد یک کار جامع و کامل بر روی پرونده‌های جاسوسی که برای مثال از اطلاعات سپاه به آن‌ها منعکس‌شده انجام دهد، حتماً باید از کارشناسان اطلاعاتی استعلام بگیرد.

بارها اعلام‌شده که وزارت اطلاعات مرجع تشخیص جاسوسی است و از سوی دیگر قوه قضاییه هم اعلام می‌کند که ما مرجع تشخیص جاسوسی هستیم، اخیراً هم سخنگوی قوه قضاییه بار دیگر بر این موضوع تاکید کرد. شما چرایی این چالش را چه می‌دانید؟

در جرائم و عناوین مجرمانه تشخیص اساسی بر عهده قوه قضاییه و قاضی محکمه است که آیا اتهامی که به افراد زده‌شده و یا اتهاماتی که در گزارش‌های مرجع انتظامی یا وزارت

اطلاعات یا سپاه آمده است صحت دارد یا نه.
سپاه پاسداران عملاً وظیفه ماهیتی‌اش حفاظت از مرزها، مرزداری، مرزبانی و دفاع از کشور است. ممکن است که ما در قانون اجازه مختصری به سپاه و اطلاعات سپاه داده باشیم که در این مباحث-امنیتی و جاسوسی- هم ورود کنند اما اعتقاد من به‌عنوان یک حقوق‌دانی که در جریان پرونده‌های جاسوسی بودم این است که اگر سپاه پاسداران و واحد اطلاعات سپاه پاسداران در جریان انجام مأموریت‌هایش به موضوع جاسوسی برخورد کرد، حتماً باید موضوع را به وزارت اطلاعات منعکس کند تا آن‌ها به دنبال کشف جرم باشند. در مجلس اراده‌ای برای حل این مسئله نمی‌بینم.

1. سقوط جنگنده‌های پیشرفته غربی همچنان رکورد می‌شکند/ دشمن فرضی جان چند خلبان آمریکایی را گرفته است؟ +عکس



از سال ۲۰۱۳ تا هفته جاری، حدود ۵۸ سانحه سری A (خسارت بیش از ۲ میلیون دلار) در ارتش آمریکا رخ داده که در مجموع ۱۶۸ نفر از خلبانان یا خدمه پروازی این کشور، جان خود را در این حوادث از دست داده اند.

به گزارش **سرویس دفاع و امنیت مشرق**، اگرچه تجهیزات هوایی **ارتش آمریکا**همواره به عنوان یکی از نقاط قوت و سرپنجه های حملات و تجاوز به کشورهای دیگر محسوب می شدند اما حجم سقوط هواگردهای ارتش آمریکا در سالهای اخیر رشد قابل توجه و شگفت آوری داشته و اکنون نیز رکورد چند سال اخیر را شکسته و باعث کشته شدن تعداد زیادی از خلبانان و خدمه پروازی در این کشور شده است. فشار عملیاتی در خاورمیانه روی هواگردها و کاهش برخی از بودجه های دفاعی از جمله عواملی است که به عنوان دلیل این سقوط ها معرفی می شوند.

این در حالی است که در افکار عمومی و حتی برخی کارشناسان نظامی، یگانهای هوایی آمریکا نماد و نشانه ای از تکنولوژی روز و فاقد هرگونه اشتباه یا حادثه تصور می شوند؛ بویژه آنکه با بروز هر نوع حادثه هرچند کوچک برای یگانهای هوایی کشورمان، موجی از یأس و سیاه نمایی درباره این یگانها به راه می افتد، به صورتی که انگار در ارتش کشوری چون امریکا، سالانه فقط ۱ حادثه رخ می دهد و در ایران، صدها و هزاران! بر این اساس، در ادامه نگاهی به نوع کلاس بندی سقوط ها و سقوط های رکورد شکن در سال ۲۰۱۸ خواهیم داشت.

سقوط های نظامی چند نوع هستند؟

در نیروهای مسلح آمریکا حوادث برای هواگردها با سه وضعیت A، B و Cمشخص می شوند. حوادث سری c به حوادثی با خسارتی بین ۵۰ تا ۵۰۰ هزار دلار گفته می شود که تلفات مرگبار نداشته و صرفا باعث از دست رفتن روز کاری برای اشخاص و وسیله پرنده می شود. حوادث سری B به اتفاقاتی گفته می‌شود که بین ۵۰۰ هزار تا دو میلیون دلار خسارت داشته و در بین پرسنل باعث فلج دائم یا بستری شدن سه نفر یا بیشتر شود. حوادث سری A باعث خسارت بیش از ۲ میلیون دلار یا نابودی وسیله پرنده شده یا موجب فلج دائمی و مرگ پرسنل شود. از سال ۲۰۱۳ تا زمان فعلی در سال ۲۰۱۸ چیزی در حدود ۵۸ سانحه سری A در ارتش آمریکا رخ داده است و در مجموع در این مدت ۱۶۸ نفر از خلبانان یا خدمه پروازی جان خود را در این حوادث از دست داده اند.

بر اساس تحقیقات انجام شده، حوادث برای پرنده‌های سرنشین‌دار آمریکایی در مدل‌های مختلف بعد از کاهش بودجه در سال ۲۰۱۳ میلادی تا به امروز، افزایش ۳۹ درصدی را نشان می‌دهد. کارشناسان اعتقاد دارند با کم شدن بودجه و البته زیاد بودن پروازهای عملیاتی در یگان‌های هوایی ارتش آمریکا فشار زیادی به بخش تعمیر و نگهداری و همچنین یگان‌های آموزشی وارد

می‌شود و در نتیجه افزایش عمر پروازی وسایل و کاهش سطح آموزش تبدیل به دو عامل اصلی برای سقوط ها می شود.
تا قبل از سال ۲۰۱۸، سال ۲۰۱۶ میلادی با ۳۵ کشته پرتلفات ترین سال برای هوانوردان نظامی آمریکا بود اما سال ۲۰۱۸ هنوز به پایان نرسیده و عدد کشته ها در این سال به ۳۵ رسیده است و احتمالا این رقم بالاتر رفته و رکورد سال ۲۰۱۶ نیز جا به جا شود. نکته اینجاست که در سال بندی مورد نظر سال های مالی در نظر گرفته می شود. سال مالی ۲۰۱۸ در آمریکا در حقیقت از اول اکتبر ۲۰۱۷ میلادی آغاز شده است.

نگاهی به حوادث هواگردهای آمریکایی در سال مالی ۲۰۱۸

در روز اول اکتبر ۲۰۱۷ یک فروند هواپیمای آموزشی T-۴۵C نیروی دریایی آمریکا در تنسی سقوط کرد و هر دو خدمه آن کشته شدند.



یک **فروند بالگرد CH-۵۳E** در ۱۱ اکتبر ۲۰۱۷ متعلق به سپاه تفنگداران دریایی آمریکا در ژاپن سقوط کرد. ۷ خدمه بالگرد نجات پیدا کردند اما بالگرد نابود شد.



در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۷ **یک فروند هواپیمای ترابری ناو نشین C-۲** در آب های ساحلی ژاپن سقوط کرد که ۳ نفر از خدمه آن کشته شدند و ۸ نفر نجات پیدا کردند. در بیستم ژانویه ۲۰۱۸ میلادی نیز **یک فروند بالگرد آپاچی ارتش** آمریکا در صحرای مواجوه در کالیفرنیا در یک پرواز تمرینی سقوط کرده و هر دو خدمه آن کشته شدند.



در ۱۴ مارس یک فروند **اف ۱۸ سوپر هورنت مدل اف** بعد از پرواز از پایگاهی در فلوریدا دچار سانحه شده و سقوط کرد. هر دو خدمه هواپیما را ترک کردند اما به دلیل آسیب های وارده کشته شدند. در ۱۵ مارس یک فروند **بالگرد مخصوص امداد و نجات HH-۶۰G Pave Hawk** در غرب عراق سقوط کرده و هر هفت سرنشین آن کشته شدند.
در سوم آوریل یک فروند **جنگنده عمود پرواز هریر** سپاه تفنگداران دریایی در جیبوتی سقوط کرد که خلبان موفق شد به سلامت جنگنده را ترک کند. در روز ۴ آوریل یک **فروند بالگرد CH-۵۳E** در ایالت کالیفرنیا سقوط کرده و هر ۴ نفر خدمه آن کشته شدند. در روز ۵ آوریل هم **یک فروند اف ۱۶** متعلق به تیم نمایش هوایی نیروی هوایی آمریکا در نوادا سقوط کرده و خلبان آن کشته شد.



در روز ۶ آوریل **یک فروند بالگرد آپاچی ارتش آمریکا** در کنتاکی سقوط کرد و هر دو خدمه بالگرد کشته شدند. در ۱۳ آوریل **یک فروند اف ۲۲** در زمان پرواز در نوادا دچار مشکل در یکی از موتورها شده و ناچار به یک فرود سخت بر روی شکم هواپیما شد. خلبان از این حادثه جان سالم به در برد.



در ۲۴ آوریل **یک فروند اف ۱۶ سی** نیروی هوایی آمریکا در فرودگاه شهر Lake Havasu دچار مشکل شده و خلبان با موفقیت ایجکت کرد. همچنین در ۲ می**یک فروند هرکولس گارد ملی هوایی آمریکا** در ایالت جورجیا سقوط کرد که به مرگ ۹ سرنشین هواپیما منجر شد.



در ۲۳ می **یک فروند هواپیمای آموزشی T-۳۸** در می سی سی پی سقوط کرد که هر دو سرنشین با موفقیت هواپیما را ترک کردند. در ۱۱ ژوئن نیز **یک فروند اف ۱۵ آمریکایی** در ژاپن سقوط کرد که خلبان موفق به خروج از جنگنده شده ولی در حال حاضر در بخش مراقبت های ویژه به سر می برد.

جمع این حوادث از نظر کشته به ۳۲ می رسد که اندکی با آمار منتشره توسط برخی رسانه ها تفاوت دارد و ممکن است عمدا برخی سوانح و تلفات آن، با جزییات مربوطه حذف شده باشند. البته فراموش نکنیم که عمده حوادث مورد اشاره در بالا حوادث از رده A بوده که به مرگ افراد و از بین رفتن وسیله پروازی منجر شده است که برای کشور و ارتشی با اسم و ادعای امریکا، یک آمار وحشتناک و شگفت انگیز است؛ بویژه آنکه آنها عملا با جنگ و نبرد با دشمن خاصی دست و پنجه نرم نمی کنند و اکثر این تلفات، در مانورها و ماموریت های روتین رخ داده که خدمه فنی فرصت بررسی هواپیما را در زمان مناسب داشته و خلبان نیز فشار و استرس جنگ یا وضعیت غیرعادی را در ذهن و بدن خود احساس نمی کند.

هاشمی رفسنجاني 10 روز قبل از مرگ نام قاتلین خود را گفته بود!

چرا اعضای خانواده هاشمی رفسنجانی ممنوع الخروج از کشورند؟ این تصور که آنها سندی در اختیار دارند که حکومت نمی خواهد آن سند از کشور خارج شود، تصوری پوچ است زیرا اگر چنین سندی وجود داشت تا حالا بارها ریخته بودند و آن را باز ستانده بودند. بنابراین، آنچه موجب این ممنوعیت شده، اطلاعاتی است که آنها در سینه های خود دارند. از جمله گفته می شود همسر هاشمی رفسنجانی از قول خود هاشمی نام افرادی را می داند که وی پس از انتخابات مجلس خبرگان گفته بود آنها وی را خواهند کشت!

در کنار شایعات مختلفی که درباره استخر کش شدن هاشمی وجود دارد، روز گذشته (شنبه) نوشته ای از غلامعلی رجائی که در سالهای آخر عمر هاشمی نقش رئیس دفتر و مشاور وی را داشت منتشر شده که حاوی اشارات مهمی است. از جمله این که « بر حسب قاعده آقای هاشمی شاید خود را در معرض ترور می‌دید. فاطمه خانم (دختر بزرگ هاشمی) هم یک بار گفت: «یک کسی با موتور نزدیک شده و گفته است که به پدرتان بگوید که می‌خواهند بزنندش» و بعد هم رفته است... حالا آن شخص چه کسی بوده، و از کجا گفته این حرف‌ها را من نمی‌دانم ...

می‌دانم اتفاقی افتاده است، و آن اتفاق مرگ طبیعی و سکته نیست، نه من آدم امنیتی هستم که بتوانم جزییات واقعه را تجزیه و تحلیل کنم و نه اطلاعات لازم را دارم، تنها می‌دانم که اتفاقی افتاده است. از زبان خانم آقای هاشمی شایعه شده بود که هاشمی ۱۰ روز پیش از مرگش، با نام بردن از کسانی، گفته است که روزی آنها مرا خواهند کشت...فرزندانشان هم در مراسم جماران، هم آن شب اول می‌گفتند و هم بعدتر بحث رادیو اکتیو را مطرح کردند...

به نظر من باید منتظر باشیم مقامات امنیتی اظهارنظر کنند؛ چون در این قضیه نظر دادن من مبنای کارشناسی ندارد. به هرحال ابهاماتی وجود دارد، نکاتی هست که به طور حتم در چند دهه‌ی دیگر روشن خواهد شد. ولی آن چیزی که ما از آقای هاشمی سراغ داشتیم که آخرین روز را هم من فیلمش را منتشر کردم. دوربین‌های مدار بسته گرفته بودند. ما صحبت کردیم، یک مکثی کردند و مثل همیشه پله‌ها را طی کردند و دویدند. من هم در فیلم برمی‌گردم و پشت سرم را نگاه می‌کنم...

آن هاشمی که ما دیدیم ده، پانزده سال دیگر همین هاشمی بود، ایشان پله‌ها را می‌دوید. ما مشهد چند جا برای بازدید رفتیم و واقعاً ایشان در سن هشتاد و یک سالگی پله‌ها را می‌دوید.

فیلمی هم سال ۹۲ بعد از رد صلاحیتش منتشر شد که رفته بودند کوه.

فشار سعودي موجب كاهش قابل تامل زائران شيعه خليج و خطر ورشکستگی برخی هتل های لوکس در مشهد!



شفقنا- در پی کاهش قابل تامل زائران عرب شیعه منطقه در شهر مشهد، برخی از هتل های لوکس این شهر و اطراف حرم در حال ورشکستگی است.

به گزارش خبرنگار شفقنا، بنا به اطلاعاتی که از مدیران چند هتل در مشهد گرفته شده، این طور عنوان می شود که اخیرا عربستان سعودی در راستای سیاست های ضد ایرانی خود با تحت فشار گذاشتن شیعیان در کشورهایی همچون کویت، بحرین و امارات ... نسبت به سفر زائران شیعه به ایران هشدار داده و تهدید کرده است در صورت انجام سفر به این کشور اجازه حضور در حج تمتع به آنها داده نخواهد شد لذا بسیاری از شیعیان عرب منطقه که بعضا از وضع مالی نسبتا خوبی برخوردار بوده اند و طی سال های گذشته برای اقامت در مشهد حتی تا یک یا دو ماه نیز اقدام می کردند اما با وجود کارشکنی های عربستان قادر به سفر به ایران در قیاس با سال های گذشته نیستند. شیعیان عربستان نیز از زمان قطع روابط دیپلماتیک با ایران اجازه سفر به آنها داده نشده است. این امر موجب شده برخی از هتل های لوکس مشهد که هزینه اقامت هر شب در این هتل ها حداقل بالای یک میلیون تومان است با خطر ورشکستگی مواجه شوند.

گفته می شود طی سال های اخیر(تا سال ۹۴) سالانه بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار زائر شیعه خارجی عمدتا از کشورهای عراق و حوزه خلیج فارس به مشهد مقدس سفر می کرده اند که میانگین ماندگاری این سفرها ۱۰ روز بوده است.

بنا به گفته مدیرکل هماهنگی امور فرهنگی زائران استانداری خراسان رضوی که در بهمن سال گذشته با ایرنا گفت وگو کرده است: سالانه به طور متوسط ۲۷ میلیون زائر داخلی و خارجی به مشهد سفر می کنند که به طور میانگین ۲ میلیون نفر آنان زائران خارجی هستند. وی با اشاره به وجود ۴۰۰ میلیون شیعه در سطح جهان گفته است: حضور سالانه ۲ میلیون زائر خارجی در مشهد با توجه به تعداد شیعیان در جهان و جایگاه مشهد در جهان تشیع، آمار قابل توجهی نیست و باید بستر مناسب

برای جذب بیشتر زائران خارجی فراهم شود.

توصیه آخرین وزیرخارجه شاه مخلوع به مقامات کاخ سفید:

ایران عراق نیست



داماد سابق شاه مخلوع، سفیر اسبق ایران در آمریکا و بریتانیاو وزیرخارجه رژیم ستم شاهی طی یادداشتی در روزنامه نیویورک تایمز با واهی خواندن ادعاهای تهدید آمیز آمریکا علیه ایران،نوشت: این گربه رویای موش دارد اما ایران عراق نیست.

به گزارش ایرنا، در یادداشت اردشیر زاهدی آمده است:

سخنرانی وزیرخارجه آمریکا، مایک پمپئو، درباره ایران هم غم انگیز بود، و هم گیج کننده. بعنوان رئیس سیاست خارجی یک قدرت بزرگ، و مدیر سابق سازمان سیا، ایشان باید ایران، مردم آن و تاریخ آنرا بهتر بشناسد.

قلدری به ندرت به نتیجه می‌رسد، و در مورد ایران هیچگاه به نتیجه مطلوب نرسیده است. در طول هزاران سال تاریخ خود، کشور من هرگز در برابر خارجی‌ها سرخم نکرده و تسلیم نشده است، و در شرایط مصیبت بار متحد مانده است. مستقل از عقیده خود درباره دولت کنونی ایران، تحت تهدیدهای خارجی، مردم نجیب ایران با هم متحد بوده، و از سرزمین مادری دفاع کرده و می کنند. تاریخ به متجاوزان خارجی سریعا می آموزد که از افکار پوچ خود برای ویرانی ایران دست بردارند. گربه‌ها رؤیای موش دارند، ولی احدی قادر به خرد کردن ایران نیست.

با سرزمینی به وسعت ۶۳۶،۰۰۰ مایل مربع و ۸۲ میلیون جمعیت، ایران، عراق نیست. ایران قادر خواهد بود در برابر حمله نظامی خارجی مقاومت کند. باید هجوم غیر قانونی به عراق را بیاد آوریم که بر اساس دروغ و اسناد تقلبی بود. حمله به عراق نه اجازه قانونی داشت، و نه اتوریته اخلاقی. نتیجه آن کشتار و ویرانی عظیم بود. صدها هزار مردم بیگناه کشته شدند، و آینده و زندگی میلیون‌ها نفر ویران شد. و بر طبق گفته رئیس جمهوری آمریکا ترامپ، ۷،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار هدر رفت. آیا مغزهای آمریکا در سازمان سیا و وزارت خارجه تاریخ را نمی دانند؟

ایران بخاطر حضور خود در سوریه محکوم می‌شود. ولی گفته نمی‌شود که ایران در سوریه به دعوت دولت قانونی کشور مستقل سوریه حضور دارد. حضور ارتش‌های مخفی آمریکا و دولت‌های غربی در سوریه است که نقض قوانین بین المللی می باشد نه ایران.

در ادامه یادداشت داماد سابق شاه مخلوع تاکید شده است: کشتار ادامه دار، بی رحمی و جنایات دیگر بر علیه مردم غیر نظامی یمن که توسط عربستان و امارات با پشتیبانی آمریکا انجام می شود نه تنها جنایات جنگی هستند، بلکه حمله به بشریت نیز می باشند. آیا قادر خواهیم بود که این بربریت را ببخشیم و فراموش کنیم؟ در ۲۳ و ۲۴ ماه مه خبر اصلی بی بی سی یک گزارش درد آور بود که یک عروسی در دهکده یمنی را نشان می داد که در آن مردان، زنان، و بچه‌ها مشغول جشن گرفتن ازدواج عزیزان خود بودند. آن روز قرار بود شادترین روز زندگی آنها باشد. در یک لحظه عربستان سعودی به دهکده حمله کرد و ۲۲ نفر را کشت. جشن تبدیل به عزا شد. چگونه می توان گرسنگی بچه‌ها و ویرانی یمن را توسط عربستان و متحدان را توجیه کرد؟ کدام دیوانه مسئول این فاجعه بی سابقه است؟ عدالت غرب بیست و یکم این است؟

آمریکا و ایران ۱۶۰ سال پیش با هم دوست شدند. ذکر نام آمریکایی‌های بزرگی نظیر هاوارد باسکرویل [که در انقلاب مشروطیت به همراه انقلابیون در تبریز جنگید و شهید شد]، [ویلیام] مورگان شوستر [خزانه دار دولت مشروطیت از ماه مه تا دسامبر ۱۹۱۱]، ارتور میلسپو (مستشار مالی در ایران از ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۷، و از ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵)، ارتور آپ‌هام پوپ (استاد دانشگاه و محقق هنر ایرانی، سردبیر Survey of Persian Art)، و ریچارد فرای (محقق ایران و آسیای مرکزی، و مدیر

انستیتوی آسیا در دانشگاه شیراز از ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۱)] هنوز احساسات گرم و دوستانه را در ایرانی‌ها ایجاد می‌کند.
حتی اگر یکی از امضاء کنندگان برجام از آن کنار رود، هنوز این یک سند معتبر و واجب الاجرا است. دعا می‌کنم که عقلانیت پیروز گردد، و بلوغ دیپلماتیک غلبه یابد تا آمریکا سیاست خود را تغییر دهد.
سفیر رژیم ستم شاهی در آمریکا و بریتانیا در ادامه یادداشت خود تصریح کرد: بدون شک شرایط اجتماعی ایران تکامل خواهد یافت و تغییر خواهد کرد. من امید و اعتماد زیاد به جوانان ایران دارم، که شخصیت، هوش و لیاقت آنها آینده ایران را شکل خواهد داد. من خوشحال و امیدوارم وقتی می‌بینم که در چهار گوشه جهان، اکثریت کارشناسان منطقه [خاورمیانه] واقعیات را روشن تر از [مایک پامپئو و دولت ترامپ] می‌بینند و از عزت و حقوق برادران و خواهران شریف من دفاع می‌کنند. من هم به نظرات آنها احترام می‌گذارم و هم قدردان آنها هستم.’

داعش آماده حمله به بغداد

وزیر کشور اسبق عراق و عضو برجسته کادر رهبری مجلس اعلای اسلامی این کشور هشدار داد، داعش در اطراف کرکوک و سامرا مستقر شده و طرحی را برای حمله به بغداد آماده می کند.
باقر جبر الزبیدی روز سه شنبه در صفحه شخصی خود در فیسبوک نوشت: پیشتر در سال 2013 نسبت به سقوط موصل و الانبار هشدار داده بودم و در سال 2012 هم گفتم که جنگ به پشت دیوارهای بغداد خواهد رسید و هر دو هشدار به وقوع پیوست.
وی افزود: امروز داعش به کمک حامیانش در حال بهره برداری از اوضاع سیاسی و انتخاباتی کشور است و به اطراف سامرا و کرکوک نفوذ کرده و روزانه عملیات انجام می دهد، و پلیس فدرال و الحشد الشعبی (بسیج مردمی عراق) نیز در حال مقابله با آنها هستند.



الزبیدی گفت: داعش هم اکنون شبانه روز در حال فعالیت برای انتقال افراد خود از شرق فرات در سوریه به سمت مناطق نزدیک به کرکوک و اطراف سامراست تا بغداد را آماج گیرد.
با وجود اعلام پایان نظامی داعش در عراق اوایل آذرماه گذشته، عملیات تروریست های تکفیری در نقاط مختلف این کشور به ویژه اطراف بغداد، کرکوک در شمال، و نیز غرب کشور همچنان به طور پراکنده ادامه دارد.

حسن کامران در گفت وگو با «تابناک»؛
سفر که سهل است؛ عده ای برای دستشویی مجلس هم کیسه دوخته اند؛ 300میلیون تومان هزینه دستشویی های مجلس شده!
به نماینده ها و مدیران می گوییم چرا افطاری می دهید، این کار خلاف قانون است، می گویند: با هزینه شخصی می دهیم، در حالی که دروغ می گویند. دروغ می گویند چون در سالنی این کار را می کنند که آب و برق آن مال بیت المال است. اگر راست می گویند بروند و در بیرون سالن اجاره کرده و از جیب خودشان هزینه کنند.

کد خبر:۸۰۷۳۵۶
تاریخ انتشار:۲۲ خرداد ۱۳۹۷ - ۱۰:۰۳12 June 2018

در هفته ای که گذشت، در برخی رسانه ها خبری مبنی بر حضور تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مسابقات جام جهانی فوتبال در روسیه منتشر شد که حواشی بسیاری را ایجاد کرد.
به گزارش «تابناک»؛ ماجرا از آنجا آغاز شد که یکی از اعضای هیأت رئیسه مجلس، در مصاحبه ای اعلام کرد، قرار است به دعوت وزارت ورزش و جوانان از بین نمایندگان، سه تن از فراکسیون ورزش و چهار تن از کمیسیون فرهنگی به روسیه اعزام شوند.
انتشار این خبر به سرعت در شبکه های مجازی دست به دست شد و واکنش های زیادی را در پی داشت و حتی باعث شد، حجم انبوهی از اعتراض های مردم متوجه مجلس شود، به گونه ای که برخی از نمایندگان را مجبور به واکنش کرد و برخی از آنها این خبر را تکذیب کردند و چنین سفری را منافی با اوضاع کنونی اقتصاد کشور دانستند.
در این میان، سعیدی و کاتب دو تن از نمایندگان از این سفر انصراف دادند، زارع و وکیلی نیز از قرار داشتن نامشان در این لیست اظهار بی اطلاعی کردند و گفتند، اگر چنین چیزی باشد، حتما انصراف می دهند.
اما پروانه سلحشوری، نماینده اصلاح‌طلب مردم تهران و رئیس فراکسیون زنان، یکی دیگر از افرادی که نامش در لیست افراد اعزامی بوده، گفته حاضر به انصراف از این سفر نیست و با هزینه شخصی ـ به عنوان ناظر ـ برای دیدن بازی‌ها به روسیه می‌رود.
البته بعد از این جریانات و بعد از اینکه سخنگوی هیأت رئیسه مجلس، سفر نمایندگان به روسیه را به کلی تکذیب کرد، خبری به نقل از خادم معاون پارلمانی وزارت ورزش و جوانان منتشر شد که گفته بود، وزارت ورزش کسی را برای دیدن مسابقات دعوت نکرده بلکه این مجلس بوده که درخواست اعزام نمایندگان به مسابقات را داشته است!
با این حال واکنش ها به این موضوع همچنان ادامه دارد و برخی از نمایندگان مجلس دلیل این گونه کارها را ناشی از عادت به بریز و بپاش در بین مسئولان کشور می دانند، حتی اگر این سفرها از جیب بیت المال نباشد و با هزینه شخصی صورت گرفته باشد.
حسن کامران در گفت و گو با تابناک اظهار داشت: هر نوع سفر غیر ضروری دارای اشکال است؛ حال این سفر در ارتباط با وزیر باشد یا ارتباطی به ورزش نداشته باشد، بسیاری از سفرهایی که نمایندگان مجلس می روند، لازم نیست و در این سفر هم تنها یک عده برای استفاده از منافع آن مسافرت می کنند.
این نماینده مجلس در ادامه گفت: وقتی فقرای ما برای داشتن یک دفترچه درمانی عاجز هستند و یا وقتی فقیری نان شب برای خوردن ندارد، حاکمان نباید ریخت و پاش کنند، متأسفانه مجلس ما ریخت و پاش های زیادی دارد که یکی از اینها سفرهای خارجی نمایندگان است.
وی گفت: شما به دفتر من بیایید و اسناد و مدارک را ببینید، مجلس ما آنقدر ریخت و پاش دارد که به مستراح هم بند کرده است؛ خرج تعمیر یک دستشویی در مجلس 26 میلیون تومان شده است، البته من جلوی آن را گرفته ام. اگر شما عکسی از آن می گرفتید، می دیدید که دستشویی قبلی سنگ مرمر و کاشی های مرتب داشت، اما مجلس یک دفعه تصمیم گرفت آن را تعمیر کند. دستشویی های سالم را خراب کردند و دستشویی جدید ساختند. الان مجلس هفت طبقه و در هر طبقه دو دستشویی دارد که روی هم رفته و با حساب سرانگشتی برای هر دستشویی 26 میلیون هزینه کرده اند که سرجمع آنها می شود چیزی حدود 300 میلیون تومان که خارج از مناقصه به افراد واگذار شده تا ساخته شود.
وی گفت: از ریخت و پاش های مجلس جلوگیری نشده و حاکمان ما هنوز ساده زیست نشده اند و به عبارت دیگر، جوجه خور از درد اشکنه خور خبر ندارد.
این نماینده مجلس در پاسخ به این که برخی از نمایندگان ادعا می کنند، با هزینه شخصی سفر خواهند کرد، گفت: این مثل افطاری هاست. به نماینده ها و مدیران می گوییم چرا افطاری می دهید، این کار خلاف قانون است، می گویند: با هزینه شخصی می دهیم، در حالی که دروغ می گویند. دروغ می گویند چون در سالنی این کار را می کنند که آب و برق آن مال بیت المال است. اگر راست می گویند بروند و در بیرون سالن اجاره کرده و از جیب خودشان هزینه کنند.
نماینده اصفهان گفت: اگر نماینده ای می خواهد به روسیه سفر کند و مسابقه ببیند و اگر ادعا دارد، با هزینه شخصی می رود باید بلیت هواپیما، هزینه خروج، پول هتل و همه هزینه های ایاب و ذهاب خود را از جیب خودش بدهد، نه اینکه برود و خوش بگذراند و هتل مجانی استفاده کند بعد هم بگوید با هزینه خود رفته ام.

ماجرای توالت نمایندگان!

نماینده اصولگرای مجلس در واکنش به اینکه گفته شده خرج تعمیر یک دستشویی در مجلس 26 میلیون تومان

شده است، گفت: این هزینه‌ها از جیب مردم نمی‌شود که مردم بتوانند به آن معترض باشند، سید ناصر موسوی لارگانی در خصوص صرف هزینه‌های گزاف از سوی مجلس در برخی موارد، مانند تعمیر سرویس بهداشتی گفت: نه فقط در بحث سرویس بهداشتی‌ها، بلکه بسیاری از هزینه‌های دیگری که در مجلس در حال انجام است، خلاف شرع قانون و ظلم است. نباید این حجم از هزینه اضافی در مجلس شورای اسلامی کشور وجود داشته باشد. وی ادامه داد: هزینه هایی مثل گیت‌های اضافی که در مجلس طراحی شده، یا به عنوان مثال من سه دوره است که در مجلس هستم و در این سه دوره فقط نمازخانه مجلس سه بار تغییر کرده است، اتاقک‌هایی که کارمندان استفاده می‌کردند با هزینه های سنگین پانل بندی کرده بودند و با نئوپان جدا شده بود که بعد دوباره آنها را جمع کردند. وی در پاسخ به سئوالی مبنی براینکه باتوجه به وضعیت م مردم ، این ریخت و پاش‌ها و هزینه‌های اضافی چه ضربه‌ای به مردم و اعتماد آنها به مجلس و نمایندگان می‌زند، گفت: این هزینه‌ها از جیب مردم نمی‌شود، هزینه‌ها از بودجه‌ای است که برای مجلس مصوب شده و شاید بهتر باشد برای کارهای لازمتر و واجب‌تری در مجلس هزینه شود، اما هزینه‌ای از جیب مردم نمی‌شود که مردم بتوانند به آن معترض باشند.لارگانی در ادامه گفت: هزینه‌هایی که در مجلس می شود تاثیری روی جیب مردم ندارد،

مقایسه‌ای تلخ، اما واقعی؛

دستشویی‌های نداشته ی مدارس و دستشویی‌های چند صد میلیونی مجلس!

به تازگی وزیر آموزش و پرورش کشور در نشست ستاد عالی تشکیلاتی گسترش و ارتقای فعالیت‌های تربیت بدنی به بیان برخی از مشکلات موجود در مدارس کشور پرداخت و در میان همه سخنان، بر نبود امکانات اولیه مثل دستشویی در مدارس کشور نیز تأکید کرد؛ تأکیدی که البته با توضیحات عجیب و غریب دیگری تکمیل شد تا در ذهن بسیاری با ماجرای اخیر مجلس سنجاق شود.

کد خبر:۸۰۸۱۸۳

تاریخ انتشار:۲۴ خرداد ۱۳۹۷ - ۱۶:۱۹۱۴ June 2018

به تازگی وزیر آموزش و پرورش کشور در نشست ستاد عالی تشکیلاتی گسترش و ارتقای فعالیت‌های تربیت بدنی به بیان برخی از مشکلات موجود در مدارس کشور پرداخت و در میان همه سخنان، بر نبود امکانات اولیه مثل دستشویی در مدارس کشور نیز تأکید کرد؛ تأکیدی که البته با توضیحات عجیب و غریب دیگری تکمیل شد تا در ذهن بسیاری با ماجرای اخیر مجلس سنجاق شود.

به گزارش «تابناک»؛ یکی از واقعیت‌های انکارناشدنی در بسیاری از فضاهای آموزشی کشور و به ویژه مناطق محروم کشور، نبود امکانات اولیه در این فضاهاست که کار آموزش و پرورش را با دشواری‌های چندانی مواجه می‌کند؛ امکاناتی مثل زمین ورزش، آزمایشگاه، کتابخانه، ابزار آموزشی و... که نبود هر یک در مدارس کشور عجیب و غیر قابل پذیرش است.

البته نبود چنین امکاناتی در مدارس کشور به ویژه در مناطق محروم، موضوع جداگانه‌ای است که نباید آن را با نبود محیط آموزشی کامل و مستقل در بسیاری از مناطق دیگر کشور اشتباه گرفت، چون در شرایطی که از نبود امکانات جانبی در برخی مدارس سخن گفته می‌شود، هنوز مناطقی از کشور هستند که حتی مدرسه استاندارد و ایده آل نیز در آن نیست.

بازدید میدانی خبرنگار «تابناک»، در سال تحصیلی گذشته از کیفیت آموزش و زیرساخت‌های آن در شهرستان رودبار جنوب و به ویژه دهستان زهکلوت این شهرستان که در گزارش‌های جداگانه‌ای از نظر خوانندگان گذشت، نشان داد که در این منطقه از کشور و قطعاً مناطق فراوان دیگر کشور فضاهای آموزشی استاندارد به یکی از نیازهای اصلی مردم محلی تبدیل شده است.. اطلاعات بیشتر را اینجا بخوانید.



عکاس: علی قنبرلو

در شهرستانی که از آن سخن به میان آمد، بسیاری از مدارس به شکل کپری و فاقد استانداردها و زیرساخت‌های مورد قبول مشغول به فعالیت هستند و در بسیاری دیگر از مناطق نیز که امکانات آموزشی و

زیرساخت‌های مناسب وجود دارد، موضوع دستشویی و سرویس‌های بهداشتی به یکی از نقص‌های بزرگ این مدارس بدل شده است.
جدا از روایت مذکور که حاصل مشاهدات عینی نویسنده این مطلب است، در سال‌های گذشته رسانه‌های فراوان دیگری نیز با اشاره به مشکلات زیر ساختی در محیطهای آموزشی کشور از نبود امکانات ضروری مثل سرویس‌های بهداشتی در برخی مدارس کشور گلایه کرده اند.
اما شاید هیچ یک از این روایات، مستندتر و اطمینان بخش‌تر از روایت شخص اول آموزش و پرورش کشور در شرایط کنونی که مؤید همه گزارش‌های پیشین است، نباشد.
سید محمد بطحایی، وزیر آموزش و پرورش اخیراً در نشست ستاد عالی تشکیلاتی گسترش و ارتقای فعالیت‌های تربیت بدنی به بیان برخی از مشکلات موجود در مدارس کشور پرداخت و در بخشی از سخنان خود، با اشاره به کمبود امکانات زیر ساختی در برخی مدارس کشور گفت: بازدیدی از یک مدرسه داشتیم که متأسفانه سرویس بهداشتی نداشت. با این حال در مجاورت مدرسه، ساختمانی با امکانات بهداشتی وجود داشت، [خب؛ چه از این بهتر]چرا نباید این امکانات در اختیار دانش آموزان قرار بگیرد؟!
وقتی وزیر از سویی وجود مشکلات اینچنینی را در مدارس کشور تأیید می‌کند و برای آن راهکار دم دستی (استفاده از سرویس بهداشتی ساختمان‌های مجاور) ارائه می‌کند، حاضرین جلسه به شدت متعجب می‌شوند، چرا که آن‌ها می‌گویند ما منتظر بودیم وزیر آموزش و پرورش بودجه‌ای را برای تجهیز مدارس روستایی تخصیص دهد یا اینکه فرد خاصی را برای رسیدگی به این مشکلات تعیین نماید، اما وقتی پیشنهاد ایشان را شنیدیم تعجب کردیم. مگر می‌شود برای مدرسه‌ای دستشویی نسازیم و بگوییم دانش‌آموزان از دستشویی ساختمان‌های مجاور استفاده کنند؟
جدا از اشکالات زیرساختی فراوان مدارس کشور که در این مجال فرصت پرداختن به همه آن‌ها نیست، تا اینجای کار دو واقعیت در مورد بسیاری از مناطق محروم کشور تأیید می‌شود: نخست اینکه مدارسی در کشور وجود دارد که به رغم فعال بودن و حضور دانش آموز در آن‌ها از وجود سرویس بهداشتی محروم هستند و دیگر آنکه وزارت آموزش و پرورش و به طور کلی ساختار مدیریتی کشور آنقدر در حل این بحران کوچک عاجز است که شخص وزیر چاره کار را استفاده از دستشویی‌های قرضی که در ساختمان‌های مجاور فعال هستند، می‌داند.
این، اما همه ماجرا نیست. با توجه به رسانه‌ای شدن موضوع نوسازی سرویس‌های بهداشتی مجلس شورای اسلامی ـ که اخیراً از قول دکتر کامران، نماینده اصفهان به خبرنگار «تابناک»، گفته شد ـ می‌توان تلخی و دردناکی ماجرای نبود سرویس بهداشتی در مدارس کشور را بیشتر درک کرد.
کامران به تازگی در رابطه با هزینه‌های نوسازی دستشویی‌هایی مجلس شورای اسلامی به خبرنگار پارلمانی «تابناک»، گفت: شما به دفتر من بیایید و اسناد و مدارک را ببینید. مجلس ما آنقدر ریخت و پاش دارد که به مستراح هم بند کرده است؛ خرج تعمیر یک دستشویی در مجلس ۲۶ میلیون تومان شده است. اگر عکسی از آن می‌گرفتید، می‌دیدید که دستشویی قبلی سنگ مرمر و کاشی‌های مرتب داشت، اما مجلس یک دفعه تصمیم گرفت آن را تعمیر کند. دستشویی‌های سالم را خراب کردند و دستشویی جدید ساختند. مجلس هفت طبقه و در هر طبقه دو دستشویی که روی هم رفته و با حساب سرانگشتی برای هر دستشویی ۲۶ میلیون هزینه کرده اند که سرجمع آن‌ها می‌شود چیزی حدود ۳۰۰ میلیون تومان که خارج از مناقصه به افراد واگذار شده تا ساخته شود.
ماجرا خیلی شفاف و روشن است، اکنون بنا بر شواهد فراوان از جمله نقل قول صریح وزیر آموزش و پرورش کشور، بسیاری از مدارس فعال کشور از وجود یک سرویس بهداشتی سالم و قابل استفاده بی بهره هستند و این مشکل برای مسئولان آنقدر غیر قابل حل است که شخص وزیر آموزش و پرورش کشور چاره را در استفاده از دستشویی‌های ساختمان‌های مجاور مدارس می‌بیند و از سویی بنا به نقل قول صریح یکی از نمایندگان با سابقه مجلس شورای اسلامی، در مجلس برای نوسازی سرویس‌های بهداشتی سالم دوباره چند صد میلیون بودجه هزینه می‌شود.
شاید بسیاری تصور کنند که این قیاس درست نیست و به دلیل تفاوت بودجه دو نهاد نمی‌توان آن دو را در این مورد به خصوص با هم مقایسه کرد. شاید عده‌ای نیز معتقد باشند آموزش و پرورش کشور خود یکی از نهادهای دارای منابع بودجه‌ای فراوان است که نبود سرویس بهداشتی در مدارسش، ناشی از یک ضعف مدیریتی است، اما به هر حال هیچ یک از این دو دلیل نمی‌تواند ریخت و پاش‌های مسئولان کشوری را انکار کند؛ ریخت و پاش‌هایی که چه بسا در رأس وزارت آموزش و پرورش نیز وجود دارد و هزینه‌های متوجه دانش آموزان کشور می‌شود.

ابراز نگرانی و ناتواني دادستان تهران از عرضه گوشت خوک در سوپرمارکت‌ها

جعفری دولت‌آبادی، در نشست با مسئولان اتحادیه ها که با موضوع بهداشت و امنیت غذایی برگزار شد گفت: از روسای اتحادیه ها می خواهم که حتما در گشت های مشترک تعزیرات که با حضور معاونان دادستانی برگزار می شود حضور داشته باشند نه اینکه یکی از کارمندان دست چندم اتحادیه را بفرستند. جعفری دولت ابادی با انتقاد از کیفی نبودن بازدیدهای کارشناسان بهداشت محیط از واحدهای صنفی گفت: باید همه بازدیدها و بازرسی ها واقعا سرزده باشد. دادستان تهران گفت: متاسفانه ترس صنوف ریخته است و قبل از انقلاب یک پلیس بازار را اداره می کرد اما اکنون با این همه ارگان های نظارتی، صنوف از یکجا هم حساب نمی برند. وی گفت: چندی پیش شنیدیم که کله پاچه قاچاق آمده است و همچنین شنیدیم در برخی سوپرمارکت ها گوشت خوک توزیع می شود در این موارد روسای اتحادیه ها باید شب و روز نداشته باشند و ورود کنند که آیا این اخبار صحت دارد یا ندارد؟ جعفری دولت آبادی گفت: ما در معرفی واحدهای نمونه هم کوتاهی کرده ایم و حتما باید واحدهای خوب به مردم معرفی شوند چرا که تشویق واحدهای نمونه به معنی تنبیه متخلفان است.

علی مطهری در گفت وگو با «تابناک»؛

بیشتر پیامک های تهدید آمیز برای نمایندگان از منطقه مشهد بوده است؛گفته شده ارسال کنندگان همان کسانی هستندکه کنسولگری عربستان را اشغال کردند؛امکان ارتباط بین ارسال کنندگان پیامک ها با عاملان حوادث دیماه هست

امکان دارد پیامک ها از سوی افرادی که حوادث دی ماه را آغاز کرده باشند؛ اما چیزی که به ما گفتند، اینها گروهی هستند که حتی جبهه پایداری را هم قبول ندارند و حتی از آنها هم تندتر هستند. این افراد در مشهد و خراسان و آن طرف ها شناخته شده اند و در دیگر نقاط کشور آچنان ظهور و بروز ندارند.

در نشست علنی روز یکشنبه بود که برخی نمایندگان از دریافت صدها پیامک سخن گفتند که آنها را از تصویب «لایحه الحاق ایران به کنوانسیون بین المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم» بازمی دارد.

به گزارش «تابناک»؛ مصطفی کواکبیان، نماینده تهران، مرجع این پیامک ها را بسیج دانشجویی معرفی کرد که حدود 600 پیامک برای هر نماینده فرستاده است. علیرضا رحیمی، عضو هیأت رئیسه مجلس نیز خبر داد که طراحان این پیامک ها در مشهد هستند.

علی ادیانی راد، نماینده قائم شهر نیز در جلسه علنی امروز در تذکری گفت: چپ و راست برای نمایندگان پیامک می آید، در حالی که تلفن همراه یک وسیله شخصی است.

او تعدد بالای این پیامک ها را به «بمباران پیامکی» تشبیه کرد و افزود: ذی نفعان در جای خودشان حق دارند، اما همه عزیزان در جریان باشند که شأن حقوقی و حقیقی نمایندگان بالاتر این حرف هاست که با پیامک خط بگیرد یا نظرشان را تغییر دهند. بعضا هم متن این پیامک‌ها توهین آمیز است که اگر رأی ندهید، چنین می شود و چنان می شود!

علی لاریجانی که ریاست جلسه را بر عهده داشت، با تأیید این تذکر گفت: این مسأله اشکالی است که باید آن را در هیأت رئیسه بررسی کنیم. متأسفانه مراکزی تلفن نماینده‌ها را در اختیار افراد قرار داده و نمی‌گذارند نمایندگان تفکر کنند. باید درباره این موضوع در هیأت رئیسه صحبت کنیم و راهی بیابیم.

اما علی مطهری در گفت وگو با تابناک در خصوص این موضوع اظهار داشت: در روزهای گذشته پیامک های زیادی برای نمایندگان مجلس ارسال شده، به گونه ای که به خود من هم چند پیامک فرستاده اند که بیشتر این پیامک ها نیز از منطقه مشهد بوده است.

این نماینده مجلس گفت: باید پیگیری اطلاعاتی و امنیتی خاصی روی این پیامک ها صوت گیرد تا منشأ اصلی آن پیدا شود؛ حتی اگر لازم است، باید پیگیری های قضایی انجام گیرد، چون در برخی از این پیامک ها به نماینده های مجلس هم توهین شده است.

نایب رئیس مجلس گفت: برای بیشتر نماینده های مجلس پیامک هایی با این مضامین ارسال شده و برای برخی بیشتر و برخی کمتر بوده اما چیزی که مهم است، اینکه محتوایی برای نمایندگان فرستاده شده و این محتوا دارای مطالب توهین آمیز یا تهدید آمیز بوده است.

مطهری ادامه داد: این موضوع در هیأت رئیسه مجلس هم مطرح شده و صحبت های زیادی نیز در این خصوص با برخی از نهادها به میان آمده است. البته گفته شده که گروهی در مشهد این کار را انجام می دهند که در واقع همان کسانی هستند که کنسولگری عربستان در مشهد را اشغال کردند.

وی در پاسخ به این که آیا شکایتی از سوی مجلس از این افراد خواهد شد، گفت: ما فعلا به دنبال این هستیم که بدانیم چه کسانی هستند و پس از بررسی ها، باید قوه قضاییه وارد عمل شود و مسأله را کامل بررسی کند.

این نماینده مجلس در ادامه گفت: امکان دارد پیامک ها از سوی افرادی که حوادث دی ماه را آغاز کرده باشند؛ اما چیزی که به ما گفتند، اینها گروهی هستند که حتی جبهه پایداری را هم قبول ندارند و حتی از آنها هم تندتر هستند. این افراد در مشهد و خراسان و آن طرف ها شناخته شده اند و در دیگر نقاط کشور آچنان ظهور و بروز ندارند.

البته نمی شود قاطع گفت که اینها همان هایی هستند که منشأ حوادث دی بودند، ولی این امکان هست که همان گروه ها پیامک ها را سازماندهی کرده باشند.

تصحیح و تدقیق در نوشتن و گفتن فارسی:
چند نکته برای درست نوشتن

غلامحسین صدری افشار به بیان مواردی برای درست‌نویسی پرداخته است.
به گزارش فرهنگ نیوز ، این فرهنگ‌نویس و پژوهشگر زبان فارسی در یادداشتی که با عنوان «درست‌نویسی» در اختیار ایسنا گذاشته نوشته است:

آوردن واژه‌ها و عبارتهای زاید یا تکراری و بی‌توجهی به قواعد نویسندگی به اعتبار نوشتار آسیب می‌رساند. بخشی از این عارضه معمولاً در ترجمه‌ها دیده می‌شود.

لحن نوشتار: لازم است واژگان، عبارتها و اصطلاحها با موضوع و کاربرد نوشتار متناسب باشد. مثلاً به کاربردن واژگان ادبی یا عامیانه در یک متن مربوط به زیست‌شناسی، یا بهره‌گیری از اصطلاحهای علمی در شرح گفتگویی دوستانه مناسب نیست، مگر اینکه هدف نویسنده تأکید بر گفتار ویژهٔ گوینده باشد.

واژه‌های زاید: اغلب بدون توجه به تفاوت زبان انگلیسی که در آن ضمیر متصل یا شناسهٔ فعل وجود ندارد، بدون هیچ ضرورتی از ضمیر استفاده می‌شود، مانند من رفتم، او زد. آوردن من و او در فارسی وقتی لازم است که قصدمان تأکید باشد، یعنی این من بودم که رفتم، یا این او بود که زد، نه کس دیگر.

یکی دیگر از واژه‌های غالباً زاید که است، به‌ویژه بعد از چه، آنچه، آنکه، هرچه، هرکس. مانند «هرکس که او را می‌دید تعجب می‌کرد.»، «وقتی که آمدی خواهی دید که همه چیز مرتب است.»، «آنچه که می‌گویی درست نیست.»، « هرچه (که) خواست دادم.»

همچنین است واو عطف پیش از یا، هم، همچنین، نیز. مثال: «بنشین و یا برو»، «این و یا آن»، «هم لباسها را برده‌اند و هم پولها را.»، «مرا تشویق کرد و همچنین جایزه‌ای هم داد.»، «می‌توان به تاریخ مغول و نیز به جهانگشای جوینی مراجعه کرد.»

آوردن یک به جای یای نکره، مانند «یک کتاب می‌خواند.»، «یک مرد آمده بود.» به جای کتابی می‌خواند و مردی آمده بود.

اعمال سلیقه: در مورد معادل‌یابی و معادل‌گذاری برای واژه‌های بیگانه بهتر است تا حد ممکن بگردیم و معادلی را که پیش از ما انتخاب کرده‌اند به‌کار بریم، ولو اینکه احساس کنیم چندان زیبا یا گویا نیست. چون معادل‌گذاری دل‌بخواه ناشی از خودمحوری یا تنبلی در جستجو،

موجب تشتت و تشویش زبان و دشواری فهم مطلب می‌شود. انتخاب و به‌کار بردن مکرر یک معادل برای واژه یا اصطلاحی بیگانه موجب تثبیت آن می‌شود و به غنای زبان فارسی یاری می‌رساند. همان گونه که از میان بیش از ده معادل برای واژهٔ process سرانجام فرایند پذیرش همگانی یافت و در واژگان فارسی جا گرفت.

تکیه‌کلام: از عیبهای چشمگیر گفتار و نوشتار تکیه‌کلام است، مانند واقعاً، حقیقتا، در واقع، فی‌الواقع،

یا عبارتهایی مانند «به‌عبارتی»، «علی ای حال»، «غیره و غیره» که بی‌مورد تکرار شود، نقشی در توضیح مطلب نداشته باشد و تنها موجب آزار گوش شنونده و چشم خواننده شود.

واژه‌های معیوب: آوردن واژه‌های می‌باشد، می‌نماید و می‌گردد به جای است، می‌کند و می‌شود برای پیشگیری از تکرار آنها نابجاست. اگر بنویسیم «او درستکار است، راستگو و صریح است، از زندگی‌اش هم راضی است.»، « به‌زودی حالت خوب می‌شود، کارت هم درست می‌شود.»، « چه کارش دارید؟ بگذارید کارش را بکند، زندگی‌اش را بکند، کیفش را بکند.» نه تنها هیچ ایرادی ندارد، که روشن‌تر و قابل فهم‌تر است.

ثبت تاریخ: تاریخ رویدادها و تولد و وفات اشخاص بنا بر سنت زبان فارسی از راست به چپ نوشته می‌شود، به صورت: ابن‌سینا (۳۷۰- ۴۲۸)، جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵)، سده‌های ۵-۱۴م. را قرون وسطا یا سده‌های میانه می‌نامند قرن یا سده را در متنهای اسلامی تنها به صورت هـ .= هجری ذکر می‌کنیم و در صورت دادن معادل میلادی به این صورت می‌نویسیم: سدهٔ ۵/۱۱ و اگر معادل دقیق داده باشیم به این صورت می‌نویسیم: ابن‌سینا در سال ۳۷۰/۹۸۰ در یکی از روستاهای خوارزم به دنیا آمد.

در برگردان متنهای اسلامی به فارسی، رویدادهای مربوط به سالهای پیش از ۱۳۴۰ قمری را بر اساس تقویم قمری محاسبه می‌کنیم، ولی بعد از آن تاریخ را در مورد ایران با تاریخ شمسی و در مورد سایر کشورهای اسلامی با تاریخ میلادی ثبت می‌کنیم، مگر اینکه بنا بر مورد ذکر تاریخ قمری یا شمسی لازم باشد. در این کتاب جدولی برای تبدیل تاریخ به صورت ضمیمه داده شده است.

آوردن حرف تعریف ال_ هنگام ذکر ماههای قمری در متن فارسی لزومی ندارد و می‌توان نوشت ربیع اول، جمادی اول، ربیع ثانی، جمادی ثانی، ذیحجه، ذیقعده.

نام ماههای فرنگی اول بار از زبان فرانسوی وارد فارسی شده و رواج یافته است. ازاین‌رو آنها را به همان صورت ژانویه، فوریه می‌نویسیم، نه به صورت جنیوری، فبریوری.

برخی موضوعهای املایی: در دهه‌های اخیر در ایران نهضت جدانویسی پیدا شد و

فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم آن را پی گرفت و رسم‌خطی تنظیم کرد که از تناقض و استثنا خالی نیست. چاره هم ندارد. چون مشکل مربوط به ناسازگازی خط عربی با زبان فارسی است. به‌ویژه، افراط در این جدانویسی سبب شده است برخی افراد شناسه‌ها را هم جدا کنند و بنویسند «کتاب‌ام را برداشت.» «صورت‌اش را برگرداند.»

باید همیشه این را به خاطر داشته باشیم که همهٔ ایرانیان فارسی‌زبان نیستند و میلیونها ایرانی زبان مادریشان ترکی، کردی، بلوچی، لری، گیلکی، مازندری، تالشی، عربی، ارمنی یا آسوری است. اینان اغلب زبان فارسی را در مدرسه و از کتاب درسی فرا می‌گیرند. از این رو رسم‌خط باید طوری باشد که هرچه آسان‌تر و درست‌تر خوانده شود. به نظر می‌رسد آنچه در رسم‌خط فارسی ممکن بوده قانونمند شود، همانهاست که سالها پیش از سوی وزارت آموزش و پرورش عرضه شد، مانند جدا نوشتن می، را، ضمیر، عدد، صفت، موصوف، به پیش از مفعول.

اگر حرف پیش از شناسه ساکن باشد، شناسه تغییر نمی‌کند (مانند کتابم، دستتان، سرش...). اگر حرف پیش از شناسه ا یا و باشد، پیش از شناسه ی می‌آید (مانند پایش، جایم، مویشان، گیسویتان...). اگر حرف پیش از شناسه ی یا کسره باشد، در شناسه‌های مفرد ا پیش از شناسه اضافه می‌شود (مانند خانه‌ام، سینه‌ات، بینی‌اش).

واژه‌هایی که حرف آخرشان ا یا و باشد، پیش از یای نسبت یا نکره، یای دیگری به آنها اضافه می‌شود (مانند خدایی، مینایی، جایی، ابرویی، گفتگویی، پرویی...).

در دههٔ ۱۳۵۰ جریانی برای جایگزینی همزه با ی در واژه‌های فارسی پدید آمد که تا حدی سودمند بود، ولی خطاهایی را هم در پی داشت (مانند نوشتن رییس به جای رئیس و جزیی به جای جزئی). بهتر است برای حفظ یکدستی و آسانی خواندن و نوشتن رسم‌خط زیر را به کار بریم:

همزهٔ پایانی واژه‌های عربی (مانند املاء، انشاء، بهاء، ابتداء) در نوشته‌های فارسی حذف می‌شود (املای کلمه، انشای خوب، بها دادن، از ابتدا تا انتها). واژه‌ای را که به همزهٔ فتحه‌دار ختم می‌شود این گونه می‌نویسیم: خلأ، منشأ، تأیید، تأکید. همزهٔ ضمه‌دار را این گونه می‌نویسیم: مؤسس، مؤلف، مؤکد... و اگر پس از همزهٔ ضمه‌دار الف آمده باشد به این صورت می‌نویسیم: سوآل، موآنست، مواخذه...در واژه‌های سوء، شیء و بطیء همزه در آخر کلمه قرار می‌گیرد و در صورتی که بعد از همزه ی بیاید، می‌نویسیم خلئی، شیئی...

میانوند ب را به این صورت می‌نویسیم: روبرو، تن‌بتن، پابپا، سربسر، دربدر... .

اختصارات: در نوشته‌ها پاره‌ای نشانه‌های اختصار وجود دارد (مانند ص= صل‌الله، صلعم= صلوات‌الله علیه، ع= علیه‌السلام، الخ= الی آخر... در آثار پیشینیان). در روزگار ما به

علت گسترش رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی سریع، بهره‌گیری از اختصارات ضرورت بیشتری دارد. اما هنوز مجموعهٔ یک‌دستی از اختصارات فارسی وجود ندارد. با این همه برخی از رایج‌ترین آنها شاید اختصارات زیر باشد:

ب = باختر

ب.ظ = بعد از ظهر

پ.ظ = پیش از ظهر

پ.م = پیش از میلاد

ت= تولد

ج = ۱. جنوب ۲.جواب ۳.جلد

ج.ب = جنوب باختری

ج.خ = جنوب خاوری

خ = ۱.خاور ۲.خورشیدی

ره = رحمت‌الله علیه

س = ۱.سوآل ۲. سده ۳.سال

ش = ۱.شمال ۲.شمسی ۳. شماره

ش.ب = شمال باختری

ش.خ = شمال خاوری

ص = ۱.صحیح ۲.صفحه ۳.صلی‌الله

ع = علیه‌السلام

غ = ۱.غلط ۲.غایب

ف = فوت

ق = قمری

ق.م = قبل از میلاد

م = میلادی

ن.ک = نگاه کنید به

و = ولادت

ه . = هجری

ه .ش = هجری شمسی

ه .ق = هجری قمری

رجا = ر.ج.ا.ا = رهبر جمهوري اسلامي ايران
واجا = و.ا.ج.ا.ا = وزارت اطلاعات جمهوري اسلامي ايران
ناجا = ن.ا.ج.ا.ا = نيروي انتظامي جمهوري اسلامي ايران
نزاجا = ن.ز.ج.ا.ا = نيروي زميني جمهوري اسلامي ايران
.....

املای نامهای بیگانه: پیش از رواج صنعت چاپ، نویسندگان در کشورهای اسلامی برای پیشگیری از غلط خوانده شدن واژه‌ها و نامهای غیرعربی تمهیداتی به کار می‌بردند که اینک

دیگر کارساز نیستند، مانند املای نفط، امپراطور، طهران، اصفهان، سقراط، افلاطون ... روزی که کسانی خواستند طهران را به صورت تهران بنویسند، غوغایی برخاست. حتا مرد دانشمندی همچون علامه محمد قزوینی در غلط بودن این کار استدلال ناروایی کرد. اگر اسفهان، توس، تبرستان، سقرات، افلاتون، ارستو بنویسیم، نظم عالم به‌هم می‌خورد؟ مگر امروز که نفت، بلیت، امپراتور، تهران، استهبان، اتریش می‌نویسیم اتفاق بدی رخ داده است؟ در اینجا منظور ما تغییر املای واژه‌های عربی نیست، جز یک استثنا، یعنی الف مقصوره، که در زبان فارسی وجود ندارد (مانند اعلا، حتا، صغرا، کبرا، عیسا، یحیا، اسماعیل، اسحاق). البته محافظه‌کاران با این کار مخالفند، ولی زمان کار خودش را می‌کند.

در سالهای گذشته کتابها و مقاله‌های بسیار دربارهٔ شیوهٔ نوشتن، تحت عنوان غلطهای رایج، غلطهای مصطلح، غلط ننویسیم، درست بنویسیم... منتشر شده است، که از آن میان تنها چند عنوان را نام می‌بریم : ۱. شیوهٔ خط فارسی در انتشارات آموزشی. مرکز انتشارات آموزشی، تهران، ۱۳۵۴، که بر اساس رسم‌خط مصوب وزارت آموزش‌وپرورش تنظیم شده است. ۲. دستور خط فارسی. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۱. ۳. فرهنگ املای فارسی. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵، که در آن شیوهٔ جدانویسی واژه‌های مرکب پیشنهاد شده است. ۴. فرهنگ درست‌نویسی سخن. دکتر یوسف عالی عباس‌آباد، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۵، که برخی مطالب مورد بحث در اینجا و بسیاری مطالب و اطلاعات دیگر در آن آمده است. نکته‌های ویرایش. علی صلحجو، نشر مرکز، ۱۳۸۶.


نظارت
بر رسانه